



# اسلام و مطالعات اجتماعی

سال یازدهم، شماره دوم، پاییز ۱۴۰۲

۴۲

صاحب امتیاز:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

[www.isca.ac.ir](http://www.isca.ac.ir)

مدیر مسئول: نجف لکزایی

سردبیر: حمید یارسانیا

مدیر اجرایی: محسن قنبری نیک

۱. فصلنامه **اسلام و مطالعات اجتماعی** به استناد مصوبه ۱۳۴ شورای عالی حوزه‌های علمیه در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۰۳ حائز رتبه علمی - پژوهشی گردید.  
۲. به استناد ماده واحده مصوبه جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی «مصوبات شورای عالی حوزه علمیه قم در خصوص اعطای امتیاز علمی، تأسیس انجمن‌های علمی، قطب‌های علمی و واحدهای پژوهشی و همچنین امتیازات کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره و آزاداندیشی در حوزه، دارای اعتبار رسمی بوده و موجد امتیازات قانونی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه می‌باشد».

فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، سیویلیکا (Civilica)، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir)، پایگاه Google Scholar نمایه و در سامانه نشریه: [jiss.isca.ac.ir](http://jiss.isca.ac.ir) و پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (http://journals.dte.ir) بارگذاری می‌شود. هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است. دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم آنهاست.

**نشانی:** پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، طبقه همکف، اداره نشریات.

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/ ۳۶۸۸ \* تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۶۹۰۹ سامانه نشریه: [jiss.isca.ac.ir](http://jiss.isca.ac.ir)

رایانامه [Eslam.motaleat1394@gmail.com](mailto:Eslam.motaleat1394@gmail.com)

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان



[www.jiss.isca.ac.ir](http://www.jiss.isca.ac.ir)

## اعضای هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا)

نصرالله آقاجانی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

کریم خان محمدی

دانشیار و مدیر گروه آموزشی مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

محمود رجبی

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

سیدعباس صالحی

استادیار پژوهشکده اسلام تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

حسن غفاری فر

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

حسین کچویان

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

نعمت‌الله کرم‌الهی

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

شمس‌الله مریجی

استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام



### داوران این شماره

حسین الهی‌نژاد، محمدرضا انواری، خلیل امیری‌زاده، قاسم ابراهیمی‌پور، حسین بستان‌نجفی، میترا بهرامی، سیدعباس حسینی، حسین حاج‌محمدی، داود رحیمی‌سجاسی، ابراهیم فتحی، ربابه فتحی، سیدحسین فخر زارع، محمد کاظم کریمی، محسن قنبری نیک.

## فراخوان دعوت به همکاری

فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی بر اساس مصوبه هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های علمی و فکری مراکز حوزوی و دانشگاهی و با هدف تولید دانش و معرفت علمی، ترویج و انتشار یافته‌های پژوهشی و آثار اندیشمندان در حوزه مطالعات اجتماعی معطوف به دین و امور حوزوی، با صاحب امتیازی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر می‌شود. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی در عرصه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی و ناظر به اهداف ذیل منتشر می‌شود:

۱. توسعه تحقیقات در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی با رویکرد دینی؛
۲. تبیین مبانی معرفتی و فلسفی علم اجتماعی دینی؛
۳. تدوین و ترویج دانش اجتماعی اندیشمندان مسلمان؛
۴. گسترش و هدایت حوزه‌های دانش نظری و کاربردی در عرصه فرهنگی و اجتماعی متناسب با نیازهای جامعه هدف، در جهت تکوین علوم انسانی - اسلامی؛
۵. تولید ادبیات بومی - اسلامی در حوزه فرهنگ و اجتماع؛
۶. ایجاد انگیزه و بسترسازی پژوهش در حوزه مطالعات فرهنگی و اسلامی؛
۷. توسعه همکاری و تعامل علمی میان استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه؛
۸. ارتقای سطح علمی استادان و دانش‌پژوهان حوزوی و دانشگاهی؛
۹. زمینه‌سازی نشر دستاوردهای علمی - پژوهشی اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی؛
۱۰. تقویت پژوهش‌های معطوف به مسئله‌محوری، راهبردپردازی و آینده‌پژوهی؛

### اولویت‌های پژوهشی فصلنامه با رویکرد دینی، اعتقادی و تطبیقی

۱. بازخوانی و نقد نظریات حوزه علوم اجتماعی؛
۲. جریان‌شناسی حوزه مطالعات فرهنگی اجتماعی؛
۳. سیاست‌پژوهی ناظر به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه؛
۴. روش‌شناسی حوزه علوم اجتماعی با تأکید بر نظریات فرهنگی.

### رویکردهای اساسی

۱. تمرکز محتوایی بر مباحث فرهنگی و اجتماعی معطوف به حوزه دین با رویکرد تطبیقی، بین‌رشته‌ای؛
۲. رعایت معیارها و ضوابط علمی - پژوهشی به‌ویژه در ابعاد روشی و نظری؛
۳. پژوهش‌محوری با تأکید بر پژوهش‌های میدانی و پیمایشی؛
۴. مسئله‌محوری و راهبردپردازی با تأکید بر مطالعات کاربردی.

از کلیه صاحب‌نظران، استادان و پژوهشگران علاقه‌مند دعوت می‌شود تا آثار خود را جهت بررسی و چاپ در فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی بر اساس ضوابط و شرایط مندرج در این فراخوان از طریق سامانه نشریه به آدرس [jiss.isca.ac.ir](http://jiss.isca.ac.ir) ارسال نمایند.

## راهنمای تنظیم مقاله

### شرایط اولیه پذیرش مقاله

- ✓ نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- ✓ مقالات ارسالی به نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا همزمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- ✓ با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور مشابهت‌یابی می‌شوند، برای تسریع فرایند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این سامانه مطمئن شوند.
- ✓ نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی از دریافت مقاله مجدد از نویسندگانی که مقاله دیگری در روند بررسی دارند و هنوز منتشر نشده، معذور است.
- ✓ مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ برای انگلیسی) حروف چینی گردد.
- شرایط مقالات استخراج شده از آثار دیگر: چنانچه مقاله مستخرج از هر کدام از موارد ذیل باشد، نویسنده موظف است اطلاعات دقیق اثر وابسته را ذکر کند. در غیر این صورت در هر مرحله‌ای که نشریه متوجه عدم اطلاع‌رسانی نویسنده شود، مطابق مقررات برخورد می‌کند:
- پایان‌نامه (عنوان کامل، استاد راهنما، تاریخ دفاع، دانشگاه محل تحصیل، دانشکده، گروه تحصیلی)
- \* مقاله ارسالی از دانشجویان (ارشد و دکتری) به‌تنهایی قابل پذیرش بوده و ذکر نام استاد راهنما الزامی می‌باشد.
- طرح پژوهشی (عنوان کامل طرح، تاریخ اجرا، همکاران طرح، سازمان مربوطه)
- ارائه شفاهی در همایش و کنگره (عنوان کامل همایش یا کنگره، تاریخ، سازمان مربوطه)
- روند ارسال مقاله به نشریه: نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ✓ برای ارسال مقاله، نویسنده مسئول باید ابتدا در بخش «ارسال مقاله» اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- ✓ نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را تنها از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.
- قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش
- ۱. نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی فقط مقالاتی را که حاصل دستاوردهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته‌های جدید است را می‌پذیرد.
- ۲. مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری، گزارشی و ترجمه معذور است.
- فایلهایی که در زمان ثبت نام نویسنده مسئول باید در سامانه بارگذاری کند:
- ✓ فایل اصل مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
- ✓ فایل تعهدنامه (با امضای همه نویسندگان)
- ✓ فایل مشخصات نویسندگان (به زبان فارسی و
- ✓ فرم عدم تعارض منافع
- ✓ فایل فرم مشابه‌یاب مقاله (انگلیسی)

تذکر: (ارسال مقاله برای داوری، مشروط به ارسال سه فایل مذکور و ثبت صحیح اطلاعات در سامانه است).

- تکمیل و ارسال فرم عدم تعارض منافع، توسط نویسنده مسئول الزامی می‌باشد.
- حجم مقاله: واژگان کل مقاله: بین ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه؛ کلیدواژه‌ها: ۴ تا ۸ کلیدواژه؛ چکیده: ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه (چکیده باید شامل هدف، مسئله یا سؤال اصلی پژوهش، روش‌شناسی و نتایج مهم پژوهش باشد).
- نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان: نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده مورد نظر درج شود. فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.
- وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوی‌های ذیل درج شود:

۱. اعضای هیات علمی: رتبه علمی (مریی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
  ۲. دانشجویان: دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
  ۳. افراد و محققان آزاد: مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.
  ۴. طلاب: سطح (۲، ۳، ۴)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه/ مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.
- ساختار مقاله: بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. عنوان؛
  ۲. چکیده فارسی (تبیین موضوع/ مسئله/ سؤال/ هدف/ روش/ نتایج)؛
  ۳. مقدمه (شامل تعریف مسئله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش و دلیل جدید بودن موضوع مقاله)؛
  ۴. بدنه اصلی (توضیح و تحلیل مباحث)؛
  ۵. نتیجه‌گیری (بحث و تحلیل نویسنده)؛
  ۶. بخش تقدیر و تشکر: پیشنهاد می‌شود از مؤسسه‌های همکار و تأمین‌کننده اعتبار بودجه پژوهش نام برده شود. از افرادی که به نحوی در انجام پژوهش مربوطه نقش داشته، یا در تهیه و فراهم‌نمودن امکانات مورد نیاز تلاش نموده‌اند و نیز از افرادی که به نحوی در بررسی و تنظیم مقاله زحمت کشیده‌اند، با ذکر نام، قدردانی و سپاس‌گزاری شود. کسب مجوز از سازمان‌ها یا افرادی که نام آنها برای قدردانی ذکر می‌شوند، الزامی است؛
  ۷. منابع (منابع غیرانگلیسی علاوه بر زبان اصلی، باید به انگلیسی نیز ترجمه شده و بعد از بخش فهرست منابع، ذیل عنوان References درج شوند).
- روش استناددهی: APA (درج پانویس، ارجاعات درون متن و فهرست منابع) می‌باشد که لینک دانلود فایل آن در سامانه نشریه (راهنمای نویسندگان) موجود می‌باشد.

## فهرست مقالات

- ۹..... امکان‌سنجی دستیابی به تمدن نوین اسلامی (با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه).....  
سیدسجاد ایزدهی - مصطفی رضایی
- ۳۲..... عدالت اجتماعی مبتنی بر عقلانیت عملی از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه.....  
مریم براتی - رضاعلی نوروزی - مجتبی سپاهی
- ۶۲..... معنای پول مدرن و نسبت آن با بهره از نگاه زیمل.....  
حمید پارسانیا - مهدی سلطانی - محمدجواد خسروی
- ۸۸..... رویکرد اسلامی به تناسب جنسیتی در مشاغل.....  
محمد مهدی نادری قمی
- ۱۲۴..... نقش تحولات شهری در پیدایش چالش‌های زیست مؤمنانه زنان در ایران.....  
شمس‌الله مریجی - ریحانه کارپرور - زهرا مجددامین
- شناسایی ابعاد و نشانگرهای شناختی، اجتماعی عاطفی و رفتاری مؤثر در سنجش آمادگی تحصیلی
- ۱۵۵..... کودکان بدو ورود به دبستان.....  
مصطفی علیخانی - اصغر مینائی - نورعلی فرخی - محمد عسگری - مهدی دستجردی کاظمی
- نقد زبان‌شناختی مؤلفه‌های معنویت‌گرایی جدید یوگا در نگاه پیشکسوتان یوگای ایران و تعارض آن با
- ۱۹۷..... معنویت الوهی.....  
ابراهیم توبه‌یانی - سیدعبدالمجید لطفی طباطبایی - حسین عرب‌مارکده

**Research Article**  
**Feasibility of Achieving a Modern Islamic Civilization**  
**(With an Emphasis on the Perspective of Grand Ayatollah Safi Golpaygani)**

Sayyed Sajad Izedehe<sup>1</sup>

Mostafa Rezaei<sup>2</sup>

Received: 17/04/2023

Accepted: 01/10/2023



**Abstract**

The modern Islamic civilization encompasses a collection of ideas, beliefs, sciences, arts, and industries inspired by the teachings of Muslims. This civilization is responsible for the flourishing of human life in both worldly and spiritual domains. Recognizing that humans are multidimensional beings composed of material and spiritual dimensions, this civilization aims to actualize the full potential of human capabilities. However, the fundamental question remains: Can such a civilization, attributed to Islam, actually come into existence, or is it merely a theoretical construct of religious thinkers? Today, due to the lack of sufficient research in the practical realms of religion, our society has adopted a reductionist view of the functions of religion. In light of these circumstances, it is necessary to evaluate the Islamic civilization's prospects by considering the thoughts of

---

1. Professor, Faculty of Political Science of Research Center for Islamic Systems, Islamic Culture and Thought Research Institute, Qom, Iran. Email: sajjadzady@yahoo.com.

ORCID: 0000-0003-0289-4960

2. Graduate level 4 of the Islamic Seminary in Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: eshragh.reza1394@gmail.com.

ORCID: 0009-0009-3436-6231

\* Izedehe, S. S., & Rezaei, M. (1402 AP). Feasibility of Feasibility of Achieving a Modern Islamic Civilization (with an Emphasis on the Perspective of Grand Ayatollah Safi Golpaygani). *Journal of Islam and Social Studies*, 11(42), pp. 9-29. <https://Doi.org/10.22081/JISS.2023.66326.2001>.

Ayatollah Safi Golpaygani, who, in addition to discussing foundations and jurisprudence, has a forward-looking approach to the concept of the advent of the Mahdi. Therefore, this work aims to explore the feasibility of achieving a modern Islamic civilization through a descriptive-analytical method, relying on the ideas of Ayatollah Safi Golpaygani. The author concludes that, according to Ayatollah Safi Golpaygani's perspective, it is essential for society not to settle for the existing state but continuously strive to build a better future. This future-building process must draw upon religious capacities to enable Muslims to achieve a comprehensive transformation and progress from confrontation with Western civilization to flourishing within the framework of religion in both the religious and worldly realms. This visionary literature indicates the possibility of attaining a modern Islamic civilization in the present era on the path towards the establishment of the anticipated Medina.

### **Keywords**

Civilization-building, modern Islamic civilization, introduction to the advent, Ayatollah Safi-Golpaygani.



## مقاله پژوهشی

# امکان‌سنجی دستیابی به تمدن نوین اسلامی (با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه)

©Author(s).



مصطفی رضایی<sup>۲</sup>

سیدسجاد ایزدهی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸

### چکیده

تمدن نوین اسلامی مجموعه افکار، عقاید، علوم، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه‌های دینی مسلمانان پدید خواهد آمد. این تمدن متکفل شکوفایی زندگی انسان در همه عرصه‌های دنیوی و اخروی است؛ چراکه انسان موجودی تک‌ساحتی نیست و مرکب از ابعادی وجودی مادی و معنوی است و از آنجاکه این تمدن رسالت به فعلیت‌رساندن جمله استعداد‌های بشری را بر دوش دارد، این شکوفایی فرابعدی از مسئولیت‌های اساسی آن خواهد بود اما پرسش اساسی آن است که چنین تمدنی که متناسب به اسلام است، آیا امکان وقوعی دارد یا سخن نظریه‌پردازان دینی تنها حول بایدهای ذهنی چنین تمدنی است؟ امروزه با فقدان پژوهش کافی در ساحت‌های کاربردی دین، جامعه ما به نگاهی تقلیل‌گرایانه در مورد کارکردهای دین رسیده است. این ضرورت اقتضا کرده با توجه اینکه آیت‌الله صافی گلپایگانی، علاوه بر بحث مبانی و فقه، رویکردی آینده‌نگرانه ناظر به مهدویت دارد، می‌توان

۱. استاد تمام گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم، ایران.

sajjadizady@yahoo.com

ORCID: 0000-0003-0289-4960

eshragh.reza1394@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

ORCID:0009-0009-3436-6231

\* **استناد به این مقاله:** ایزدهی، سیدسجاد؛ رضایی، مصطفی. (۱۴۰۲). امکان‌سنجی دستیابی به تمدن نوین اسلامی (با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه). فصلنامه علمی-پژوهشی (رتبه ب) اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۲)، صص ۹-۲۹. <https://doi.org/10.22081/JISS.2023.66326.2001>

مباحث ایشان را ناظر به تمدن‌نگاری اسلامی ارزیابی کرد؛ از این رو در این اثر با روشی توصیفی - تحلیلی به امکان‌سنجی دستیابی به تمدن نوین اسلامی با تکیه بر اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی پرداخته شود و نگارنده بدین نتیجه برسد که مطابق با اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی ضروری است جامعه منتظر به وضع موجود اکتفا نکند و پیوسته در تکاپوی ساختن آینده‌ای بهتر باشد. این آینده‌سازی باید با تکیه بر ظرفیت‌های دینی باشد تا مسلمین به امت‌سازی کلان دست یابند و از مسیر تقابل با تمدن غربی به شکوفایی در طراز دین در عرصه دین و دنیا برسند. این ادبیات بینشی حاکی از امکان دستیابی به تمدن نوین اسلامی در دوره کنونی در مسیر شکل‌گیری مدینه ظهور است.

### کلیدواژه‌ها

تمدن‌سازی، تمدن نوین اسلامی، مقدمه‌سازی ظهور، آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه.

## مقدمه

در پی تکامل فکری و علمی بشر و ارتقای مدل‌های بیرونی و فناورانه منطبق بر تعالیم الهی، تمدن نوینی در عالم شکل خواهد گرفت که برتری و تفاوت ذاتی تمدن معنوی و مادی را برای بشریت مشهود خواهد کرد. در این دوره، تمدن همگام با فرهنگ متری الهی پیش خواهد رفت و چون امروزه ساحت‌های گوناگون زندگی بشر جلوه‌های سرمایه‌داری و استکبار‌گرایانه ندارد، بلکه بناسازی، شهرسازی و دیگر شئون معماری در جهت هدایت به غیب و خداوند به کار خواهند گرفت که انس انسان بدان سبب خدافراموشی و خودنسیانی نگردد. اما نکته این است که دین اسلام تا چه میزان از ظرفیت تحقق‌بخشی به این تمدن برخوردار است، آیا دین می‌تواند بنیان‌گزار و استمراربخش تمدنی جامع‌ناظر به همه جلوه‌های حیات بشری باشد و بشر را با آن تا پایان تاریخ راهبری کند؟

از جمله آثاری که در زمینه تمدن‌سازی اسلامی نگاشته شده عبارتند از: ۱. تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نوشته محمدرضا بهمنی (۱۳۹۳) که نویسنده منظومه فکری رهبر انقلاب در خصوص ساختار حاکم بر تمدن و روند شکل‌گیری آن را بررسی کرده است؛ ۲. تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها و راهبردها اثر علی‌اصغر رجبی (۱۳۹۸) که در این تحقیق، نویسنده راهکارهای دستیابی به تمدن نوین اسلامی و موانع پیش روی شکل‌گیری آن را تحلیل کرده است؛ ۳. فلسفه تمدن نوین اسلامی نوشته رضا غلامی (۱۳۹۶) که نویسنده در آن به مبانی فکری حاکم بر تمدن نوین اسلامی از نگاه عقل با بهره‌گیری از منابع روایی روی آورده است؛ ۴. نقش منابع معرفتی در تمدن نوین اسلامی اثر نائیج و پیری (۱۴۰۱) که نویسندگان ساحت‌های معرفتی حاکم بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را بررسی کرده‌اند؛ ۵. مهندسی تمدن اسلامی از نگاه حکیم تمدن (آیت‌الله خامنه‌ای) اثر مصطفی جمالی (۱۴۰۱) که منظومه فکری رهبر انقلاب در مسیر دستیابی به تمدن و ساحت‌های حاکم بر تمدن نوین در آن بررسی شده است؛ اما وجه تمایز این مقاله نسبت به موارد پیش‌گفته به شرح ذیل می‌باشد: ۱. در این اثر به امکان‌سنجی تحقق تمدن نوین پرداخته خواهد شد؛ ۲. این اثر با تکیه بر اندیشه

آیت‌الله صافی گلپایگانی به عنوان فقیه آینده‌نگر و مهدویت‌پژوه نگاشته شده است. در جهت تبیین مؤلفه‌های امکان‌سنج شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بدین پرسش، پاسخ داده خواهد شد که آیا بر اساس اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی امکان دستیابی به تمدن نوین اسلامی وجود دارد؟

### ۱. مفهوم‌شناسی تحقیق

تمدن اسلامی ناظر به واحدشدن مادی یا معنوی حیات بشری نیست؛ بلکه تمدنی است که مجموعه ساختارهای زندگی انسان را عینیت خواهد بخشید و موجبات تعالی جامعه را در سطوح دنیوی و اخروی فراهم خواهد کرد. بر این اساس تمدن اسلامی را به طور کلی می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «تمدن اسلامی با نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد» (جان‌احمدی، ۱۳۹۹، ص ۵۱).

از طرفی دیگر در ابعاد مفهومی این تمدن باید توجه داشت که تمدن تنها معطوف به عرصه پیشینی نیست، بلکه شامل دو ساحت کلان ابزاری و فکری، سخت و نرم خواهد بود؛ بنابراین همان‌طور که بخش متنی تمدن شامل عرصه‌هایی مانند سبک ازدواج، خانواده، نوع مسکن و پوشش و... می‌شود، بخش ابزاری آن نیز حوزه‌های گوناگون صنعت، اقتصاد، اقتدار نظامی و... را دربر خواهد گرفت؛ «بخش ابزاری تمدن عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. اینها همه بخش ابزاری تمدن است، وسیله است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳)؛ بنابراین تمدن نوین اسلامی را باید ناظر به حیات مادی و معنوی انسان و شامل ابعاد فکری و عملیاتی زندگی او دانست؛ به نحوی که همه شئون حیات انسان را تحت پوشش خود قرار دهد. این تمدن در گذشته وجود نداشته و در پی احیا یا بازسازی میراث گذشته نیست، بلکه از تلاش‌های پیشین استفاده خواهد کرد تا حیات بشریت را به نحو جامع و همه‌جانبه در ساحات گوناگون سخت و نرم به تکامل برساند.

از سویی دیگر امکان‌سنجی شامل خلأهای نظام تمدنی رقیب (غرب) و ظرفیت‌های موجود در دین است که با تکیه بر آن، دستیابی به تمدن نوین را امری ممکن ترسیم خواهد کرد. از جمله ظرفیت‌های دین اسلام در دستیابی به این تمدن، ظرفیت آینده‌سازی و نگاه روبه جلو و تکاملی این تمدن، امکان تحقق برنامه‌های ارائه‌شده دین در عرصه بیرونی، فراملی (نژادی و جغرافیایی) بودن این تمدن و در نهایت جامع‌الاطراف بودن دین است که قادر خواهد بود در همه زمینه‌ها به نیازمندی‌های بشری پاسخ دهد. بر این اساس در طول این اثر به تبیین هر کدام از گزاره‌های بالا پرداخته خواهد شد.

## ۲. چالش‌های تمدنی غرب در سایه مبانی تمدنی اسلام

رنسانس، شروع تحولی جدید و تجددخواهی در اروپا بود که در اواخر سده چهاردهم میلادی شروع به نموّی همه‌جانبه در حیات انسان غربی نمود؛ انسان در این محیط به طرز فکری جدید تمسک کرد و سعی داشت اندیشه خود را از گذشته منقطع سازد. او بر این باور بود که باید با تجددی همه‌جانبه وارد عصری جدید از معرفت‌شناسی شد که ظهور آن در عرصه بینشی و گرایشی آنها بعدها نمودار گشت. بر این اساس رنسانس نه یک دوره زمانی، بلکه یک شیوه زندگی و تفکر بود. در این دوره، مکتب حس‌گرایی و ماده‌گرایی<sup>۱</sup> روزه‌روز بیشتر جای خود را باز کرد تا آثار کنارزدن معناگرایی در حیات غربی، فرهنگی جدید با مبانی نو را پایه‌گذاری نماید.

اصلاح دینی، مهم‌ترین جنبش دینی در دوره رنسانس است که پس از آن مسیحیت اروپایی و آمریکایی شکلی جدید یافت. شاید مهم‌ترین دلیل ظهور جنبش اصلاح دینی در این دوره این بود که برای بسیاری از اروپائیان عصر رنسانس ساختار کلیسا دیگر نمی‌توانست خواسته‌های دینی‌شان را برآورد. جزم‌گرایی مفرط آنان و قراردادن سازمانی این جهانی یا سکولار به عنوان تنها راه نجات اخروی برای بسیاری از غریبان

1. Materialism

ارضاکننده نبود (مالرب، ۱۳۸۱، ص ۹۲)؛ همچنین دنیاگرایی، فساد و شهوت‌رانی کشیشان از دیگر عواملی بود که مردم را با اصلاح‌گران همراه نمود (یر، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰).  
 جبهه‌ای که پس از این دوران شکل گرفت، مسیر اعتقادی کاملاً متفاوتی نسبت به گذشته اتخاذ کرد؛ چراکه به تدریج اعتقادات جدیدی پایه‌گذاری شد و اصول فکری و بنیادهای جدید، جای تفکرات سابق را گرفت. بروز این تفکر نو هرچند در ظاهر مثبت می‌نمود و داعی حرکت نوین علمی را داشت اما تفکر حاکم بر آن در تقابل با معناگرایی بود.

ناپختگی علم موجود در دوران روی‌کاربودن کلیسا و انحرافات عقیده‌ای متعددی که در این دوران در نزد عالمان دینی غرب وجود داشت، همه بر سرعت‌بخشیدن به پایه‌گذاری این بینش جدید کمک می‌کرد و حس‌گرایی روی کار آمده کم‌کم حس بی‌نیازی از غیب را در جوامع به استقبال‌رفته رنسانس تقویت کرد و اسلوب‌های جدیدی در مقابل فرهنگ سابق کلیسایی شکل گرفت تا آنجا که برخی از اندیشمندان غربی معتقدند رنسانس عبارت بود از مرگ بسیاری از چیزها! حتی مرگ انسانیت!؛ «تمدن غرب تحت عنوان «بازی بوکس» مسابقه بر پا می‌کنند، پیکره انسان‌نمایی را به جان پیکره‌ی دیگر می‌اندازند تا او حریف خود را با ضربه‌ای بزند، چشمش را کور کند، اعضایش را ناقص سازد، بلکه گاهی او را بکشد و این کار را افتخار می‌دانند، به برنده بازی جایزه می‌دهند و برایش کف می‌زنند» (صافی‌گلپایگانی، ۱۳۹۰، ص ۳۲) این پدیده که ریشه گرفته از نوع هستی‌شناختی غرب نسبت به انسان و سبک زندگی حاکم بر مدنیت آنهاست.

از نظر نیچه هدف از زندگی پرداختن به تن و زندگی زمینی است. با چنین رویکردی، نمی‌توان هستی را فراتر از ماده تفسیر و تحلیل کرد؛ چراکه از نگاه مکتب رنسانس، تمامی اهداف، برنامه‌ریزی‌ها و منابع باید در خدمت ابعاد غریزی انسان باشد، در چنین بینشی، ماده دارای مراتب گوناگونی است و علل هستی نیز به همین مراتب باز خواهد گشت؛ نیچه می‌گوید: «انسان آن هنگام انسان است که به حیوانیت او توجه شود. از نظر او قبل از آنکه از انسان انتظار تفکر و تعقل داشته باشیم، باید به جنبه

حیوانیت و نیازهای غریزی او توجه کنیم و مهم‌تر آنکه عقل و نطق نیز باید در خدمت حیوانیت بشر و ارضای نیازهای حیوانی او باشد» (نیجه، ۱۳۸۱، ص ۹۷).

در همین راستا سارتر معتقد است انسان طبیعت ثابت یعنی خوب یا بد ندارد، بلکه انسان آن چیزی است که می‌خواهد باشد. به بیان دیگر، انسان موجودی است که هیچ خصلت ثابتی در درون خود ندارد؛ موجودی بی‌رنگ که در عین حال آماده پذیرش هرگونه رنگی است (زان‌پل، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷). نتیجه این نگرش تمدن غربی در خصوص انسان، سوق‌دادن انسان به سمت پذیرش هر رنگی و در پی آن، مخالفت با طبیعت و امیال خدادادیش است؛ «بالطبع، هم انسان و هم حیوان به جنس مخالف مایل است. این عنوان هم‌جنس‌گرایی، نتیجه تمدن جدید و آزادی کاذبی است که تبلیغ شده و بشریت را ساقط نموده است» (صافی‌گلپایگانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۹۲).

بنابراین تفاسیر تمدن غربی از طبیعت انسان و هستی، ناشی از نبود اعتقاد آنها به عالم پس از مرگ و اصالت‌دادن به طبیعت است، به نحوی که انسان بخشی از طبیعت و طبیعت قلمرو انسان است و او به نیازهایی احاطه شده که نمی‌تواند خود را جدا از طبیعت پندارد؛ بنابراین اعتقاد به متافیزیک، از منظر این مکتب مردود است؛ چراکه برای انسان بُعدی ثابت (روح) قایل نبوده و رابطه او را منحصر به ابعاد مادی پیرامون و طبیعت می‌دانند، در چنین حالتی انسان، وجودی سیال و متلون خواهد بود که راهبرد ثابت و حقیقی‌ای ندارد.

### ۳. ظرفیت آینده‌سازی مهدویت برای تمدن اسلامی

دین در طول تاریخ، با توجه به میزان فهم و قوای ادراکی بشر، ادوار تکمیل‌شوندگی را طی کرد. در این بستر انبیای الهی عهده‌دار تبیین دین برای جوامع خود بودند تا اینکه در عصر خاتمیت، دین نسخه کامل و نهایی را برای بشر ارائه کرد و در این رهگذر کامل‌ترین رسول خداوند مسئولیت تبیین و ابلاغ آن را از طرف خداوند بر دوش گرفت. پس از ایشان ائمه طاهرين علیهم‌السلام رسالت تفسیرکنندگی امهات و کلیات را عهده‌دار شدند و در این بستر، هزاران‌هزار روایت از روش ائمه اصحاب ایشان به پیروان

دین خاتم عرضه گشت تا در دوران کنونی، نواب عام با تکیه بر این مصادر جامع و متقن، به استنباط علوم و نیازهای انسان بر مبنای وحی روی آورند. این حرکت حاکی از جریان دائمی دین تا انتهای تاریخ بوده و نشان می‌دهد دین برای لحظه‌ای انسان را بدون برنامه و انبوه و شئون گوناگون حیات بشری را با تعالیم وحی تحت پوشش قرار داده است. این حرکت تکامل در مسیر رسیدن به ظهور در موارد گوناگونی از اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی مشهود است؛ «می‌دانیم عالم به سوی یک آینده درخشان و یک تکامل روحانی و عقلانی و نظام مستحکم دینی و الهی و یک عصر صلح و صفا و برادری و همکاری پیش می‌رود. به امید آن عصر نورانی، با نشاط فراوان و دلی زنده پابرجا ایستاده و انجام وظیفه می‌کنیم» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۹۴).

غرب به تصرفی انحرافی نسبت به طبیعت روی آورد و برای ساختار ماده‌گرایانه تولیدی خود که خارج از بستر خلقت خداوند بوده، شروع به تأسیس علوم مادی کرد که پشتوانه و تأمین‌کننده نیازهای خود در این راستا باشد. پس از آن به تخریب دین پرداخت که دین قابلیت برطرف کردن نیازهای عصر فعلی را ندارد درحالی‌که راقی‌ترین و جامع‌ترین علوم بشری به واسطه دین در دوره ظهور به بشر ارائه خواهد شد؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «علم و دانش ۲۷ حرف است و ۲۷ شعبه و شاخه دارد. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف و شاخه و شعبه دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر گردد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۵۲، ص ۳۳۶).

این حدیث به روشنی، جهش فوق‌العاده علمی عصر انقلاب حضرت مهدی (علیه السلام) را مشخص می‌سازد، یعنی تحول و پیشرفتی به میزان بیش از دوازده برابر، نسبت به تمامی علوم و دانش‌هایی که در عصر همه پیامبران راستین به بشریت اعطا شده است، پیش می‌آید و درهای تمامی رشته‌ها و شاخه‌های علوم مفید و سازنده، به روی انسان‌ها گشوده می‌شود. اگر بنا به تعریف، علمی باشد که بشر از دامان آن رنج کشیده و روز به روز از هویت خود بیگانه‌تر گردد، چگونه دین می‌تواند هدایت‌گری خود را حفظ



نماید؟! دین علم بشری را ارتقاء می‌بخشد و از این رهگذر، بر ایمان او نیز اضافه خواهد کرد. اگر حرکت استنباطی در خصوص کارآیی دین و پاسخ‌دهی آن در برابر نیازهای بشر تاکنون به‌گندی صورت پذیرفته، دلیلی بر نبود جامعیت و تبیین‌گری دین نیست.

این امر پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تحقق تمهیدات فکری و ابزاری، از رکود گذشته خارج شده و هرچند به نحوی گنبد اما در حال شکل‌گیری است. وعده حاکمیت علوم الهی بر زمین به واسطه رسول خداوند صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حجة‌الوداع تبیین گشت که گفتمان ما را منتقل کنید؛ چراکه حرکت بشریت در فقه و فهم دین، حرکتی تکاملی است؛ «خدا خرم کند چهره آن کس را (خدا یار آن کس باد) که سخن مرا بشنود و حفظ و ضبط کند و به کسانی که سخن مرا نشنیده‌اند، به آنهایی که زمان من هستند ولی اینجا نیستند یا افرادی که بعد از من می‌آیند، برساند. یعنی حرف‌های مرا که می‌شنوید، حفظ کنید و به دیگران برسانید» (مفید، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶) تأکید بر انتقال علوم به ادوار آینده که توان فهم این معارف را دارا هستند، دلالت بر روند تکاملی معرفت بشری دارد.

از طرفی دیگر مرحوم کلینی با سند خود از عاصم بن حمید روایت کرده است که گفت: از حضرت علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَام درباره توحید سؤال شد، ایشان فرمود: «به راستی خدای عزّوجلّ می‌دانست که در آخرالزمان مردمی کاوشگر و ژرف‌نگر می‌آیند؛ از این رو «قل هو الله احد» و آیاتی از سوره حدید را نازل کرد، تا آنجا که می‌فرماید: «و هو علیم بذات الصدور»، هرکس در خداشناسی فراسوی اینها را بجوید هلاک شده است (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۹۱).

لازمه انتظار هدفمند و فعال در مسیر تکاملی ظهور، جوشش، تحریک، شوق و احساس مسئولیت دائمی در مسیر فراهم‌سازی مقدمات ظهور امام عصر خواهد بود؛ «مسلمان همیشه به سوی آینده می‌نگرد و هر وضعی که موجود باشد، اگرچه نسبتاً خوب و عادلانه باشد، او را قانع نمی‌کند، آن را نهایت کار و پایان راه نمی‌شمارد» (صافی‌گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۳۰)؛ از این روی همان‌طور که در مسیر تاریخی رسیدن هستی به دوران خاتمیت، روندی تکاملی طی شده، روند حرکتی بشریت در بستر ظهور

هم تکاملی خواهد بود همان‌گونه که روایات بیان شده حاکی از این حقیقت است و نگاه آینده‌نگرانه آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز در همین چارچوب شکل گرفته که نشان می‌دهد در اندیشه ایشان، باید برای دستیابی به کمال اجتماعی بیشتر، لحظه به لحظه امید داشت و در تدارک مقدمات لازم بود.

#### ۴. امکان تحقق جلوه‌های تمدنی در اسلام

غرب در پی ارائه جبهه فراگیر و یک‌پارچه‌ای از سبک زندگی مادی است که انسان در آن، همان‌گونه که آنها مطالبه می‌کنند، بیندیشد، به همان نحو ساختمان محبتی خود را بنا کند و سرانجام به عنوان مهره‌ای از آنها عمل نماید.

در ابتدای ورود مدرنیته به عرصه زندگی مسلمین، این چالش‌ها وجود داشت که آیا از محصولات کلان تمدن غربی همانند برق، رسانه، و وسائل نقلیه و... استفاده شود، برخی با نظر به نفس این امور، حکم به اباحه استفاده از این مظاهر را دادند، غافل از اینکه این نهضت شکل گرفته با شروع از عرصه‌های کلان حیات بشری، در پی وارد کردن همه مظاهر تجدد در سطح زندگی انسان است تا بدان‌وسیله الگوی پوشاک، شهرسازی، معماری، معاشرت و... را عوض کند؛ یعنی این جریان از طریق مصداق و با ارائه مدل‌های بیرونی در پی فتح قلعه‌های فکری و محبتی جامعه مؤمنین بود که با کنارزدن سنت از جامعه به تدریج حیاتی نو را در میان آنها به وجود آورد.

این پدیده در طول تاریخ نیز مسبوق به سابقه است؛ زمانی که حضرت موسی علیه السلام برای مدتی محدود به کوه طور رفته بود، زمان مراجعت شاهد گرایش بنی‌اسرائیل به گوساله‌سازی بود، این امر به سبب علقه‌سازی سامری با ابزار بیرونی بود، او با ارائه مدل بیرونی، در علائق این قوم تصرف کرد و حوزه‌های محبتی و بینشی‌شان را تحت نفوذ خود قرار داد؛ «وَأَشْرَبُوا قَوْمِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بَشِّرْ مَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانِكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ و دل‌های آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد. بگو: ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می‌دهد، اگر ایمان دارید (بقره، ۹۳). در صورت هضم شدن در تمدن غربی و تغییر سبک زندگی اسلامی، فرهنگ دینی جامعه و

روح انتظار نیز با مخاطرات جدی مواجه خواهد شد؛ «شهر اسلامی معرف فرهنگ و تمدن و هنر معماری اسلامی است و از جهت اسلوب شهرسازی، خانه‌سازی، عمارات و ابنیه از شهرهای دیگر ممتاز است که اهل فن از همان کیفیت ساختمان و حتی ویرانه‌های آن، مسلمان‌نشین بودن آن را تشخیص می‌دهند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۱۲).

غرب با اشراب محبت ابزارهای تمدنی خود، رفته‌رفته وارد معادلات زیستی زندگی مسلمین شد و تحت تأثیر آن زندگی سنتی و آداب و رسوم آنها را بازستاند. آنها برای همه عرصه‌های زندگی انسان مادی برنامه‌ریزی داشتند و با سیری مهندسی شده با برنامه‌ای مدون، فناوری خود را در زندگی انسان گسترش دادند، به نوعی که انسان نتواند در برابر ورود مظاهر این تمدن مقاومت نماید؛ «طرح‌هایی که داده می‌شود و پی‌ریزی‌هایی که می‌کنند، در مسیر مخالف تمدن واقعی و مروج ظلم و فساد و سبب اضطراب و نگرانی و عقده‌های روحی و ارتداد و ارتجاع است و بیشتر به تأمین جنبه‌های حیوانی و جسمی توجه می‌شود و به جنبه‌های انسانی و روحی اعتنا ندارند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵). بر این اساس بوده که اگر سبک زندگی معنوی انسان پشتیبانی نشود، انسان در هاضمه جذاب مدرنیته هضم خواهد شد.

امروزه شکل‌گیری انقلاب اسلامی به عنوان سپری مقاومت‌کننده با این تمدن در عرصه جهانی شناخته شده که در پی برخورد و درگیری با تمدن مادی است. تکیه به این انقلاب و در پی آن تأسی فکری و عملی از ولایت فقیه، یکی از موانع هضم شدن در سنت‌های تمدنی غرب است. بررسی ظرفیت‌های موجود حاکی از این حقیقت است که امکان تحقق جلوه‌های تمدنی در اسلام از شئون گوناگون جامعه از جمله معماری و شهرسازی که مورد نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز بوده، وجود دارد؛ البته در گام اول ضروری است جامعه در جلوه‌های تمدنی تمدن رقیب (غرب) هضم نشود.

## ۵. ظرفیت فراملی نهضت تمدنی

انقلاب اسلامی، تنها انقلاب جامعی است که ناظر به همه ابعاد وجودی انسان و نیازهای او، پس از رنسانس در جهان اتفاق داد، این انقلاب در برابر جبهه مادی شکل گرفت تا

مکتب نفی قدسیت و مادیت را در عالم به چالش بکشد و به بشر بازتعریفی از دین ارائه دهد که بشر بدون تکیه به مکاتب مادی شرق و غرب می‌تواند در ادامه حکومتی دینی حرکت کند. انقلاب اسلامی در پی ارائه گفتمان جدیدی از پیشرفت است که متکی به معنویت باشد و در روح خود از حرکت تاریخی انبیا الهی پیروی کرده است. قبل از شکل‌گیری این انقلاب، جبهه سرمایه‌داری غرب این باور را در جهان به عنوان قاعده‌ای تثبیت می‌کرد که سعادت بشری انسان تنها از تک‌راهه‌ای می‌گذرد که آنها برای انسان‌ها در نظر گرفته‌اند.

در فرآیند تمدن‌سازی چیزی به عنوان بازسازی تحریف خواهد بود؛ چراکه آنچه در برخی ادوار تاریخی در تشیع رخ داد، تنها شمه‌ای از آن تمدن الهی کلان است؛ بنابراین آن پیوسته‌ها مقصد تمدنی محسوب نمی‌شوند بلکه مصادیق محدودی از تمدن موعود هستند، بر همین اساس قابلیت هدف‌گذاری نیز ندارند و در پی آن، الگوی تمدن‌سازی نخواهند بود و قرار نیست آنچه در دوره‌ای به نحو جزئی پدید آمد، مورد ترمیم و بازسازی مجدد قرار گیرد.

برخی در خصوص این تمدن معتقدند که «در مقابل انحصارطلبی، تمامیت‌خواهی و سلطه تمدن غرب اولین تمدنی که دوباره خواست خودش را به‌عنوان تمدن نشان بدهد تمدن اسلامی بود. بعد از جنگ جهانی دوم به تدریج این افکار شروع شد. تحولات پنجاه سال اخیر نشان داده است تمدن اسلامی در احیای فکر، هنر و اندیشه اسلامی و احیای ساخت‌های اجتماعی و سیاسی قدم‌هایی برداشته اما کاملاً موفق نبوده است» (نصر، ۱۳۸۶، ص ۷۶). این نبود موفقیت به سبب نگرش بازسازی‌گونه مسلمین بوده و به نحو ریشه‌ای این تمدن بازشناخته نشده تا تمدن‌سازی از پایه و منطبق بر مبانی نگرشی، انگیزشی و گرایشی بیان شده ساخته شود.

امروزه انقلاب اسلامی در نقطه عزیمت این تمدن‌سازی قرار گرفته تا با صدور و گسترش انقلاب، به امت‌سازی پردازد و آنچه تاکنون صورت پذیرفته نوعی تمدن‌جویی است؛ به همین سبب در این مرحله انقلاب تلاش دارد با درس گرفتن از تجارب گذشته و پیروزی‌ها و شکست‌ها با برنامه در این راه حرکت کند اما در صورتی

به موفقیت نهایی نایل خواهد شد که بر مبنای ایدئولوژی انتظار تمدن‌سازی جدیدی غیرمتأثر از دیگر مکتب‌ها پایه‌گذاری گردد. از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی فرآیند گسترش و صدور انقلاب اسلامی امری ممکن شده و مورد توجه دنیای اسلام قرار گرفته است؛ «خوشبختانه در اثر انقلاب اسلامی ایران، عملی شدن و دست یافتن به اهداف اسلام و کارسازی اسلام در بازسازی جوامع بشری، بر اساس ایمان به خدا و حکومت احکام خدا و لغو کامل استعباد و استضعاف، آشکار شده و دنیای متحیر به ویژگی‌های مکتب اسلام در رفع سرگردانی‌های کنونی، تا حدی متوجه گردیده است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۲). انقلاب اسلامی در مسیر ظرفیت فراملی تمدن نوین، در پی بازسازی جوامع بشری و گسترش انقلاب از مرزهای جغرافیایی به حدود و ثغور نگرشی و معرفتی جامعه جهانی است و این امر به سبب ظرفیت فراجغرافیایی تمدن نوین اسلامی، امری ممکن است.

طرح جامع امام راحل علیه السلام در مرحله اول مبتنی بر جمع کردن نظام پادشاهی بود و در مرحله بعد تشکیل حکومتی دینی که توان رویارویی با تمدن غربی در حد کلان داشته باشد. ایشان در پی پایان‌دادن به نقطه تعیین‌کنندگی غرب در دنیا بودند و به درستی ظرفیت‌های جهانی دین را شناخته بودند و اعتقاد داشتند حرکتی زائیده از دین می‌تواند در برابر غرب در همه سطوح به تقابل پردازد و نقطه التّجاء و امید جبهه توحیدی در عالم باشد.

دو مرحله مدنظر ایشان محقق شد و حتی انقلاب اسلامی از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرد و به صدور محصول پرداخت اما رسالت‌تئوریزه‌سازی این انقلاب جهت شکل‌گیری گام سوم که مقدمه اصلی قبل از ظهور است، بر دوش رهبر معظم انقلاب قرار گرفته تا با نظارت و تعالیم ایشان، انقلاب به مرحله تمدن‌سازی و نظام‌سازی برسد. بر همین اساس از منظر ایشان، مسیر طی شده تنها گامی از نظام‌واره شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است که این امر در بیانیه گام دوم کاملاً محسوس است؛ «راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و

سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). انقلاب اسلامی به سبب تکیه بر آموزه‌های اصیل مهدویت، از این ظرفیت درونی برخوردار است که ایدئولوژی و آرمان‌های خود را به خارج از محیط جغرافیایی خود تسری دهد و این عبور کردن از مرزهای فیزیکی، لزومی است در جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی؛ چراکه امت‌سازی و قرار گرفتن ملت اسلامی در سایه فرهنگ انتظار، جزئی از مسیر اقبال جهانی جهت بسترسازی ظهور است.

#### ۶. ظرفیت‌های دین در تأمین نیازهای بشری در فرآیند تمدن نوین اسلامی

بشریت در ادوار گوناگون تاریخی، با دین احساس فقدان علمی و کارایی نداشته، نیاز فعلی او نیز در سطوح فکری و بینشی با دین پاسخ داده خواهد شد اما مکتب تجدد، با گریز از دین این حقیقت اساسی را کتمان کرد و در پی محدود نشان دادن کارایی دین به عصر نزول قرآن یا القای سکولاریسم دینی و راندن دین به زندگی فردی برآمد درحالی که «ما مسلمان‌ها همیشه مشعلدار علم و تمدن و مروج تحقیق و کاوش بوده‌ایم» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

مطابق با برخی نظریات غربی، دین جستجوی جمعی برای رسیدن به حیاتی توأم با رضایت است یا اینکه دین فعالیتی فکری، احساسی یا عملی ارادی است و برخی همانند رایناخ نیز عقیده دارند که دین تنها مجموعه‌ای از اوامر و نواهی بوده که مانع کاربرد آزاد قوای درونی موجود در انسان است (هیک، ۱۳۹۰، ص ۲۳). در چنین دیدگاهی، نه تنها دین و مبدأ آن شناخته نشده بلکه ساحت‌هایی مادی و ضدانسانی بدان نسبت داده شده است. طبیعی است در چنین حالتی دین هیچ کارایی‌ای برای تمدن‌سازی نخواهد داشت،

همان گونه که نوع نگرش غرب به دین در عصر کنونی، سبب گرایش به نظام بینشی و گرایشی‌ای شده که غایت توسعه این نظام فکری و سبک تمدنی، چیزی جز نابودی هرچه بیشتر جامعه بشری نخواهد بود؛ «آن حکومتی که این آقایان می‌گویند، این است که توسعه سلاح‌های مخرب و اتمی که تمدن و نسل بشر را به خطر انداخته، اگر کیک جامعه جهانی و حکومت متحد نباشد، سرانجام خواه ناخواه موجب انقراض نسل بشر خواهد شد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۱۰۵)؛ بنابراین برخلاف تمدن غربی که از قدرت راهبری جامعه جهانی برخوردار نیست و جلوه‌های تمدنی او به تدریج سبب انحطاط بشری می‌شود، اسلام از این توان درونی برخوردار است که با آموزه‌های خود جهان را به سمت اهداف خود سوق دهد.

در این میان، اگر رویکرد نسبت به دین، نگاه حداقلی به آن در نظام بشری باشد؛ انسان برای تأمین نیازهای مختلف خود در نظامات گوناگون حیات نیازمند به ابزاری مکمل است که این نقصان و عجز را از چهره دین بزدايد. در این زمان این پرسش مطرح خواهد شد که دین اگر حداقلی است، پس چرا باید برای مقاصد و غایات انسان تصمیم‌گیری کند؟ چرا باید دین به عنوان زمینه‌ساز سعادت انسان در ابعاد مادی و معنوی معرفی شود؟ وقتی مطابق با این مدل فکری، در جامعه به برنامه‌ریزی و استخراج مدل‌ها روی آورده شود، همواره برای مردم این پرسش‌ها وجود خواهد داشت که دین یا کارایی لازم را دارد یا فاقد تأمین‌کنندگی نیازهای بشری است. اگر قایل به نقش حداقلی آن در معادلات زندگی انسانید، پس چگونه قایل به سعادت‌بخشی دین هستید؟!

در حقیقت جامعه ما و مدل‌های عینی موجود در موارد متعددی گرفتار این دوگانگی است، از حیث فطری دین را ناشی از علم و حکمت خداوند و محیط بر شئون زندگی انسان می‌دانند اما از حیث اجرایی و نظریه‌پردازی، بسیاری از ساحات نظام جامعه را بدون دین معنا می‌کنند. این در حالی است که دین دارای مقیاسی تاریخی است و همان‌طور که با هبوط انسان به عالم ماده، در اختیار او گذاشته شد و با تطورات تاریخی متناسب با نیاز انسان، از ناحیه خداوند گسترش بیشتری پیدا کرد، ازلی نیز

خواهد بود؛ چراکه متضمن سعادت کاروان بشری تا قیامت خواهد بود؛ به عبارتی دیگر تا عالم، عالم اختیار و اراده است و عمل انسان بر سرنوشت او مؤثر، دین نیز نقش آفرینی خواهد داشت.

دین دارای نقشی یکپارچه در نظامات زندگی بشر است. برنامه دین تنها به عبادات فردی و اوقات نماز خلاصه نمی‌شود بلکه سیطره دین در همه شئون فردی و اجتماعی انسان در جمله ابعاد باطنی و ظاهری حیات اوست. زمانی که دین در این سطح در قاموس باوری جامعه نهادینه شود، از روش گرایش هرچه بیشتر جامعه به ملکوت هستی، خداوند ابعاد هدایتی جدید را پیش روی آنها در همه سطوح باز خواهد کرد؛ این سطوح معرفتی، حجاب بینشی انسان نسبت به تعریف حداقلی از دین را خواهد زدود؛ چراکه این سطح از باور غیبی و الهی، از آن کسانی است که از معرفتی فراتر از امورات مادی برخوردار باشند که همین امر فاصل مرز انسانیت و خلیفه‌اللهی و حیوانیت خواهد بود و انسان با ورود به این نقطه خود را در دامن هدایت خداوند می‌بیند. این هدایت همانند مواردی است که در مواردی مانند سوره کهف «إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف، ۱۳)؛ آنها جوان مردانی هستند که به پروردگارشان ایمان آوردند و خداوند بر هدایت آنها افزود و سوره مریم بیان شده است؛ «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى»؛ خداوند بر هدایت کسانی که راه یافته‌اند می‌افزاید (مریم، ۷۶). از آیات شریفه استفاده می‌شود که انسان در فطرت خود از این نوع هدایت بالقوه برخوردار است و نزدیک شدن به فطرت از طریق عمل صالح و از بین بردن موانع در این راه، ابواب هدایت را به روی انسان خواهد گشود که علت آن، به رابطه تنگاتنگ معرفت و عمل برمی‌گردد؛ چراکه هرچه انسان بیشتر عمل نماید، این عمل، معرفت انسان را ارتقا خواهد بخشید؛ به همین دلیل، برای هدایت و معرفت مراتب متعددی وجود دارد. تکیه کردن به ظرفیت‌های گسترده دین، سبب به فعلیت رسیدن استعداد های فردی و اجتماعی جامعه ایمانی خواهد شد. این فرآیند در گذر زمان، جامعه مؤمنین را در عرصه جهانی تبدیل به قطب و قدرتی نافذ خواهد کرد و از وضعیت انفعالی و تأثیرپذیر خارج خواهد کرد.



## نتیجه‌گیری

تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام قرار دارد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است. تمدن اسلامی فضایی است که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. از آنچه تاکنون بیان شد این نتیجه حاصل می‌شود که ما از حیث ظرفیت‌شناسی برای برپایی تمدن نوین اسلامی با مانعی روبه‌رو نیستیم؛ چراکه برای شکل‌گیری تمدنی جامع، نیاز به وجود مبانی، بروز و ظهورات، فراگیری جهانی و راهبری جهانی است که همه این عناصر یادشده در اسلام وجود دارد. اما شرط تحقق این تمدن پیاده‌سازی ظرفیت‌های تبیین‌شده خواهد بود که باید در دو عرصه نظری و الگوهای عینی به تحقق برسد تا جامعه اسلامی بتواند به نقش اساسی خود در مسیر مقدمه‌سازی ظهور با برپایی تمدن نوین برسد.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. بهمنی، محمدرضا. (۱۳۹۳). تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. نشریه نقدونظر، ۱۹(۷۴)، صص ۱۹۸-۲۳۷.
۲. جان‌احمدی، فاطمه. (۱۳۹۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: معارف.
۳. جمالی، مصطفی. (۱۴۰۱). مهندسی تمدن اسلامی از نگاه حکیم تمدن (آیت‌الله خامنه‌ای). مجله پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، ۲(۳)، صص ۱۱-۳۲.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۱/۷/۲۳). بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی. برگرفته از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. B2n.ir/e68214
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. برگرفته از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. B2n.ir/a87526
۶. رجبی، علی اصغر. (۱۳۹۸). تمدن نوین اسلامی؛ چالش‌ها و راهبردها. قم: نشر معارف.
۷. ژان پل، سارتر. (۱۳۸۱). اگزستانسیالیسم و اصالت بشر. تهران: نیلوفر.
۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). معارف دین. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۰). اشک و عبرت. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲). حدیث بیداری. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). سلسله مباحث امامت و ولایت. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.

۱۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۴). نوید امن و امان. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته.
۱۳. غلامی، رضا. (۱۳۹۶). فلسفه تمدن نوین اسلامی. تهران: سوره مهر.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷). کافی. قم: جامعه مدرسین.
۱۵. مالرب، میشل. (۱۳۸۱). انسان و ادیان. تهران: نشر نی.
۱۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). بحارالانوار. قم: جامعه مدرسین.
۱۷. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۸۹). امالی. قم: جمکران.
۱۸. نائیج، علیرضا؛ پیری، محمدرضا. (۱۴۰۱). نقش منابع معرفتی در تمدن نوین اسلامی. مجله مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۵(۹)، صص ۱۶۱-۱۹۰.
۱۹. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۶). معرفت جاودان. تهران: مهر نیوشا.
۲۰. نیچه، فردریش. (۱۳۸۱). فراسوی نیک و بد. تهران: نیک‌فرجام.
۲۱. هیک، جان. (۱۳۹۰). فلسفه دین. تهران: الهدی.
۲۲. یر، دمپی. (۱۳۸۴). تاریخ علم (مترجم: عبدالحسین آزرنگ). تهران: سمت.

## References

\* Holy Quran

1. Bahmani, M. (1393 AP). Modern Islamic Civilization in the Thought of Ayatollah Khamenei. *Criticism and opinion*, 19(74), pp. 198-237. [In Persian]
2. Gholami, R. (1396 AP). *Philosophy of Modern Islamic Civilization*. Tehran: Sore Mehr. [In Persian]
3. Hick, J. (1390 AP). *Philosophy of Religion* (S. M. Khatami, Trans.). Tehran: Al-Hoda. [In Persian]
4. Jamali, M. (1401 AP). Engineering of Islamic Civilization from the Perspective of the Sage of Civilization (Ayatollah Khamenei). *Research on Modern Islamic Civilization*, 2(3), pp. 11-32. [In Persian]
5. Jan Ahmadi, F. 1399 AP). *History of Islamic Culture and Civilization*. Tehran: Ma'aref. [In Persian]
6. Khamenei, S. (December 13, 2018). *Statement on the Second Step of the Islamic Revolution*. Retrieved from <https://b2n.ir/a87526>
7. Khamenei, S. (October 14, 2012). *Statements in the Meeting with the Youth of North Khorasan Province*. Retrieved from <https://b2n.ir/e68214>
8. Kulayni, M. (1387 AP). *Al-Kafi*. Qom: The teachers' community. [In Arabic]
9. Majlisi, M. (1386 AP). *Bihar al-Anwar*. Qom: The teachers' community. [In Arabic]
10. Malerba, M. (1381 AP). *Humans and Religions* (M. Ghaffari, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
11. Mofid, M. (1389 AP). *Amali*. Qom: Jamkaran Mosque. [In Persian]
12. Na'ich, A., & Peiri, M. R. (1401 AP). The Role of Epistemic Sources in Modern Islamic Civilization. *Fundamental Studies on Modern Islamic Civilization*, 5(9), pp. 161-190. [In Persian]
13. Nasr, S. H. (1386 AP). *Eternal Knowledge*. Tehran: Mehr Niousha. [In Persian]
14. Nietzsche, F. (1381 AP). *Beyond Good and Evil* (M. Nikfarjam, Trans.). Tehran: Nik Farjam. [In Persian]

15. Rajabi, A. (1397 AP). *Modern Islamic Civilization: Challenges and Strategies*. Qom: Ma'aref Publications. [In Persian]
16. Safi Golpaygani, L. (1390 AP). *Tears and Lessons*. Qom: Center for the Compilation and Publication of Ayatollah Safi Golpaygani's Works. [In Persian]
17. Safi Golpaygani, L. (1392 AP). *Hadith of Awakening*. Qom: Center for the Compilation and Publication of Ayatollah Safi Golpaygani's Works. [In Persian]
18. Safi Golpaygani, L. (1393 AP). *Religious Teachings*. Qom: Center for the Compilation and Publication of Ayatollah Safi Golpaygani's Works. [In Persian]
19. Safi Golpaygani, L. (1393 AP). *Series of Discussions on Imamate and Guardianship*. Qom: Center for the Compilation and Publication of Ayatollah Safi Golpaygani's Works. [In Persian]
20. Safi Golpaygani, L. (1394 AP). *The Good News of Security and Safety*. Qom: Center for the Compilation and Publication of Ayatollah Safi Golpaygani's Works. [In Persian]
21. Sartre, J. P. (1381 AP). *Existentialism and Human Authenticity* (M. J. Salehi, Trans.). Tehran: Niloufar. [In Persian]
22. Year, D. (1384 AP). *A History of Science* (A. Azarnang, Trans.). Tehran: Samt. [In Persian]

**Research Article**

**Social Justice Based on Practical Rationality  
from Allameh Tabatabaei's Perspective<sup>1</sup>**

Maryam Barati<sup>2</sup> Reza Ali Nowrozi<sup>3</sup>

Mojtaba Sepahi<sup>4</sup>

Received: 16/05/2023

Accepted: 01/10/2023



**Abstract**

The aim of this research is to infer the foundations of social justice based on practical rationality from the perspective of Allameh Tabatabaei. This qualitative study utilizes the practical inference method of Frankena to elucidate the topic. To achieve this goal, the concepts related to practical rationality in the works of Allameh Tabatabaei are examined, and the foundations of social justice are inferred in two categories: pre-social foundations and post-social foundations. The pre-social foundations include the employment of knowledgeable individuals based on the

---

1. This article is taken from a doctoral thesis entitled: Explanation of rational education from the perspective of Allameh Tabatabaei and emphasizing the issue of social justice (Supervisor: Dr. Reza Ali Norouzi; Advisor: Dr. Mojtabi Sepahi), Department of Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan. Isfahan, Iran.

2. Ph. D. student, Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, University of Isfahan. Isfahan, Iran. Email: mrymbraty@gmail.com. ORCID: 0009-0001-2855-6700

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Isfahan. Isfahan, Iran (Corresponding Author). Email: r.norouzi@edu.ac.ir. ORCID: 0000-0003-2040-9586

4. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Isfahan. Isfahan, Iran. Email: m.sepahi@ltr.ui.ac.ir. ORCID: 0000-0003-4772-3575

---

\* Barati, M., Nowrozi, R. A., & Sepahi, M. (1402 AP). Social Justice Based on Practical Rationality from Allameh Tabatabaei's Perspective. *Journal of Islam and Social Studies*, 11(42), pp. 32-59.

<https://doi.org/10.22081/JISS.2023.66483.2008>

governing laws and the fair service and interaction with peers, the credibility of social justice based on rational sciences in the course of sound nature, religious justice by instilling faith in rights and practical obligations, and individual justice through acquiring virtuous ethics through scientific indoctrination and practical repetition. The post-social foundations encompass social justice by placing each member of society in an appropriate position and ensuring equal rights, political justice in terms of the participation of members in establishing the government, appointing officials, and legislating within the framework of divine regulations, ownership through legitimate human possession of their properties, economic justice through growth and development of accessible wealth in accordance with Islamic principles and collective interests, and social rights by forming families for the preservation of future generations.

**Keywords**

Foundations, social justice, practical rationality, perceptual credibility

## مقاله پژوهشی

### عدالت اجتماعی مبتنی بر عقلانیت عملی

#### از دیدگاه علامه طباطبائی<sup>۱</sup>

مریم براتی<sup>۲</sup>      رضاعلی نوروزی<sup>۳</sup>      مجتبی سپاهی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

©Author(s).



#### چکیده

هدف پژوهش حاضر استنتاج مبانی عدالت اجتماعی بر مبنای عقلانیت عملی از منظر علامه طباطبائی است. این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی است که از روش استنتاج عملی فرانکنا برای تبیین بهره برده است. به همین منظور ابتدا مباحث مربوط به عقلانیت عملی در آثار علامه طباطبائی بررسی و سپس مبانی عدالت اجتماعی در دو دسته مبانی پیشا اجتماع و پسا اجتماع استنتاج گردید. مبانی پیشا اجتماع شامل: استخدام عالم هستی بر اساس قوانین حاکم بر آن و استخدام همנוعان با خدمت‌رسانی و

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان: تبیین تربیت عقلانی از منظر علامه طباطبائی<sup>۱</sup> با تأکید بر مسئله عدالت اجتماعی (استاد راهنما: دکتر رضاعلی نوروزی؛ استاد مشاور: دکتر مجتبی سپاهی)، رشته فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان. اصفهان، ایران می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

mrymbraty@gmail.com

ORCID: 0009\_0001\_2855\_6700

r.norouzi@edu.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

ORCID: 0000-0003-2040-9586

m.sepahi@ltr.ui.ac.ir

۴. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

ORCID: 0000-0003-4772-3575

\* **استناد به این مقاله:** براتی، مریم؛ نوروزی، رضاعلی و سپاهی، مجتبی. (۱۴۰۲). عدالت اجتماعی مبتنی بر عقلانیت عملی از دیدگاه علامه طباطبائی<sup>۱</sup>. فصلنامه علمی-پژوهشی (رتبه ب) اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۲)، صص ۳۲-۵۹.  
<https://doi.org/10.22081/JISS.2023.66483.2008>



خدمت‌گیری عادلانه، اعتبار حسن عدالت اجتماعی بر مبنای علوم عقلی در مجرای فطرت سلیم، عدالت اعتقادی با ایمان آوردن به حق و التزام عملی و عدالت فردی با کسب اخلاق فاضله از طریق تلقین علمی و تکرار عملی است. مبانی پسا اجتماع شامل: عدالت اجتماعی با قرارگیری هر یک از اعضای جامعه در جایگاه مناسب و برخورداری از حقوق برابر، عدالت سیاسی به معنای مشارکت اعضای جامعه در تأسیس حکومت، تعیین مسئولان و امر قانون‌گذاری در حیطه ضوابط الهی، ملکیت با تصرف مشروع انسان در ممالکش، عدالت اقتصادی با رشد و توسعه مال در دسترس به نحو احسن مطابق با احکام اسلام و مصالح جمعی و حقوق اجتماع با تشکیل خانواده برای قوام نسل است.

### کلیدواژه‌ها

مبانی، عدالت اجتماعی، عقل عملی، ادراکات اعتباری.

## مقدمه

عدالت اجتماعی یکی از مصادیق عدالت و مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی است که قلمرو آن محدوده دولت - ملت است، یعنی باید ساختار جامعه، نهادها و مؤسسات، همکاری‌های اجتماعی، توزیع امکانات و فرصت‌ها، مسئولیت‌ها و حقوق افراد بر مبنای معیارهای عادلانه ترسیم شده باشد. «بر این اساس شاخص‌هایی همچون تأمین حقوق سیاسی - اجتماعی قشرهای مختلف جامعه، لزوم برابری همه در برابر قانون، ضرورت قضاوت عادلانه، برابری فرصت‌های اجتماعی برای همه سطوح و تحقق حکومت عدل در جامعه از موارد عدالت اجتماعی است» (فوزی و فیروزی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۰). بر همین مبنای توجه به عملکرد چندساله ایران، عدالت اجتماعی در مقام عمل دارای جایگاه قابل پذیرشی نیست؛ زیرا بر اساس تحقیقات انجام شده در دهه‌های گذشته و شاخص کل عدالت نشان از تنزل عدالت در کشور بوده است ولیکن «بخش عمده این کاهش و تنزل معلول کاهش شاخص در حوزه تعاملات اجتماعی است که نشان‌دهنده اولویت این حوزه برای ارتقاء عدالت در جامعه ایران است» (خاندوزی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۳۳). گفتنی است یکی از موانع گفتمانی تحقق عدالت اجتماعی در جامعه ایران، نبود نظریه جامع درباره عدالت اجتماعی است، بدین منظور در پژوهش حاضر تلاش شده تا برای حل این مسئله به نظریات علامه طباطبایی رحمته‌الله رجوع شود و مبتنی بر دیدگاه ایشان در ساحت عقلانیت عملی به تبیین مبانی عدالت اجتماعی پرداخته شود.

علامه برای عقل و ادراک انسان دو ساحت حقیقی و اعتباری قایل بوده و معتقد است خداوند انسان را فطرتاً به گونه‌ای خلق کرده که با ادراک حقیقی (عقل نظری) حق و باطل را در مسائل نظری و با ادراک اعتباری (عقل عملی) شر و خیر را در مسائل عملی تمیز می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۷۴). ایشان معتقدند ادراکات اعتباری لازمه فعالیت قوای فعاله انسان است و ادراکاتی تصویری یا تصدیقی هستند که صرفاً برای دست‌یافتن به اغراض عملی جامعه بر یک سری موضوعات خاص حمل و تطبیق می‌شوند و واقعیتی خارج از ظرف عمل ندارند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۴). بر همین مبنای نظریه عدالت اجتماعی ایشان در ساحت ادراک اعتباری این گونه قابل استنباط است که

انسان ابتدا با هدایت طبیعت و تکوین پیوسته از همه سود خویش را طلب و استخدام را اعتبار می کند و سپس برای سود خویش سود همه را طالب است که اجتماع را اعتبار و برای سود همگی حسن عدالت اجتماعی را اعتبار می کند؛ بنابراین انسان تکویناً بر مبنای سه اصل مذکور خواستار قرارگیری افراد جامعه در جایگاه مناسب خویش است (طباطبائی، ۱۳۸۷ الف، صص ۱۳۴ - ۱۳۵). علامه بیش از این نظریه عدالت اجتماعی را گسترش نمی دهد؛ از این رو نویسنده در مقاله حاضر تلاش کرده تا با بررسی عمیق تفکرات علامه در حیطه ادراکات اعتباری این نظریه را گسترش دهد تا به مبانی جامع تری دست یابد و همین وجه تمایز اساسی پژوهش حاضر با پژوهش های پیشین است.

طبق بررسی های انجام شده پژوهش هایی مرتبط با موضوع مقاله حاضر انجام گردیده است که به برخی از آنها اشاره می گردد. هاشمی و بابایی (۱۳۹۶) در مقاله نظریه عدالت اجتماعی علامه طباطبائی و مبانی آن به تبیین منشأ حسن عدالت اجتماعی و نیز اطلاق یا نسیت آن از دیدگاه علامه پرداخته اند؛ همچنین ادراکات اعتباری، استخدام و اجتماع را از مبانی عدالت اجتماعی دانسته اند. کرمی و قهی (۱۳۹۶) در مقاله اعتباریات اجتماعی و ضرورت عدالت، به بازخوانی نظریه اعتباریات علامه در قالب انسان شناسی فلسفی و سپس استخراج لایه های مختلف آن پرداخته اند. حسینی فر (۱۳۹۶) در مقاله کارکرد نظریه ادراکات اعتباری در اندیشه سیاسی - اجتماعی علامه طباطبائی نوع نگاه علامه به مسائل مختلف سیاسی جامعه از جمله منشأ مسایل فکری - اجتماعی را بررسی کرده اند. لک زایی و فلاح (۱۳۹۴) در پژوهش بررسی جایگاه نظام اجتماعی در اندیشه سیاسی علامه طباطبائی به مبانی نظری تفکر اجتماعی - سیاسی علامه طباطبائی پرداخته اند.

## ۱. روش پژوهش

پارادایم پژوهش حاضر کیفی است که از روش الگوی بازسازی شده فرانکنا<sup>۱</sup> به شیوه پیش رونده برای تبیین بهره برده است. فرانکنا با استفاده از الگوی قیاس عملی ارسطو،

1. Frankena

الگویی مطرح کرده است که می‌توان از آن برای تحلیل فلسفه‌های هنجارین استفاده کرد. در فلسفه‌های هنجارین دو نوع گزاره لازم است: گزاره‌های هنجارین و گزاره‌های واقع‌نگر (باقری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵). گزاره‌های هنجارین ماهیتی تجویزی دارند و گزاره‌های واقع‌نگر معمولاً ماهیتی فلسفی و الهیاتی دارند. لازم به ذکر است که این ترکیب به صورت یک استدلال تنظیم می‌شود که مقدمات آن، گزاره‌ای هنجارین (باید آغازین) و گزاره‌ای واقع‌نگر و نتیجه، گزاره‌ای هنجارین است که دانش‌هایی را نتیجه می‌دهد. بر همین اساس، در این پژوهش ابتدا به صورت هدفمند آثار علامه طباطبایی مورد بررسی قرار گرفته و مباحث مربوط به ادراکات اعتباری از منظر ایشان جمع‌آوری و سپس، به منظور دستیابی به مبانی عدالت اجتماعی یک باید آغازین هنجاری به عنوان مقدمه قیاسی اول در نظر گرفته شد و سپس مبتنی بر یک گزاره واقع‌نگر فلسفی به عنوان مقدمه دوم قیاس عملی، نتیجه قیاس عملی که همان مبانی عدالت اجتماعی است، استنتاج شد و در نهایت مبتنی بر آن و مبناهای فلسفی دیگر مبانی استنتاج گردید.

## ۲. یافته‌های پژوهش

### ۲-۱. مبانی عدالت اجتماعی از منظر علامه

عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی از موضوعات و اهداف بسیار مهم و مبنایی است به گونه‌ای که هر انسان سلیم الفطره ضرورت آن را در سعادت جامعه بشری درک می‌کند، همچنین بر اساس آیه (حدید، ۲۵) عدالت اجتماعی به عنوان یکی از علل اصلی ارسال رسل معرفی شده است. بر همین اساس تشکیل حکومت عادلانه اجتماعی خود زمینه و مقدمه‌ای برای تربیت انسان‌هایی عادل است تا ایشان بر اساس استعداد و قابلیت‌های وجودی و رشد یافته در جایگاه شایسته قرار گیرند.

از آنجاکه عدالت صفت و فعل حق تعالی است بنابراین نظام جهان هستی که تماماً فعل خدای سبحان است عین عدالت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۷۸)؛ از این رو جریان عدالت تکوینی در سیر تکاملی انواع موجودات قابل شهود است و هر نوع در وجود خود سیری تکوینی و معین دارد و مراحل مختلف و متوالی را طی می‌کند تا به نهایت

درجه کمالش، برسد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۵). این تکوین عادلانه بر اساس آیات (طه، ۵۰) و (اعلی، ۵) مستند به خدای تعالی است که ولایت تکوینی نامیده می‌شود. نوع انسان نیز از این ولایت تکوینی برخوردار است و از آن روزی که نطفه‌اش شکل می‌گیرد به سوی یک انسان کامل (غایت) متوجه است ولیکن انسان همانند سایر موجودات نیست و به دلیل احتیاجات تکوینی و نواقص بیشتری که دارد نمی‌تواند همه آنها را خودش به تنهایی بر آورد، بلکه محتاج به اجتماع خانوادگی و شهری است تا بتواند از مسیر آن در رفع حوائجش کوشیده و سپس حاصل زحماتشان بین همه تقسیم و هر کس به مقدارشانی که در اجتماع دارد سهم خود را از آن برداشت کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۶). این جامعه انسانی تنها زمانی دارای اجتماعی آباد و انسان‌ساز می‌شود که دارای اصول علمی و قوانین اجتماعی عادلانه باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۶)؛ بنابراین طریق دیگری همسو با ولایت تکوینی باید باشد تا اصول و قوانین و سنن عملی عادلانه (ولایت تشریحی) را منطبق با دستگاه آفرینش (فطرت) و غایت انسان ارائه دهد (ولایت تشریحی عادلانه منطبق بر نظام عادلانه تکوین) و آن طریق دین (اسلام) است که از جانب حق تعالی به واسطه پیامبران و طریق وحی به انسان‌ها ارائه شده و سعادت واقعی انسان را ضمانت می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۸۸)؛ بنابراین از آنجا که خالق عالم تکوین حق تعالی است پس دستورات و قوانین مشخص شده (نظام تشریح) نیز منطبق بر نظام تکوین است و مانند نظام تکوین مبتنی بر عدل و حق بنا شده است پس از رهگذر این تطبیق، اجتماع انسانی نیز عادلانه خواهد شد.

مقدمه اول قیاس عملی ۱: عدالت اجتماعی باید مبتنی بر نظام عادلانه (تکوین و تشریح) الهی باشد.

## ۲-۱-۱. مبنای اول: اعتباریات (بالمعنی الاخص)

علامه برای عقل انسان دو ساحت حقیقی و اعتباری قایل بوده و معتقد است خداوند انسان را فطرتاً این گونه خلق کرده که با ادراک اعتباری (عقل عملی) شر و خیر را در مسایل عملی تمیز می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۷۴). ادراکات اعتباری، معانی و اموری

تصوری یا تصدیقی هستند که خارج از چهارچوب عمل انسانی تحقق پذیر نیستند؛ یعنی در واقع کاربرد استعاری مفاهیم حقیقی در مورد اعمال و حرکات گوناگون انسان و آنچه بدان تعلق دارد، می باشد (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۴۳۹) و «صرفاً برای دستیابی به اهداف و اغراض عملی در جامعه، بر یک سری موضوعات خاص حمل و بر آنها تطبیق می شوند و واقعیتی ورای این تطابق و خارج از ظرف عمل ندارند» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۴)؛ بنابراین انسان تنها با انگیزه عملی ساختن به آن پرداخته و آنها را وسیله ای برای دست یافتن به کمال یا مزایای زندگی با کیفیت بهتر قرار می دهد. در باب تصدیقات ادراک این که کارهایی زشت و کارهایی خوب است یا اعمالی را نباید و اعمالی را باید انجام داد، مطرح می شود همانند حسن عدالت ولی در باب تصورات، تصور مفاهیمی از جمله رئیس و مرئوس مطرح می شود. این ادراکات از حیثه عمل انسان خارج نمی باشند؛ همچنین متأثر از عوامل خارجی در انسان پدیدار نمی شوند بلکه ادراکاتی اند که انسان با الهام احساسات باطنی اش برای خود آماده می سازد. به عبارتی این احساسات مولود اقتضایی بوده که قوای فعاله و جهازات عامله انسان دارد و بدین سان انسان و ادار به اعمالی می شود. به عنوان نمونه قوای گوارشی و یا تناسلی انسان اقتضای اعمالی را می کند که باید و یا نباید انجام پذیرد و در نهایت این دو اقتضا عامل پدیدار شدن صورتی احساسی من جمله حب و بغض خواهد شد، سپس این صورت های احساسی انسان را به ادراک و اعتبار معنای حسن و قبح مجبور و نهایتاً این ادراکات بین انسان و ماده خارجی واسطه شده و بر مبنای آن عملی صورت می گیرد تا غرض و هدف ایشان حاصل شود؛ بنابراین علوم و ادراکات عملی انسان تنها در بوتۀ عمل ارزش و قیمت می یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۳) و کاملاً تکویناً از جانب حق تعالی در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۴).

مقدمه دوم قیاس عملی ۱: عدالت اجتماعی از اعتباریات عملی است.

بقای وجود بشر و رسیدن به مقاصد حقیقی معنوی و مادی، ایشان را وادار به ادراک معانی اعتباری و سپس انطباق اعمال خود بر آن می کند تا نهایتاً به سعادت حقیقی اش

برسد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۶۴). از آنجا که اعتباریات عملی از جهت متغیر یا ثابت بودن تابع احساسات دو گانه عمومی ثابت (مانند مطلق حب و بغض) و خصوصی متغیر انسان است؛ بنابراین اعتباریات عملی هم به دو قسم اعتباریات عمومی ثابت و اعتباریات خصوصی متغیر منقسم می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۸۷ الف، ص ۱۲۴). علامه طباطبایی عدالت اجتماعی را از اعتباریات عمومی ثابت غیر متغیر می‌داند. وی این گونه استدلال می‌کند «حسن و قبح ذاتی تابع آن فعلی است که متصف به یکی از این دو صفت است تا بینی فعل چه مقدار با غرض اجتماع سازگار و یا چه مقدار ناسازگار است: بعضی از افعال حسن و خوبی‌اش دائمی و ثابت است مانند عدل (اجتماعی) چون همیشه با غرض اجتماع سازگار است و یا قبح و بدیش دائمی و ثابت است مانند ظلم چون همیشه با غرض اجتماع ناسازگار است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۰).

نتیجه قیاس عملی ۱: مبانی عدالت اجتماعی باید مبتنی بر اعتباریات عملی باشد.

بنابراین، عدالت (اجتماعی) بر مبنای اعتباریات عملی دارای حسن فی نفسه، ذاتی، دائمی و ثابت است؛ زیرا همیشه با غرض اجتماع سازگار است؛ و غرض اجتماع سعادت نوع بشر است؛ بنابراین عدالت اجتماعی (با حسن دائمی و ثابت) باعث سعادت نوع بشر می‌شود. بر همین اساس باید گفت مبانی عدالت اجتماعی هم بر ابناهی عقل عملی که به سعادت بشر رهنمون می‌سازد، باید سازگار باشد.

### دسته اول: مبانی پیشا اجتماع

الف) محتوای قیاس عملی اولین بعد از مبانی عدالت اجتماعی علامه طباطبایی به شرح زیر است:

مقدمه اول قیاس عملی ۲: مبانی عدالت اجتماعی باید عامل بقای بشر باشد.

### ۲-۱-۲. مبنای دوم: اصل استخدام (عام و خاص)

علامه معتقد است انسان با دو ویژگی ممتاز فطری الهی، یعنی قوای ادراکی و تسخیر

موجودات، ادراکات و علوم طبقه‌بندی شده را تدوین و سپس به واسطه آنها به تصرف و به کارگیری موجودات محیط پیرامونش می‌پردازد تا با صرف کمترین زمان و بیشترین بهره از آنها برای حفظ وجود و بقایش بهره‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۲). بر همین اساس انسان ابتدا در ماده (جمادات) این عالم تصرف، ابزارآلاتی را فراهم می‌سازد تا با آن در سایر مواد تصرف کند، بنابراین صنایع و فنون متعددی را برای اغراض خویش شکل می‌دهد، سپس نباتات و حیوانات را برای تهیه خوراک، پوشاک، مسکن و حوائج دیگر مورد استخدام و استثمار قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۵). انسان هنگامی که با هموعان خود روبه‌رو می‌شود همین رویه را نیز به کار خواهد برد؛ زیرا از طرفی با حوایج بسیار خود که هیچ‌گاه به صورت انفرادی از پس برآوردن آنها برنخواهد آمد روبه‌رو شده و درک می‌کند که امکان رفع بخشی از آن به دست سایر هموعانش امکان‌پذیر است و از طرفی درک می‌کند نیروها و خواسته‌هایی که در وی نهفته در دیگران نیز مشهود است. بر همین اساس اضطراراً به تعاون اجتماعی تن داده و مقداری از منافع کار خویش را برای رفع نیازمندی به دیگران بخشیده و در قبال آن مقداری که برای رفع نیازمندی‌هایش نیاز دارد را از منافع عمل سایرین دریافت می‌کند؛ بنابراین حاصل کار اعضای اجتماع روی هم ریخته و هر کدام از اعضا به ازای وزن اجتماعی یعنی به اندازه ارزش کاری که به جامعه می‌دهند از محصول جامعه بهره و حوایج زندگی خود را برطرف می‌نمایند (طباطبایی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۰۶).

مقدمه دوم قیاس عملی ۲: اصل استخدام از اعتباریات عملی عامل بقای بشر است.

نتیجه قیاس عملی ۲: استخدام از مبانی عدالت اجتماعی عامل بقای بشر است.

بنابراین استخدام (عام و خاص) از مبانی اولیه عدالت اجتماعی است که انسان آن را اعتبار می‌کند تا به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۸۷)؛ در استخدام، باید رابطه انسان با هستی و سایر انسان‌ها در چارچوب معینی انجام شود تا همواره عدالت حقه برقرار شود به همین منظور رابطه انسان با هستی مبتنی بر تسخیر است که به معنای «وادار کردن فاعل به فعلش می‌باشد، به طوری که فاعل، فعل خود



را به اراده خود انجام ندهد، بلکه به اراده تسخیر کننده انجام دهد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۴۲)، به عبارتی «فاعل مسخر شده آنچه می کند به مقتضای طبع و اختیار خودش است» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۱). بر همین اساس از آن جا که بر اساس آیه (جائیه، ۱۲) تمام موجودات عالم برای انسان خلق شده است، انسان ابتدا باید با بهره گیری از حواس و فکر، مواد خام (حسی) را به قضایایی تبدیل سازد تا علوم فکری و نظری جاری در طبیعات را کسب کند و به خواص اشیاء و قوانین حاکم بر موجودات پیرامون خویش دست یابد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، صص ۵۰۶-۵۰۷) و مطابق با آن موجودات پیرامون را در جهت منافع خویش به کار گیرد. ولیکن غرض حقیقی این است که انسان به وجود اله و یگانه خدایی پی برد که تمام عالم را با نظم و قوانینی مخصوص آفریده است و آن را همواره تدبیر می کند. علامه با تأکید بر آیه (زخرف، ۳۲) در رابطه با ارتباط انسان با سایر همنوعانش تأکید می کند که افراد باید به همان مقدار مسخر (خدمت رسانی) دیگران شوند که دیگران نیز (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۸۷)؛ بنابراین مقصودش از تسخیر انسانی برقراری رابطه عدل (تقسیم و تقسیم به طور مساوی) میان انسان هاست (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۷۷).

ب) محتوای قیاس عملی دومین بعد از مبانی عدالت اجتماعی علامه طباطبائی به شرح ذیل است:

مقدمه اول قیاس عملی ۳: مبانی عدالت اجتماعی باید ملایم با طبع باشد.

### ۲-۱-۳. مبانی ۳: اصل حسن و قبح

عقل عملی انسان، حسن و قبح را درک و حکم به نیکو یا قبیح بودن فعل می دهد. این عقل ابتدایات حکمش را از احساسات باطنی (قوای شهویه و غضبیه بالفعل) گرفته و نیازی به فعلیت یافتن ندارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۲۲). علامه معتقد است که انسان بسیاری از حوادث طبیعی را از این جهت که دوست دارد، خوب می داند و بالعکس، از آن جهت که دشمن می دارد، بد می داند. بر همین مبنا انسان بسیاری از اندامها و مزهها

و بوه‌ها را که از طریق ادراک حسی درک می‌کند را خوب و برخی دیگر را بد می‌انگارد ولیکن این خوبی و بدی مطلق نیست و واقعیت مطلق ندارد ... زیرا موجودات ادراکات حسی متفاوتی دارند؛ بنابراین دو صفت حسن و قبح که دارای خواص طبیعی حسی‌اند نسبی بوده و «به کیفیت ترکیب سلسله اعصاب یا مغز انسان» وابسته هستند (طباطبایی، ۱۳۸۷ الف، ص ۱۲۷). می‌توان گفت از منظر علامه حسن و قبح ملائمت یا عدم ملائمت آن با قوه ادراک است و از آنجا که افعال اختیاری با کار بست نسبت و جوب انجام می‌پذیرد، پس انسان هر کاری را با اعتقاد به مقتضای قوه فعاله عملی می‌سازد، بر همین اساس کاری را که سازگار با قوه فعاله است را حسن و کاری را که ناسازگار است را قبیح می‌داند. پس «حسن و قبح در افعال» دو صفت اعتباری هستند که در تمام افعال صادره (انفرادی و اجتماعی) اعتبار دارند (طباطبایی، ۱۳۸۷ الف، ص ۱۲۸).

مقدمه دوم قیاس عملی ۳: اصل حسن و قبح از اعتباریات عملی ملائمت با طبع است.  
 نتیجه قیاس عملی ۳: اصل حسن و قبح از مبانی عدالت اجتماعی ملائمت با طبع است.

همان‌گونه که ملائمت با طبع بودن یا نبودن را علامه به‌عنوان معیار حسن و قبح اعتباری از جانب انسان‌ها می‌داند؛ این معیار برای اعتبار عدالت اجتماعی قابل تبیین است. بر همین اساس «عدالت اجتماعی مورد ملائمت با طبع و تمایل نوع بشر است و چیزی که ملائمت با طبع باشد و نفس به آن تمایل داشته باشد دارای حسن اعتباری است، بنابراین عدالت (اجتماعی) دارای حسن اعتباری است» (هاشمی و بابایی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۴) به عبارتی عدالت اعتباری اعتبار و جعل عدالت برای افعالی خاص از دیدگاه اشخاص متعدد است؛ یعنی انسان‌ها می‌توانند فعلی مشخص را مصداق فعل عادلانه بدانند یا ندانند (هاشمی و بابایی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰). ولی عدالت همیشه موافق طبع انسان است یعنی همگی انسان‌ها به‌قرار گرفتن هر چیزی در مکان یا شرایطی که شایسته آن است، تمایل داشته و آن را همیشه حسن می‌دانند و اختلافی ندارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۷۸)؛ بلکه ایشان ممکن است در مصادیق عدالت اجتماعی با یکدیگر اختلاف داشته باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۷۱) به این دلیل که دارای سبک‌های زندگی متفاوتی هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵،

ص ۱۲). گفتنی است حسن دانستن عدالت و حتی مصادیق راستین آن به درستی علوم عقلی کسب شده و سلامت فطرت باز می‌گردد؛ زیرا انسان در صورتی با ادراک حقیقی خود حق را حق و باطل را باطل می‌انگارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۰۹) که از فطرت سلیم برخوردار باشد. در این صورت خداوند الهامات الهی خویش را در تشخیص اعمال شایسته از ناشایسته (حسن و قبح اعمال) بر دل و عقل انسان عرضه می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۰۷).

ب) محتوای قیاس عملی سومین بعد از مبانی عدالت اجتماعی علامه طباطبایی به شرح ذیل است:

مقدمه اول قیاس عملی ۴: مبانی عدالت اجتماعی باید عامل تعالی اعتقادی فرد باشد.

#### ۲-۱-۴. مبانی ۴: اصل عدالت اعتقادی

علامه اولین قسم عدالت را عدالت اعتقادی می‌دانند که به معنای ایمان آوردن به حق است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۷۸). ایشان بر اساس فرموده امام صادق علیه السلام مومن حقیقی را دارای روحی اختصاصی به نام ایمان می‌دانند و معتقدند که انسان متعالی باید سعیش بر آن باشد تا وجه تمایز انسانیتش که همان روح ایمان است همانند نوری در وجودش مستقر و چراغ راهش گردد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۳۶). علامه ایمان را به معنای جایگزین شدن اعتقاد (به توحید، نبوت و امامت، عدل، معاد) در قلب می‌داند که از ماده (ع-م-ن) اشتقاق یافته، زیرا ایمان، به کسی که به حق اعتقاد یافته، امنیت و سکینه می‌دهد، یعنی چنان به آرامش قلبی می‌رسد که هرگز دچار تردید و اضطراب قلبی و عملی در تصمیم و اراده نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۹). این ایمان دارای مراتبی تشکیکی است که انسان باید آن مراتب را طی کند تا به کمال وجودی خویش دست یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۳). مرحله اول شهادتین زبانی همراه با پذیرفتن ظواهر اوامر و نواهی الهی است، مرحله دوم انقیاد و تسلیم قلبی به اعتقادات حقه تفصیلی و اعمال صالح است. مرحله سوم نفس آدمی متخلق به اخلاق می‌شود و خدا را آنچنان بندگی می‌کند گویی تنها

حق تعالی را می‌بیند. در مرحله چهارم انسان متعبد شامل عنایت ربانی شده و برایش مشهود می‌گردد که ملک تنها مختص خداوند است و هیچ چیزی در برابر حق تعالی مالکیت مستقل ندارد. مرحله آخر انسان به مقام اولیا خدا نایل و به این یقین می‌رسد که تمام اسباب، سببیتش به اذن خداست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۴۵۵-۴۵۷). خداوند هم بندگی عابد را پذیرفته، خودش متولی امور او می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۱۹).

مقدمه دوم قیاس عملی ۴: اصل عدالت اعتقادی از اعتباریات عملی عامل تعالی اعتقادی فرد است.

همان گونه که اشاره شد؛ «ایمان» سکون و آرامش علمی خاص نفس نسبت به تعلق ایمان است که لازمه آن، التزام عملی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۶). پس «ایمان» صرف ادراک نیست، بلکه عبارتست از پذیرایی و قبول مخصوصی از ناحیه نفس، نسبت به آنچه که درک کرده. قبولی که باعث شود نفس در برابر آن ادراک و آثاری را که اقتضاء دارد تسلیم شود و علامت داشتن چنین قبولی این است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را قبول نموده، مانند خود نفس در برابرش تسلیم شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۸۴)؛ بنابراین خداوند ایمان را بر تمام اعضاء و جوارح انسان واجب و تقسیم نموده است، به گونه‌ای که تمام اعضا موظف به ایمانی مخصوص به خود هستند و انسان متعالی باید مطابق آن عمل نماید یعنی به انجام واجبات پرداخته و از محرّمات دوری گزیند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۳۹).

نتیجه قیاس عملی ۴: عدالت اعتقادی باید از مبانی عدالت اجتماعی عامل تعالی اعتقادی فرد باشد.

ب) محتوای قیاس عملی چهارمین بعد از مبانی عدالت اجتماعی علامه طباطبایی به شرح ذیل است:

مقدمه اول قیاس عملی ۵: مبانی عدالت اجتماعی باید عامل تعالی اخلاقی فرد باشد.

## ۲-۱-۵. مبنای ۵: اصل عدالت فردی (انسانی فی نفسه)

علامه معتقدند ذات آدمی ترکیبی از سه قوه شهویه، غضبیه، نطقیه فکریه است و تمامی اعمال و افعال انسان، از این قوا نشأت می‌گیرد که از قوه شهویه افعالی برای جلب منافع و از قوه غضبیه افعالی برای دفع مضرات و از قوه نطقیه فکریه افعالی ذهنی صادر می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۵۸). اتحاد قوای یادشده وحدتی ترکیبی را شکل می‌دهد که آدمی را به سعادت حقیقی‌اش می‌رساند؛ از این رو انسان باید این قوا را به گونه‌ای مدیریت کند تا به افراط و تفریط کشیده نشود و از حد میانه منحرف نگردد. حد اعتدال قوه شهویه، غضبیه و فکریه این است که از افراط و تفریط آنها جلوگیری و تنها درجایش به کار بسته شود در این صورت از قوه شهویه فضیلتی به نام عفت و از قوه غضبیه، شجاعت و از قوه فکریه، حکمت حاصل می‌شود. در صورتی که سه فضیلت مذکور در انسان جمع گردد، ملکه چهارمی به نام عدالت و اخلاق فاضله در وجود آدمی حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۵۵۹-۵۶۰).

مقدمه دوم قیاس عملی ۵: اصل عدالت فردی از اعتباریات عملی عامل تعالی اخلاقی فرد است.

نتیجه قیاس عملی ۵: اصل عدالت فردی باید از مبانی عدالت اجتماعی عامل تعالی اخلاقی فرد باشد.

علامه معتقد است که تهذیب نفس و کسب اخلاق فاضله، از دو طریق قابل وصول است. در طریق اول اخلاق انسان از طریق توجه به غایات اخروی (فواید اخروی) که کمالات حقیقی قطعی هستند، اصلاح و تهذیب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۳۶). علامه برای طریق مذکور دو روش تلقین علمی و تکرار عملی را برای اعتدال اخلاقی ارائه می‌دهد. در طریق علمی انسان باید نخست به فضایل اخلاقی و حسن آن‌ها ایمان آورد، سپس به صورت عملی آن فضایل اخلاقی را آن قدر تکرار کند تا در نفسش رسوخ یابد و تبدیل به ملکه گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۶۰). طریق دیگر این است که انسان‌ها از نظر اوصاف و طرز تفکر، به گونه‌ای تربیت شوند که اصلاً رذایل اخلاقی

موضوعیت نخواهد داشت؛ زیرا در این طریق انسان ملک عالم را تماماً از آن خداوند دانسته، با حب حقیقی به حق تعالی تنها وجه حق را طلب و تمام افعال و صفاتش صبغه الهی یافته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۳۹).

#### دسته دوم: مبانی پسا اجتماع

الف) محتوای قیاس عملی پنجمین بعد از عدالت اجتماعی علامه طباطبایی به شرح ذیل است:

مقدمه اول قیاس عملی ۶: مبانی عدالت اجتماعی باید باعث تعالی جامعه باشد.

#### ۲-۱-۶. مبنای ۶: عدالت اجتماعی

علامه اجتماع را همانند فرد، یک شخصیت واحد و حقیقی دارای فهم، اراده و عمل در مقیاس وسیع می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۲)؛ و معتقد است که سعادت فرد در گرو سعادت جامعه است، به عبارتی سعادت اجتماع هدف واسطه‌ای و زمینه‌ساز برای هدف غایی و والاتر یعنی سعادت حقیقی مجموع افراد اجتماع است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۹). سعادت مجموع افراد اجتماع «همان سعادت روح و سعادت جسم توأمان است یعنی به عبارتی سعادتش در آن است که از یک سو از نعمت‌های مادی برخوردار شود و از سوی دیگر جانش با فضائل اخلاقی و معارف حقه الهیه آراسته گردد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۶۵) که این مهم تنها در سایه عدالت اجتماعی برقرار می‌شود. علامه معتقد است مقصود از عدالت اجتماعی این است که با هر کدام از اعضای جامعه به گونه‌ای رفتار شود که استحقاق آن را دارد و درجایی قرار گیرد که سزاوار آن جایگاه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۷۹). مقدمه دوم قیاس عملی ۶: اصل عدالت نسبت به دیگران از اعتباریات عملی عامل تعالی جامعه است.

نتیجه قیاس عملی ۶: اصل عدالت نسبت به دیگران از مبانی عدالت اجتماعی عامل تعالی جامعه است.

اولین بعد عدالت اجتماعی که نظام اسلامی باید در ابعاد حاکمیت، مجریه، مقننه و قضاییه آن را مورد توجه قرار دهد، تساوی در حقوق است به این معنا که هر یک از اعضای جامعه با استعدادهای مختلف و تجارب گوناگون (با شرایط رشد و پیشرفت برابر در برخورداری از منافع اجتماعی) باید در جایگاه مختص به خود قرار گیرند و هر یک به اندازه توانایی اش پیشرفت کند، بدون اینکه مانعی بر سر راهش قرار گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۱۴). پس مقصود از تساوی در حقوق این است که همه افراد بشر در استحقاق رعایت شدن حقوق واجبشان (چه کم و چه زیاد) یکسان بوده و حقوق تمامی افراد در هر سطحی محترم و محفوظ است گر چه آن حقوق به نسبت اختلاف و ارزش اجتماعی افراد جامعه متفاوت باشد. لیکن این سخن به این معنا نیست که تمامی افراد بشر در همه حقوق مساوی باشند، زیرا یکی نافع و دیگری مضر و سم مهلکی برای جامعه است و حیات جامعه را به مخاطره می اندازد و مسلماً فطرت انسانی صریحاً حکم بر آزادی کامل (بدانند اراده و عمل را کجا به کار برند) فرد نافع و سلب آزادی فرد مضر می دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۵۱۲). دومین بعد عدالت اجتماعی، تساوی در قانون گذاری است؛ به این معنا که همه افراد اجتماع باید در احکام قانونی برابر باشند یعنی احکامی که به نفع ایشان است و احکامی که به ضرر ایشان است، برابر باشد. البته علامه تأکید دارند که این تساوی را باید با حفظ وزن اجتماعی افراد مراعات کرد، آن شخصیتی که در رشد و استکمال جامعه در موقعیت های گوناگون حیات اجتماعی نقش مؤثرتری نسبت به شخصیتی که آن اثر مثبت را ندارد، باید متفاوت باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۴۹).

ب) محتوای قیاس عملی ششمین بعد از مبانی عدالت اجتماعی علامه طباطبایی به شرح ذیل است:

مقدمه اول قیاس عملی ۷: مبانی عدالت اجتماعی باید باعث وحدت جامعه در سمت و سوی تعالی باشد.

## ۲-۱-۷. مبنای ۷: اصل ملک (حکومت)

علامه حکومت و ولایت را از اعتباریاتی می‌داند که انسان‌ها فطرتاً ضرورت آن را اعتبار و درک می‌کنند که باید نیرویی جهت اداره و تدبیر امور نظام جامعه (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۵) و شخصی در راس آن باشد تا جامعه را سرپرستی و اراده‌های متفرق اجزای جامعه را یکجا متمرکز کند و جامعه به گونه‌ای مدیریت شود تا همه اعضای جامعه بدون هیچ مانعی به کمال شایسته (سعادت مادی و معنوی) خویش برسند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۶) و این تنها در سایه حکومت اسلامی، توسط حاکمی عادل با قوانین عادلانه فراهم خواهد شد. والی و حاکم جامعه اسلامی نبی و دوازده امام است؛ ولی حاکم اسلام بعد از غیبت آخرین امام بر عهده مسلمانان است تا در چارچوب دین وی را با چند ویژگی اساسی: علم همه‌جانبه به مصالح و مفاسد زندگی اجتماعی، نیروی جسمانی کافی برای اجرای مصالح جامعه (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۶)، حکومت طبق سیره، حافظ احکام اسلام، مشورت با عقلا در موارد عدم وجود حکم الهی معین سازند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۹۶). اجتماع اسلام هنگامی به‌طور کامل تحقق می‌یابد که قوانینش در بین افراد بشر حکومت و اعضای جامعه ملزم به رعایت و حفظ آن باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۸۹).

مقدمه دوم قیاس عملی ۷: اصل ملک از اعتباریات عملی باعث وحدت جامعه در جهت تعالی است.

نتیجه قیاس عملی ۷: اصل ملک از مبانی عدالت اجتماعی باعث وحدت جامعه در جهت تعالی است.

عدالت سیاسی تنها در سایه حکومت اسلامی برقرار می‌شود؛ زیرا تنها نوع حکومتی است که بر پایه عدالت تشکیل و حاکم حقیقی آن خداوند است، در چنین جامعه‌ای تمام انسان‌ها از حقوق برابری برخوردارند، هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد و «از آنجا که جامعه از مردم تشکیل یافته پس باید اختیارش هم به دست ایشان باشد و همگی در مسئولیت امر جامعه باهم برابر باشند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۹۴) به این معنا که



اعضای جامعه می‌توانند طبق اصل مردم سالاری دینی در امر تأسیس حکومت اسلامی، تعیین مسئولان و امر قانون‌گذاری (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۹) در حیطة ضوابط الهی مشارکت و مورد مشورت قرار گیرند و همچنین طبق قاعده امر به معروف و نهی از منکر (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۷۸) بر حکومت نظارت داشته باشند؛ بنابراین حکومت خداوند بر مردم به وسیله مردم و خواست ایشان عملی می‌گردد و این عین عدالت سیاسی است.

پ) محتوای قیاس عملی هفتمین بعد از مبانی عدالت اجتماعی علامه طباطبایی به شرح ذیل است:

مقدمه اول قیاس عملی ۸: مبانی عدالت اجتماعی باید باعث حفظ منافع افراد در جهت تعالی جامعه باشد.

#### ۲-۱-۸. مبانی ۸: اصل ملکیت

اعتبار اصل ملکیت از دیگر اعتبارات ضروری است که بشر در هیچ حالی (فردی و جمعی) از آن بی‌نیاز نیست و ریشه آن به اعتبار اختصاص منتهی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۲۶). در اعتبار اختصاص، انسان با نیروی فهم غریزی خود درک می‌کند تصرف در مواد پیرامونش برای رفع حوائج طبیعی و انتفاع که به منظور حفظ وجود و بقایش صورت می‌گیرد، میسر نمی‌گردد مگر آن که اصل اختصاص وجود داشته باشد (یک عمل مختص به یک فاعل باشد). طبق این اصل، انسان باید از مداخله و تصرف دیگران در آنچه اختصاص به ایشان دارد جلوگیری کند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲، صص ۲۴۵ - ۲۴۶). اساس زندگی اجتماعی انسان نیز تنها با نیروی اختصاص پایدار و برقرار می‌ماند و جامعه و وظیفه دارد که به اصلاح اصول فطری و تنظیم آن به صورت قوانین اجتماعی پردازد. بر همین اساس اصل ملکیت شکل می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۴۷). به موجب این اصل انسان می‌تواند در چیزهایی که با کوشش خویش به دست آورده، به دلخواه تصرف کند و این اصل در حقیقت تکمیل یافته اصل «اختصاص» است؛ زیرا اصل اختصاص مانع مزاحمت

دیگران می‌شد و اصل ملکیت، هر نوع تصرفی را برای مالک در آن چیز مشروع می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج، ص ۳۰۸).

مقدمه دوم قیاس عملی ۸: اصل ملکیت از اعتباریات عملی حافظ منافع افراد در جهت تعالی جامعه است.

نتیجه قیاس عملی ۸: اصل ملکیت از مبانی عدالت اجتماعی حافظ منافع افراد در جهت تعالی جامعه است.

علامه تأکید می‌کند که اسلام اصل ملکیت را محترم شمرده است. طبق این اصل، انسان می‌تواند هر گونه که بخواهد، در اموال خود تصرف مشروع نماید اما هرگز نمی‌تواند تصرفاتی که خلاف مصلحت اجتماع و به ضرر مسلمین است را انجام دهد (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج، ص ۳۰۹). اصل مالکیت، مهم‌ترین اصلی است که آزادی فرد را در محدوده مقررات، تأمین می‌کند و باید جامعه اسلامی به عملی ساختن آن بر اساس چارچوب اسلامی اهتمام ورزد. تسلط کامل مالک بر ملک خود و آزادی وی در هر تصرف مشروعی ممکن است از دو روش تجاوز و وارد شدن ضرر و زیان به مخاطره افتد. اسلام برای جلوگیری از آن دو اصل ضمان و قاعده ضرر را مقرر داشته است که به وسیله آن جریان اصلی مالکیت خودبه‌خود تأمین می‌شود. علامه معتقدند: «به‌طور کلی وسیله مالک‌شدن از نظر اسلام دو چیز است: ۱. آن‌که در انجام آن، عملی لازم است مانند خرید و فروش که برای انجام آن باید «عقد بیع» بخوانند، یا دادوستد نمایند. این دو مورد از پایه‌های اساسی اجتماع مدنی است زیرا هر آنچه را که یک انسان در زندگی‌اش نیاز دارد باید در این قالب تأمین نماید و در نهایت ۲. آن‌که به عملی احتیاج ندارد، مانند وفات که به وسیله آن اموال مالک به ورثه‌اش منتقل می‌شود و لفظ یا عمل دیگری لازم نیست» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج، صص ۳۱۱ - ۳۱۲).

ت) محتوای قیاس عملی هشتمین بعد از مبانی عدالت اجتماعی علامه طباطبایی به شرح ذیل است:

مقدمه اول قیاس عملی ۹: مبانی عدالت اجتماعی باید حافظ مصلحت عمومی جامعه

در جهت تعالی باشد.

## ۲-۱-۹. مبنای ۹: عدالت اقتصادی (مالکیت اجتماعی)

علامه «اقتصاد» را «به معنای میانه‌روی در امور و پرهیز از افراط و تفریط» می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۵۴). ایشان در ذیل آیه شریفه ۵ سوره نساء به توسعه اقتصادی اشاره و بیان می‌کند: «مال» ملک حقیقی حق تعالی است که آن را برای قوام، معاش و بقای حیات جامعه انسانی قرار داده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۷۳). به عبارتی علامه، جامعه را دارای شخصیت واحدی می‌داند که مالک تمام اموال زمین است و حق تعالی زندگی این شخصیت واحد را به واسطه این اموال تأمین و آن را رزقش کرده، پس جامعه باید به اداره امر آن مال پردازد، یعنی توسعه و رشدش دهد تا روزانه بیشتر گردد و برای تمام افراد جامعه کفایت کند، بنابراین جامعه باید در ارتزاق با مال اقتصاد را پیشه خود سازد و از فساد و ضایع ساختنش جلوگیری کند. ایشان حیات اجتماع را به حدی دارای اهمیت می‌داند که در صورت تراحم بین مالکیت فردی و جمعی اولویت را با رعایت مصالح جمعی و حفظ اموال عمومی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۷۱). بر همین اساس، اسلام احتکار پول را عامل لغویت ارزش اشیاء و بی‌اثر شدن پول برمی‌شمارد؛ زیرا این عمل را عامل تعطیلی و رکود بازار دانسته که حیات جامعه را متوقف می‌کند ولی عدم احتکار پول، بازار اجتماع را زنده نگه‌داشته و معاملات را به جریان می‌اندازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۵۰) و می‌توان از آن در اصلاح شئون مختلف زندگی و برطرف ساختن احتیاجات ضروری جامعه از جمله کمک به فقیران، افزایش سود کاسبان و کارگران، ازدیاد سرمایه، معالجه بیماران، آزاد ساختن اسیران، نجات بدهکاران، دفاع از حریم کشور و اصلاح مفاسد اجتماعی بهره برد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۵۱) تا جامعه به سعادت برسد.

مقدمه دوم قیاس عملی ۹: مالکیت اجتماعی از اعتباریات عملی حافظ مصلحت عمومی جامعه در جهت تعالی است.

نتیجه قیاس عملی ۹: مالکیت اجتماعی از مبانی عدالت اجتماعی حافظ مصلحت عمومی جامعه در جهت تعالی است.

علامه در تفسیر آیه ۲۵ سوره حدید به بیان اقتصاد مبتنی بر عدالت و توزیع عادلانه ثروت می‌پردازد و تأکید دارند که باید نظام حاکم و مردم در عملی کردن آن اهتمام ورزند. علامه معتقدند: مقصود خداوند در انزال ترازو این است که مردم را به عدالت در معاملات سفارش کند تا دچار خسران و ضرر نشوند به این معنا که اختلال در وزن‌ها ایجاد نشود و نسبت بین اشیاء محفوظ گردد زیرا قوام زندگی بشر منوط به اجتماع عادلانه و قوام اجتماع عادلانه به معاملات و مبادلات عادلانه است که در اجتماع برقرار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۰۱)؛ بنابراین علامه عدالت اقتصادی را مهم‌ترین عاملی می‌داند که قوام جامعه انسانی را ضمانت و آن را به سعادت حقیقی‌اش می‌رساند و در صورت بی‌توجهی به آن، جامعه به دو قطب فقیر و ثروتمند تقسیم شده، قطب اول وادار به اختلاس اموال دیگران و قطب دوم با ثروت انباشته به اسراف و بی‌بندوباری در شهوات می‌پردازد و این مفسد هریک به اندازه خود تأثیر مستقیمی در اختلال نظام بشری دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، صص ۳۳۰-۳۳۱)؛ درحالی که نظام «باید حیازت اموال و جمع‌آوری ثروت و احکام مجعول برای تعدیل جهات مملکت و جدا ساختن آن از خوردن مال به باطل را ضمانت کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، صص ۳۳۰-۳۳۱).  
 ت) محتوای قیاس عملی نهمین بعد از مبانی عدالت اجتماعی علامه طباطبایی به شرح ذیل است.

مقدمه اول قیاس عملی ۱۰: مبانی عدالت اجتماعی باید موجب قوام اجتماع باشد.

## ۲-۱-۱۰. مبانی ۱۰: اصل حقوق اجتماع (مختصات غیرمالی)

همان‌گونه که پیش‌ازاین اشاره شد، اسلام دینی مبتنی بر فطریات است و اختصاصات مربوط به غیر مال که اصطلاحاً حقوق نامیده می‌شود را محترم شمرده و برای آن حدودی را مشخص کرده است تا حقی از حقوق افراد و اجتماع ضایع نگردد

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۸). در اندیشه علامه بقای نسل یکی از حقوق (اجتماع) است که قوام اجتماع منوط به آن است. بر مبنای دیدگاه علامه، قوام فرد در طول قوام اجتماع است. علامه این گونه تبیین می کند که طبق نظام جاری در عالم صنع و ایجاد از نوع انسانی، بر بقای نوع انسان تأکید شده است که البته با بقای افراد تأمین می شود؛ به همین منظور برای تضمین و تأمین این غرض بنیه و ساختمان بشر را مجهز به جهاز تناسلی و نیروی شهوت کرده تا به این وسیله سلسله نسل این نوع بدون تعطیل و انقطاع ادامه حیات دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۳۰)؛ بر همین اساس است که مجتمعات انسانی در گذشته و امروز همگی دارای سنت ازدواج بوده اند و خانواده تشکیل می داده اند و این بدان جهت است که تنها ضامن بقای نسل بشر، ازدواج است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۰).

مقدمه دوم قیاس عملی ۱۰: اصل حقوق اجتماعی موجب قوام اجتماع است.

نتیجه قیاس عملی ۱۰: اصل حقوق اجتماعی از مبانی عدالت اجتماعی موجب قوام اجتماع است.

انسان باید همواره خود و جامعه را از فحشا که عامل زایل شدن سعادت فردی و اجتماعی می شود و ویرانگر اساس خانواده و بقای نسل است، حفظ نماید. بر همین اساس، زنا از مصادیق فحشا است که بقای نسل و تعاملات اجتماعی را دچار اختلال می سازد. علامه، زنا را باعث باطل شدن گزینه طبیعی و فطری انسان و غفلت اجتماع بشری از غایت و هدف اصلی سعادت و نابودی انسانیت می داند که در نهایت موجب برهم زدن انسب و رشته خانوادگی می شود و دیگر جایی برای احکام ارث و نکاح باقی نمی ماند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۸۸). یکی دیگر از عوامل مهمی که در تعاملات اجتماعی ضرورت می یابد و همواره در قرآن مورد تأکید است، شهادت دادن به قسط و عدالت است. دستور به شهادت دادن صحیح و راست، در دو جا و با دو ادبیات گوناگون (نساء، ۱۳۵) و (مائده، ۸) ذکر شده است. شهادت دروغ دادن را می توان ناشی از دو علت اصلی دانست: یکی دوست داشتن (حب) و طرفداری از فرد یا افراد؛ مخالفت و دشمنی با

مشهود علیه. هردوی این موارد می‌تواند شاهد را از مسیر حق و عدالت خارج و تعاملات انسانی را فاسد گرداند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۳۷).

### نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، استنتاج مبانی عدالت اجتماعی مبتنی بر ادراکات اعتباری علامه بود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مبانی عدالت اجتماعی مبتنی بر اعتباریات عملی در دودسته پیشا اجتماع و پسا اجتماع قابل تبیین است. ۱- در مبانی پیشا اجتماع، اولین مبنا، استخدام (عام و خاص) است که ریشه آن حواجیج و نیازمندی‌های انسان است و او را وامی‌دارد تا برای رفع آن از همه چیز (جمادات، نباتان، حیوانات و انسان) برای برطرف ساختن آن بهره‌گیرد که در نهایت منجر به تشکیل اجتماع تعاونی گشته و محصول کار جامعه روی هم ریخته می‌شود تا هر یک از افراد به مقدار ارزش کاری که به جامعه می‌دهند، نیازمندی‌های زندگی خود را رفع نمایند. دومین مبنا، حسن اعتباری عدالت اجتماعی است، بر اساس این اصل، عدالت همیشه ملایم با طبع انسان است؛ در صورتی که بر مبنای علوم نظری در مجرای فطرت سلیم حاصل شود که در این صورت می‌توان مصادیق مختلفی از آن را هم حل کرد. سومین مبنا، عدالت اعتقادی به معنای ایمان آوردن به حق و عمل به آن است. چهارمین مبنا، عدالت فردی به معنای تعدیل در قوای سه‌گانه غضبیه، شهویه و نطقیه فکریه است که از طریق توجه به فواید اخروی و با دوروش تلقین علمی و تکرار عمل، اخلاق فاضله برای انسان حاصل می‌شود. ۲- در مبانی پسا اجتماع اولین مبنا، عدالت اجتماعی است که بر اساس آن هر یک از اعضای جامعه متناسب با استعداد خویش در جایگاهی قرار می‌گیرند که استحقاق آن را دارند و همگی در برابر احکام قانونی مساوی‌اند ولی با در نظر داشتن وزن اجتماعی افراد. دومین مبنا، عدالت سیاسی است به این معنا که اعضای جامعه بر اساس اصل مردم‌سالاری دینی در امر تأسیس حکومت، تعیین مسئولان و امر قانون‌گذاری در حیطه ضوابط الهی مشارکت و مورد مشورت قرار گیرند. سومین مبنا، ملکیت است که انسان به موجب این اصل در ممالکش تحت حفاظت حکومت به‌طور دلخواه تصرف می‌کند. چهارمین مبنا،

عدالت اقتصادی است که بر اساس آن حکومت، مال در دسترس را به نحو احسن مطابق با احکام اسلام تدبیر و رشد می‌دهد تا مصالح جمعی حفظ شود. پنجمین مبنا، حقوق اجتماع در سایه تشکیل خانواده و قوام نسل است که قوام اجتماع با آن تأمین می‌گردد.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. باقری، خسرو. (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲. حسنی‌فر، عبدالرسول. (۱۳۹۶). کارکرد نظریه ادراکات اجتماعی در اندیشه سیاسی- اجتماعی علامه طباطبایی، پژوهش‌های فلسفی- کلامی، ۱۹(۷۱)، صص ۲۳۷-۲۵۷.
۳. خان‌دو‌زی، سید احسان؛ مصطفوی ثانی، علی و سرآبادانی، حسین. (۱۳۹۹). طراحی و برآورد شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی در ایران. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۷(۱۰۲)، صص ۴۱-۵.
۴. فوزی، یحیی؛ فیروزی، آیت‌الله. (۱۳۹۹). چالش‌ها و راهبردهای تحقق عدالت اجتماعی بر اساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۱(۳۶)، صص ۱۱۷-۱۴۸.
۵. کرمی قهی، محمدتقی؛ جنگ، عباس. (۱۳۹۶). اعتباریات اجتماعی و ضرورت عدالت. نقدونظر، ۲۲(۸۶)، صص ۴-۳۴.
۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (ج ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۹، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۷الف). اصول فلسفه رئالیسم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۷ب). آغاز فلسفه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۷ج). تعالیم اسلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.



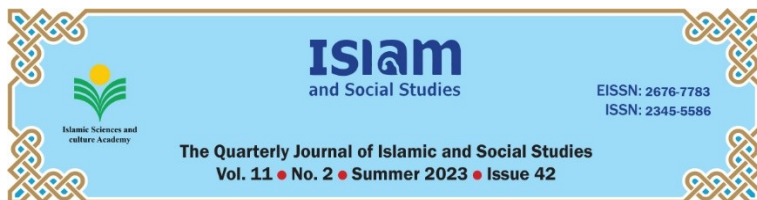
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۷د)، ترجمه نه‌ایة الحکمه (مترجم: مهدی تدین). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۸الف). قرآن در اسلام (طبع جدید). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۸ب). بررسی‌های اسلامی (ج ۱ و ۲). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۸ج). انسان از آغاز تا انجام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۴. لک زایی، نجف؛ فلاح، محمود. (۱۳۹۴). بررسی جایگاه نظام اجتماعی در اندیشه سیاسی علامه طباطبایی. سپهر سیاست، ۲(۳)، صص ۸۳-۱۱۳.
۱۵. هاشمی کروی، سید علی اکبر؛ بابایی، حبیب‌الله. (۱۳۹۶). نظریه عدالت اجتماعی علامه طباطبایی و مبانی آن. فصلنامه علمی - پژوهشی نقد و نظر، ۲۲(۸۶)، صص ۹۳-۱۱۷.

## References

\* Quran Holy

1. Bagheri, Kh. (1389 AP). *Research approaches and methods in the philosophy of education*. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. [In Persian]
2. Fouzi, Y., & Firouzi, A. (1399 AP). Challenges and strategies to realize social justice based on the method of layered analysis of causes, *contemporary political essays*, 11(36), pp. pp. 148-119. [In Persian]
3. Hasani Far, A. (1396 AP). The function of the theory of social perceptions in the social-political thought of Allameh Tabatabai, *Philosophical-Theological Researches*, 19(71), pp. 237-257. [In Persian]
4. Hashemi Karroubi, S. A., & Babaei, H. (1396 AP). Allameh Tabatabai's theory of social justice and its foundations. *Scientific Research Quarterly of Philosophy and Theology*, 22(86), pp. 93-117. [In Persian]
5. Khandozi, S. E., Mostafavi Thani, A., & Sar Abadani, H. (1399 AP). Designing and estimating the composite index of social justice in Iran, *Parliament and Strategic Quarterly*, 27(102), pp. 5-41. [In Persian]
6. Karmi Qahi, M. T., & Jang, A. (1396 AP). Social Credits and the Necessity of Justice, *criticism and Opinion*, 22(86), pp. 4-34. [In Persian]
7. Lakzai, N., & Fallah, M. (1394 AP). Examining the position of social system in the political thought of Allameh Tabatabai, *The Domain of Politics*, 2(3), pp. 83-113. [In Persian]
8. Tabatabayi, M. H. (1374 AP). *Translation of Tafsir al-Mizan* (Vols. 1-20, M. B. Mousavi Hamedani, Trans.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
9. Tabatabayi, M. H. (1387 a AP). *Principles of Realism Philosophy*. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [In Persian]
10. Tabatabayi, M. H. (1387 b AP). *The Beginning of Philosophy*. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [In Persian]





## Research Article

# The Meaning of Modern Money and Its Relationship with Interest from Simmel's Perspective<sup>1</sup>

Hamid Parsania<sup>2</sup>

Mahdi Soltani<sup>3</sup>

Mohammad Javad Khosravi<sup>4</sup>

Received: 26/01/2023

Accepted: 08/10/2023



## Abstract

Instrumental rationality perceives money as a merely efficient tool for maximizing individual interests, manifested in the form of interest. Zimmel, departing from technical rationality, presents a philosophical and theological understanding of money. Zimmel considers interest as a necessary aspect of pure money but does not elaborate on it in detail. In this article, using a descriptive-analytical method, we revisit the meaning of money according to Zimmel and its relationship with interest. The

1. This article is taken from a doctoral thesis entitled: "Formulating the Meaning of Money and its Social Implications in Islamic Wisdom in Confrontation with Zimmel's Philosophy of Money" (Supervisor: Hamid Parsania, Advisor: Mahdi Soltani), Faculty of Culture, Social Sciences, and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran .  
Email: h.parsania@ut.ac.ir. ORCID: 0000-0002-2424-2931

3. Assistant Professor, Faculty of Culture, Social Sciences, and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. Email: m.soltani@bou.ac.ir ORCID: 0009-0008-1678-5152

4. Ph. D. student, Philosophy of Social Sciences, Faculty of Culture, Social Sciences, and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding Author).  
Email: mohamadtahakh1401@gmail.com ORCID: 0009-0002-0108-5280

\* Parsania, H., Soltani, M., & Khosravi, M. J. (1402 AP). The Meaning of Modern Money and Its Relationship with Interest from Simmel's Perspective. *Journal of Islam and Social Studies*, 11(42), pp. 62-86. <https://Doi.org/10.22081/JISS.2023.65784.1988>

© The Author (s).

research findings indicate that modern money has an inherent identity relationship with interest. Money has three layers of meaning: the formal layer, the pure will layer, and the theological layer. The formal layer of money contradicts the concept of interest rates, while in the pure will layer, money stimulates the economy and establishes a bond between subject and object through interest. In the theological layer, where money replaces God, interest becomes a form of religious tribute paid to money. Due to the separation from pure existence and the real divine, humans seek self-expansion and self-enrichment through exploiting lower classes by realizing interest.

**Keywords**

Zimmel, money, interest, form, pure will, theology.

## مقاله پژوهشی

### معنای پول مدرن و نسبت آن با بهره از نگاه زیمل<sup>۱</sup>

حمید پارسانیا<sup>۲</sup>      مهدی سلطانی<sup>۳</sup>      محمدجواد خسروی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

©Author(s).



#### چکیده

عقلانیت ابزاری، پول را تنها ابزاری کارآمد در جهت پیشینه کردن منافع سوژه می‌بیند که به صورت بهره متبلور می‌شود. زیمل با فرارفتن از عقلانیت تکنیکی، معنایی فلسفی الهیاتی از پول ارائه کرده است. زیمل، بهره را امری ضروری برای پول محض می‌داند اما به تفصیل به آن نپرداخته است. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بازخوانی معنای پول نزد زیمل و نسبت آن با بهره می‌پردازیم. یافته پژوهش حاکی از این است که پول مدرن رابطه هویتی درونی با بهره دارد. پول دارای سه لایه معنایی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان: صورت‌بندی معنای پول و اقتضاعات اجتماعی آن در حکمت اسلامی در مواجهه با فلسفه پول زیمل (استاد راهنما: حمید پارسانیا، استاد مشاور: مهدی سلطانی). دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری دانشگاه باقرالعلوم (ع). قم، ایران می‌باشد.

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. h.parsania@ut.ac.ir  
ORCID: 0000-0002-2424-2931

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری دانشگاه باقرالعلوم (ع). قم، ایران. m.soltani@bou.ac.ir  
ORCID: 0009-0008-1678-5152

۴. دانشجوی دکتری فلسفه علوم اجتماعی گروه جامعه‌شناسی دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری دانشگاه باقرالعلوم (ع). قم، ایران (نویسنده مسئول). mohamadtahakh1401@gmail.com  
ORCID: 0009-0002-0108-5280

\* **استناد به این مقاله:** پارسانیا، حمید؛ سلطانی، مهدی و خسروی، محمدجواد. (۱۴۰۲). معنای پول مدرن و نسبت آن با بهره از نگاه زیمل. فصلنامه علمی - پژوهشی (رتبه ب) اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۲)، صص ۶۲-۸۶

<https://Doi.org/10.22081/JISS.2023.65784.1988>

است: لایه فرمی، لایه اراده محض، لایه الهیاتی. لایه فرمی پول با نرخ بهره در تناقض است اما در لایه اراده محض، پول تحریک اقتصاد و پیوند سوژه و ابژه را از طریق بهره انجام می‌دهد. در لایه الهیاتی که پول جای اله را می‌گیرد، بهره نوعی ادای دین به پول است و به خاطر گسستگی از وجود محض و اله حقیقی، انسان تاله و خودگستری را با استثمار طبقات پایین به صورت اخذ بهره محقق می‌کند.

### کلیدواژه‌ها

زیمیل، پول، بهره، فرم، اراده محض، الهیات.

## مقدمه

دانش اقتصاد که مبتنی بر روش‌شناسی فردگرایانه است و همه چیز را با عینک ابزاری بودن و مطلوبیت فردی و بیشینه کردن منفعت می‌بیند، پول و بهره را نیز ابزاری و فردگرایانه تفسیر می‌کند. بر این اساس، نرخ بهره، هزینه وام یا قیمتی است که بابت اجاره پول پرداخت می‌شود (میشکین، ۱۳۸۱، ص ۸). بهره، جبران محروم شدن طلبکار از انتفاع از مال خودش یا جبران ریسک و خطر نابودی یا نقصان مال طلبکار است (صدر، ۱۴۰۸ق، صص ۶۳۴-۶۳۹). این نگاهی شیء‌انگارانه به پول است که تنها مثل دیگر اشیاء فایده و مطلوبیتی برای سوژه دارد و آن فایده روان کردن و تسهیل مبادله به خاطر مبادله‌پذیری وسیع و آسان آن است و ساختار و روابط قدرت را نمی‌بیند و به خاطر نگاه ابزاری خنثی بی‌طرف به پول (پول به عنوان ابزار بی‌جهت و خنثی است و سوژه است که به آن جهت می‌دهد)، از تحلیل مفهوم سرمایه و ساختار انباشت پول به عنوان قدرت اجتماعی ناتوان است. در این پارادایم بین هویت پول و بهره نسبت ضروری درونی نیست بلکه مانند پول به عنوان یک ابزار در خدمت انسان به مثابه سوژه منفعت‌طلب قرار گرفته، از آن برای هرچه بیشینه کردن منفعت خود استفاده می‌کند کما اینکه شخص می‌تواند با ده کیلو گندم نیز همین کار را بکند. آنچه اندازه این منفعت و نرخ بهره را مشخص و تقدیر می‌کند بازار و دست نامرئی آن است. این نگاه به معنای فلسفی یا اجتماعی پیشینی این ابزار که امکان چنین انتفاع شخصی را فراهم می‌کند کاری ندارد.

برای فهم عمیق‌تر معنای پول و نسبت آن با بهره، باید با نگاهی عمیق‌تر به پول به لایه ساختاری اجتماعی و لایه هستی‌شناسی پول ورود کرد و نسبت آن با بهره را سنجید. زیمل جزو اولین کسانی است که به تفصیل به معنای اجتماعی و هستی‌شناختی پول پرداخته اما در عین اینکه نرخ بهره را امری هویتی درونی برای پول محض می‌داند گذرا از آن عبور کرده است. بعد از او جامعه‌شناسان از مسئله پول غفلت کرده‌اند. اخیراً برخی جامعه‌شناسان با رویکردی ویری و از زاویه قدرت به فهم پول و رابطه‌اش با بهره پرداخته‌اند (اینگام، ۱۴۰۰، صص ۱۱۷-۱۳۶). مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا پول مدرن به لحاظ فلسفی دارای نسبتی ضروری درونی با بهره است یا خیر. ادعای بنیادی



این پژوهش این است که بین پول مدرن و بهره‌نستی ضروری و رابطه‌ای هویتی است و معنای پول مدرن، بهره را امری ضروری می‌کند. پول مدرن با هویت ویژه خود، مفهوم سرمایه در اقتصاد واقعی و انضمامی را خلق می‌کند. دلیل اصلی تعیین خاص هویتی پول مدرن و نسبت آن با بهره، گسستگی پول مدرن از وحدت حقیقی و انقلاب کوپرنیکی است که انسان را در جایگاه «واحدِ وحدت‌بخش» در هستی و جهان طبیعی و اجتماعی قرار می‌دهد.

### ۱. تعریف زیمل از پول

در نگاه زیمل، پول محض پدیده‌ای است که فقط در دنیای مدرن ظهور کرده است. پروژه پول زیمل، امتداد فلسفه کانت و عقل عملی اوست. همان عناصر و لایه‌های اصلی عقل عملی کانت در هویت پول حضور دارد. می‌توان در نگاهی گذرا و کلی، پول را از نگاه زیمل حالت هرمی در نظر گرفت که در قاعده هرم کارکردهای انضمامی است و در وسط آن فرم محض و ایده تنظیمی است و در راس هرم اراده‌ای محض و نیرویی نامتعیین و فرافرم است. در لایه کارکردی انضمامی پول، کمیت و واحد عددی و واحد محاسبه‌ای انتزاعی است. در این لایه سوژه‌های جزءنگر قرار دارند که منافع شخصی‌شان را دنبال می‌کنند. در این تحقیق به این لایه کاری نداریم. در لایه وسطی، پول فرمی استعلایی است که وظیفه اجتماعی‌سازی و مترابط کردن اجزا و کالاها به همدیگر و ارتباط جزء با کل را انجام می‌دهد و مناسبات ارزشی میان همه محصولات را تنظیم می‌کند. بدین گونه پول شرط تحقق ساختار مناسباتی میان همه کالاهاست. پول در این لایه بازتاب فلسفه رابطه‌گرایانه و نسبی‌گرایانه مدرن است که در آن چیزها معنایشان را از طریق یکدیگر دریافت می‌کنند و هستی‌شان به واسطه روابط متقابلشان تعیین می‌شود و دیگر ذات و امر جوهری یا ورای طبیعی در کار نیست. پول مدرن خالص‌ترین نمود و تجسم و بیانی کامل از هستی‌شناسی نسبی‌گرایانه فلسفه مدرن و عصاره هستی اجتماعی مدرن است. در لایه فوقانی، پول اراده محضی است که ثنویت‌هایی مانند فرم - محتوا و سوژه - ابژه را به همدیگر پیوند می‌دهد و از سویی دیگر، اقتصاد انضمامی را به حرکت

و پویایی و رشد وامی دارد. در این لایه است که پول ظرفیت تبدیل شدن به امری الهیاتی پیدامی کند.

در این مجال به بازتفسیر هویت پول در لایه فرم و ایده تنظیمی بودن و لایه اراده محض و لایه الهیاتی و نسبت آن با نرخ بهره میپردازیم. گرچه لایه الهیاتی با لایه اراده محض بودن یکسان هستند؛ اما به خاطر اهمیتش آن را جداگانه بحث می کنیم.

## ۲. پول به عنوان فرم و ایده تنظیمی

پول به عنوان فرم استعلایی و ایده تنظیمی نمود و پدیدار عقل عملی و در ذیل آن قلمداد می شود. مسئله عقل عملی کانت، اراده عقلانی محض آزاد و رها از قوانین جبری طبیعی است. در این میان مهم ترین مسئله که هم هویت عقل عملی و هم مسئله تحریف را آشکار می کند قضایای جدلی الطرفین است. نقش قضایای جدلی الطرفین در موضوع پول نیز این است که اولاً هویت واقعی پول را تعیین می کند و ثانیاً تحریف و بیگانگی در پول و خاستگاه آن را آشکار می کند. پروژه عقل عملی کانت با قضیه جدلی الطرفین «آزادی اراده هست و نیست» مواجه است. کانت با دیالکتیک استعلایی، انسان را از این تناقض رها، و مسئله را حل، و هویت واقعی عقل و حدود آن و اینکه چگونه دچار مغالطه و خطا می شود را معلوم کرد. در دیالکتیک استعلایی با کشف خطا و مغالطه عقل، آن را به حدود خویش می راند. عقل انسان که وحدت استعلایی محض است و ترکیب کننده و وحدت بخش داده ها است ممکن است آن را چیزی غیر از خود توهم کرده و در امری جوهری به عنوان خدا یا نفس فرافکنی می کند و دچار این قضیه جدلی الطرفین می شود که آیا خدا هست یا نیست (کاپلستون، ۱۳۹۲، ص ۳۱۰) همین قضیه جدلی الطرفین در مورد پول نیز پدید می آید: «پول هست، پول نیست». طرف ایجاب قضیه این است که پول به عنوان یک جوهر و شیء فی نفسه متعالی قلمداد شود و پول به این لحاظ اثبات شود. دقیقاً نظیر نظیر گزاره خدا هست / نیست، آزادی هست / نیست. «هست» به عنوان جوهر و شیء فی نفسه که امری و رای عالم پدیداری و مربوط به قلمرو ناپدیداری که عقل به آن دسترسی ندارد، و «نیست» به عنوان چیزی در جهان پدیداری.

در جهان پدیداری حسی تجربی و فنومنال، چیزی به عنوان پول نداریم کما اینکه در عالم حسی مقید و جبری چیزی به عنوان خدا یا آزادی نداریم؛ زیرا جهان پدیداری اقتصادی، قلمرو جهان کالایی است که حسی تجربی است. در این قلمرو هرچه داریم امر جزئی انضمامی است و امر عام و کل نداریم. این قدر مسلم است که ذات پول امری حسی تجربی و کالایی دارای ارزش مصرفی نیست؛ بنابراین در قلمرو پدیداری به سادگی وجود آن نفی می شود. منتها وقتی این نفی به صورت مطلق مطرح می شود قضیه ای کاذب است. به عبارتی، اینکه پول در جهان حسی تجربی نیست قضیه ای صادق است اما اینکه پول مطلقاً نیست قضیه ای کاذب است کما اینکه پول هست به عنوان حکم قطعی به عنوان اینکه پول در جهان ناپدیداری هست نیز کاذب است؛ زیرا عقل به آن جهان دسترسی ندارد لذا نمی تواند نه حکمی سلبی و نه ایجابی صادر کند. نقد استعلایی آشکارکننده هویت واقعی پول است. دلیل شیء فی نفسه تلقی کردن پول، مغالطه عقل و تجاوز از حد خودش است. حد عقل همان ترکیب، وحدت بخشی و تنظیم گری و نظم بخشی پدیدارهای متکثر است. این به آن معنی است که پول از حد خود تجاوز کرده است و این به معنی شکل گیری مفهوم سرمایه است که در آن پول از فرم تنظیمی بودن و هویت ربطی خارج می شود. راه حل کانتی مسیر سومی است که نه به سرمایه منجر شود و نه به نفی مطلق پول. آن مسیر راندن عقل به حد خود و تلقی پول به عنوان ایده تنظیمی و به عنوان فرم است که وظیفه اجتماعی سازی و مترابط کردن اجزا و کالاهای همدیگر و جزء با کل و تنظیم مناسبات ارزشی میان همه محصولات است (کاراتانی، ۱۳۹۶، ص ۴۳۴). اگر این گونه شود پول می تواند در مقام تنظیم جهان اقتصادی و در مقام اراده عام خنثی و بیطرف باشد که خیر و مصلحت عمومی را تامین می کند.

بدین گونه پول شرط تحقق ساختار مناسباتی میان همه کالاهاست. این مکانیسم از طریق ترکیب و سنتز ارزش با محتوا و امر پدیداری با فرم و ایده انجام می شود. پول به مثابه ایده و فرمی استعلایی، و ارزش مصرفی انضمامی به عنوان محتوا و ماده است. بدون ارزش مصرفی کالاها، پول فی نفسه چیزی نیست و پول به عنوان ارزشی انتزاعی

فرمی نیز فی نفسه چیزی نیست. همان گونه که در نگاه کانت از شهود حسی هیچ دانشی متولد نمی شود و از ایده عقلانی و مقولات صرف فاهمه نیز هیچ علمی پدید نمی آید بلکه از ترکیب شهود حسی و فرم عقلانی، دانش به وجود می آید، کالا نیز وقتی دارای ارزش می شود که پول به عنوان فرم بنیادی تنظیمی ذهن وارد بازی شود و با ترکیب شدن با ارزش مصرفی جایگاه آن را معلوم کند. همانگونه که عقل محض در وحدت محض خود، مقولات فاهمه را با امر حسی ترکیب می کند، پول به عنوان نوعی ادراک و ایده نفسانی استعلایی، کالاها را به همدیگر ربط می دهد؛ بنابراین نقد پول به این است که پول را به حد خود بازگردانیم و آن اینکه پول در ذات خود ایده تنظیمی عقل عملی است. این ایده تنظیمی همان ایده ای با شکوه عقلانی است که عقل با توهم استعلایی آن را امری بیرونی و نومیال تصور می شود و بدین گونه انسان مرعوب و دچار بیگانگی و خودبیرون افکنی می شود. انسان این نیروی وحدت بخش عقلی را چیزی غیر از عقل خود توهم می کند و آن را طلب می کند. بدین گونه مفهوم سرمایه با خودبیگانگی از هویت تنظیمی بودن پول متولد و به عنوان امری بیرونی والا، انسان را شیفته خود و توان انسان و جامعه را معطوف به انباشت پول می کند. پول به عنوان شیء جوهری خودزا و خودفزاینده توهم می شود که با چرخه پول کالا پول و حرکت در بازار خودبخود تکثیر می شود. در سرمایه، پول مبدا و مقصد کنش اقتصادی قرار میگیرد و دیگر ایده تنظیمی نیست که نه مبدا است و نه مقصد بلکه تحقق هویت خود اشیا مبدا و مقصد است و پول تنظیم گری را به نفع خود دستکاری نمی کند.

## ۲-۱. تناقض ایده تنظیمی بودن با بهره

لازمه آنچه گذشت اینست که پول از سنخ ربط محض است. ایده تنظیمی بودن پول با بهره در تناقض است. چون پول به عنوان ایده تنظیمی نظیر عقل و دستور عام و مطلق است که هیچ غایتی بیرون از خود ندارد. عقل خودافزایی ندارد بلکه خودش است و خودش، و هر امری بیرونی از عقل به دگر آیینی و بیگانگی عقل منجر می شود؛ بنابراین

اگر در جایگاه کسب بهره در جهان طبیعت قرار بگیرد با ایده تنظیمی بودن عقل در تناقض است چون تنظیم گری را به نفع سوژه جزء نگر مختل می کند. عقل فی نفسه کامل است و کارش تنظیم گری و توازن بخشی به اعیان و اجزای طبیعی انسان است و به عنوان یک جزء طبیعی وارد کسب منفعت نمی شود. ایده تنظیمی بودن پول و ارجاع پول به عقل عملی، لازمه اش بی معنی بودن بهره است کما اینکه لازمه اش این است که پول در نگاه عام و کلی امری مشترک و اجتماعی است که ملک هیچ سوژه ای نمی شود. اگر در پول مالکیت قابل طرح باشد مالکیتی عام و مطلق است که در کنار مالکیت های جزئی قرار نمی گیرد؛ نظیر مالکیت خدا و مالکیت اجزای جامعه؛ بنابراین معنا ندارد که در ازای مالکیت پول از مالکیت های جزئی بهره ای گرفته شود؛ چون مالکیت پول، اول مالکیت جامعه است بعد مالکیت سوژه. به عبارتی ایده تنظیمی، ایده تنظیمی است نه سوژه و امری خاص در کنار دیگر اجزا. نباید ایده تنظیمی تبدیل به امر خاص و جزء، و وارد مرادده و کسب بهره در کنار دیگر اجزا بشود.

## ۲-۲. نقد ایده تنظیمی بودن پول

درست است که پروژه عقل عملی کانت رویکرد انتقادی به سرمایه داری ابزارکننده انسان ها دارد و ایده تنظیمی بودن پول با بهره تناقض دارد اما به خاطر تناقضات عملی، برای تنظیم گری مجبور است به بهره تمسک کند. مهم ترین تناقضی عملی که پول با آن مواجه می شود، تناقض امر عام و امر خاص است؛ یعنی از جهتی پول فی ذاته در جایگاه امر عام و بی طرف و تنظیم گر است؛ اما از سوی دیگر این پول امری صرفاً انسانی است و انسان در مقام جزء بودگی و خاص بودگی است. اراده مطلق تنها در مقام امری انتزاعی امکان پذیر است و به محض اینکه بر اثره ای متناهی جاری شود مطلق نخواهد بود و به اراده ای خصوصی منطبق بر منفعت شخصی تبدیل و استبداد و ترور به بار خواهد آورد (گیلسپی، ۱۳۹۸، ص ۴۶۳).

تناقض جایگاه امر عام و امر خاص در پول خود را به صورت ضرورت بهره نشان داده و در دو شکل موجه سازی می شود:

## ۲-۱. بهره تنها ابزار تنظیم‌گری

اراده عام برای تنظیم‌گری باید انضمامی و وارد جهان کثرت شود تا با این انضمامی شدن بتواند تنظیم‌گری را انجام بدهد. اگر امر عام در جهان انتزاعی محض باقی بماند تنظیم‌گری بی‌معنی است. کانت در عقل عملی، رای اکثریت و حوزه عمومی را برای استکشاف و حضور و ظهور امر عام مطرح کرد (ذاکرزاده، ۱۳۹۱، ص ۹۴). مسئله این است که چگونه پول به عنوان اراده عام در جامعه متجلی و تنظیم‌گری و تاثیر می‌گذارد و چگونه این اراده عام کشف می‌شود. پول فی‌نفسه وجودی عینی مستقل از انسان ندارد تا تنظیم‌گری کند؛ بلکه مثل عقل امری انسانی است. قاعدتاً در پول رای اکثریت و حوزه عمومی برای کشف اراده عام در حوزه اجتماعی بی‌معناست. البته ایده کسانی که می‌گویند مسئله انتخاب نوع پول و میزان خلق آن را به رای مردم و حوزه عمومی و فرایند بازار که مصون از هر تحمیل و تحریفی توسط قدرتها هست واگذار کنیم (هولسن، ۱۳۹۲، ص ۵۷) چنین چیزی می‌تواند باشد. با این حال حوزه عمومی روی مبانی خاصی بنا می‌شود که با ذات سرمایه‌داری کاملاً در تناقض است. سرمایه‌داری کاملاً حوزه عمومی قرن نوزدهم را به نابودی کشانده است.

برای اینکه پول به عنوان امر عام در جامعه دارای افراد جزءنگر ظاهر شود سه راه بیشتر قابل تصور نیست. برای انضمامی شدن امر عام: (۱) یا باید نهادی خنثی و بی‌طرف نسبت به همه سوژه و حوزه‌های اقتصاد در راس نظام پولی باشد که در جایگاه اراده عام و تنظیم‌گر و متوازن‌کننده اجزای جامعه است و آن بانک مرکزی است که به صورت عالمانه عامدانه و با برنامه و با نرخ بهره تنظیم‌گری را انجام می‌دهد و این تنظیم‌گری در جهت منافع هیچ طبقه یا گروه خاصی نیست. (۲) یا از آنجا که پول و قدرت پولی خودش در ذات خود در جایگاه ناظر عام است به تبع آن حامل پول در جایگاه ناظر عام و اراده عام است. این یعنی صاحبان پول در جایگاه اراده عام و طبقه بی‌طبقه هستند و به رای اکثریت نیاز نیست. ثروتمندان همان سوژه‌های خاصی هستند که با کسب پول و در پول به خودانبساطی و اتحاد با اراده عام رسیده‌اند و در جهت خیر عمومی عمل می‌کنند. (۳) یا اینکه اصلاً امر عام و تنظیم‌گری را از جهان انسانی بگیریم و به امر فرانسایی واگذار

کنیم و مثل اسمیت با رها کردن طمع و آز و قدرت طلبی بی نهایت انسان در پول و پاسخ گفتن به این طمع بی پایان که موجب خود گستری و خود انبساطی سوژه اسیر جزء می شود، وظیفه تنظیم گری و توازن اجتماعی را به دست نامرئی فرا انسانی طبیعی محول کنیم. این تنظیم گری با نوسان نرخ بهره در بازار محقق می شود. در این فرض، ثروتمندان طبقه بی طبقه و دارای اراده عام نیستند. آنها همان اراده های جزئی منفعت طلب هستند که خیر عمومی را قصد نکرده اند بلکه انباشت هر چه بیشتر پول و سرمایه را دنبال می کنند اما این خود انبساطی و انباشت بی انتها با دست نامرئی به نفع به نفع کل جامعه تمام می شود. این سه فرض، یک پیش فرض اخلاقی درون خود دارد و آن اینکه حرص در جهت انباشت پول امری ضروری برای جامعه است و باید دست سوژه آزمند را بدون هیچ محدودیتی برای انباشت هر چه بیشتر پول باز بگذاریم. هر کدام از این فرض ها که مطرح باشد، تنظیم گری چرخه پول به وسیله دستکاری و بالا و پایین شدن نرخ بهره ممکن است و بدون این دستکاری چه به واسطه نهاد ناظر و چه به وسیله دست نامرئی بازار، تنظیمگری حاصل نمی شود؛ علاوه بر اینکه اقتضای انباشت پول و رهایی حرص، بهره در مبادلات پولی در بستر زمان است.

## ۲-۲-۲. بهره به عنوان پاداش خلق کل فرمی کارکردی

زیمل فرم را به عنوان یک شریک در تحقق ارزش می بیند؛ بنابراین معقول است که بهره ای ثابت به مالک پول برسد. پول به عنوان یک فرم، عین کارکرد و کل بودگی است. پول واحد وحدت بخش ذهنی است که عناصر گسسته گوناگون اجتماعی و اقتصادی را نظم و ساختار می دهد و کل جدیدی خلق می کند و با ایجاد ترابط و رابطه مندی، کارکرد واقعی پنهان و ارزش آنها را در نسبت با همدیگر پدیدار می کند. پول به عنوان امر واحد کارکردی، صورت جدیدی خلق می کند که غیر از محتوا و مواد است. محتوا همان کار سوژه شخصی است که درون کالا لخته می شود. این صورت جدید از آن پول و نه از آن محتوا است. همان طور که دانش و علم از ترکیب مقوله و شهودات حسی است ارزش نیز از ترکیب ارزش مبادله ای و ارزش مصرفی

ایجاد می‌شود. این فرم است که داده را به دانش تبدیل می‌کند، ماده بی‌هدف را هدفمند و ماده بی‌ارزش را ارزشمند کرده و ماده بی‌نظم را نظم و عدالت می‌بخشد. از آنجا که از ترکیب فرم با محتوا ارزش ایجاد می‌شود و محتوا به عنوان کاری که ارزش مصرفی را تولید کرده برای ارزشمندی کالا کافی نیست بنابراین پول در ارزش خلق شده شریک است؛ بنابراین طبیعی است که در نگاهی عام پول قسمتی از ارزش محقق شده در جامعه را از آن خود کند و به صورت نرخ بهره ثابت به مالکان پول پرداخت شود. از اینجا است که دلیل تأکید مارکس بر کار انضمامی و فاصله گرفتن از فلسفه آشکار می‌شود؛ زیرا لازمه دوگانه‌های فلسفه مدرن همین نرخ بهره است و اینکه چرا مادر بیگانگی و انحراف را خود پول تلقی کرده است.

مطلب فوق از آن حیث است که پول به عنوان یک کل لحاظ می‌شود؛ اما وقتی همین پول وارد جهان کثرت و روابط عرضی می‌شود، دارای قدرت بیشتر نسبت به کالاهاست و نرخ بهره را توجیه‌پذیر می‌کند. برتری و قدرت و آزادی مضاعف صاحب پول بر صاحب کالا ناشی از کیفیت یگانه، فرازمانی، فرامکانی، فرانضمامی و فراخاص بودگی پول است؛ بنابراین وقتی وارد رابطه مبادله می‌شود وزن بیشتری دارد و باید طرف مقابل برای کسب پول، هزینه بیشتری کند و برای چشم‌پوشی مالک، در مقام موازنه باید خسارت او را جبران و پاداش این چشم‌پوشی را بدهد. در یک مبادله و رابطه دوطرفه کسی که علاقه کمتری به برقراری آن رابطه دارد در موضع برتر است. کسی که در این رابطه کمتر منتفع می‌شود باید تاوان بگیرد. در رابطه عاشقانه کسی که کمتر عاشق است نفع می‌برد؛ زیرا طرف دیگر بیشتر حاضر است برای رضایت طرف مقابل فداکاری کرده و هزینه پرداخت کند. در مبادله پولی محض دارنده پول علاقه کمتری به کالا دارد و طرف مقابل کشش و نیاز بیشتری به پول دارد. سود پول به این علت حاصل می‌شود که از هر محتوا یا فرایند خاص نظام اقتصادی جدا است. به عبارتی پول در مقام ناظر عام و فوق منطق برد و باخت است کما اینکه کسی که در مقام تاله کامل است فوق منطق شکست و پیروزی است اما دیگر عاملین اقتصادی در مقام ناظر خاص و حرکت و تابع منطق برد و باخت هستند. بانکداران بزرگ معمولاً از خطرات و



ریسک‌هایی که فروشندگان و خریداران، طلبکاران و بدهکاران و عاملین اقتصادی در افت و خیز بازار و سود و زیان و پیروزی و ورشکستگی مالی، سود دایمی می‌برند. دارنده پول به اطراف متضاد و در حال جنگ و درگیری وام می‌دهد. او فوق منطق دوستی و دشمنی است؛ از این رو ممکن است متهم به خیانت و سنگدلی شود (زیمل، ۱۳۹۷، ص ۳۳۵).

### ۳. حیث اراده محض و به جنبش درآوردن جهان انضمام

زیمل در تلقی پول به عنوان اراده محض به عنوان امری فوق ثنوتیها در صدد است دو گانه اراده و آزادی محض با طبیعت جبری متعین را حل کرده و به همدیگر پیوند دهد. لازمه منطقی اراده محض بودن پول این است که فرم ذاتی عقلانی ثابت در نهاد انسان برخلاف نظر کانت نداریم بلکه به حسب زمان و مکان فرمهای مختلفی داریم چرا که این اراده محض است که فرمها را بر میسازد و تخریب می‌کند. این اراده محض است که فرمها را خلق و باز در هم می‌شکند (زیمل، ۱۳۹۲، صص ۵۲۹-۵۵۷). زیمل با این تحلیل در صدد است از استبداد عقلانیت صوری و قفس آهنین و بر راه خلاصی پیدا کند گرچه در نهایت استبداد اقلیتی برگزیده اکثریت درست می‌کند. خود کانت نیز از اینکه نظریه عقل عملی تمامیت‌خواهش ممکن است به ترسناک‌ترین استبداد بینجامد، احساس ترس کرده است (مجموعه نویسندگان، ۱۳۹۸، ج ۶، ص ۱۶۱).

پول به عنوان اراده محض دو کارکرد دارد. اول پیوند بین دوگانگی‌ها و دوم به حرکت درآوردن جهان انضمام. این دو کارکرد از پول بماهو فرم و ایده عقلانی ساخته نیست؛ چرا که در مقابل فرم و ایده، محتوا هست و این دو به مثابه ثنوتی متضاد عمل می‌کنند.

### ۱-۳. خلق فاصله و غلبه بر فاصله توسط پول

از نگاه زیمل، پول در ذیل فرایند عامی است که عبارت است از حرکت از وحدت اجمالی به کثرت و فاصله اشیا از وحدت و فاصله و گسستگی اشیا از همدیگر و اسیر

جزء بودگی آنها، و حرکت از کثرت به وحدت تفصیلی و کل بودگی با غلبه بر فاصله و گسستگی بین کثرات. در این فاصله از وحدت است که دو گانه سوژه و ابژه و فرم و محتوا و... خلق می شود. پول در این فرایند عام به عنوان نقطه کانونی وحدت بخش و متوازن کننده و بیان کننده و رهاکننده اشیا از جزءبودگی و قراردادن آنها در یک کل کارکردی عمل می کند (زیمل، ۱۳۹۷، صص ۱۶۷-۱۸۱ و ۲۳۷). پول هم دو گانه سوژه و ابژه می آفریند و هم این دو را پیوند می دهد. مهم ترین دو گانه ای که در اندیشه کانت حضور دارد دو گانه سوژه و ابژه و آزادی و تعیین و فرم و محتوا و عقل و طبیعت است. پول همه این دو گانه ها را بر می سازد و هم از آنها فراتر می رود. پول هم در مقام سوژه حاضر است و هم در مقام ابژه، هم در مقام فرم و هم در مقام محتوا، با این حال هیچ کدام از سوژه و ابژه نیست؛ بلکه در حکم واحدی استعلایی فراتر از این دو است که هم ابژکتیو و عینیت را در اقتصاد را محقق می کند و هم سوژه را سوژه و به او خودانبساطی و آزادی اراده می دهد و با این حال خودش فراتر از این دو هست و در حکم اراده ای که این دو را به شکوفایی و هماهنگی می کند و این دو قلمرو را در عین دوگانگی و تضاد به همدیگر متصل و مرتبط می کند. در واقع دو گانه سوژه و ابژه در اقتصاد، پدیدار پول در جایگاه وحدت و اراده محض است. این اراده و وحدت محض است که به صورت دو گانه ها و تضادها پدیدار می شود.

توضیح اینکه از نگاه زیمل در علاقه عملی، انسان از وحدت اجمالی به سمت دو گانه سوژه به عنوان طالب و دارای میل و ابژه به عنوان متعلق میل و از آن به سوی غلبه بر این دوگانگی و وحدت حرکت می کند. در فاصله است که میل و ارزش به وجود می آید. در وحدت محض، مطلوبیت و ارزش بی معنی است. لازمه فاصله سوژه و ابژه، خودبستگی و خودمختاری سوژه و ابژه است. پرورش و خودبستگی سوژه یعنی استقلال از عوامل خارجی و نفی همه آنها در موثر بودن، و پرورش بر اساس قوانین هستی خاص شخص که ما آن را «آزادی» می نامیم و پرورش و خودبستگی ابژه؛ یعنی استقلال و عینیت قوانین طبیعت و نظم مادی چیزها و ضرورت عینی رویدادها. سوژه و ابژه در علاقه عملی دو مفهوم متقابل و متضاد در جهان آگاهی هستند که باید در

فرایندی متوازن با همدیگر رشد یابند. پرورش سوژه و ابژه، فرایندی متضایف است و باید پایاپای همدیگر رشد کنند. به نظر زیمل ما می‌توانیم حرکت موازی متمایزی از رشد سوژه و ابژه را در ۳۰۰ سال اخیر ملاحظه کنیم؛ یعنی از یک طرف، قوانین طبیعت، نظم مادی چیزها و ضرورت عینی رویدادها به روشنی و تمایز بیشتر پدیدار می‌شود؛ درحالی‌که از سوی دیگر می‌بینیم که تأکید بر فردیت مستقل، بر آزادی شخصی و بر استقلال از پدیدارهای طبیعی و خارجی هرچه بیشتر و قویتر می‌شود. در صورت غفلت از قوانین طبیعت به معنای مدرن آن، به سبب تصورات خرافی از فرایندهای طبیعی، عدم آزادی بس نیرومندتری حاکم خواهد شد و پندارهای غیر ابژکتیو، دست و پای سوژه را خواهد بست. لازمه خودمختاری سوژه و ابژه، بسط و گسترش هرچه بیشتر زنجیره هدف و وسایلی است. آگاهی هرچه عمیقتر به علل طبیعی دست‌دردست آگاهی عمیقتر به اهداف و غایات پیش می‌رود. درازی سلسله اهداف سوژه وابسته به درازی سلسله علی است. با سلسله‌ای طولانی از علل و وسایلی که شامل عناصر متعدد است می‌توانیم به اهداف بیشتری دست یابیم تا با سلسله کوتاه. طولانی‌شدن سلسله به این معنی است که سوژه تا حد فزاینده‌ای، نیروی خود ابژه‌ها را برای کار کردن برای اهداف خویش به کار می‌گیرد. در این صورت است که آزادی فرد ممکن خواهد شد. انسان بدوی چون دانش محدودی به علل طبیعی داشت عمل هدفمند و سلسله اهداف کوتاه‌تری داشت و عملش خیلی زود به هدف نهایی می‌رسید؛ ازاین‌رو آزادی سوژکتیو کمتری نیز داشت (زیمل، ۱۳۹۷، ص ۳۶۵).

لازمه ابژکتیو و عینی‌شدن روابط اقتصادی، انتزاعی‌شدن هرچه بیشتر روابط و مالکیت و کنار گذاشتن هرچه بیشتر عناصر شخصی است. در نظام مبتنی بر روابط شخصی طرف تعهد و خود شخص در رابطه مهم است و اطراف رابطه بیشتر جانشین‌ناپذیر، منحصر به فرد است و به جای قراردادگرایی بر روابط ثابت، عمیق و تغییرناپذیر تأکید می‌شود. وابستگی در آن وابستگی به اشخاص است تا به نتیجه کار آنها، و میزان و تعداد وابستگی به دیگری کم و به نسبت محلی - منطقه‌ای است. اما نظام مدرن نتیجه‌گرا و کارکردگراست و در آن اهمیت شخص کم‌رنگ می‌شود یا واقعاً

کنار گذاشته می‌شود. فعال اقتصادی به عنوان شخصیت عمل نمی‌کند؛ بلکه با جهت واحدی از شخصیتش و به سبب واحدی وارد رابطه می‌شود و ابعاد دیگر شخصیت نادیده انگاشته می‌شود. در این نظام، اطراف رابطه جانشین‌پذیر و تابع قراردادهای اعتبارات هستند و به خاطر تخصص‌گرایی و تقسیم کار، دامنه وابستگی انسان به دیگران بسیار گسترده است. این فرایند عینی‌سازی اقتصاد است که آن را به فرایندی مکانیکی، منظم، پیش‌بینی‌پذیر و تابع قوانین جبری ابژکتیو خودمختار، تبدیل کرده و مدیریت حاکم بر آن را مدیریتی فنی مبتنی بر افزایش بهره‌وری و نتیجه محور قرار می‌دهد. در این فرایند، نهاد مالکیت امری شخصی نیست؛ بلکه امری انتزاعی و غیر شخصی است که به آن اصطلاحاً «شخصیت حقوقی» گفته می‌شود. یک شرکت خودروسازی از مجموعه مواد اولیه و محصول نهایی، کارخانه، خطوط تولید، ابزارها، ماشین‌آلات، نمایشگاهها، دفاتر اجرایی، کارگران، کارمندان، حسابداران، منشی‌ها، سهامداران، مالکان، مدیران، ضوابط قانونی، فرایندها و تشریفات قانونی، حقوقدانان و وکلا و... تشکیل شده که هیچ کدام رابطه مالکیت شخصی با این عناصر ندارند بلکه مالکیت برای یک عنوان عام و انتزاعی غیر شخصی اعتبار شده که مستقل از شخصیت‌ها و محدودیت‌های شخصی بوده و با آمدن افراد نابود نمی‌شود. در این نظام، مالکیت از شخص محدود در زمان و مکان حسی به یک عنوان و جایگاه انتزاعی تعلق گرفته و در یک فراروندگی و ازجاکنندگی، از مالکیت حسی به نظام مالکیت فراحسی و فرازمانی مکانی منتقل شده است. گسترش آزادی سوژه موازی با رشد ابژکتیویته و نفی امر شخصی است زیرا در آن روابط بر اساس عینیت و قوانین عینی شکل می‌گیرد و افراد در برابر شخص انقیاد نمی‌کنند؛ بلکه در برابر ضوابط عینی فنی غیر شخصی انقیاد می‌پذیرند.

از سوی دیگر سوژه شدن سوژه به آزادی بی حد و مرزش است. آزادی، بیان روشن «خود» در چیزها و نمود یافتن در چیزهاست که نمود خالص و مطلوب آن ابزار است. سوژه خود را در ابزار بسط می‌دهد و ابزار امتداد و بسط قدرت اوست. پول هم سوژه را سوژه و ابژه را ابژه می‌کند و این دو را پیوند می‌دهد. پول عینیت و

ابژکتیو شدن دارایی‌های انضمامی و استقلال آن از سوژه را فراهم می‌کند که به معنی نبود تأثیرپذیری دارایی از عناصر شخصی سوژکتیو مالک است؛ به نحوی که با جابجایی یا مرگ مالک، دارایی باز بر اساس همان ضوابط عینی غیر شخصی خودش اداره می‌شود. پول استقلال سوژه از دارایی را فراهم می‌کند که به معنای تأثیرناپذیری سوژه از مقتضیات دارایی‌هایش و رهایی از محدودیت‌های طبیعی دارایی است. در این صورت صاحب سهام فرسنگ‌ها دورتر از دارایی‌اش است و صاحب اوراق قرضه هیچ‌گاه سرزمین بدهکار را ندیده است. پول تمایز سوژه و ابژه را با خلق فاصله بین انسان و هدف، و خلق زنجیره وسایل و ابزارها ایجاد می‌کند. در نظامی که پول فقط به کار مصرف می‌آید پول کارکرد واقعی خود را نمی‌یابد. پول فقط برای مصرف کردن به کار می‌آید نه برای تولید و خلق زنجیره طولانی هدف وسیله. در این نظام پول بلافاصله و بلاواسطه خیلی زود به هدف نهایی اقتصاد (مصرف) رویارو می‌شود و زنجیره اهداف شکل نمی‌گیرد. بسط هرچه بیشتر این زنجیره مستلزم بسط هرچه بیشتر فناوری و پویایی و سیالیت آن است. زنجیره طولانی اهداف و بسط آن که امری ابژکتیو است با فرم‌بودن پول و کل بودگی و کارکرد محض و روبه‌آیندگی پول ملازم است و در دنیای مدرن است که پول هویت واقعی خود را یافته و بسط می‌دهد؛ همچنین لازمه هویت پول هرچه انتزاعی شدن، ذهنی شدن و غیر شخصی شدن و ذهنی شدن مبادله و استقلال از عوامل سوژکتیو شخصی است. با انتزاعی شدن پول، مبادله مستقیم میان افراد جای خود را به مبادله‌ای می‌دهد که در فرم پول به مثابه ساختاری مستقل از اراده‌های فردی مبادله‌کنندگان تبلور می‌یابد. مبادله‌ای که شخصی و طرفینی و انضمامی است از فرم محض خودش دور است و مبادله‌ای ناخالص است.

پول همان‌گونه که عینیت در اقتصاد می‌آفریند، سوژه و اراده آزاد نیز می‌آفریند. سوژه‌ای که هویت خود را در آزادی اراده می‌بیند، بهترین تجلی اراده محض را در ابزار محض می‌یابد. همه ابزارهایی که انسان اراده خود را در آن گسترش می‌دهد دارای طبیعت خاص و ویژه هستند لذا در مقابل اراده انسان مقاومت می‌کنند؛ اما پول به خاطر بی‌رنگی و بی‌کیفیتی از هر تعیین و تقیدی رها است و کاملاً آزادی اراده انسان را تامین

کرده و انسان سوژگی و اراده محض بودن خود را در پول می‌یابد. در واقع پول، نمود و نماد همان اراده محض است. این جایگاه برای پول وقتی حاصل می‌شود که زنجیره هدف وسیله هرچه بیشتر گسترده و تحت قدرت پول قرار بگیرد. گستردگی زنجیره وسایل امکان مقایسه وسایل و ابزارها با هم را فراهم می‌کند و پول را در جایگاه بهترین ابزار می‌نشانند. هرچه فاصله بیشتر باشد، امکان ظهور پول محض بیشتر فراهم می‌شود (زیمل، ۱۳۹۷، صص ۳۲۴-۳۳۷). در واقع زیمل می‌خواهد سوژه مدرن را نجات بدهد و آزادی محضی که کانت در ناکجاآباد عقلانی دنبال میکرد زیمل در جهان طبیعی و در پول به آن پاسخ می‌دهد.

مقایسه نظام مدرن با نظام ذات‌گرای سنتی فهم قضیه را آسان‌تر می‌کند. در نظام سنتی چون پول همان ماده فلزی و به صورت جوهری در برابر سایر اعیان قرار داده می‌شود غیر طبیعی است که پول، پول تولید کند بنابراین اگر پول بازپرداختی، بیشتر از پول قرض گرفته شده باشد نوعی دزدی به شمار می‌رود؛ زیرا ماده پول به مرور زمان کهنه یا خراب نمی‌شود؛ از این رو بی‌معناست که این خسارت جبران شود؛ همچنین پول تنها برای خرج کردن است. ارزش مصرفی پول همان خرج کردن آن، یعنی واسطه مبادله قرار گرفتن است؛ بنابراین استفاده و مصرف پول مثل سایر اشیا نمی‌تواند جداگانه فروخته شود؛ درحالی‌که در اعیانی چون خانه و وسیله نقلیه و امثال آن، استفاده و مصرف آن را می‌توان فروخت و در عین حال، عین آن نیز باقی می‌ماند؛ اما پول به محض مصرف و استفاده، از کف مالک خارج می‌شود. در نظام پیشامدرن پول بسیار محکم، مادی و انعطاف‌ناپذیر و در تضاد و تقابل با چیزهای دیگر است؛ از این رو تأثیر و کارکرد آن بسیار ناچیز است و قدرت تولیدی پول خیلی کوچک تلقی می‌شود (زیمل، ۱۳۹۷، صص ۲۸۳).

### ۲-۳. پول منبع انگیزشی

پول به عنوان اراده محض، نماد روح بیقرار انسانی و نمود روح حیات و زندگی است که در کالبد جامعه و اقتصاد ساری و جاری است و جهان انضمام را به حرکت و

تکاپو وا می‌دارد، امری که از فرم ساخته نیست. پول، منبع انگیزشی جامعه است و بدون آن، جامعه از حرکت و تلاش باز می‌ایستد. پول در نظام مدرن با تولید گره خورده است. این پول است که رشد دایمی اقتصادی در همه جهات را فراهم می‌کند. پول به خاطر سرشت انتزاعی‌اش و نیرو و پتانسیل نامتعینش، آغاز و پایان همه فعالیت‌های انضمامی است و همان‌طور که اسپینوزا گفته پول خلاصه همه چیز است. پول نظیر تصور بهشت و دوزخ که تصور آن افراد و نظام اقتصادی را به تکاپو وا می‌دارد و تصور موجود بودنش امیدبخش و اطمینان‌آفرین و موجب تلاش و پیشرفت اقتصادی است و تصور نبودنش یا کم بودنش اضطراب‌آفرین و موجب فلج‌شدن، خمودگی و ایستایی اقتصاد می‌شود؛ اما خودش بی‌حرکت باقی می‌ماند (زیمل، ۱۳۹۷، ص ۲۸۶). پول با سیالیت و حرکت رابطه معناداری دارد و مانند یک توپ آتشین اگر به سرعت دور خود بچرخد، ممتد به نظر می‌آید و همین که از حرکت ایستاد، به یک نقطه کوچک تبدیل می‌شود. پول مدرن دقیقاً این‌گونه است. اگر پویایی و گردش پول سریع باشد همه احساس فراهم‌بودن پول می‌کنند و به محض اینکه از گردش افتاد پول نابود شده و بحران اجتماعی به وجود آمده و دولت‌ها مجبور به خلق پول برای مقابله با این بحران روانی می‌شوند؛ بنابراین پول نقش بسیار بنیادی در ایجاد پیشرفت و رشد اقتصادی بازی می‌کند و موتور محرکه اقتصاد مدرن است. در اقتصادهای سنتی، مادی‌بودن پول، باعث گردش کند پول و به تبع آن، باعث کندی آهنگ رشد و تغییر زندگی بود درحالی‌که در جهان مدرن هرچه پول بیشتر به وضعیت ناب و انتزاعی خود نزدیک می‌شود، امکان جابجایی سریع‌تر در کوتاه‌ترین زمان ممکن و امکان رشد بیشتر اقتصاد را فراهم می‌کند.

### ۳-۳. پیوند سوژه و ابژه و نقش نرخ بهره در این پیوند

پول، پیوند سوژه و ابژه را از طریق بهره انجام می‌دهد. سوژه در پی آزادی و اراده محض است و ابژه‌بودن ابژه با قانون‌مند و جبری‌بودن است و باعث استقلال‌داری از شخصیت و خودتحرکی و پویایی و خودزایی آن بر اساس قوانین عینی خودش است. این خودافزایی عینی و ابژکتیو‌داری، پرداخت بهره ثابت به مالک پول را توجیه‌پذیر

می‌کند؛ زیرا پولی که به صورت دارایی انضمامی درآمده، همیشه به صورت عینی، خود را سامان و رشد می‌دهد و نیازی به دخالت مالک دارایی نیست. از سوی دیگر سوژه با انباشت هرچه بیشتر پول به آزادی محض نزدیک می‌شود. این انباشت با از آن خود کردن ارزش خلق شده به واسطه پول در اقتصاد انضمامی با نرخ بهره ثابت فراهم می‌شود. در نظام‌های پیشامدرن، پول از روش‌های غیر تولیدی مثل خراج، جنگ و تنزیل فلز پولی، به دست می‌آید و پول صرفاً برای مصرف کردن قرض داده می‌شد نه برای تولید، لذا اخذ بهره نامعقول می‌کرد؛ بنابراین خودافزایی پول و منطق «پول، پول می‌آورد» امری معقول و منطقی است؛ بنابراین سوژه شدن سوژه و ابژه شدن ابژه به وسیله نرخ بهره، ممکن و پیوند می‌خورد. در واقع پول نصیب خود را در این خلق ارزش جدید بر می‌دارد؛ همچنین پول مانند محرک بی حرکت است و رشد اقتصادی با پول فراهم می‌شود؛ لذا باید سهمی از تولید اضافه شده به شکل پول به صاحب پول بازگردانده شود.

#### ۴. رابطه الوهیت و تألهیت

با توجه به تفصیلی که از پول تاکنون گذشت، متوجه می‌شویم پول به خاطر معنا و ماهیت خود به سادگی پا در قلمرو الوهیت می‌گذارد. الوهیت رابطه و نسبتی دو طرفه بین اله و متأله است. تأله و إله‌پذیری در انسان به صورت مطلق طلبی ظاهر می‌شود. این رابطه دو طرف دارد یک طرف رابطه الوهیت، انسان به عنوان پرستنده و متاله و جوینده اطلاق و فرارونده از همه حدود است، و طرف دیگرش اله و مطلق که می‌تواند در وجود انسان متجلی و انبساط یابد و انسان با پرستندگی و مطلق‌جویی به خودانبساطی حقیقی راه یابد. این نیازی فطری و ضروری سرشت بشر و در عمیق‌ترین لایه‌های هویتی انسان است. این رابطه هم خاستگاه خیر و عدالت است و هم خاستگاه شر و دیکتاتوری. مسئله کانت در عقل عملی درمان ظلم، بی‌عدالتی، استبداد و جنگ برخاسته از الهیات حلولی مسیحی است. او این کار را با کنار گذاشتن خدا و نشان دادن عقل انسانی در جای خدا انجام می‌دهد. کانت خاستگاه شر در وجود انسان و اراده معطوف به شر را که



خاستگاه دیکتاتوری و تروریسم و ظلم است، دست کم گرفته است. او جایگاه این اراده را در ذیل عقل و در عالم طبیعی قرار داده و عقل را در جایگاه بالاتر از طبیعت؛ از این رو به راحتی این توهم حاصل می شود که طبیعت انسانی و شرور آن توسط عقل خودبنیاد مهار می شود؛ اما در واقع شرّ از تآله ذاتی و مطلق گرایی انسان بر می خیزد.

انسان ذاتاً موجودی متآله است که اگر به آن پاسخ واقعی داده نشود، به شکل «برساختی» به آن پاسخ داده می شود. به تعبیر زیمل، انسان تاب خدا نبودن را ندارد و این کار را یا با خضوع در برابر خدا و فانی کردن وجود شخصی متعین جزئی اش در وجود خدا انجام می دهد یا با انکار خدای بیرونی و خداشدن خودش. با وجود خدا، دیگر انسان نمی تواند خدا شود. با نفی خدا، انسان به خدایی می رسد. ادیان با محو کردن من در خدا، به خدا میرسند و مدرنیته با انکار و مرگ خداوند به همان نتیجه می شود. هر دو نمی تواند تاب آوردند که انسان خداوند نباشد (زیمل، ۱۳۹۶، ص ۳۶۲)؛ بنابراین اله و انسان دو روی یک سکه هستند و از همدیگر جدایی ناپذیرند. اگر پرستندگی ذاتی بشر پاسخ واقعی داده نشود، به صورت استعلا و برتری طلبی بی انتها ظاهر می شود و هر درمان و دارویی که برای مسئله صلح و عدالت ارائه شود، به ضد خود تبدیل می شود.

در صورت برآورده نشدن تآله فطری انسان، پول به خاطر سرشت خاصش می تواند جای اله را پر کند. پول مثل خداوند وحدت دهنده و پایان دهنده زنجیره های بی شمار اهداف، فراسوی هر امری جزئی، فراسوی تمام علایق فردی، سبک های زندگی، تفاوت ها، تضادها، ستیزه ها و نوسان ها، وحدت بخش تمامی کثرت ها، تناقض ها، بیگانگی ها و ناسازگاری های موجود در جهان است؛ همچنان که می تواند به عنوان مرکزی، مخرج مشترک متضادترین و بیگانه ترین و دورترین چیزها باشد که به همدیگر مرتبط می شوند. پول خنثی و بیطرف و در خدمت هدف خاصی نیست؛ اما ظرفیت اسرارآمیزی را در خدمت به همه اهداف متضاد از خود نشان می دهد. پول به خاطر اینکه هیچ محتوا و کیفیتی ندارد و نسبت به هر امر انضمامی بی تفاوت است، به شخص، آزادی مطلق، امکان مصرف کاملاً آزادانه هر چیزی، انتخاب آزاد زمان و محل سکونت و هدایت فعالیت ها و اختیار تام بر جزئیات زندگی می دهد؛ بنابراین می تواند به

جایگاه غایت مطلق بر فرازد. پول شبیه خدا است که هم در اشیای مقید است؛ اما در عین حال، فرااشیاست. پول در ذات خود فراسوی رابطه‌مندی و فراسوی تمام علایق شخصی و گروهی است، ولی در عین حال درون اشیا و در خدمت خواسته‌های خاص است و درون روابط قرار می‌گیرد. پول نماد وحدت تصورناپذیر «وجود» است که جهان با تمام پهنا، تنوع، انرژی و واقعیتش از آن جاری می‌شود و به اشیا امکان شکوفایی می‌دهد (زیمل، ۱۳۹۷، صص ۶۵۰-۶۶۰). قدرت پول نه امری فردی یا شیء‌واره بلکه امری اجتماعی است و این اجتماع است که این قدرت را به پول می‌دهد و هرچه گستره اشیا یی که با پول فراهم می‌شود بیشتر شود قدرت پول بیشتر، و در این صورت چیزها هرچه بیشتر بدون هیچ دفاعی مغلوب قدرت پول می‌شوند. هرچه پول انتزاعی‌تر و از کیفیت رها شود، نسبت به کیفیت اشیا قدرتمندتر می‌شود. این پدیده‌ای است که در دنیای مدرن روی داده است.

لذا ایده خداوند و ایده پول به عنوان دو ایده متضاد هستند و در طول تاریخ هرگاه که قدرت دینی در جامعه ضعیف‌تر شده قدرت پول و حرص و طمع برای به‌دست آوردن آن گسترش یافته است. ایده خدا به عنوان عالی‌ترین وحدت کیهانی و ایده پول به عنوان عالی‌ترین وحدت اقتصادی، خطر رقابت میان علاقه پولی و مذهبی را ایجاد کرده است. از این رو در جهان مرگ خدا، پول خدای سکولار جهان و جهان سکولار است (زیمل، ۱۳۹۷، ص ۳۶۰)؛ یعنی خدایی است که گسسته از خدای واقعی، بلکه جانشین خدای واقعی و خدای جهان سکولار و گسسته از آسمان است.

#### ۴-۱. ضرورت بهره در رابطه الوهیت

در این رابطه الوهیت و تأله، ربا نسبت به اله، ادای دین است و برای متاله خودانبساطی. از نگاه الهیاتی ربا بازتاب دین و احساس گناه انسان به اله است. همان‌طور که عبودیت، تقوا و مناسک دینی، جبران گناه و دین به خدا است، ربا پرستش پول از طرف ندار برای دارای پول و پرداخت دین انسان به اله است. در نگاه دقیق‌تر، ربا پرداخت دین به نمایندگان اله و متألهان کامل (ثروتمندان) است. اینها طبقه بی‌طبقه

هستند که باید آزادترین مردم باشند. مخالفت ادیان با ربا، به خاطر همین سرشت الهیاتی نهفته در پول است و منسوخ کردن بهره، به ذات پول در ریشه‌اش ضربه می‌زند (زیمل، ۱۳۹۷، ص ۳۶۱). از سوی دیگر، تحقق خودانبساطی برای انسان مستلزم ربا است، چون این تأله امری برساختی و نه امری حقیقی است. این خودانبساطی، محتوای خود را از وجود محض و غنی مطلق نمی‌گیرد و از آن سیراب و پر نمی‌شود؛ بنابراین از این متأله به اله دروغین، به مراتب پایین چیزی ساری نمی‌شود؛ بلکه با مکش از طبقه پایین و استثمار، خودگستری می‌یابد و تمام ساحت‌های وجودی انسان‌ها را در خدمت خود گرفته و از روح و روان و از توجه دیگران و از کار و تلاش دیگران تغذیه می‌کند.

بنابراین ربا که «اخذ بلاعوض» است نمود تاله دروغین است کما اینکه نمود تأله واقعی «اعطای بلاعوض» است؛ زیرا از وجود حقیقی و منع فیض لبریز می‌شود. در واقع اخذ بلاعوض که بعضی مفسرین، ربا را به آن تعریف کرده‌اند، پدیدار و نمود تاله دروغین است. به خاطر همین سرشت الهیاتی پول و ربا است که ربا محاربه با خدا و رسول و در بین گناهان هم‌وزن و هم‌رتبه ولایت دشمنان خدا است و بقیه گناهان بزرگ پایین‌تر از ربه ربا و ولایت غیر خداست؛ چرا که ولایت و ربا تمام شئون و جهات حیات فردی و اجتماعی انسان را اشغال و در می‌نوردد و اساس و بنیان دین را از ریشه می‌کند، اما دیگر گناهان حوزه خاصی از جهات نفس را درگیر می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۰۹). همین هویت الهیاتی پول و ربا و قدرت مطلق که مالکیت پول بر عکس دیگر چیزها می‌دهد، باعث ایجاد چرخه سرمایه‌ای «پول - کالا - پول» می‌شود. مارکس اجمالاً در سرمایه‌داری متوجه نحوه‌ای الهیات شده بود، اما نتوانست آن را تبیین کند.

با توجه به تفصیلی که گذشت، پایه اصلی عقلانی‌سازی بهره، ورود وحدت در کثرت و ورود پول در جهان انضمام است و اگر این جهت از پول گرفته شود و بهره مستقل از جهان انضمامی و پویایی آن باشد، جنون‌آمیزترین شکل ممکن خواهد بود و با توجه به غلبه منطق گسستگی و خودبستگی بر حیات مدرن، مبادلات پولی مالی به سوی استقلال از اقتصاد واقعی پیش می‌رود.

## نتیجه‌گیری

در دنیای مدرن به خاطر گسستگی از وحدت حقیقی و قرار گرفتن انسان در جایگاه وحدت، پول دچار تغییر هویتی شده و با نرخ بهره رابطه‌ای درونی پیدا می‌کند. پول از نگاه زیمل دارای سه لایه است: لایه ایده تنظیمی، لایه اراده محض، لایه الهیاتی. پول به عنوان فرم و ایده تنظیمی که ترابط و کل بودگی بین اشیا را فراهم می‌کند گرچه با بهره تناقض دارد اما به خاطر تناقضات عملی ناچار است به وسیله بهره تنظیم‌گری را انجام دهد. در لایه اراده محض، پول محرک تولید و رشد اقتصادی و پیونددهنده تضاد و ثنویت سوژه و ابژه است و این تحریک و پیوند را از طریق بهره انجام می‌دهد. در لایه الهیاتی، پول به خاطر سرشت خاصش جانشین اله می‌شود و مانند تأله و خودانبساطی انسان امری برساختی است و از وجود مطلق سیراب نمی‌شود؛ لذا به صورت استثمار از طبقات پایین پدیدار می‌شود.

## فهرست منابع

۱. اینگام، جفری. (۱۴۰۰). ماهیت پول (مترجمان: اصلاان قودجانی، حسین درودیان و علی نصیری‌ا قدم، چاپ اول). تهران: دانشگاه امام صادق.
۲. ذاکرزاده، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). ایده‌آلیسم آلمانی (چاپ دوم). تهران: پرشش.
۳. زیمل، گئورگ. (۱۳۹۲). درباره فردیت و فرمهای اجتماعی (مترجم: شهناز مسمی‌پرست، چاپ اول). تهران: ثالث.
۴. زیمل، گئورگ. (۱۳۹۶). شوپنهاور و نیچه (مترجم: شهناز مسمی‌پرست، چاپ دوم) تهران: نشر علم.
۵. زیمل، گئورگ. (۱۳۹۷). فلسفه پول (مترجم: شهناز مسمی‌پرست، چاپ اول). تهران: کتاب پارسه.
۶. صدر، محمدباقر (۱۴۰۸). اقتصادنا. (چاپ دوم). قم: مجمع علمی شهید صدر.
۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۲، چاپ دوم). قم: اسماعیلیان.
۸. کاپلستون، فردریک چارلز. (۱۳۹۲). تاریخ فلسفه (ج ۶، مترجمان: اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، چاپ پنجم). تهران: علمی فرهنگی.
۹. کاراتانی، کوچین. (۱۳۹۶). کانت و مارکس (مترجمان: مراد فرهادپور و صالح نجفی، چاپ اول). تهران: هرمس.
۱۰. گیلسی، مایکل آلن. (۱۳۹۸). ریشه‌های الهیاتی مدرنیته (مترجم: زانیار ابراهیمی، چاپ اول). تهران: روزگارنو.
۱۱. مجموعه نویسندگان. (۱۳۹۸). تاریخ فلسفه راتلج (ج ۶، مترجم: حسن مرتضوی، چاپ چهارم). تهران: چشمه.
۱۲. میشکین، فردریک. (۱۳۸۱). پول ارز بانکداری (مترجمان: علی جهانخانی و علی پارسایان، چاپ دوم). تهران: سمت.
۱۳. هولسمن، یورگ گوئیدو. (۱۳۹۲). اخلاق تولید پول (مترجم: سیدامیرحسین طالبی، چاپ اول). تهران: دنیای اقتصاد.

## References

1. Capelston, F. C. (1392 AP). *A History of Philosophy* (5<sup>th</sup> ed., Vol. 6, E. Manouchehr Bozorgmehr, Trans.). Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian]
2. Gillespie, M. A. (1398 AP). *The Roots of Modern Theological Ideas* (1<sup>st</sup> ed., Z. Ebrahimi, Trans.). Tehran: Rozgare no. [In Persian]
3. Group of writers. (1398 AP). *A History of Philosophy by Ratledge* (4<sup>th</sup> ed., Vol. 6., H. Mortazavi, Trans.). Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
4. Holzmann, J. G. (1392 AP). *The Ethics of Money Production* (1<sup>st</sup> ed., A. H. Talebi, Trans.). Tehran: Donyaye Eqtesad. [In Persian]
5. Ingam, J. (1400 AP). *The Nature of Money* (1<sup>st</sup> ed., A. Qoudjani., H. Doroudian., & A. Naseri-Aqdam, Trans.). Tehran: Imam Sadegh University. [In Persian]
6. Karatani, K. (1396 AP). *Kant and Marx* (1<sup>st</sup> ed., M. Farhadpour., & S. Najafi, Trans.). Tehran: Hermes. [In Persian]
7. Mishkin, F. (1381 AP). *Money, Banking, and Central Banking* (2<sup>nd</sup> ed., A. Jahankhani., & A. Parsayan, Trans.). Tehran: Samt. [In Persian]
8. Sadr, M. B. (1408 AH). *Eqtesadna* (2<sup>nd</sup> ed.). Qom: The Scientific Assembly of Martyr Sadr. [In Persian]
9. Tabataba'i, M. H. (1371 AP). *Al-Meezan fi Tafsiir al-Quran* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 2). Qom: Ismailiyan. [In Arabic]
10. Zakerzadeh, A. (1391 AP). *German Idealism* (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Porsesh. [In Persian]
11. Zimmel, G. (1392 AP). *On Individuality and Social Forms* (1<sup>st</sup> ed., Sh. Masmiparast, Trans.). Tehran: Saleth. [In Persian]
12. Zimmel, G. (1396 AP). *Schopenhauer Va Nietzsche* (2<sup>nd</sup> ed., Sh. Masmiparast, Trans.). Tehran: Elm. [In Persian]
13. Zimmel, G. (1397 AP). *The Philosophy of Money* (1<sup>st</sup> ed., Sh. Masmiparast, Trans.). Tehran: Ketabe Parseh. [In Persian]

## Research Article

# Islamic Approach to Gender Equality in Occupations

Mohammad Mahdi Naderi Qomi<sup>1</sup>

Received: 21/01/2023

Accepted: 18/06/2023



### Abstract

Occupations in which gender is considered as a condition for employment, alongside other requirements, are known as gendered occupations. The prevailing feminist perspective in today's world, under the slogan of gender equality, strives to make all occupations gender-neutral. The achievement of this perspective has resulted in the disintegration of the family unit, the marginalization of women's identity, sexual harassment, and neglect of the economic and managerial role of men. On the other hand, a conservative approach has replaced gender roles in the environment with gender roles in occupations, portraying all occupations as gendered in Islam. The result of this perspective is the deprivation of women from accessing many social resources and opportunities. This article, using a descriptive-analytical method and employing established rules in the jurisprudential approach, based on the analysis of Islamic verses and narrations, separates gender roles in the environment from gender roles in occupations. It distinguishes between shared and gendered occupations and introduces ten gender principles, along with the primary principle in occupations, as the Islamic policy for the employment of both men and women.

### Keywords

Gender, Sex, Occupation, Gendered Occupations, Islamic Approach.

---

1. Assistant Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

Email: m.naderi7@gmail.com

ORCID: 0000-0001-6357-8430

\* Naderi Qomi, M. M. (1402 AP). Islamic Approach to Gender Equality in Occupations. *Journal of Islam and Social Studies*, 11(42), pp. 88-121. <https://doi.org/10.22081/JISS.2023.65758.1987>

## مقاله پژوهشی

### رویکرد اسلامی به تناسب جنسیتی در مشاغل

محمد مهدی نادری قمی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

©Author(s).



#### چکیده

مشاغلی که در آنها جنسیت، در کنار دیگر شرایط، به عنوان شرط احراز شغل به شمار می‌رود، مشاغل جنسیتی نام دارد. نگرش فمینیستی حاکم بر دنیای امروز با شعار تساوی زن و مرد تلاش کرده و می‌کند تا تمامی مشاغل را غیر جنسیتی معرفی کند. دستاورد این دیدگاه، از هم پاشیدگی کانون خانواده، تحقیر شخصیت زن، مزاحمت‌های جنسی و بی‌توجهی به نقش اقتصادی و مدیریتی مرد بوده است. از سوی دیگر، یک نگرش تفریطی، نقش جنسیت در محیط را جانسین نقش جنسیت در شغل کرده، تمام مشاغل را در اسلام جنسیتی جلوه داده است. نتیجه این دیدگاه نیز محرومیت زنان از دستیابی به بسیاری از منابع و امکانات جامعه است. این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از قواعد مرسوم در روش اجتهادی، بر مبنای تحلیل آیات و روایات اسلامی، ضمن جداسازی نقش جنسیت در محیط از نقش جنسیت در شغل، مشاغل مشترک و جنسیتی را از هم تفکیک کرده، ده اصل جنسیتی را به‌ضمیمه اصل اولی در مشاغل، به عنوان خط مشی اسلام در اشتغال زن و مرد معرفی کرده است.

#### کلیدواژه‌ها

جنسیت، جنس، شغل، مشاغل جنسیتی، رویکرد اسلامی.

m.naderi7@gmail.com

۱. استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

ORCID: 0000-0001-6357-8430

\* **استناد به این مقاله:** نادری قمی، محمد مهدی. (۱۴۰۲). رویکرد اسلامی به تناسب جنسیتی در مشاغل. فصلنامه علمی - پژوهشی (رتبه ب) اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱ (۴۲)، صص ۸۸-۱۲۱.

<https://Doi.org/10.22081/JISS.2023.65758.1987>



جنسیتی بودن یا نبودن مشاغل، یکی از مسائلی است که به طور عمده در حوزه مطالعات مربوط به زنان و حضور آنان در عرصه اجتماعی مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد. به‌ویژه مقتضای نگرش اسلامی به این مسئله، از جمله مباحثی است که میان اندیشمندان مسلمان محل مجادله و تضارب آرا است. منظور از مشاغل جنسیتی در پژوهش حاضر، آن دسته از مشاغلی است که جنسیت (زن یا مرد بودن) از شرایط احراز آن تلقی می‌شود. اگر فعالیت‌هایی را که در جوامع سنتی انجام می‌گرفته جزو مشاغل بدانیم، سابقه مشاغل جنسیتی به گستره تاریخ بشر خواهد بود. اما اگر شغل به اصطلاح خاص امروزی یا سابقه نگارشی را در نظر بگیریم، ریشه در انقلاب صنعتی دارد و پیش از آن، ادبای در مورد این موضوع دیده نمی‌شود. ضرورت بحث از این مسئله از آنجا است که با مطرح‌شدن مباحث و رویکردهای فمینیستی در جوامع اسلامی، ضرورت تناسب جنسیت و شغل، مورد برخی تردیدها قرار گرفته است. این در حالی است که تا همین اواخر و چند دهه گذشته، در میان اندیشمندان مسلمان و همچنین عرف عمومی جوامع اسلامی، زنانه یا مردانه بودن برخی مشاغل امری مسلم و پذیرفته شده بوده است. در فضای بین‌المللی و جهانی، دو نگاه تفریطی و افراطی در مورد تقسیم وظایف بین زن و مرد مطرح می‌شود، که یکی موجب محرومیت زن از منزلت واقعی خود، و دیگری سبب نگاه مردانه به زنان و مردانگاری آنان شده است (ر.ک: گیدنز، ۱۴۰۱، صص ۵۶۳-۵۶۹). این دو نگاه در جوامع اسلامی نیز دیده می‌شود. باید دید براساس منابع اسلامی، سبک زندگی اسلامی در این مسئله چه دیدگاهی را برمی‌تابد. باوجود پژوهش‌های انجام‌شده، هنوز زوایای مبهم اساسی و مهمی در این خصوص وجود دارد. از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: تبیین روشن از مفهوم «جنسیت» بر اساس رویکرد اسلامی، چگونگی رابطه جنسیت و شغل از منظر اسلامی، تفکیک نقش جنسیت در محیط از نقش جنسیت در شغل، معرفی معیاری جامع و روشن برای تشخیص مشاغل جنسیتی از غیر جنسیتی، تدوین اصول و قواعدی مشخص برای ترجیح فعالیت‌های اجتماعی آدیان به صورت عام و برای ترتیب و

ترجیح فعالیت‌های زنانگی و مردانگی به صورت خاص. در این مقاله تلاش شده است به اجمال به مسایل مذکور پاسخ داده شود.

## ۱. مفاهیم

### ۱-۱. مفهوم‌شناسی جنسیت

مفهوم «جنس» و «جنسیت»، با یکدیگر قرابت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. اولی از مفاهیم واقعی بوده و حکایت از ویژگی‌های طبیعی زن و مرد دارد؛ از این‌رو، تفاوت‌های جنسی بیانگر تفاوت‌های کالبدی و فیزیولوژیکی زن و مرد می‌باشد (پین، ۱۳۹۴، ذیل واژه جنس). «جنسیت» اما یک مفهوم اعتباری است و به معنای مجموعه‌ای از صفات و رفتارهای زنانگی و مردانگی که ساخته و پرداخته جامعه باشد، به کار می‌رود (پین، ۱۳۹۴، ص ۲۵۳). تفاوت‌های جنسیتی نیز اشاره به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان دارد. جنس افراد با گذشت زمان هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند، اما جنسیت به مرور ایام تحت تأثیر تغییرات اجتماعی قرار گرفته و متحول می‌شود. جنسیت می‌تواند آموخته شود، یا ممکن است بین فرهنگ‌ها و جوامع مختلف، متنوع باشد (ابوت و والاس، ۱۴۰۱، ص ۳۱۵)؛ از این‌رو می‌توان جنسیت را تفاوت‌های اکتسابی فرهنگی بین مردان و زنان تعریف کرد (رابرتسون، ۱۳۹۱، ص ۲۷۵). جنسیت، مشمول رفتارها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد. در ارتباط با نقش‌های جنسیتی، افکار قالبی در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات را از هر دو جنس تعیین می‌کند (نرسیاس، ۲۰۰۴، ص ۳۸)؛ از این‌رو، جنسیت به‌عنوان یک عامل اجتماعی و متأثر از فرهنگ مطرح می‌شود؛ بنابراین از این منظر تفاوت‌های جنسیتی ثابت نبوده و در فرهنگ‌های مختلف و در طول زمان می‌تواند تغییر کند (کالومیا، ۱۹۹۲، ص ۳). برخی محققان بین تفاوت‌های زیست‌شناختی مردان و زنان از یک سو، و فرضیات اجتماعی مربوط به مردانگی و زنانگی از سوی دیگر، ارتباط برقرار کرده‌اند (ر.ک: روباتم، ۱۳۹۸، ص ۱۶). این بدان معنا است که تعیین و تعریف نقش‌ها و انتظارات نسبت به زنان و مردان گرچه با فرهنگ

حاکم بر یک جامعه خاص گره خورده است، اما در هر صورت این تمایز به تفاوتی برمی‌گردد که به لحاظ زیست‌شناختی بین زن و مرد وجود دارد؛ از این رو به نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی نویسندگان همچون روباتم اشاره کرده‌اند، مرزبندی بین دو مفهوم «جنس» و «جنسیت» چندان هم واضح و قطعی نیست و می‌توان آنها را به جای یکدیگر به کار برد، یا دست کم نمی‌توان چنین اصطلاحی را مردود دانست.

در واقع، مفهوم «جنسیت» حاکی از نحوه هستی انسان بوده و به اصطلاح فلسفی مابه‌ازای خارجی و یا وجود مستقل ندارد، بلکه به وجود موضوع خودش (زن و مرد) موجود است. به تعبیری دیگر، این مفهوم، وجودی جدا از موضوع و منشأ انتزاع خودش ندارد؛ همانند علت و معلول در مورد آتش و حرارت، که علت و معلول، وجودی جدا از آتش و حرارت ندارند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ج ۱، درس ۲۴ و ج ۲، درس ۳۱)؛ بنابراین، ظرف تحقق جنس عالم طبیعت است و جایگاه جنسیت عرصه قانون و اخلاق می‌باشد. در حقیقت تفاوت‌های جنسیتی مبتنی بر تفاوت‌های جنسی است (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۶، ص ۲۹۷، و مصباح یزدی، ۱۳۹۲، صص ۳۳-۳۸). در نگرش اسلامی، جنسیت تنها مسئولیت اجتماعی و یا وظایف قانونی نیست، بلکه گرایشی طبیعی است (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۹۷).

در هر صورت، در پژوهش حاضر بین مفهوم جنس و جنسیت تفاوتی گذاشته نشده و هر دو به یک معنا به کار رفته‌اند و مقصود این است که بررسی شود از دیدگاه اسلامی، زن یا مرد بودن چه تأثیری در انتخاب و واگذاری شغل به افراد دارد.

## ۲-۱. مفهوم‌شناسی شغل

کلمه «شغل»، در لغت به معنای هرگونه سرگرمی و مشغولیت‌های انسانی به کار می‌رود. در عرف عام، به کارهای نامنظم روزانه که مربوط به نیازمندی‌های زندگی باشد، اطلاق می‌شود. اما در اصطلاح رایج علوم انسانی، پدیده شغل شاخه‌ای از کار است که پاداش مالی بر آن مترتب گردد. از این منظر، کار به چیزی گفته می‌شود که در مقابل دستمزد و یا حقوق منظم و ثابت به انجام می‌رسد (گیدنز، ۱۴۰۱، ص ۵۴۱). در

دانش مدیریت نیز این واژه به مجموعه‌ای از وظایف مرتبط و وابسته به یکدیگر اطلاق می‌شود (قلی‌پور، ۱۴۰۱، ص ۶۲). در اسلام، واژه «شغل»، به معنای رایج در علوم انسانی وجود ندارد. به جای آن، کلماتی مانند عمل یا کسب و نیز طلب حلال به کار رفته است. به نظر می‌رسد، در مباحث اسلامی، مفهوم شغل در مقابل بیکاری و تن‌پروری قرار می‌گیرد و در جایی به کار می‌رود که فعالیت با انگیزه‌های اقتصادی یا خدماتی نیز همراه گردد. از سوی دیگر، در اسلام ارزش مشاغل و یا اعمال، هیچگاه به ارزش‌های مادی آن محدود نمی‌شود، بلکه ارزش‌های معنوی و انگیزه و نیت شاغل نیز به آن افزوده می‌گردد. در ادبیات اسلامی، از این دو امر اصطلاحاً به حسن فعلی (اشاره به ارزش‌های شغلی) و حسن فاعلی (اشاره به ارزش‌های موجود در شاغل) تعبیر می‌شود (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴، صص ۵۵-۵۶).

با توجه به توضیحات مذکور، مقصود از «شغل» در این پژوهش، هرگونه فعالیت و عمل ارادی انسانی است که با هدف معنوی و نیز اقتصادی یا خدماتی به انجام رسیده و قابلیت برای پرداخت پاداش مالی را داشته باشد، خواه در سازمان باشد و یا در منزل.

## ۲. سابقه تقسیم کار جنسیتی

تردیدی نیست که از زمان پیدایش انسان‌های نخستین بر روی زمین، زن و مرد کار می‌کرده‌اند. این امر موجب شده است شواهد فراوانی در تمام جوامع وجود داشته باشد که حاکی از نوعی تقسیم کار بر حسب جنس و جنسیت است؛ یعنی کارهایی مخصوص زنان و برخی کارها نیز ویژه مردان باشد. در این زمینه می‌توان سه دوره تاریخی ذیل را در نظر گرفت.

### ۲-۱. دوره انسان‌های نخستین و جامعه بدوی

گروهی از مورخان و باستان‌شناسان معتقدند در جامعه بدوی شیوه زندگی بشر بر پایه شکار و گردآوری خوراک استوار بوده است. براساس یک تقسیم کار

ابتدایی، زنان به طور عمده به گردآوری خوراک می‌پرداختند و کار مردان شکار بود. زن در غیاب مرد، محصولات خوردنی زمین، نظیر: میوه، دانه‌های جنگل، عسل، قارچ و غلات را جمع‌آوری می‌کرد، تا آسیب‌پذیری خانواده را در برابر کمبود خوراکی‌ها و احیاناً شکار جبران نماید. مردان نیز با شکار حیوانات مختلف، غذای خانواده و جمع را فراهم می‌کردند. این خود نوعی از تقسیم کار براساس جنسیت بود. نوعی دیگر از تقسیم کار، تقریباً ده هزار سال قبل از میلاد مسیح حدس زده می‌شود که به موجب آن، مردان در خارج از خانه به تدارک غذا، انجام شکار و صید ماهی می‌پرداختند و در مقابل، زنان به کارهای داخل خانه مانند کوزه‌گری، بافندگی، تهیه پوشاک، جمع‌آوری گیاهان خوراکی، باغبانی و تهیه خوراک سرگرم بودند (طغری‌نگار، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

به‌طور کلی، آنچه در جوامع ابتدایی، اعم از شرقی و یا غربی مسلم است این است که قابلیت‌های ویژه زنان در امر بارداری، زایمان و شیردهی، و به‌طور کلی نیاز بشر به بقای نسل، موجب گردیده زنان بیشتر سرگرم رتق و فتق امور داخل خانه باشند. در مقابل، وظایفی مانند: شکار، تهیه غذا و نقش‌های خارج از خانه به عهده مردان بوده است. این امر به نوبه خود باعث تقویت نقش محوری مردان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و اجتماعی شده است.

## ۲-۲. دوره تمدن کشاورزی

در این دوران، که در اروپا دوران فنودالی نامیده می‌شود، زنانی که مشغول کار و ارائه خدمتی بودند در خانه‌های مخصوصی به نام «خانه زنان» زندگی می‌کردند که از اماکن مردان به کلی جدا بود. کنار این خانه‌ها کارگاه‌هایی به وجود آمده بود که هیچ راهی برای اختلاط مرد با زن نداشت. در این کارگاه‌ها، تمام کارهای به اصطلاح زنانه همچون ریسندگی، بافندگی، دوزندگی، آماده‌کردن پشم و غیره انجام می‌شد. نوعاً این زنان و دختران اقشار کم‌درآمد جامعه بودند که در این خانه‌ها و کارگاه‌ها دیده می‌شدند (خانی، ۱۳۸۵، صص ۱-۱۰). در این دوره هر از چندگاهی این زمزمه شنیده

می‌شد که درست آن است که زن در خانه و در کنار همسر و فرزندانش باشد و برای آن چنین استدلال می‌شد که استقلال اقتصادی زن شوهردار می‌تواند موجب ضربه به ازدواج و نهاد خانواده شود، یا مادر شاغل در رسیدگی به فرزندان کوتاهی کند؛ همچنین گفته می‌شد انواع معینی از کار ممکن است به توانایی زن برای به دنیا آوردن فرزندان سالم آسیب برساند (گرت، ۱۴۰۰، صص ۱۲۱-۱۲۲).

این مقطع از تاریخ اروپا و غرب، همزمان با ظهور اسلام (در سال ۵۷۰ میلادی) در شرق است. اسلام همچون مرد برای کار زن نیز ارج قایل شد و هر یک از زن و مرد را مالک بهره‌برداری از کسب و کارش دانست: «لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛ مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی» (نساء، ۳۲). تاریخ صدر اسلام و سیره و روش مردم در جامعه اسلامی آن زمان نیز به روشنی گواهی می‌دهد که بسیاری از کارها بین زن و مرد مسلمان مشترک بوده و معدودی از کارها وجود داشته که اسلام مایل به انجام آن از سوی زنان نبوده است (ر.ک: بستان، ۱۳۹۰، صص ۱۵۱-۱۵۴). البته اسلام مهم‌ترین کار و شغل زن را خانه‌داری می‌داند و تأکیدش بر این است که اقتصاد خانواده عمدتاً باید توسط مرد تأمین شود (ر.ک: بستان، ۱۳۹۰، صص ۳۶-۳۷)؛ همچنین اسلام کارهایی همچون جهاد، قضاوت و تدبیر امور مهم جامعه را نیز به عنوان وظایفی بر شمرده که بیشتر و اصالتاً دارای ویژگی مردانه‌اند.

در هر صورت، ویژگی کلی این دوره از تاریخ بشر این است که از جدایی جنسیتی میان کار مولد و غیرمولد، و کار درآمدزا و غیر درآمدزا خبری نیست. در این دوره هر چند بعضی وظایف، ویژه مردان و برخی دیگر مختص زنان شمرده می‌شد، ولی تمام کارها در خدمت بقای خانواده بود (ابوت و والاس، ۱۴۰۱، ص ۱۷۴).

### ۲-۳. دوره صنعتی

با شروع انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم، کار مزدی از فضای خانه جدا گشت و به کارخانه‌ها و اداره‌ها منتقل شد. مردان و زنان برای کار از خانه بیرون می‌رفتند. تولید از

مصرف جدا شد. کار مولد از کار غیرمولد فاصله گرفت و به تدریج، مردان بیشتر در کارهای مولد و زنان به طور عمده در کارهای غیر مولد اشتغال یافتند. در قرن بیستم، صنعتی شدن در قالب سرمایه‌داری نقش جدیدی به زنان داد؛ بدین ترتیب که آنان علاوه بر نقش همسری و مادری در خانه، به ایفای نقش اقتصادی و تولیدی در خارج از منزل نیز پرداختند. ویرانی‌های حاصل از جنگ جهانی دوم و گسترش انواع صنایع، ورود زنان به بازار کار را در کنار مردان، بیش از پیش گسترش داد. با ورود و گسترش صنعت، بسیاری از زنان کشاورزی را رها کرده، به کارخانه‌ها روی آوردند. پدیده «جهانی شدن» نیز سهم عمده‌ای در افزایش اشتغال زنان داشته است (زارعان و برزگر، ۱۳۹۷، ص ۲۹۶).

اما با تمام تحولاتی که طی دهه‌های اخیر در بازار کار به وجود آمده، بسیاری از اندیشمندان معتقدند هنوز هم مردان به عنوان نیروی کار اصلی و زنان صرفاً به عنوان نیروی کار ذخیره و فرعی محسوب می‌شوند (خانی، ۱۳۸۵، صص ۱-۱۰). او کلی معتقد است در کشورهای صنعتی تمایز آشکاری بر مبنای جنسیت در بیشتر مشاغل وجود دارد؛ مردان اکثراً مشاغل پر نفوذ و دارای مهارت و حقوق بالا را در اختیار دارند، اما زنان نوعاً در کارهایی اشتغال دارند که از نظر ابتکار ذهنی به آموزش چندانی نیاز ندارد و معمولاً شامل کارهایی با دوره زمانی کوتاه است که با نقش مادری و خانه‌داری زنان چندان تعارضی ندارد (گرت، ۱۴۰۰، صص ۱۲۵-۱۲۸).

### ۳. دیدگاه‌ها در مورد رابطه شغل و جنسیت

در مورد چرایی جداسازی بازار کار به شیوه جنسیتی و تبعیض بین زن و مرد در آن، نظریه‌ها و دیدگاه‌های متعددی از سوی اندیشمندان علوم اجتماعی ارائه شده است. برخی از مهم‌ترین این دیدگاه‌ها را در ادامه مرور می‌کنیم.

#### ۳-۱. دیدگاه سرمایه انسانی

این دیدگاه مربوط به اقتصاددانان کلاسیک است. اینان برای تبیین تفاوت‌های

جنسیتی و تبعیض در کارها، به متغیرهایی مانند: نیروی جسمی، ساعات کار، مسئولیت‌های خانوادگی، آموزش فنی، آموزش عمومی، غیبت از کار و جابه‌جایی در کار متوسل می‌شوند. یکی از فرض‌های اساسی اقتصاددانان کلاسیک این است که کم‌تر بودن در آمد زنان نسبت به مردان، مربوط به عامل «سرمایه انسانی» است. مقصود این است که زنان آموزش کمتری می‌بینند و به مراتب، سرمایه‌گذاری کمتری روی سرمایه انسانی خود دارند، بهره‌وری کاری پایین‌تری نیز دارند. دلیل این هم که زنان آموزش کمتری می‌بینند این است که یک انتظار اساسی از آنان این است که بچه بزنند. گرچه تمام زنان بچه ندارند، ولی اکثر آنها قادر به انجام این کار هستند و یا برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. این واقعیت آنها را به سمت مشاغل سوق می‌دهد که برای بچه‌دار شدن و پرورش فرزند، تحت فشار و جریمه قرار نگیرند. در آن سو مردان مشاغل را انتخاب می‌کنند که در گذر زمان سرمایه انسانی آنها افزایش قیمت داشته باشد (هوفمن و اورت، ۱۳۹۰، ص ۳۷۹ و گرینت، ۱۳۸۲، ص ۲۷۶).

### ۲-۳. دیدگاه بازار کار دوگانه

یکی از معروف‌ترین دیدگاه‌ها در مورد علت جنسیتی شدن مشاغل، نظریه بازار کار دوگانه است. این دیدگاه بین دو دسته از مشاغل، تمایز قایل می‌شود: یک دسته مشاغل که از لحاظ پرداخت مزد و فرصت‌های پیشرفت، وضع نسبتاً خوبی دارند. در سوی دیگر مشاغل هستند که مزدشان کمتر است و امکان پیشرفت محدودتری دارند. در گروه نخست مانند مهارت کارگران، ویژه و متناسب با احتیاج مؤسسه مورد نظر است و کارفرمایان به ثبات کارگران نیاز دارند، مزدهای بهتری به نیروی کار پرداخت می‌شود و دورنمای مطلوب‌تری برای پیشرفت ارایه می‌گردد. در این مشاغل، کارفرمایان ترجیح می‌دهند بیشتر از مردان استفاده کنند؛ زیرا زنان به علت وظایفی همچون فرزندآوری و خانه‌داری و پرورش فرزند، کمتر ممکن است در کارشان ثبات داشته باشند.

نظریه تجزیه شدن بازار کار، اولاً بر اهمیت وضعیت ورود به سازمان برای تعیین



امکانات آینده در کسب سرمایه انسانی تأکید دارد و ثانیاً بر این مطلب تأکید می‌ورزد که رفتار با کارگران به خصوصیات چگونگی پایداری شغلی آنها مرتبط می‌باشد. بدین سان به جای اینکه تفکیک جنسیتی در شغل را ناشی از ویژگی‌های ذاتی مردان و زنان تلقی نماید، دست کم قسمتی از آن را به نوع مشاغل مرتبط می‌داند (کار، ۱۳۸۴، صص ۱۵-۲۷ و علویون، ۱۳۸۴، ص ۹۵).

### ۳-۳. دیدگاه جنسیتی

این دیدگاه معتقد است بین موقعیت تابع بودن زن در خانواده و تابع بودن وی در بازار کار، ارتباط وجود دارد و این امر، جزئی از یک نظام کلان اجتماعی است که در آن زن تابع مرد است. یک موضوع کلیدی در نظریه‌های جنسیت، کار خانگی، به‌ویژه مراقبت از کودکان است، که به زنان اختصاص دارد؛ بنابراین، دلیل اشتغال زنان در مشاغل پایین جامعه را باید در عوامل داخلی بازار کار و شرایطی که زنان تحت آن، نیروی کار خود را می‌فروشند، جستجو کرد. در همه کشورهای صنعتی حتی در آنجا که زنان در خارج از خانه کار می‌کنند، کار خانگی، به‌ویژه مراقبت کودکان، به خانم‌ها اختصاص دارد. مسئولیت‌های خانوادگی زنان ایجاب می‌کند که آنان مشاغل با دستمزد پایین را انتخاب کنند؛ بنابراین زنان، به‌خصوص زنان متأهل، مسئولیت خود در خانواده و منزل را در انتخاب شغل دخالت می‌دهند.

موضوع دیگری که به وسیله نویسندگان طرفدار نظریه جنسیتی مطرح گردیده، مزاحمت‌های جنسی است. این نوع مزاحمت‌ها در جداسازی مشاغل، تا حدود زیادی مؤثر بوده و از این طریق، تلاش‌های زیادی که برای ورود زنان به قلمرو مشاغل مردانه صورت می‌گیرد، خنثی می‌شود (علویون، ۱۳۸۴، ص ۹۶).

### ۳-۴. دیدگاه نهادی (کنش متقابل)

بر اساس دیدگاه نهادی، تبعیض جنسیتی، از موانع نهادینه شده بین مشاغل مردانه و زنانه نشئت می‌گیرد. در این دیدگاه، چگونگی انتخاب شغل از سوی افراد، بیشتر به

عملکرد کارفرمایان و ساختار فرصت بستگی دارد تا به انتخاب خود کارکنان؛ یعنی کارفرمایان عزل و نصب‌های شغلی را در عمل براساس درک خود از تفاوت‌های جنسیتی انجام می‌دهند. برای درک این مهم، باید نقش تبعیض‌ها و تفکیک شغلی مبتنی بر جنسیت را مورد توجه قرار داد. یکی از صاحب‌نظران به پنج نوع تبعیض و تفکیک شغلی اشاره کرده است: کوتاه‌نظرانه، مقید به اصول اخلاقی، آماری، برگرفته از مصرف‌کننده (مشتری)، و برگرفته از کارکنان. وی دو نوع اول را از لحاظ اقتصادی غیرمنطقی می‌داند، اما می‌گوید سه نوع دیگر ممکن است برای کارفرما منافع اقتصادی داشته باشد. در این میان، تبعیض آماری مهم‌تر است؛ برای نمونه مطالعه‌ای پس از سال‌ها تجربه به این نتیجه رسیده است که تحویل‌داران مرد، کمی بیش از تحویل‌داران زن اشتباه می‌کنند. این امر ممکن است به این تصمیم منجر شود که همه مردان تحویل‌دار اخراج و تنها زنان برای این شغل استخدام شوند (جنکس، ۱۹۹۲م، به نقل از: سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳). از سوی دیگر، ممکن است پژوهش‌ها نشان دهند که زنان نسبت به مردان، مسئولیت‌های بیشتری دارند؛ مانند نگهداری از فرزند در نبود پدر، و آماده‌بودن به ترک شغل به تبعیت از تغییر شغل همسر. در این صورت، کارفرمایان ممکن است به این نتیجه برسند که استخدام زنان نسبت به مردان پرهزینه‌تر است. در چنین حالتی ممکن است کارفرما تمامی یا اکثر زنان را از این مشاغل محروم نماید؛ همچنین ممکن است روزی تحقیقات به این نتیجه برسد که زنان در مشاغلی که به چالاکی انگشتان نیاز دارد بهتر از مردان کار می‌کنند. نتیجه این وضعیت، محرومیت مردان از آن مشاغل خواهد بود (هوفمن و اورت، ۱۳۹۰، صص ۳۶۲-۳۷۶).

تبعیض ناشی از مشتری نیز زمانی اتفاق می‌افتد که کارفرمایان معتقد باشند که اگر بانویی یا مردی را در شغلی که به جنس مخالف تخصیص داده می‌شود استخدام کنند، مشتریان را از دست خواهند داد؛ برای مثال اگر مدیر یک فروشگاه کالاهای الکترونیکی معتقد باشد که مشتریان ترجیح می‌دهند تجهیزات کامپیوتری را از یک مرد خریداری کنند، ممکن است تصمیم بگیرد زنان را از هرگونه شغل مربوط به

فروش رایانه کنار بگذارد. این اقدام هرچند قانونی و اجتماعی نیست، اما مقتصدانه و به صرفه تر خواهد بود.

تبعیض ناشی از کارکنان نیز همین گونه است. اگر کارفرمایی معتقد باشد که کارکنان سابقاً استخدام شده، از کار کردن با فردی از جنس مخالف راضی نیستند، ممکن است به این نتیجه برسد که حذف زن یا مرد تازه وارد، با ارزش تر از منافی باشد که بر اثر استخدام او حاصل می شود؛ همچنین شبکه اجتماعی، در کارایی و استخدام شغلی نقش مهمی ایفا می کند. اگر این شبکه تفکیک جنسیتی شده باشد، اطلاعات شغلی بین افراد یک جنسیت مبادله خواهد شد و نتیجه آن، اشغال مشاغل به وسیله یک جنس خاص خواهد بود (هوفمن و اورت، ۱۳۹۰، صص ۳۶۲-۳۷۶).

### ۳-۵. دیدگاه فمینیستی

در پاسخ این پرسش که «چرا بازار کار به شیوه جنسیتی جداسازی شده است؟ و چرا زنان به طور متوسط هنوز کمتر از مردان درآمد دارند؟» برخی از فمینیست ها به سراغ تحلیل آنچه در شرکت های تجاری بزرگ روی می دهد، رفته اند. خانم کانتر در پژوهشی که درباره زنان و مردان کارمند در شرکت های بزرگ ایالات متحده انجام داده است، شیوه های بی شماری از فرهنگ سازمانی این شرکت ها را شناسایی کرده که به عنوان موانع پیشرفت زنان عمل می کنند. از جمله وی می گوید: نظام اخلاقی مدیریت حاکم در این شرکت ها در وهله نخست مذکر و مردمحور است (ر.ک: فریدمن، ۱۳۹۷، صص ۷۷-۷۹). البته به این تحلیل اشکال شده که در مقیاس به این کوچکی، نمی توان پاسخ یک پرسش را در مقیاس بسیار بزرگ دریافت کرد.

### ۴. نگاه کلی اسلام به جنسیتی شدن مشاغل

الگوی تقسیم کار در اسلام به طور دقیق از وجوه مشترک زن و مرد و تمایزات آن دو پیروی می کند؛ یعنی دین اسلام ضمن پذیرش کارهای مشترک بین زن و مرد، نسبت به تقسیم کار جنسیتی نیز نظر موافق دارد. با نگاهی جامع به منابع اسلامی می توان

دریافت که تقسیم کار در اسلام بر دو اساس بنیان نهاده شده است: یکی تخصص (تجربه و دانش)، و دیگری جنسیت.

از دیدگاه اسلام، تخصص، تجربه، و دانش دینی و کاری، برای تصدی یک شغل لازم است. در این مورد احادیث فراوانی وجود دارد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «هر کس که بدون دانش (مهارت و تخصص) به کاری دست زند، بیش از اینکه آن کار را درست انجام دهد، خراب می کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴). از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که آن حضرت فرمودند: «برای من تفاوتی نمی کند که امانت را به خیانتکار سپارم یا به تباه کننده» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۰۰)؛ کنایه از اینکه تفاوتی نمی کند که کاری به فردی خائن سپرده شود یا نادان و غیرمتخصص؛ زیرا نتیجه یکی است و هر دو نفر کار را تباه و فاسد می کنند؛ همچنین امام حسین علیه السلام می فرماید: «کاری را که در توان تو نیست بر عهده مگیر... و جز آنچه را شایسته آنی دریافت مکن» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۷). از این گونه احادیث دریافت می شود که دانش و تخصص کاری در اسلام، به شدت مورد اهتمام است و از شرایط تصدی شغل محسوب می شود.

اما در مواردی نیز اسلام علاوه بر تجربه و تخصص، زنانگی و مردانگی را عامل مؤثر بر رفتار شغلی می داند؛ برای نمونه امام رضا علیه السلام می فرماید: «زنان به علل مختلفی از تعامل (با مردان) و تجارت کردن بازداشته شده اند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۱۱). در قلمرو خانوادگی، اسلام نفقه زن و خانواده را بر شوهر واجب کرده است تا بدین وسیله زنان از مسئولیت اقتصادی در برابر خانواده و به تبع آن، از کارکردن بیرون از منزل معاف شوند. امام رضا علیه السلام در این خصوص می فرماید: «زن در مورد نیازمندی هایش عائله مرد حساب می شود. بر مرد واجب است که نفقه زن را پردازد، ولی بر عهده زن نیست که شوهر خود را تأمین کند و یا اگر مرد محتاج و نیازمند شد، نفقه وی را پردازد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵۰). این یک نمونه از تقسیم کار جنسیتی در حوزه خانواده است.

همچنین در اسلام به پرهیز از اختلاط های غیر ضروری و احیاناً مفسده انگیز زنان و مردان در جامعه توصیه شده است. چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «ای مردم

عراق! باخبر شدم که زنان شما با مردان نامحرم در فضاهای مختلط و عمومی در حال تنه زدن هستند. آیا از این کارتان حیا نمی کنید؟» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۳۶). از این روایت بر می آید در هرگونه فعالیت اجتماعی که مبتنی بر روابط میان زن و مرد نامحرم باشد، اصل محرمیت و تفکیک جنسیتی که یک دستورالعمل جنسیتی است، می باید رعایت گردد.

#### ۴-۱. دو نوع تأثیر جنسیت بر مشاغل، از دیدگاه اسلام

بر اساس نگرش اسلامی، ارتباط بین شغل و جنسیت به طور کلی به دو نوع تقسیم می شود:

الف) گاهی جنسیت هیچ ارتباطی به خود مشاغل و کارها ندارد، بلکه از شرایط محیط کار محسوب می شود؛ نظیر کارهایی که نه ویژگی زنانگی دارد و نه ویژگی مردانگی. در این نوع کارها، همان گونه که اشاره شد، از دیدگاه اسلامی توصیه و اصل اولی این است که محیط کار زنان از مردان جدا باشد. بسیاری از کارهایی که در جامعه وجود دارد، از همین نوع است؛ برای نمونه خیاطی و آشپزی، و ویژگی زنانگی یا مردانگی ندارند و زن و مرد هر دو می توانند خیاط یا آشپز باشند. در این گروه از مشاغل، ویژگی زنانگی و مردانگی از خود شغل قابل تجزیه و تفکیک است.

در عین حال، جنس و جنسیت در اسلام می تواند از اقتضات دائمی محیط شغلی باشد؛ یعنی از نظر اسلام محیط کار برای همیشه جنسیتی است و نباید فضای شغلی فضای اختلاط اجنبی باشد، به گونه ای که زمینه انحراف اخلاقی را فراهم سازد. البته جنسیتی بودن محیط اختصاص به مشاغل ندارد، بلکه حتی فضای مجالس مهمانی، روضه خوانی، نماز جمعه و جماعات، مجالس عزا و جشن عروسی و... می باید غیرمختلط باشد.

ب) در مواردی، جنسیت به عنوان خصیصه درون شغلی به شمار می رود و رعایت جنسیت در کنار دیگر شرایط کار ضرورت دارد. این دسته از مشاغل، همان کارهایی هستند که ویژگی زنانگی یا مردانگی دارند؛ برای نمونه از نگاه فرهنگ

اسلامی مرد نمی‌تواند آرایشگر و یا ماساژور زنان باشد. زن هم نمی‌تواند آرایشگر و ماساژور مردان باشد؛ زیرا این کارها ویژگی محرمیت دارد. محرمیت یک اصل جنسیتی مهم در احکام و شریعت اسلامی است و باید به دقت پاس داشته شود.

بنابراین براساس تقسیم مذکور، هرگاه جنسیت و شغل با هم ترکیب شوند، آن مشاغل جنسیتی خواهد بود و اگر این چنین نباشد، جنسیت تنها ارتباط با محیط دارد.

در فرهنگ رایج دنیای امروز و البته در برخی کشورها (به‌ویژه کشورهای در حال توسعه) نیز نوعی نگاه جنسیتی به مشاغل وجود دارد که موجب ترجیح واگذاری برخی از کارها به شاغل مرد یا زن می‌گردد. مهم‌ترین این موارد (ر.ک. ملک‌زاده، ۱۴۰۰، صص ۲۰۴-۲۰۶) عبارتند از:

۱. قدرت جسمانی: برای انجام برخی کارها زنان فاقد قدرت جسمانی لازم تصور می‌شوند. به همین دلیل، به زنان اجازه ورود به کارهای سنگین داده نمی‌شود.

۲. توانایی بیشتر مردان در نظارت و سرپرستی: در بسیاری از کشورها این باور جنسیتی وجود دارد که نظارت و سرپرستی زنان نسبت به مردان ضعیف‌تر است؛ از این رو، در بسیاری از کشورهای صنعتی و همچنین کشورهای در حال توسعه، نسبت کوچکی از کارکنان مدیریت و سرپرستی را زنان تشکیل می‌دهند.

۳. سربراهی بیشتر زنان در مقایسه با مردان: البته سربراه‌بودن زنان، با این عقیده که آنان برای مشاغل سرپرستی مناسب نیستند مرتبط است و برای مشاغل سطوح پایین‌تر ترجیح دارند.

۴. مهارت بالای زن در وظایف مرتبط با وظایف خانگی: به تجربه ثابت شده است که معمولاً زنان برای مشاغلی که مهارت‌های مورد نیاز آنها مشابه مهارت‌های به کار رفته در وظایف خانگی باشد (نظیر آموزگاری، پرستاری، دوزندگی، آشپزی و نظافت) مناسب‌تر از مردان هستند.

در فرهنگ عمومی بسیاری از کشورها، رانندگی کامیون از کارهایی است که ویژگی مردانگی دارد؛ چون زور بازو و قدرت بدنی می‌طلبد، که این ویژگی‌ها از مختصات مردانگی است. سربازی نیز از جمله این کارها است که جسارت و

شجاعت لازم دارد؛ این ویژگی‌ها نیز عموماً مردانه تلقی می‌شود. از سوی دیگر، مربی‌گری کودکان از کارهایی است که عاطفه لازم دارد، و عاطفی بودن، یک ویژگی زنانگی است.

## ۵. اصول راهنما در تقسیم جنسیتی مشاغل

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تقسیم جنسیتی مشاغل، ارزش‌ها و اصول پذیرفته‌شده در یک جامعه و فرهنگ خاص است. اسلام، و بالطبع جامعه اسلامی، نیز ارزش‌ها و اصول خاص خود را دارد، که در جنسیتی شدن مشاغل تأثیرگذار است؛ از این‌رو در مورد نسبت جنسیت و شغل از منظر اسلام، لازم است این ارزش‌ها و اصول مورد توجه قرار گیرد. در اینجا چند اصل جنسیتی در اسلام که می‌تواند برای تقسیم کار بین زن و مرد راهنما باشد، به اجمال و در قالب یک جدول نشان داده می‌شود. در جامعه اسلامی هرگونه تقسیم کار و تدوین مقررات شغلی، می‌باید در راستای حمایت از این اصول و ارزش‌ها باشد و در تضاد و تعارض با آنها قرار نگیرد.

نام اصل و توضیح اجمالی آن	برخی مستندات اصل
اصل حفظ جمال و زیبایی در زن: از منظر اسلام، زن مظهر جمال و زیبایی است؛ از این‌رو زنان نباید مشاغلی را برگزینند که به زیبایی ظاهری آنان آسیب می‌رساند.	رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مردان ناخن‌هایشان را کوتاه نگاه دارند و زنان، آنها را رها نمایند، چرا که سبب زیبایی در آنان می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۵). امیرمؤمنان علی <small>علیه السلام</small> نیز می‌فرماید: «خداوند سیمای زن را در رخسار او و سیمای مرد را در گفتارش قرار داده است»؛ همچنین فرمود: «خرد زنان در زیبایی آنها است و زیبایی مردان در خردشان» (محمدی‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۲۶۴۳)؛ همچنین از امام

نام اصل و توضیح اجمالی آن	برخی مستندات اصل
<p>اصل رعایت و حفظ حیا و عفاف زنانگی: نگرش اسلامی بر زندگی عقیفانه و حفظ و رعایت حیا در ارتباطات میان زن و مرد تأکید ویژه دارد. اشتغال زنان نباید موجب نقض این اصل مهم شود.</p>	<p>صادق <small>علیه السلام</small> نقل شده است: «در شأن مرد نیست به گونه ای روغن مالی نماید که هیچ گاه غباراندود نگردد و [دائماً] همچون زن صاف و لغزنده ظاهر شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲۰، ح ۱).</p>
<p>قرآن کریم به زنان توصیه می کند در معاشرت با مردان حتی در کیفیت سخن گفتن نیز حریم عفاف و حیا را رعایت کنند و طریقه صحبت کردنشان با نامحرم طوری نباشد که باعث تحریک غریزه جنسی شود (احزاب، ۳۳)؛ همچنین به مسلمانان توصیه می کند هنگامی که برای درخواست چیزی از همسران پیامبر به منزل آن حضرت مراجعه می کنند رویارویی مستقیم با آنان نداشته باشند و از پشت پرده و مانند آن، درخواست خود را مطرح کنند (احزاب، ۵۳). رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> می فرماید: «حیا ده جزء دارد؛ نُه جزء آن در زنان و یک جزء آن در مردان است» (محمدی شهری، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۸۷، ح ۴۷۶۹)؛ همچنین در روایتی، عقیف و باحیا بودن، یکی از ویژگی های زنان برتر دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴).</p>	



نام اصل و توضیح اجمالی آن	برخی مستندات اصل
اصل توجه به عاطفی بودن زنان و ضعف جسمی آنان: در مورد اشتغال زنان باید توجه داشت که به طور معمول، زنان به لحاظ جسمی نسبت به مردان کم توان ترند و به عکس، به لحاظ عاطفی از مردان عاطفی تر هستند.	امیر مؤمنان علی <small>علیه السلام</small> می فرماید: «زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هر چند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند؛ [چرا] که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند؛ در روزگاری که زنان مشرک بودند، مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم» (نهج البلاغه، نامه ۱۴، ص ۳۷۳). مضمون کلامی دیگر از آن حضرت این است که زن مانند گل است که باید با آن با لطافت و نرمی برخورد کرد و نباید زن را قهرمانی بپنداریم که می خواهیم پنجه در پنجه او بیفکنیم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۰).
اصل هراس زنانه در قبال عرض زنانگی: خانم‌ها به نوعی نسبت به حریم جنسی خود بسیار حساس‌اند و از این که دیگران بخواهند به این حریم وارد شوند پیوسته بیم و هراس دارند؛ و این ویژگی به حفظ و حراست حریم جنسی آنان بسیار کمک می‌کند. اشتغال زنان نباید باعث تضعیف این ویژگی شود.	امیر مؤمنان علی <small>علیه السلام</small> می فرماید: «برخی از نیکوترین خلق و خوی زنان، زشت‌ترین اخلاق مردان است؛ مانند تکبر، ترس و بخل. هرگاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد... و اگر بیمناک باشد، از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند، فاصله می‌گیرد» (نهج البلاغه، ص ۵۰۹، کلمه قصار ۲۳۴).
اصل توجه به نقش تربیتی و همسر داری زنان: زنان دو شأن و نقش بسیار مهم در زندگی خانوادگی دارند که در حفظ استحکام و سلامت	پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small> می فرماید: «همه شما شبانید، و همه در شبانی مسئولید... و زن شبان خانواده، شوهر و فرزندان

نام اصل و توضیح اجمالی آن	برخی مستندات اصل
خانواده و جامعه بسیار مهم و تأثیرگذار است: تربیت فرزندان و ایفای مسئولیت‌های مربوط به همسر داری. اشتغال زنان نباید به گونه‌ای باشد که به این دو شأن مهم و اساسی لطمه‌ای وارد نماید.	خویش است، و او در این شبانی مسئول است» (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶).
اصل مبنای بودن نهاد خانواده در اسلام: از دیدگاه اسلامی بنیادی‌ترین نهادها نهاد خانواده است. اشتغال زنان نباید موجب سستی و تضعیف این نهاد شود.	پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند، محبوب‌تر و گرامی‌تر از ازدواج [و تشکیل خانواده] نیست» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۳، ح ۴۳۴۳).
اصل توجه به حریم محرم و نامحرم میان زن و مرد: اسلام نسبت به روابط بین زن و مرد نامحرم بسیار حساس است و گرچه آن را اجازه می‌دهد، اما شرایط ویژه‌ای برای آن مقرر کرده و بسیار تأکید دارد این روابط تا حد ممکن حداقلی بوده و موجب تحریک غریزه جنسی و ایجاد فضای مسموم و گناه‌آلود نشود.	قرآن کریم می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند... و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پیدا است آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند و زینت‌های خود را آشکار نکنند» (نور، ۳۰ و ۳۱)؛ همچنین پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «نباید مردی با زنی خلوت نماید، زیرا سومی آنها شیطان خواهد بود» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۰۴، ح ۷۸۸).
اصل مجاز بودن اشتغال زنان و کسب درآمد مستقل: از دیدگاه اسلامی، اصل اشتغال زنان و کسب درآمد توسط آنان اشکالی ندارد و آنان	خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «مردان نصیبی از آنچه به‌دستی می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی [و نباید حقوق هیچ‌یک

نام اصل و توضیح اجمالی آن	برخی مستندات اصل
می‌توانند همچون مردان شاغل باشند و به کسب درآمد پردازند. البته در برخی موارد، این امر ممکن است منوط به اذن (همسر، پدر و ...) باشد.	پایمال گردد] «(نساء، ۳۲).
<p>اصل تقدم اشتغال مردان بر اشتغال زنان: بر اساس احکام اسلامی، تأمین مخارج (نفقه) زن و فرزندان بر عهده مرد است؛ و این امر نیازمند آن است که مقدمات اشتغال و کسب درآمد به واسطه مردان در جامعه فراهم باشد؛ بنابراین اشتغال زنان نباید موجب شود در جامعه وضعیتی به وجود آید که مردان به سبب اشتغال زنان نتوانند کار پیدا کنند.</p>	<p>در قرآن کریم می‌خوانیم: «و برای آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن) پردازد (بقره، ۲۳۳)؛ همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «آن‌ها (زنانتان) را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شما است سکونت دهید... آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدست هستند، از آنچه خدا به آنها داده انفاق نمایند» (طلاق، ۶). پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> نیز در روایتی می‌فرماید: زنانان بر شما حقی دارند و شما هم بر زنان حقی دارید. حق شما بر زنانان این است که بدون اجازه شما کسی را به منزل راه ندهند و ... و هنگامی که از شما اطاعت کردند بر شما است که خوراک و پوشاک آنان را به طور متعارف پردازید (ابن شعبه الحرانی، ۱۴۰۴ق، صص ۳۳-۳۴). امام رضا <small>علیه السلام</small> نیز در حدیثی می‌فرماید: «زن در مورد نیازمندی‌هایش عائله مرد حساب می‌شود. بر</p>

نام اصل و توضیح اجمالی آن	برخی مستندات اصل
<p>مرد واجب است که نفقه زن را بپردازد، ولی بر عهده زن نیست که شوهر خود را تأمین نماید و یا اگر مرد محتاج و نیازمند شد، نفقه وی را بپردازد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۵۰).</p>	
<p>اصل توجه به نقش مدیریتی مرد در خانواده: نهاد خانواده به عنوان یک اجتماع کوچک به مدیر و سرپرست نیاز دارد. در نگاه اسلامی این مدیر مرد است. اشتغال زن نباید با این اصل تنافی و تعارضی ایجاد نماید.</p>	<p>قرآن کریم می‌فرماید: «مردان، از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است، و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان قیومیت و سرپرستی دارند. پس زنان شایسته، فرمانبردار شوهران هستند» (نساء، ۳۴).</p>

## ۶. مشاغل غیرجنسیتی در اسلام

از منظر اسلامی، بسیاری از مشاغل جنبه جنسیتی ندارد و ملاک اساسی در انتخاب آنها تخصص و تجربه است. نمونه‌هایی از این مشاغل، به‌عنوان گزارش تاریخی از صدر اسلام، وجود دارند که به صراحت در تاریخ منعکس شده است. از جمله آنها تعلیم و تربیت است. در گزارشی آمده است که بانویی در شهر مدینه به تربیت کنیزان اشتغال داشت و مردم کنیزان خود را برای آموختن آداب لازم به او می‌سپردند. استقبال از این زن زیاد بود و درآمد سرشاری از این روش کسب می‌کرد، به گونه‌ای که تعجب همگان را برانگیخته بود. از امام صادق علیه السلام در این باره سؤال شد. آن حضرت اشکالی از این کار نگرفت و در سرّ درآمد سرشار او فرمود: «این خانم، راستگو و امین است، و این دو خصلت، روزی را به‌سوی انسان سوق می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۲، ص ۱۹).

آوازخوانی نیز می‌تواند هم برای زنان و هم برای مردان زمینه کسب درآمد و اشتغال باشد. آنچه از احادیث اسلامی به دست می‌آید این است که خواننده‌های آلوده‌ای که به حالت عریان و همراه با فساد، خوانندگی می‌کنند، کسب‌شان حرام است، ولی اگر معصیتی از نظر عریانی و تحریک و فساد در میان نباشد، خوانندگی زن (برای زنان) و خوانندگی مرد، در اسلام منعی ندارد (خوبی، ۱۳۵۲، ج ۳، ص ۲). از امام هفتم علیه السلام در خصوص آوازخوانی در محافل عید فطر و قربان و مراسم شادی پرسیدند؛ فرمود: «تا سبب و زمینه‌ساز معصیت نباشد، اشکالی ندارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۲۲).

دیگر شغل مشترکی که در گزارش‌های تاریخی و احادیث اسلامی به آن اشاره شده، نوحه‌سرایی برای مردگان است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۳۷۴). حنان بن سدید می‌گوید: در محله ما بانویی بود که کنیزی نوحه‌خوان داشت. این زن از راه نوحه‌خوانی آن کنیز زندگی خودش را اداره می‌کرد. وی نزد پدرم آمد و گفت: تو می‌دانی که زندگی من از سوی خدا به وسیله نوحه‌خوانی این کنیز تأمین می‌شود. دوست دارم از امام صادق علیه السلام بپرسی که اگر این کار حلال است، ادامه دهم و گرنه کنیز را بفروشم و از بهای آن زندگی کنم تا خدا فرجی برساند. پدرم گفت: پرسیدن این مسئله از امام علیه السلام برای من دشوار است. او اضافه می‌کند وقتی خدمت امام رسیدیم، خودم از حضرت درباره مسئله آن زن پرسیدم. فرمود: «آیا برای اجرت شرط می‌کند یا نه؟» گفتم به خدا قسم نمی‌دانم شرط می‌کند یا نه. حضرت فرمود: «به آن زن بگو شرط نکن و هرچه دادند، بپذیرد» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۵۸).

پرستاری از دیگر مشاغل مشترک میان زنان و مردان است. از امام باقر علیه السلام روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ‌ها بانوان را برای مداوای مجروحین همراه خود می‌برد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۵).

براساس آنچه گذشت، می‌توان گفت از دیدگاه اسلامی، به‌طور کلی در مواردی معیار انجام کار، تنها تجربه و تخصص است. اینها از مشاغل مشترک بین زن و مرد محسوب می‌شوند. اما اگر علاوه بر تخصص، جنسیت نیز از شرایط شغلی باشد، در آن موارد، مشاغل، جنسیتی و اختصاصی می‌شود؛ یعنی ویژه زن یا مرد خواهد بود. در

این مشاغل، جنس مخالف در حال اختیار حق انتخاب و ورود در آن قلمرو را ندارد، و یا دست کم آن صنف، برای تصدی آن شغل صلاحیت بیشتری دارد.

## ۷. تأسیس اصل کلی در مورد رابطه شغل و جنسیت

صرف نظر از اصول ده گانه‌ای که بیان شد، و همچنین جدای از بحث مصداقی و تعیین مصداقی مشاغل مردانه، زنانه و مشترک از دیدگاه اسلام، می‌توان در این مورد اصلی کلی را تأسیس کرد تا بر اساس آن روشن شود که آیا به‌طور کلی اصل اولی، تأثیر جنسیت بر شغل است و یا اصل اولی این است که جنسیت بر شغل تأثیری ندارد. در این زمینه، به نظر می‌رسد مقتضای ادله این است که اصل اولی نبود تأثیر جنسیت بر شغل است و هریک از زن و مرد می‌توانند در مشاغل گوناگون ورود پیدا کنند. در ادامه دو دلیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۷. اصل آزادی کار

هر انسانی حق دارد کاری را برای خودش انتخاب کند. اسلام نیز چنین حقی را به رسمیت شناخته است. برای اثبات این حق، هم به برخی آیات قرآن و هم به سیره عملی جاری در جامعه اسلامی در زمان معصومان علیهم‌السلام می‌توان استناد کرد.

الف) قرآن کریم: قرآن کریم در خصوص به رسمیت شناختن این حق می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهَا؛ اوست که زمین را رام شما گردانید، پس بر روی آن سیر کنید، و از رزق خدا بخورید» (ملک، ۱۵). تعبیر «کلوا من رزقه» در آیه، به معنای انواع طلب و تصرف در زمین است؛ بنابراین، با واژه «کلوا» انسان‌ها را به انواع کار و تلاش، اقتصادی و تصرفاتی که موجب بهره‌وری از نعمت‌های الهی و استفاده از ارزاق آن می‌شود، تشویق کرده است. از سوی دیگر، خطاب «کلوا» به همه انسان‌ها است و دلیلی بر اختصاص آن حق به صنف یا گروه خاصی وجود ندارد؛ زیرا اصل در خطاب‌های قرآنی و روایی این است که مطلق بوده و شامل همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد شود. این قاعده‌ای است که فقهای

مسلمان همواره به کار می‌برند (ر.ک: خوبی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۹۶).

از این رو استفاده از نعمت‌های الهی و تصرف در زمین و بهره‌گیری از آب‌ها، درختان، جنگل‌ها و جانوران برای گذراندن زندگی مادی، برای همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد مجاز است. جمع مذکور بودن «کلوا» نیز دلیل بر اختصاص حکم آیه به مردان نیست؛ چون روش قرآن در بیان احکام مشترک میان مرد و زن این است که از خطاب مذکر استفاده می‌کند؛ مانند امر به روزه، حج، نماز و غیره (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۷).

ب) سیره عملی زنان مسلمان صدر اسلام: زنان در صدر اسلام، در زمان پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم علیهم‌السلام به فعالیت‌های اقتصادی گوناگون اشتغال داشته‌اند و آن بزرگواران، نه تنها از کار و تلاش ایشان نهی نکرده‌اند، بلکه گاه نیز آنها را به ادامه کارشان تشویق نموده‌اند (ر.ک: نکونام گلپایگانی، ۱۳۸۴، ج ۴، فصل ۲).

## ۲-۷. اصل آزادی برای انعقاد قراردادها

هر انسانی، زن یا مرد، در زندگی اجتماعی حق دارد با هم‌نوعان خودش قراردادهای مختلف، از جمله قراردادهای گوناگون شغلی داشته باشد. در این مورد نیز جنس و جنسیت دخالت ندارد. در فقه و معارف اسلامی برای کسانی که قرارداد می‌بندند شرایطی برای نفوذ و صحت قراردادشان تعیین شده است. مهم‌ترین این شروط عبارتند از: بلوغ شرعی، عقل، سفیه‌نبودن، قصد به مفهوم عقد، اختیار در انجام عقد (مکره و مجبور نبودن)، اذن مولا (در صورتی که فرد برده باشد)، و مالک بودن عاقد، یا مأذون بون وی از سوی مالک یا شارع. اما در این زمینه، هیچ فقیهی مرد یا زن بودن را از شرایط صحت عقود و قراردادها ندانسته است. دلیل این امر نیز در واقع، مطلق بودن خطابات قرآنی و روایی نسبت به زنانگی و مردانگی در عقود است. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها وفا کنید» (مائده، ۵). واژه «اوفوا» امر است و مؤمنان را به وفا کردن به هر چیزی که به آن عقد و قرارداد گفته می‌شود، دستور داده است. آیه از نظر مخاطب فراگیر

است و هم زنان و هم مردان را شامل می‌شود. براین اساس، حکم وفای به عقد، به گروه یا صنف خاصی منحصر نیست؛ بنابراین، بر زن و مرد واجب است به پیمان‌ها و قراردادهای خود از هر نوعی که باشد وفا کنند. اگر زن بودن مانع قرارداد تجاری و یا شغلی بود، در ردیف عناوینی چون دیوانگی، صغر سن، محجوریت و مانند آنها قرار می‌گرفت و اطلاق آیه نسبت به آن مقید می‌شد یا دست کم اطلاق آن مورد تردید قرار می‌گرفت؛ و حال آنکه هیچ فقیهی چنین نگفته و نکرده است (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، صص ۱۶۱-۱۷۰).

همچنین همه آیاتی که راجع به حرمت ربا و حلیت بیع است، اطلاق داشته و ظاهر آن اشتراک و عمومیت نسبت به زنان و مردان است و کسی در تعمیم آنها تردید وارد نساخته است (ر.ک: علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، صص ۱۳۶-۱۴۳). یک رشته از آیات و روایات نیز برای حلال یا حرام بودن معاملات، به بیان معیارهایی همچون «اکل مال به باطل» و «تجارت از روی رضا» بسنده کرده است. ظاهر این گونه ادله نیز مطلق بوده و اشتراک را می‌رساند (ر.ک: خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۲۳۸ و ۳۶۶ و ج ۲، ص ۱۷۴).

### نتیجه‌گیری

در این مقاله نشان داده شد سبک زندگی اسلامی با الگوی تقسیم جنسیتی مشاغل، در کنار کارهای مشترک، موافق است. این الگو دقیقاً از وجوه مشترک زن و مرد و تمایزات آنها پیروی می‌کند. بر اساس این الگو اسلام در برخی مشاغل، علاوه بر تخصص و مهارت، جنسیت را نیز دخیل می‌داند. برای تقسیم مشاغل بین زنان و مردان، یک رشته اصول و ارزش‌های جنسیتی در اسلام مطرح است که می‌تواند به‌عنوان اصول راهنما در این تقسیم عمل کند. این اصول عبارتند از: اصل حفظ جمال و زیبایی در زن، اصل توجه به عاطفی‌بودن زنان و ضعف جسمی آنان، اصل هراس زنانه در قبال عرض زنانگی، اصل مینابودن نهاد خانواده در اسلام، اصل توجه به نقش تربیتی و همسررداری زنان، اصل توجه به حریم محرم و نامحرم میان زن و مرد، اصل مجازبودن اشتغال زنان و کسب درآمد مستقل، اصل تقدم اشتغال مردان بر اشتغال زنان، اصل توجه به نقش



مدیریتی مرد در خانواده؛ همچنین توضیح داده شد، بر اساس مستندات اسلامی، اگر در جایی مردد باشیم که شغلی جنسیتی است یا خیر، اصل اولی این است که جنسیت بر شغل تأثیری ندارد.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم.
- \*\* نهج البلاغه (تنظیم: صبحی صالح). بی تا. قم: مؤسسه دار الهجره.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۳ و ۴، چاپ دوم). قم: جامعه مدرسین.
  ۲. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵). دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام (ج ۲). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
  ۳. ابن شعبه الحرانی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعة المدرسين.
  ۴. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). کتاب مکاسب (ط - الحدیثه، ج). کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
  ۵. آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۴۰۱). جامعه‌شناسی زنان (مترجم: منیژه نجم عراقی، چاپ هفدهم). تهران: نشر نی.
  ۶. بستان (نجفی) حسین؛ بختیاری، محمدعزیز و شرف‌الدین، سیدحسین. (۱۳۹۰). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده (چاپ پنجم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
  ۷. پین، مایکل. (۱۳۹۴). فرهنگ اندیشه انتقادی از روشنگری تا پسامدرنیته (مترجم: پیام یزدان‌جو، چاپ پنجم). تهران: آگاه.
  ۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه (ج ۲، ۱۷ و ۲۱). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
  ۹. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر. (۱۴۰۸ق). نزهة الناظر و تنبيه الخاطر. قم: مدرسه الامام المهدي علیه السلام.
  ۱۰. خانی، فضیله. (۱۳۸۵). جنسیت و توسعه. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۱. خمینی، روح‌الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (ج ۱ و ۲، ۵، چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۲. خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۶ق). صراط النجاة (حاشیه: خویی، ج ۱). قم: مکتب نشر المنتخب.
۱۳. خویی، سیدابوالقاسم. (۱۳۵۲). اجود التقريرات (ج ۳، چاپ اول). قم: مطبعة عرفان.
۱۴. رابرتسون، یان. (۱۳۹۱). درآمدی بر جامعه (مترجم: حسین بهروان). تهران: آستان قدس.
۱۵. روباتام، شیللا. (۱۳۹۸). زنان در تکاپو: فمینیسم و کنش اجتماعی (مترجم: حشمت‌الله صباغی، چاپ چهارم). تهران: شیرازه.
۱۶. زارغان، منصوره؛ برزگر، خدیجه. (۱۳۹۷). جنسیت و توسعه. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۷. سفیری، خدیجه؛ ایمانیان، سارا. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی جنسیت. تهران: جامعه‌شناسان.
۱۸. صدر، محمدباقر. (۱۴۲۱ق). المدرسة القرآنیة. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۱۹. طفرانگار، حسن. (۱۳۸۳). حقوق سیاسی اجتماعی زنان. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (محقق: خُرسان، ج ۶). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب (ج ۱۵). مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۲۲. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء (ط - الحدیثة، ج ۱۰). قم: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام.
۲۳. علویون، سیدمحمد رضا. (۱۳۸۴). کار زنان در حقوق یران و حقوق بین‌المللی کار. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۲۴. فریدمن، جین. (۱۳۹۷). فمینیسم (مترجم: فیروزه مهاجر، چاپ پنجم). تهران: آشیان.
۲۵. قلی‌پور، آرین. (۱۴۰۱). مدیریت منابع انسانی (چاپ پانزدهم). تهران: سمت.

۲۶. کار، مهرانگیز. (۱۳۸۴). زنان در بازار کار ایران (مترجم: پروین ریسی فرد). تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). کافی (ج ۱، ۵، ۶، ۸، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. گرت، استفانی. (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی جنسیت (مترجم: کتابیون بقایی). تهران: نشر دیگرا.
۲۹. گرینت، کیت. (۱۳۸۲). زمینه جامعه‌شناسی کار (مترجم: پرویز صالحی). تهران: مازیار.
۳۰. گیدنز، آنتونی. (۱۴۰۱). جامعه‌شناسی (مترجم: حسن چاوشیان، چاپ نوزدهم). تهران: نشر نی.
۳۱. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ج ۱۰۲). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۲. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳). میزان الحکمه (ج ۲ و ۳، چاپ چهاردهم). قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲). پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۵ جلد در یک مجلد). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴). انسان‌سازی در قرآن (تنظیم و تدوین: محمود فتحعلی، چاپ پنجم). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۶). آموزش فلسفه (ج ۱ و ۲، چاپ هیجدهم). تهران: امیرکبیر، نشر بین‌الملل.
۳۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
۳۷. ملک‌زاده، فهیمه. (۱۴۰۰). تأثیر جنسیت بر اشتغال (چاپ دوم). تهران: جامعه‌شناسان.
۳۸. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (ج ۲۶، چاپ هفتم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. نکونام گلپایگانی، محمدرضا. (۱۳۸۴). زن، مظلوم همیشه تاریخ (ج ۴). قم: ظهور شفق.

۴۰. ورام بن ابي فراس، مسعود بن عيسى. (۱۴۱۰ق). تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام (ج ۱). قم: مکتبه فقيه.
۴۱. هوفمن، سول و سوزان اورت. (۱۳۹۰). زنان و اقتصاد (مترجم: محمود دانشور کاخکی و همکاران). مشهد: دانشگاه فردوسی.
42. Colomina, B. (1992). *Sexuality and Space*. New York: Princeton Architectural Press.
43. Nersisias, E. (2004). *Gender Anthropology*. Tehran: Afkar Publication.

## References

1. Abbott, P., & Wallace, C. (1401 AP). *Sociology of Women* (17<sup>th</sup> ed., M. Najm Araghi, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
2. Alaviyun, M. (1384 AP). *Kar-e Zanan dar Hoquq-e Iran va Hoquq-e Bain al-Melali-ye Kar*. Tehran: Enlightenment and Women's Studies.
3. Allame Hilli, H. (1412 AH). *Montaha al-Matalib fi Tahqiq al-Madhhab* (Vol. 15). Mashhad: Majma al-Buhuth al-Islamiyyah. [In Arabic]
4. Allame Hilli, H. (1414 AH). *Tadhkirat al-Fuqaha* (Vol. 10). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
5. Ansari Dezfuli, M. (1415 AH). *Kitab Makaseb* (Vol. 1). Tehran: World Congress Commemorating Sheikh Azam Ansari. [In Arabic]
6. Bostan, H., Bakhtiari, M. A., & Sharafuddin, H. (1390 AP). *Islam and the Sociology of the Family* (5<sup>th</sup> ed.). Qom: Institute of the Seminary and University. [In Persian]
7. Colomina, B. (1992). *Sexuality and Space*. New York: Princeton Architectural Press.
8. Friedman, B. (1397 AP). *Feminism* (5<sup>th</sup> ed., F. Mohajer, Trans.). Tehran: Ashian. [In Persian]
9. Gholipour, A. (1401 AP). *Human Resource Management* (15<sup>th</sup> ed.). Tehran: Samt. [In Persian]
10. Giddens, A. (1400 AP). *Gender Sociology* (K. Baghaei, Trans.). Tehran: Digar. [In Persian]
11. Giddens, A. (1401 AP). *Sociology* (19<sup>th</sup> ed., H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
12. Grant, K. (1382 AP). *Sociology of Work* (P. Salehi, Trans.). Tehran: Maziar. [In Persian]
13. Halvani, H. (1408 AH). *Nazhat al-Nazir wa Tanbih al-Khatir*. Qom: Imam al-Mahdi School. [In Arabic]

14. Hor Ameli, M. (1409 AH). *Tafsir Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a* (Vols. 2, 17 & 21). Qom: Aal-al Bayt. [In Arabic]
15. Hoffmann, S., & Ort, S. (1390 AP). *Women and the Economy* (M. Daneshvar Kakhaki et. al, Trans.). Mashhad: Ferdowsi University.
16. Ibn Babawayh, M. (1413 AH). *Man la yahzar al-Faqih* (2<sup>nd</sup> ed., Vols. 3 & 4). Qom: Jame'e Modaresin. [In Arabic]
17. Ibn Haywan, N. (1385 AH). *Da'im al-Islam wa dhikr al-halal wa al-haram wa al-qada' wa al-ahkam* (Vol. 2). Qom: Aal-al Bayt. [In Arabic]
18. Ibn Shu'ba al-Harrani, A. (1404 AH). *Tuqaf al-'Uqul 'an Āl al-Rasul*. Qom: Islamic Publication Institute. [In Arabic]
19. Kar, M. (1384 AP). *Women in the Iranian Labor Market* (P. Raisifard, Trans.). Tehran: Enlightenment and Women's Studies. [In Persian]
20. Khani, F. (1385 AP). *Gender and Development*. Tehran: Cultural and Social Studies Research Institute. [In Persian]
21. Khoei, A. (1352 AP). *Ajwad al-Taqarirat* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 3). Qom: Matba'a Erfan. [In Arabic]
22. Khoei, A. (1416 AH). *Sirat al-Najah* (A. Khoei, Ed., Vol. 1). Qom: Maktab-e Nashr al-Muntakhab. [In Arabic]
23. Khomeini, R. (1421 AH). *Kitab al-Bay* (1<sup>st</sup> ed., Vols. 1 & 2, 5). Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
24. Kulayni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (4<sup>th</sup> ed., Vols. 1, 5, 6 & 8). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
25. Majlesi, M. B. (1404 AH). *Mir'at al-'Uqul fi Sharh Akhbar Al al-Rasul* (Vol. 102). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
26. Malekzadeh, F. (1400 AP). *The Impact of Gender on Employment* (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Sociologists. [In Persian]

27. Mesbah Yazdi, M. (1392 AP). *Questions and Answers*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
28. Mesbah Yazdi, M. (1394 AP). *Humanization in the Quran* (M. Fathali, Ed., 5<sup>th</sup> ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
29. Mesbah Yazdi, M. (1396 AP). *Philosophy Education* (18<sup>th</sup> ed., Vols. 1 & 2). Tehran: Amir Kabir, International Publishing. [In Persian]
30. Mohammadi Rey-Shahri, M. (1393 AP). *Mizan al-Hikmah* (14<sup>th</sup> ed., Vols. 2 & 3). Qom: Organization of Printing and Publishing of Dar al-Hadith. [In Arabic]
31. Motahhari, M. (1396 AP). *The Legal System of Women's Rights in Islam*. Tehran: Sadra. [In Persian]
32. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam* (7<sup>th</sup> ed., Vol. 26). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
33. Nekoonam Golpayegani, M. R. (1384 AP). *Woman, the Eternal Victim of History* (Vol. 4). Qom: Zohoor-e Shafaq. [In Persian]
34. Nersisias, E. (2004). *Gender Anthropology*. Tehran: Afkar.
35. Payne, M. (1394 AP). *The Culture of Critical Thinking From Enlightenment to Postmodernity* (5<sup>th</sup> ed., P. Yazdanju, Trans.). Tehran: Agah. [In Persian]
36. Robatham, Sh. (1398 AP). *Women in Struggle: Feminism and Social Action* (4<sup>th</sup> ed., H. Sabaghi, Trans.). Tehran: Shiraze. [In Persian]
37. Robertson, Y. (1391 AP). *Introduction to Society* (H. Behravan, Trans.). Tehran: Astan-e Quds. [In Persian]
38. Sadr, M. B. (1421 AH). *Al-Madrasah al-Qur'aniyyah*. Qom: Al-Sadr Research and Specialized Studies Center. [In Arabic]
39. Safiri, Kh. & Imanian, S. (1388 AP). *Sociology of Gender*. Tehran: Sociologists. [In Persian]



40. Toghraangar, H. (1383 AP). *Political and Social Rights of Women*. Tehran: Center for the Documentation of the Islamic Revolution. [In Persian]
41. Tusi, M. (1407 AH). *Tahdhib al-Ahkam* (Khorasan, Ed., Vol. 6). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
42. Waram bin Abi Faras, M. (1410 AH). *Tanbih al-Khawatir wa Nazhat al-Nawazir ma'ruf bimajmoo'eh Waram* (Vol. 1). Qom: Maktabat Faghih. [In Arabic]
43. Zara'an, M., & Barzgar, Kh. (1397 AP). *Gender and Development*. Qom: University of Religions and Denominations. [In Persian]

**Research Article**

**The Role of Urban Transformations in the Emergence of Challenges to the Religious Lifestyle of Women in Iran**

Shamsollah Mariji<sup>1</sup>

Reyhaneh Karparvar<sup>2</sup>

Zahra Majd Amin<sup>3</sup>

Received: 28/06/2023

Accepted: 04/10/2023



**Abstract**

With the advent of modernity in Iran, the concept of "city" in its contemporary sense was born and has undergone numerous transformations since then. As these transformations have posed challenges in the physical structure of the city in terms of housing, urban facilities, and transportation, this research, adopting a thematic approach, aims to explore these challenges and their resolution by social policymakers, urban planners, and religious scholars. Using a descriptive-analytical method and relying on available data from documentary sources, the study delves into the question of how urban transformations have influenced the emergence of challenges to the religious life of women in Iran. Thus, after examining urban transformations in the Qajar, Pahlavi, and post-revolutionary

---

1. Professor, Faculty of Social Sciences, Baqir al-Ulum University, Qom, Iran. Email: mariji@bou.ac.ir ORCID: 0000-0002-4802-2773

2. Ph.D. student, Social Sciences of Muslims, Baqir al-Ulum University, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: karparvarshirazi@gmail.com ORCID: 0009-0006-8679-8579

3. Graduate in Jurisprudence and Principles of Islamic Law and lecturer in the Qom seminary, Qom, Iran. Email: zahrz.aminmajd@gmail.com ORCID: 0009-0000-3226-3436

---

\* Mariji, Sh., Karparvar, R., & Majd Amin, Z. (1402 AP). The Role of Urban Transformations in the Emergence of Challenges to the Religious Lifestyle of Women in Iran. *Journal of Islam and Social Studies*, 11(42), pp. 124-152. <https://doi.org/10.22081/JISS.2023.64309.1933>

© The Author (s).

periods, it elucidates the challenges that have arisen as a result of these transformations and have affected the religious lives of women. The findings reveal that housing transformations have created challenges such as hindering the internalization of the hijab requirement, depriving women of the capacity for religious literacy through domestic gatherings, and more. Transformations in urban facilities have led to challenges such as the demand for women's presence in public spaces as a feminist demand, the reinforcement of consumerism, and so on. Changes in transportation have brought about challenges such as an increase in women's inclination to travel at night in the city.

**Keywords**

Urban Transformations, Urbanism, Challenges, Women's Lives.

## مقاله پژوهشی

### نقش تحولات شهری در پیدایش چالش‌های

### زیست مؤمنانه زنان در ایران

شمس‌الله مریجی<sup>۱</sup>      ریحانه کارپور<sup>۲</sup>      زهرا مجدامین<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

©Author(s).



#### چکیده

با ورود مدرنیته به ایران «شهر» به معنای امروزی آن متولد شد و تاکنون دگرگونی‌های زیادی را گذرانده است. از آنجا که دگرگونی‌ها در سامانه کالبدی شهر در سه بُعد؛ مسکن، تجهیزات شهری و حمل و نقل، چالش‌هایی را در زیست مؤمنانه زنان ایجاد کرده است، پژوهش حاضر با رویکرد موضوع‌شناسانه به این چالش‌ها و به‌منظور حل آنها از سوی سیاست‌گذاران اجتماعی، برنامه‌ریزان شهری و فقیهان، با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده‌های موجود در منابع اسنادی به ژرفکای این پرسش می‌پردازد که نقش تحولات شهری در پیدایش چالش‌های زیست مؤمنانه زنان در ایران چگونه بوده است؟ بنابراین پس از بررسی تحولات شهری در سه دوره قاجار، پهلوی و بعدازانقلاب به تبیین

۱. استاد گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. mariji@bou.ac.ir

ORCID: 0000-0002-4802-2773

۲. دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

karparvarshirazi@gmail.com

ORCID: 0009-0006-8679-8579

Zahrz.aminmjd@gmail.com

۳. دانش‌آموخته خارج فقه و اصول و مدرس حوزه. قم، ایران.

ORCID: 0009-0000-3226-3436

\* **استناد به این مقاله:** مریجی، شمس‌الله؛ کارپور، ریحانه و مجدامین، زهرا. (۱۴۰۲). نقش تحولات شهری در پیدایش چالش‌های زیست مؤمنانه زنان در ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی (رتبه ب) اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۲)، صص ۱۲۴-۱۵۲.  
<https://doi.org/10.22081/JISS.2023.64309.1933>

چالش‌هایی می‌پردازد که در اثر این تحولات به وجود آمد و زندگی دیندارانه زنان را متأثر ساخت. یافته‌ها نشان می‌دهد تحولات مسکن چالش‌هایی نظیر ایجاد مانع در درونی شدن حکم حجاب، محرومیت از ظرفیت مجالس خانگی در جهت افزایش سواد دینی زنان و... را ایجاد کرده است. تحول در تجهیزات شهری چالش‌هایی نظیر تبدیل شدن حضور زنان در فضاهای شهری به‌عنوان یک مطالبه فمینیستی، تقویت روحیه مصرف‌گرایی و... را موجب شده و تغییرات در حوزه حمل‌ونقل چالش‌هایی همچون افزایش تمایل زنان به تردد شبانه در شهر را در پی داشته است.

### کلیدواژه‌ها

تحولات شهری، شهرنشینی، چالش، زندگی زنان.

## مقدمه

شهرنشینی، شهرگرایی و شهرسازی در ایران فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. منظور از ایران معاصر در این نوشتار از زمان روی کار آمدن سلسله قاجار تاکنون است. در ابتدای این دولت است که مفهوم «شهر» به معنای امروزی آن متولد می‌شود و در اثر سیاست‌های توسعه برون‌زا شباهت بیشتری به شهرهای جوامع مدرن پیدا می‌کند (اهری، ۱۳۹۴، ص ۲۴).

با شروع تغییرات اجتماعی در دوره پهلوی و اعمال سیاست‌های نوسازی رضاخان ساختارهای شهری و نهادهای مدنی در ایران تحولات گسترده‌ای را تجربه کردند (کابلی، ۱۳۹۸، ص ۱) که موجب دگرگونی در سامانه کالبدی شهر و تغییر در سبک زندگی مردم شد و شهرنشینی مدرن را به ارمغان آورد (کلاتری، ۱۳۹۸، ص ۴۰۹). احداث خیابان‌های مدرن، چرخش معماری از درون به بیرون و ساخت بناهای تفریحی و ... به تقلید از شهرسازی غرب از جمله این دگرگونی‌ها بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز روند شهری‌شدن در ایران ادامه یافت و در اثر توسعه روزافزون، برخی شهرها به کلان‌شهر تبدیل شدند و شبکه‌ای از تأثیر و تأثرها میان کلان‌شهرها و شهرهای کوچک‌تر اتفاق افتاد.

تغییرات بنیادینی که از قاجار تا امروز در سامانه کالبدی شهر در بعد مسکن، تجهیزات شهری و حمل‌ونقل به وجود آمد تأثیرات عمیقی بر زندگی زنان گذاشت و چالش‌هایی برای زیست مؤمنانه آنان ایجاد کرد. به‌عنوان نمونه ایجاد مانع در درونی‌شدن حکم حجاب به دلیل نبود فضای مناسب استفاده زنان از محیط طبیعی بدون الزام به پوشش در زندگی آپارتمان‌نشینی، محرومیت از ظرفیت مجالس مذهبی با محوریت خانه در جهت افزایش سواد دینی زنان، افزایش روحیه مصرف‌گرایی و تعارض بین نقش خانه‌داری و نقش مراقبتی مادر و ازجمله چالش‌هایی است که در اثر برون‌گراشدن معماری خانه‌ها، کم‌شدن مساحت و جمعیت هر خانه زیست مؤمنانه زنان را تحت تأثیر قرار داده است؛ بنابراین نوشتار حاضر با تبیین این نکته که اساساً برخی از چالش‌های زیست زنان در دنیای معاصر در اثر تحولات شهری بوده و دشواری‌هایی را

در برابر سبک زندگی دینی بانوان فراهم ساخته، این چالش‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد تا از رهگذر آن علاوه بر برنامه‌ریزان شهری و سیاست‌گذاران، فقیهان و نهاد دین نیز بتوانند با شناخت دقیق موضوع این چالش‌ها، بانوان را برای حل آنها یاری نمایند. زیرا تغییرات زمان و مکان آن در موضوعات احکام تاثیر گذاشته و می‌تواند خاستگاه دیدگاه‌های فقهی متناسب با آن تحولات شود.

بنابراین پژوهش پیش‌رو با انجام موضوع‌شناسی چالش‌های جدیدی که در اثر تحولات شهری زندگی دیندارانه زنان را متأثر ساخته، درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست: تحولات شهری در ایران معاصر چه مراحل را گذرانده است؟ این دگرگونی‌ها چه تأثیراتی بر زندگی زنان گذاشته و چه چالش‌هایی را برای زیست مؤمنانه آنان ایجاد کرده است؟

هرچند پژوهش حاضر از نوع توصیفی بوده و چارچوب مفهومی لازم در ادامه ارائه شده است، اما به لحاظ نظری در رابطه با تحولات جوامع به سمت شهری شدن، از میان جامعه‌شناسان شهری می‌توان به دیدگاه هانری لوفور اشاره کرد. وی در کتاب خود تحت عنوان انقلاب شهری (۱۹۷۰) می‌نویسد: «ما با این فرضیه کار خود را شروع می‌کنیم که جامعه کاملاً شهری شده است» (فاضلی، ۱۳۹۲، ص ۱۱) یکی از جامعه‌شناسان ایرانی در تطبیق نظریه لوفور بر جامعه ایران معتقد است: «شهری شدن جامعه ایران نه تنها از نظر رشد کمی «میزان شهرنشینی» بلکه از نظر «گسترش شهری شدن به عنوان شیوه غالب زندگی» در روستاها و شهرها... حائز اهمیت است» (فاضلی، ۱۳۹۲، ص ۱۵). در همین راستا تحول شهر به عنوان مکان تغییرات، در کنار تحولات زمان می‌تواند در تغییر موضوع چالش‌های فرا روی زندگی مؤمنانه زنان ایفای نقش کند.

اگرچه در موضوع تأثیر تحولات شهری بر چالش‌های زندگی زنان در ایران پژوهش مستقلی تألیف نشده، اما پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه «زن و شهر» انجام شده که به صورت ضمنی به موضوع حاضر اشاراتی داشته‌اند که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

کتاب‌هایی همچون؛ زنان و کیفیت زندگی؛ با نگاهی به کیفیت زندگی زنان در شهر

فریبا سیدان، ۱۳۹۷) زنانه‌شدن شهر (نعمت‌الله فاضلی، ۱۳۹۴) و شهر و جنسیت (هلن جارویس<sup>۱</sup> و دیگران، ۱۳۹۴) به موضوع «زن و شهر» پرداخته‌اند و در میان مقالات منتشرشده مقالاتی با عنوان؛ «بررسی ساختارهای شهری مطلوب زنان با تأکید بر امنیت، در شهر زابل» (خداحرم بزی و بیت‌اله رضایی، ۱۳۹۱) و «دنیای زنان در پرتو فضاهای جنسیتی شهری مدرن» (احمد غیاثوند، ۱۳۹۴) و نیز فلسفه جایگاه حریمیت در خانه‌های سنتی دوره قاجار (نمونه موردی: شهر شیراز) (کیمیا السادات طیب‌زاده، ۱۳۹۶) نمونه‌ای از دهها مقاله‌ای است که تلاش کرده‌اند با رویکردی جامعه‌شناسانه ارتباط میان شهر و جنسیت را تحلیل و توصیف کنند. با وجود اهمیت چالش‌های ایجادشده در زندگی زنان در اثر تحولات شهری در ایران معاصر این منابع اشاراتی گذرا به این بحث داشته و نیاز به یک پژوهش مستقل در این زمینه احساس می‌شود.

## ۱. تعریف مفاهیم

از میان مفاهیم کلیدی نوشتار حاضر، تبیین و تنقیح دو مفهوم «شهر» و «چالش» ضروری می‌نماید.

### ۱-۱. شهر

بیشتر لغت‌نامه‌ها شهر را سکونت‌گاهی به نسبت بزرگ و دائمی معرفی می‌کنند. معین شهر را آبادی بزرگی تعریف می‌کند که دارای خیابان‌ها، کوچه‌ها، خانه‌ها، دکان‌ها و سکنه بسیار باشد (معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه «شهر»). دهخدا نیز در تعریفی مشابه، چنین بیان می‌دارد: «مدینه و بلد و اجتماع خانه‌های بسیار و عمارات بی‌شمار که مردمان در آنها سکنی می‌کنند در صورتی که بزرگ‌تر از قصبه و قریه و ده باشد (دهخدا، ۱۳۵۱، ج ۶، ص ۳۴۳)» اندیشمندان علوم گوناگون از جمله جامعه‌شناسی تعاریف متعددی از اصطلاح شهر

1. Helen Jarvis



ارائه داده‌اند. جامعه‌شناسانی همچون رابرت پارک<sup>۱</sup> شهر را «ارگانیزم اجتماعی و یا محل اسکان طبیعی انسان متمدن» می‌داند و زومبارت<sup>۲</sup> شهر را به جایی که اطلاق می‌کند که به علت گستردگی آن مردم همدیگر را نمی‌شناسند (تقوی، ۱۳۸۹، ص ۱۷).

## ۲-۱. چالش

چالش در لغت فارسی به معنای «جنگ و جدال» بوده و در زبان انگلیسی آن را معادل Challenge قرار می‌دهند. هرچند فرهنگ اصطلاحات علوم اجتماعی واژه‌هایی همچون «بحران» و «مسئله اجتماعی» را بررسی کرده‌اند؛ اما به بیان معنای اصطلاحی چالش نپرداخته‌اند (ذوعلم، ۱۳۸۴). به‌طور کلی در بیان اصطلاح چالش می‌توان گفت: «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده و حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد... البته می‌توان معنای «چالش» را اعم از مشکلات و مسائل عینی و ذهنی، داخلی و خارجی، فراگیر و محدود، ریشه‌دار و جدید دانست که می‌تواند به اندازه‌های گوناگون حرکت متعادل جامعه را کند یا متوقف سازد و مستلزم تلاش و تدبیر برای چاره‌اندیشی باشد (ذوعلم، ۱۳۸۴، ص ۳۶)».

## ۲. تحولات سامانه کالبدی شهر

در اینجا پس از بررسی تحول ذیل هر یک از ابعاد سه‌گانه سامانه کالبدی شهر، چالش‌هایی که از این روش زندگی زنان را متأثر ساخته تبیین می‌نماییم.

### ۱-۲. مسکن

#### ۱-۱-۲. تحولات مسکن

یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌های کالبدی در شهرهای ایران تغییراتی بود که از زمان

1. E. Park.

2. W.Sombart.

قاجار در بنای خانه‌ها ایجاد گردید و از آنجا که زنان بخش عمده ساعات خود را در خانه سپری می‌کنند، این تغییرات تأثیرات عمیقی بر زندگی آنان گذاشت. تحولات مسکن به‌طور عمده در سه بعد صورت گرفت: اول، برون‌گرا شدن معماری خانه؛ دوم، کم‌شدن مساحت و کاهش جمعیت ساکن در هر خانه و سوم، از هم گسیختگی روابط محله‌ای.

## ۲-۱-۱. برون‌گرا شدن معماری خانه‌ها

بارزترین اتفاقی که در معماری ساختمان‌ها افتاد، چرخش بنا از درون به بیرون بود. در توصیف خانه‌های سنتی دوره قاجار آمده که صورت معماری خانه‌ها شامل یک ورودی نسبتاً طولانی بوده و اطراف حیاط علاوه بر اتاق مهمان‌خانه، اتاق‌های یکرو قرار داشته که به هم راه داشتند و به‌ندرت طبقه‌ای بر روی آنها ساخته می‌شد. تنها در برخی خانه‌ها یکی دو اتاق مجزا به نام بالاخانه وجود داشت که از هشتی راه می‌گرفت و چون بر روی بام خانه ساخته می‌شد تماسی میان فرد ساکن در بالاخانه و اهل خانه به وجود نمی‌آمد. آشپزخانه متصل به زیرزمین ساخته می‌شد تا دسترسی به انبار آذوقه و مواد غذایی آسان‌تر باشد. اهمیت رعایت مسایل بهداشتی و حرمت انسانی نیز موجب می‌شد سرویس بهداشتی در دورترین نقطه خانه باشد (شهری، ۱۳۶۹، صص ۲۴۷-۲۴۸). درون‌گرا بودن معماری خانه‌ها بر اساس باورهای دینی مردم نسبت به حرمت زندگی بوده و موجب می‌شده حریم دیداری و شنیداری ساکنین، به‌طور کامل حفظ شود. رعایت حریم بصری، از ورودی خانه‌ها با وجود دو نوع وسیله آگاه‌کننده کوبه و حلقه، بر روی درهای ورودی برای مردان و زنان شروع می‌شد و با طولانی و پیچ‌درپیچ ساختن راهروی ورودی، ساختار بیرونی-اندرونی خانه‌ها و تعبیه دو اتاق گوشوار در طبقه فوقانی تالار برای حضور زنان در مجالس بزرگ مردانه به‌نحوی که دیده نشوند، تأکید و غلظت بیشتری می‌یافت (معینی، ۱۳۹۴، ص ۱۱). حریم شنیداری نیز در طراحی محوطه با عناصری چون فضاهای سبز، دیوارها، کف و سقف و در و پنجره مدنظر قرار می‌گرفت و در داخل خانه با دقت در عواملی چون مصالح، ضخامت دیوارها و نوع چیدمان و

سازمان‌دهی فضایی پاس داشته می‌شد (طیب‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۵). از زمان ناصرالدین‌شاه و مسافرت‌های وی و درباریان به فرنگ کم‌کم معماری برون‌گرا وارد ایران شد و قسمت‌هایی همچون اندرونی‌ها و هشتی‌ها که نقش حافظان حریم‌خانه را داشتند، کمرنگ شدند.

پس از آن در دوره پهلوی اول بر اثر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، اصول معماری تغییر کرد و به واسطه افزایش رابطه با کشورهای غربی، فرهنگ غرب وارد معماری ایران شد و بناهایی ساخته شد که در آن التقاطی از عناصر معماری مدرن اروپایی و ایرانی به چشم می‌خورد. این جریان ابتدا توسط معماران اروپایی در ساخت بناهای دولتی آغاز شد و سپس به بناهای مسکونی نیز سرایت کرد. با توجه به شیفتگی حکومت پهلوی به تجدد و بازگشت فارغ‌التحصیلان ایرانی در رشته‌های معماری، روند مدرنیزاسیون در ساختار بناها در دوره پهلوی دوم به اوج خود رسید (جلیلی، ۱۳۹۴، ص ۲). در نهایت آپارتمان‌نشینی در دوره پهلوی دوم رواج پیدا کرد و معماری که تا قبل از این آمیخته به هنر و بر اساس رعایت نیازهای ساکنان و آداب اسلامی بود، به انبوه‌سازی مدرن و سبک اقتصادی «ساز-بفروش» تبدیل شد و نیازهای روحی و جسمی ساکنین آن خصوصاً زنان تحت‌الشعاع سود بیشتر قرار گرفت (کابلی، ۱۳۹۸، ص ۱۳).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حوالی «سال ۱۳۶۰ را می‌توان آغاز دوره جدید شهرسازی در ایران به حساب آورد» (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۱) در این دوره نیز آپارتمان‌نشینی ادامه پیدا کرد و نقشه‌های آنها روز به روز جدیدتر شد و به دلیل ملاحظات مادی و به بهانه افزایش مترائز، به تدریج راهروها و فیلترهایی که تا حدی حریم دیداری و شنیداری ساکنین خانه را تأمین می‌کرد به‌طور کلی حذف شده و مهمان‌خانه و نشیمن و آشپزخانه به اتحادی ناهمگون رسیدند (خامنه‌زاده، ۱۳۹۶). در آپارتمان‌های جدید وجود پنجره‌هایی که در آپارتمان‌ها کاملاً روبروی هم قرار گرفته ساکنین را برای حفظ حریم خصوصی ناچار به استفاده دائمی از پرده‌های ضخیم می‌کند. محل قرارگیری درب‌های ورودی نیز معمولاً به گونه‌ای است که با گشوده شدن آن، قلب‌خانه برای ناظر بیرونی مکشوف

خواهد شد (باران، ۱۳۹۶)؛ بنابراین حذف فیلترها، ورودی‌ها و... چرخش کلی معماری از درون‌گرایی به برونگرایی مصداق بارز کم‌توجهی به اهمیت حریم افراد به‌ویژه زنان ساکن در خانه است که به حکم دین درون منزل معاف از حجاب هستند. نادیده‌گرفتن حریم دیداری و شنیداری و محدود شدن فضاهای عمل زنان بدون الزام به پوشش در محیط زندگی برای استفاده از نور و هوای مناسب و افزایش تجمل‌گرایی در دکوراسیون داخلی منازل از مهم‌ترین چالش‌های متأثر از برون‌گرا شدن معماری خانه‌ها بود که در قسمت چالش‌ها به آن خواهیم پرداخت.

## ۲-۱-۱-۲. کم‌شدن مساحت خانه‌ها و کاهش آمار ساکنین آن

با گسترش شهرنشینی زمین‌های شهری قیمت پیدا کردند. علاوه بر این، تحرکات جمعیتی درون‌شهری که از دوره پهلوی آغاز شده بود باعث ایجاد خانواده‌های هسته‌ای و نومکانی شد که یا به شهر مهاجرت کرده و یا به بافت جدید شهر نقل مکان کرده بودند و در خانه‌های کوچک‌تری که از سبک معماری اصیل ایرانی فاصله داشت سکنی گزیدند.

در بافت سنتی مساحت زیاد خانه‌ها باعث شده بود تعداد افراد بیشتری بتوانند در یک خانه با هم زندگی کنند. «در سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۳۲۰، ۲۰ درصد جمعیت تهران اجاره‌نشین بودند. در یک خانه ۱۰ خانوار سکنی داشتند که به هر کدام یک اتاق اجاره‌ای می‌رسید. نجم‌الملک میانگین تعداد نفرات را در هر خانه در سال ۱۲۸۶، ۱۶ نفر نوشته است» (اتحادیه، ۱۳۷۷، صص ۲۸-۱۱۷). در جریان مدرن‌شدن جامعه ایرانی شکل خانواده‌ها نیز به مرور از گسترده به هسته‌ای تغییر یافت و زوج‌های جوان کمتر تمایلی به زندگی در کنار خانواده‌های خود داشتند. این تحول در کنار اجرای سیاست‌های مهار جمعیت باعث شد فارغ از کوچک یا بزرگ بودن مساحت خانه، تعداد افرادی که در یک منزل مسکونی با هم زندگی می‌کردند کاهش یابد. بدیهی است در این شرایط نیاز به ارتباط که یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی زنان است، تأمین نشده و زندگی زنان را با چالش مواجه می‌سازد.

## ۲-۱-۳. ازهم‌گسیختگی روابط محله‌ای

چنانکه اشاره شد، در دوره قاجار سبک زندگی عموم مردم در خانه‌ها به صورت دسته‌جمعی بود. و همه مردم به‌ویژه زنان فعالیت‌های اجتماعی مشترکی انجام می‌دادند. رفتن به حمام، بازار، زیارت و تفریح عمده فعالیت‌های گروهی زنان بود. با گسترش شهر، و نوسازی محلات و ایجاد محلات جدید و نیز گسترش آپارتمان‌نشینی، روابط اجتماعی گذشته سست شدند و زندگی و خواست فردی مقدم بر زندگی جمعی شد. به اعتقاد نویسنده کتاب از شار تا شهر: «محله‌های نوساز یا بازسازی شده از وجود زندگی محله‌ای خالی است ... ما امروز به‌عنوان افراد منفرد در شهر پراکنده هستیم. هرکدام به دنبال کار خود و حل مشکلات خود هستیم. فضاهایی نیست که در آن درنگ کنیم تا دیگری و دیگران را کشف کنیم و از این طریق به آزادی‌ها و محدودیت‌های زندگی شهری پی ببریم. این منفرد زندگی کردن، خطرات بسیاری را می‌تواند به همراه داشته باشد» (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۶).

## ۲-۱-۲. چالش‌های تحولات مسکن و زیست مؤمنانه زنان

### ۲-۱-۲-۱. ایجاد مانع در درونی شدن حکم حجاب

برون‌گرا شدن نقشه ساختمان‌های مسکونی منجر به کمرنگ شدن حریم دیداری و شنیداری و لزوم استفاده از پرده‌های ضخیم و پنجره‌های با ارتفاع کم و محدود شدن استفاده بدون پوشش زنان از نور و هوای آزاد شده است. تبدیل شدن حیاط از یک فضای کاملاً خصوصی و امن، به یک فضای نیمه عمومی و حتی عمومی در بافت جدید شهری و سبک آپارتمان‌نشینی به دلیل اشراف خانه‌های مجاور یا مشاع بودن با دیگر همسایگان، رعایت پوشش شرعی را بر زنان الزام می‌کند و از جهت رعایت حریم بصری و شنیداری خاصیت خود را از دست داده است. این ساختار باعث می‌شود تفکیک بین دو عرصه خصوصی و عمومی و درک این مسئله که خانه محل معافیت دختران و زنان از حکم حجاب بوده و آنها بیرون از خانه ملزم به رعایت پوشش هستند، با دشواری مواجه شود؛ زیرا دختران تنها فضاهای محدودکننده را تجربه می‌کنند و از

تجربه فضاهایی که به آنها آزادی عمل می‌دهد، کاملاً محرومند. این مسئله در درازمدت به نارضایتی از حجاب به عنوان عامل محرومیت‌زا در استفاده از فضای طبیعی می‌انجامد.

### ۲-۲-۱-۲. تعارض میان خانه‌داری و نقش مراقبتی مادری

در سبک خانه‌های سنتی، حیاط محل بازی و تفریح کودکان بود که تحت نظارت مادر و زنان خویشاوند در ضمن انجام فعالیت‌های روزمره‌شان انجام می‌شد. اما اکنون ساختار نیمه عمومی یا کاملاً عمومی آن و نیز عدم اشراف به حیاط از درون آپارتمان، نظارت مادر بر بازی فرزند را در حالت طبیعی به صفر می‌رساند؛ لذا مادر باید به عنوان فعالیتی مجزا برای گردش کودک و استفاده او از طبیعت، فرصت جداگانه‌ای اختصاص دهد در غیر این صورت کودک از بازی در محیط طبیعی محروم می‌شود. این مسئله چالش تعارض بین نقش خانه‌داری و نقش مراقبتی مادر را به دنبال داشته است. از آنجا که مطلوبیت ایفای نقش‌های جنسیتی از گزاره‌های دینی قابل اثبات است (بستان، ۱۳۸۸، صص ۳۶-۴۲) و بخش مهمی از سبک زندگی دیندارانه به آن وابسته است وجود چنین تعارضی برای مادران چالشی جدی به حساب می‌آید.

### ۲-۲-۱-۳. محرومیت از ظرفیت مجالس خانگی در جهت افزایش سواد دینی زنان

چالش مهمی که تحولات شهری در بُعد مسکن به واسطه کوچک شدن خانه‌ها و نیز گسستگی روابط محله‌ای بر زندگی زنان گذاشتند محرومیت از ظرفیت مجالس مذهبی خانگی در جهت ارتقاء سواد دینی زنان بود. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد؛ برپایی مجالس مذهبی و روضه‌های خانگی یکی از سنت‌های ریشه‌دار ایرانی بود که حضور پرشور زنان در آن همواره سبب بالارفتن سواد دینی و تحکیم پایه‌های اعتقادی ایشان می‌شد (شفیعی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱). بدیهی است برگزاری چنین مجالسی در خانه‌های آپارتمانی کوچک و بدون حریم شنیداری تا چه حد سخت بوده و موجبات تعرض به حقوق همسایگان را فراهم می‌آورد. کوچک شدن خانه‌ها محرومیت زنان از بهره‌مندی کامل از این ظرفیت را در پی داشت و راه تحصیل آگاهی‌های دینی بسیار محدود گشت. از

آنجا که اطلاع از آموزه‌های دینی گام اول عمل زندگی دیندارانه است، از بین رفتن زمینه این دانش افزایی به واسطه تغییر در بناهای مسکونی و گسستگی روابط محله‌ای، چالش فقر اطلاعات دینی برای تنظیم زندگی بر اساس دین را برای زنان به ارمغان آورده است.

## ۲-۲. تجهیزات شهری

### ۱-۲-۲. تحول در تجهیزات شهری

تأسیسات و تجهیزات شهری بخشی از کالبد و فضای شهری هستند که زندگی شهروندان را آسان می‌کنند و به دو قسم روبنایی و زیربنایی تقسیم می‌شوند. گسترش تجهیزات زیربنایی مانند شبکه آب‌رسانی و برق‌رسانی به طور عمده رفع‌کننده برخی چالش‌ها در زندگی زنان بوده اما تحول در تأسیسات روبنایی چالش‌هایی را در زندگی زنان شهری به وجود آورده که به آنها می‌پردازیم.

### ۱-۱-۲-۲. مکان‌های آموزش رسمی

در عهد ناصری که روند مدرنیزاسیون در ایران آغاز شد، متناسب با سبک جدید زندگی بناهای تازه‌ای همچون مدارس، تلگراف‌خانه، سینما، ... به اماکن عمومی اضافه گشت و تجهیزات زیربنایی و روبنایی شهر گسترش یافت که بسیاری از آنها مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی زنان تأثیر گذاشت (فرهاد، ۱۳۸۹، ص ۶).

مدارس رسمی جزء اولین مکان‌های آموزشی بود که در برخی شهرهای ایران در زمان محمدشاه قاجار توسط کشیشان آمریکایی و فرانسوی راه‌اندازی شد. بعد از آن میرزا حسن رشدیه مدارس نوین را در شهرهای تبریز، مشهد و تهران پایه‌گذاری کرد. در زمان قاجار «تعدادی از مدارس جدید به ابتکار رجالی مانند امین‌الدوله پدید آمدند (اتحادیه، ۱۳۷۷، ص ۳۹)». اولین مدرسه متوسطه «دارالفنون» بود که توسط میرزا تقی‌خان امیرکبیر در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار تأسیس شد (اتحادیه، ۱۳۷۷، ص ۵۹). در راستای گسترش نظام تعلیم و تربیت رسمی، مدارس نوین برای دختران هم تأسیس شد. اولین

مدرسه دخترانه به نام دبستان «دوشیزگان» در آغاز مشروطه در سال ۱۲۸۵ شمسی توسط «بی بی وزیر اف» به راه افتاد و پس از آن «طوبی آزموده» چند دبستان دخترانه دیگر راه اندازی کرد (شیخ الاسلامی، ۱۳۵۱، ص ۸۶).

در حکومت پهلوی علاوه بر اجباری شدن آموزش و افزایش تعداد مدارس، دستور ساخت دانشگاه تهران به عنوان نماد قطعی پیشرفت و ترقی در سال ۱۳۱۲ توسط رضاخان صادر شد (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۸).

تحول در مکان های آموزشی و حضور زنان در آن، آغازگر سبک جدیدی از حضور اجتماعی زنان بود. روشنفکران ایرانی طرفدار مدرنیته، پیشرفت وطن را در گروی بهبود وضعیت زنان از طریق آموزش آنان می دانستند. این در حالی بود که نهاد دین و عرف جامعه به دلایلی از جمله سیطره غیرمسلمانان بر آموزش رسمی در ایران، بی فایده دانستن تحصیل زنان و نیز مشکلات ساختاری همچون نبود امنیت، با تحصیل زنان در مدارس رسمی مخالف بود؛ از این رو چالش هایی در زمینه حضور زنان در مدرسه و دانشگاه در دوران قاجار و پهلوی به وجود آمد که به آن اشاره خواهیم کرد. پس از پیروزی انقلاب با توجه به اینکه مدارس و دانشگاه ها تحت اداره حاکمیت اسلامی قرار گرفتند سوادآموزی زنان و حتی تحصیلات عالی آنان مورد تأیید و گاه تشویق نهاد دین در جامعه قرار گرفت و به این ترتیب چالش حضور زنان در مکان های آموزشی به دلیل مخاطراتی که قبلاً به همراه داشت اکنون تبدیل به یک فرصت برای تقویت جبهه انقلاب گردید. اما به طور کلی تحول مکان آموزشی از مکتب خانه به مدارس رسمی و دانشگاه ها، چالش هایی را به همراه داشت که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

## ۲-۱-۲. بازار

در جامعه سنتی دوره قاجار بازار ستون فقرات و اصلی ترین فضای عمومی شهر بود که کارکرد اصلی اش در تولید و توزیع محصولات خلاصه می شد (خدایی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸). علاوه بر آن بازارچه ها و تیمچه ها هم این کارکرد را دنبال می کردند (فاضلی، ۱۳۹۴، ص ۶۰).



از اواخر دوره قاجار خیابان‌های نسبتاً مدرن به‌عنوان مظهر تجددطلبی عصر ناصری تأسیس و جدا از اینکه محل دادوستد بودند به تفرجگاه نیز تبدیل شدند (حیبی، ۱۳۹۵، صص ۱۳۵-۱۳۹). بخش مهمی از مبادلات تجاری از «دکان‌های» درون بازار به «مغازه‌های» حاشیه خیابان انتقال یافتند. این انتقال همراه با تغییر تدریجی اشیاء و اجناس مورد معامله بود. مغازه‌ها در کنار جاذبه‌هایی که در ویتترین‌های خود داشتند و تمایل خریداران به مصرف را افزون می‌کرد، کالاهای مصرفی وارداتی عرضه می‌کردند درحالی‌که بازار با کالبد درون‌گرا و به دور از تجمل، درصدد ارائه تولیدات داخلی بود.

امتداد انتقال کارکرد بازار به خیابان با احداث خیابان‌های مدرن و مغازه‌های لوکس و نیز «اعلان سیاست دروازه‌های باز در سال ۱۳۳۶ از سوی دولت پهلوی، استحاله جامعه تولیدی به جامعه مصرفی را که از روزگاران قاجار، آغاز شده بود، قطعیت می‌بخشد» (حیبی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۴) در دوره پهلوی خیابان‌ها به نحو چشمگیری انباشته از کالاهای مصرفی شده بودند. به گفته نویسنده کتاب از شار تا شهر: «دگرگونی محتوایی جامعه، ناشی از توسعه برون‌زا، بستر عمل خود را نه در تولید و ایجاد یک جامعه مولد، بلکه در مصرف و شکل بخشیدن به یک جامعه مصرف‌کننده جستجو می‌کند... شیوه‌های زندگی مبتنی بر توسعه برون‌زا، شیوه‌های زندگی غیربومی و... به گونه‌ای وسیع از سوی دولت پهلوی تبلیغ می‌گردد. تبلیغی برای مصرف هرچه بیشتر و بیشتر در همه زمینه‌ها (حیبی، ۱۳۹۵، صص ۱۵۵-۱۵۶)» در این فضا زنان، مهم‌ترین جامعه هدف سیاست‌های مصرف‌گرایی بودند؛ به عبارت دیگر تغییر در الگوی مصرف شهرنشینان در دوره پهلوی، یکی از تحولات شهری بود که خواه‌ناخواه قشر زنان را متأثر می‌ساخت.

اگرچه در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب و پس از آن در جنگ تحمیلی روند مصرف‌گرایی تا حدود زیادی مهار شد و ارزش قناعت جای خود را به تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی داد اما با اتمام جنگ و حاکمیت دوباره ملاک‌های توسعه بر سیاست‌های کلان کشور، روحیه مصرف‌گرایی نیز حیات مجددی یافت تا جایی که امروزه نماد پویایی شهر غیر از رشد فیزیکی و کالبدی، ورودی و خروجی آن است که در قالب

مصرف کالا، خدمات و انرژی قابل درک است. در واقع تحولاتی که در مصرف کالا و خدمات ایجاد شده جزئی از تحول شهر به حساب می‌آیند. با احداث پاساژها و مراکز خرید مدرن در حاشیه خیابان، علاوه بر مصرف کالا، «مصرف فضا» نیز موضوعیت پیدا کرده به طوری که به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان مصرف فضا توسط زنان که عموماً در قالب پرسه‌زنی در مراکز خرید اتفاق می‌افتد به زانه‌شدن شهر منجر شده است (فاضلی، ۱۳۹۴، ص ۵۸)؛ بنابراین مهم‌ترین چالشی که احداث خیابان‌های جدید در زندگی زنان ایجاد کرد، عبارت است از: تقویت روحیه مصرف‌گرایی که به آن خواهیم پرداخت.

### ۲-۱-۳. مراکز اداری

در دوره رضاخان ادارات در تهران متمرکز شده و یک دولت دیوان‌سالار مرکزی برپا شد. با در پیش گرفتن دستورالعمل «دگرگون کردن شهر» کم‌کم شهر معنای تاریخی خود را از دست داد و در مفهوم اروپائی آن بکار گرفته شد (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۲۹). ظهور دیوان‌سالاری جدید یکی از تحولات مهم شهرنشینی در ایران بود که با ورود زنان به این بخش و شکل‌گیری قشر کارمند زن همراه شد. هرچند استخدام زنان در سطحی پایین‌تر از مردان صورت می‌گرفت اما سه عامل؛ آموزش زنان، سیاست‌های تجددطلبی رضاخان و کشف حجاب موجب شد تعدادی از زنان به بدنه ادارات دولتی راه یابند (آدینه‌وند، ۱۳۹۶). لذا سیاست‌نوسازی رضاخان قشری از زنان متجدد شاغل در بیرون از خانه و نوعی از اشتغال مدرن زنان را رقم زد. ناصر تکمیل همایون به بخشی از آمار اشتغال دولتی زنان در پهلوی اشاره می‌کند: «در سرشماری کل مشاغل نفوس شهر تهران در سال ۱۳۱۱، ۱۱۱ هزار و ۲۸ مرد و ۴۱ زن در مشاغل دولتی و بلدی به‌عنوان مستخدمین ماهیانه بگير اشتغال داشتند (تکمیل همایون، ۱۳۷۷، ص ۱۷۱). هرچند این آمار تا زمان سقوط رژیم پهلوی افزایش داشت، اغلب شامل زنان متدین نمی‌شد اما بعد از تشکیل جمهوری اسلامی زنان انقلابی نیز وارد ادارات و مشاغل دولتی شده و در این زمینه با چالش‌هایی روبرو شدند که مهم‌ترین آن تعارض میان اشتغال و نقش مادری بود.

## ۲-۲-۲. چالش‌های تحول در تجهیزات شهری

### ۲-۲-۱-۱. حضور زنان در فضاهای شهری؛ مطالبه‌ای فمینیستی

در گذشته جلسات مکتب‌خانه‌ها عموماً در خانه‌ی ملاباجی‌هایی برپا می‌شد که در محلات نزدیک محل سکونت شاگردان بودند. گاهی نیز خانه‌ی یکی از اعیان و اشراف محل برگزار می‌شد. جلسات آموزشی بود و معلم به خانه‌ی یکی از شاگردان می‌آمد و بقیه هم در آنجا جمع می‌شدند. اما مدارس جدید دخترانه، بناهای مستقلی بودند که فاصله‌ی بیشتری از محل زندگی دختران داشتند و به دلیل مزاحمت‌های الواط و اشرار در سطح شهر و نبود نیروهای کارآمد پلیس، خروج دختران از منزل با چالش جدی مواجه بود. البته بعد از شکل‌گیری پلیس به شیوه‌ی نوین از این چالش تا حدی کاسته شد. پس از انقلاب اسلامی ایران و برقراری امنیت بیشتر در سطح شهر این مشکل به کلی از بین رفت. اما امروزه در اثر تحول در تجهیزات شهری از جمله مکان‌های آموزشی، مراکز خرید، خیابان و... چالش دیگری بروز و ظهور پیدا کرده و آن گسترش حضور در شهر به‌عنوان یک مطالبه در میان زنان است. به اعتقاد نویسنده کتاب «زنانه‌شدن شهر»: «یکی از مهم‌ترین کارکردها و نقش‌های فضاهای آموزشی گسترش حضور زنان در شهرهاست... آشنایی دختران با خیابان و شهر از طریق رفتن به مراکز آموزشی و تربیتی مانند مهدکودک و مدرسه آغاز می‌شود... یکی دیگر از کارکردهای مدارس در ایران معاصر «زنانه‌کردن فضاهای شهری» است (فاضلی، ۱۳۹۴، صص ۶۷-۶۸)». زنانه‌شدن فضای شهر، حضور همه‌جانبه در فضاهای شهری گوناگون را به یک مطالبه تبدیل کرده که مطالبه‌ی حضور دختران در ورزشگاه از بارزترین مصادیق آن است. اهمیت یافتن حضور زنان در شهر و فضاهای گوناگون شهری در وهله‌ی اول بی‌ارزش شدن حضور زن در خانه و ایفای نقش‌های جنسیتی را در پی دارد؛ از این رو خانه‌نشینی بانوی مسلمان حتی اگر بر حسب وظیفه و مفید و فعال باشد به دیده‌ی تحقیر نگریسته می‌شود اما بیرون رفتن او در هر شرایطی با ارزش تلقی می‌گردد. علاوه بر این با توجه به حاکمیت گفتمان لیبرالیستی<sup>۱</sup> بر

1. Liberalism.

فضاهای شهری، حضور زنان در برخی فضاها نمی تواند مورد تأیید شارع باشد؛ چه رسد به اینکه به مطالبه عمومی تبدیل شود.

### ۲-۲-۲. خارج شدن مفاهیم دینی از اولویت محتوای آموزشی

تبدیل شدن ساختار مکتب‌خانه‌ها به مدارس در روند مدرنیزاسیون<sup>۱</sup> با تغییر اساسی در محتوای آموزشی نیز همراه بود و موجب شد آموزش مفاهیم دینی از اولویت متون آموزشی خارج شده و به حاشیه برود. از مهم‌ترین چالش‌هایی که این مسئله در جامعه ایجاد کرد زمینه‌سازی برای طرح مطالبات فمینیستی و مباحث مرتبط با برابری جنسیتی بود به نحوی که در اثر آن، ارزش‌های دینی مربوط به تشکیل و تحکیم خانواده رنگ باخت و دستیابی به مدارج تحصیلی ترجیح پیدا کرد، بسیاری از دختران به بهانه ادامه تحصیل ازدواج خود را به تأخیر انداختند و گاه به مجرد قطعی رسیدند.

### ۳-۲-۲. تقویت روحیه مصرف‌گرایی

در اواخر حکومت قاجار محله‌های جدید در کنار خیابان‌های تازه احداث شده شکل گرفتند و به تبع معماری رسمی که به واسطه تجددطلبی چهره‌ای برون‌ی پیدا کرده بود عناصر خدماتی نیز در لبه‌های بیرونی این محله‌ها جای گرفتند (حیسی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵). استفاده زنان از این خدمات مستلزم عبور از محلات و حضور در خیابان‌ها به عنوان نواحی بیرونی تر شهر بود و تجربه‌ای جدید از خرید کردن برای آنها به ارمغان می آورد. در دوره پهلوی، فرنگی کردن ظاهر ایران محدود به تغییر پوشش زنان و مردان نبود بلکه رضاخان فرنگی کردن کالبد شهرهای ایران را نیز در دستور کار داشت و همه این موارد ذیل پروژه نوسازی او تعریف می شد. در این راستا خیابان‌های مدرن‌تری در آن زمان احداث شدند و اولین نقشه دگرگونی تهران در سال ۱۳۰۹، «نقشه خیابان‌ها» نام گرفت (صفری، ۱۳۹۳، ص ۲۰). این حرکت به عنوان نماد تجدد، در سراسر کشور ادامه پیدا

1. Modernization.

کرد. قرار گرفتن مراکز تجاری در خیابان موجب انتقال عملکرد بازار به خیابان‌های مدرن دوره پهلوی شد و زمینه خیابان‌گردی را به‌عنوان یک تفریح برای فرنگی‌مآب‌ها بیش‌ازپیش فراهم کرد (کابلی، ۱۳۹۸، ص ۱۰). از این پس زنان نیز به‌جای رفتن به بازار به خیابان می‌رفتند و خرید کردن را ضمن مشاهده مظاهر مدرنیته، انجام می‌دادند.

پس از انقلاب روند مدرن‌سازی خیابان‌ها و مراکز خرید موجود در آن ادامه پیدا کرد و خیابان‌هایی مشتمل بر پاساژها و مجموعه‌های تفریحی ساخته شدند که در کنار کارکردهای سازنده خود، به رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، پاساژگردی و پرسه‌زنی در خیابان دامن زدند. بدیهی است مخاطب اصلی این فرهنگ حاصل از تحول شهری، زنان بودند که به دلیل زیاد شدن اوقات فراغتشان امکان و زمان بیشتری برای خیابان‌گردی و پرسه‌زدن در پاساژها پیدا کردند؛ به عبارت دیگر مصرف‌گرایی در قالب مصرف کالا و مصرف فضا مولود نامبارک تحولات شهری در ایران بود که بیش از همه دامن‌گیر جامعه زنان شد و ارزش‌های متعالی مانند قناعت و پیروی از الگوی صحیح مصرف را در سبک زندگی مؤنانه ایشان کمرنگ کرد.

#### ۲-۲-۴. تعارض میان اشتغال و نقش مادری

استخدام زنان در ادارات که از پهلوی اول شروع شده بود پس از پیروزی انقلاب نیز ادامه یافت با این تفاوت که با برقراری حکومت اسلامی و رعایت ضوابط شرعی در محیط‌های کار، زنان متدین نیز به این عرصه وارد شدند. این بانوان هرچند از جهت رعایت احکام حجاب و حفظ حریم با نامحرم چالشی نداشتند اما به دلیل فاصله محل کار از خانه و ساعات غیرمنعطف مشاغل دولتی، با چالش تعارض میان نقش مادری و اشتغال مواجه شدند. زیرا محدود بودن زمان و انرژی زن برای انجام نقش‌های متفاوت در خانه و محل کار گرانباری نقش را به دنبال داشته و بر روابط مادر فرزندی تأثیرات نامطلوبی می‌گذارد. خصوصاً در سنین خردسالی که حضور فیزیکی مادر برای ایجاد حس ایمنی در کودکان ضروری است (علاسونده، ۱۳۹۵، ص ۳۹۴)، اشتغال زنان در ساعات غیر منعطف آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر سلامت روانی کودکان وارد می‌کند. تأکید

فراوان گزاره‌های دینی بر اهمیت نقش مادر در تربیت کودک (بستان، ۱۳۸۸، صص ۴۲ و ۱۵۷)، این مسئله را در زندگی زنان متدین با چالش مواجه کرد تا جایی که در برخی موارد به چشم‌پوشی زنان از موقعیت‌های شغلی انجامید.

## ۳-۲. حمل و نقل

### ۱-۳-۲. تحولات حمل و نقل

گاری، درشکه و کالسکه اولین وسایل نقلیه عمومی بودند که به ترتیب وارد خیابان‌های ایران شدند (شهری، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۲۱) «در سال ۱۲۶۹ شمسی با ریل‌گذاری در محورهای اصلی شهر، واگن اسبی راه افتاد. بعدها بلژیکی‌ها در خیابان‌های دیگر تهران ریل نصب کردند و مسافران با واگن‌های اسبی از طریق این ریل‌ها جابه‌جا می‌شدند (بیگدلی، ۱۳۹۳، ص ۴۱)». هرچند این وسایل نقلیه عمومی در ابتدا کارکرد تفریحی داشتند (حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۷) اما بعدها تمامی مردم و به‌ویژه زنان از آن استفاده می‌کردند. البته ملاحظات ناموسی و خانوادگی در سوارشدن به این وسایل وجود داشته برای نمونه «زن و مرد نباید در کوچه خیابان باهم راه بروند چه قد و بالای زنشان برای دیگران معلوم می‌گردید ... در واگن اسبی و ماشین دودی نباید پهلوی هم بنشینند و به همین خاطر هم کمپانی سازنده مکان زن و مرد را علاحده ساخته بود (شهری، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۲۸).

در اواخر دوره قاجار مظفرالدین‌شاه به فرنگ رفت و علی‌رغم خالی‌بودن خزانه ماشین خرید و همراه خود به ایران آورد (بیگدلی، ۱۳۹۳، ص ۴۳). پس از آن در زمان حکومت پهلوی با توجه به توسعه شهر تهران، رفت و آمد به یکی از مشکلات مردم تبدیل شده بود و توسعه حمل و نقل عمومی به‌کندی صورت می‌گرفت (تکمیل همایون، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲). بعد از پیروزی انقلاب تاکنون شاهد تغییرات شگرفی در حوزه حمل و نقل شهری بودیم. اتوبوس‌های سریع‌السير و قطار شهری یا همان مترو مهم‌ترین وسایل نقلیه عمومی هستند که امنیت و سرعت زیاد در تردهای درون‌شهری را به ارمغان آورده است (برومند، ۱۳۹۲، صص ۳۹۷-۴۰۱).

پیامد تحول و توسعه حمل و نقل در ایران، افزایش مهاجرت داخلی و تحرک

درون‌شهری بود. در زمان قاجار و تا قبل از رواج شهرنشینی به معنای مدرن، خویشاوندان اغلب در خانه‌ها و محله‌های نزدیک به هم ساکن بودند. حتی طبقات فقیر و غنی عموماً در یک محله بودند چه اینکه لازم بود خانه کنیزان و غلامان در نزدیکی خانه‌های اشراف باشد تا رفت و آمد آنها برای خدمت در خانه اغنیا بدون مشکل باشد. با وارد شدن اتومبیل به ایران و توسعه حمل و نقل عمومی برخی اشراف به محله‌های خوش آب و هوا تر نقل مکان کردند (شهری، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۳۵).

در حکومت پهلوی با گسترش وسایل حمل و نقل و هماهنگی با سیاست‌های دولت، تشویق مهاجرت درون‌شهری در شهرهای بزرگ و پایتخت، باعث حرکت اقشار فرادست و دولتمند شهری به سوی حومه‌های مرفه پیش‌بینی شده و خروج اجباری اقشار فرودست و بی‌دولت شهری به سوی حاشیه‌های نامرفه شد؛ از این رو با توسعه هرچه بیشتر شهرها تحرکات جمعیتی نیز گسترده شد و قشری از خانواده‌هایی که در انتخاب جغرافیای محل سکونت خود نومکان شده بودند پدید آمدند. این مهاجرت‌های داخلی و تحرکات جمعیتی به دلیل ایجاد محرومیت از ظرفیت‌های روابط خویشاوندی، تأثیرات زیادی بر زندگی زنان گذاشت. کم‌رنگ شدن روابط عاطفی خویشاوندی، دست‌تنباه بودن مادران جوان در اداره زندگی و بچه‌داری، استقبال از مهدکودک‌ها و نبود نظارت خویشاوندان بر روابط زوجین جوان از مهم‌ترین تأثیراتی بود که این سبک زندگی بر زنان گذاشت.

هرچند افزایش امکانات مربوط به حمل و نقل از سویی راه را برای حضور زن در شهر هموارتر کرد، اما چالش‌های جدیدی را نیز پیش روی او گذاشت که ذیل عنوان افزایش تمایل زنان به تردد شبانه در شهر برای استفاده فراغتی به عنوان یک مطالبه فمینیستی قابل بررسی است.

## ۲-۳-۲. چالش‌های تحولات حمل و نقل

### ۲-۳-۲-۱. افزایش تمایل زنان به تردد شبانه در شهر؛ مطالبه‌ای برای خواهانه

با کوچک شدن مساحت خانه‌ها و بروز فقر حرکتی در زنان در کنار افزایش اوقات

فراغت آنان و افزایش حضور اجتماعی در قالب اشتغال و تحصیل، تلاش برای ایمن تر شدن فضای شهری جهت حضور و تردد زنان در فضای شهری مورد توجه برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. به گفته ایشان بین نسبت تردد زنان و احساس امنیت درک شده از سوی آنان رابطه مستقیم وجود دارد. از آنجا که بانوان بیشترین استفاده‌کنندگان وسایل حمل و نقل عمومی هستند، گسترش این عناصر شهری و افزایش امنیت آن، راه را جهت حضور حداکثری زنان هموارتر می‌سازد (بمانیان، ۱۳۸۷)؛ بنابراین یکی از مصادیق تحول شهر امروز در تلاش برای هموار کردن مسیر حضور برابر زنان با مردان در شهر تبلور یافته است و برنامه‌ریزان شهری به نام عدالت جنسیتی در صدد ایجاد زمینه استفاده فراغتی زنان از شهر حتی در ساعات انتهایی شب هستند. به اعتقاد برخی نویسندگان، تحرک می‌تواند شاخص تبعیض اجتماعی باشد و زنان هم باید بتوانند با امنیت کامل در همه ساعات شبانه‌روز از وسایل نقلیه استفاده کنند؛ لذا برنامه‌ریزان شهری در صدد هستند تا با فعال‌سازی تحرکات اقتصاد شبانه در مراکز شهری و اجرای برنامه‌های سرزنده فرهنگی شبانه، خیابان‌ها را در ساعات تاریک شب احیا کرده و با انواع روش‌ها سبب حضور متنوع مردم و پویا کردن جمعیت شوند تا امنیت فضای شهری را جهت تردد زنان ارتقا بخشند (بمانیان، ۱۳۸۷، ص ۴۳). تردد زنان در فضای شبانه شهری برای استفاده فراغتی با سبک زندگی دین‌مدارانه منافات دارد. در معرض خطر قرار گرفتن امنیت جنسی زن، تعارض با مصالح خانوادگی و از همه مهمتر فمینیستی بودن این مطالبه به عنوان نماد برابری زن و مرد از جمله موضوعاتی است که می‌توان آن را در تقابل با آموزه‌های دین فهم کرد.

### نتیجه‌گیری

تحولات شهری از جهت تأثیری که بر زیست زنان داشته همواره دارای سویه‌های مثبت و منفی بوده است. به این معنا که برخی از این دگرگونی‌ها مانند توسعه تجهیزات شهری در زمینه شبکه آب‌رسانی و برق‌رسانی باعث شده بعضی از چالش‌های زندگی زنان حل شود، اما در موارد بسیاری نیز این تحولات چالش‌های جدید و عمیقی ایجاد



کرده‌اند که سبب دشواری‌هایی در زیست مؤمنانه زنان شده است اما بانوان مسلمان پاسخ‌های فقهی روشنی برای رفع آنها پیدا نمی‌کنند. به عقیده نگارنده این مسئله ناشی از نبود ورود موضوع‌شناسانه فقیهان به این تحولات و چالش‌های ناشی از آن است. فقیهان برای تعیین حکم تکلیفی، ناگزیر از شناخت موضوعات هستند و موضوعات و چالش‌های اجتماعی نیز از این امر مستثنا نیست. پژوهش حاضر و نظایر آن عهده‌دار کار کارشناسی در این زمینه هستند. به همین جهت در این مقاله چالش‌هایی که در اثر تحولات سامانه کالبدی شهر در زندگی زنان ایجاد شده بود، بررسی شد. از آنجا که بخش عمده فعالیت‌های زنان ایرانی در خانه انجام می‌شود، تأثیرگذارترین چالش‌ها مربوط به تحولات مسکن بود که به واسطه ایجاد محدودیت برای بانوان در استفاده از محیط طبیعی محصور در خانه بدون الزام به پوشش، سختی حکم حجاب در بیرون از منزل را مضاعف کرده و درونی‌شدن حکم حجاب را دشوار می‌سازد؛ همچنین تعارض میان نقش خانه‌داری و نقش مراقبتی مادر و محرومیت از ظرفیت مجالس خانگی در جهت افزایش سواد دینی زنان از چالش‌های تحولات مسکن و سبک زندگی دینی زنان است. مکان‌های آموزش رسمی، خیابان‌ها و مراکز خرید و ادارات از جمله تجهیزات شهری‌ای بودند که تغییرات آنها در دوره معاصر باعث بروز چالش‌هایی در زندگی زنان شد و موجب شد اساساً حضور زنان در شهر و استفاده از تجهیزات شهری به صورت یک مطالبه در آید. خارج‌شدن مفاهیم دینی از اولویت محتواهای آموزشی و نیز تقویت روحیه مصرف‌گرایی به واسطه احداث خیابان‌های مدرن شهری و چالش تعارض میان نقش مادری و اشتغال مدرن از دیگر چالش‌هایی هستند که در اثر تحول در تجهیزات شهری دامن‌گیر زندگی زنان شده است. تغییر و توسعه حمل‌ونقل عمومی گرچه چالش‌هایی را حل کرده اما چالش‌های جدیدی را در زیست مؤمنانه زنان موجب شده است که افزایش تمایل زنان به تردد شبانه در شهر به مثابه یک مطالبه برابری خواهانه مهم‌ترین آن‌هاست. با بررسی مواجهه فقها در دوران سه‌گانه قاجار، پهلوی و بعد از انقلاب، دریافتیم فقها در مواجهه با چالش‌های زنان رویکردهای مختلفی اتخاذ کرده‌اند که هر کدام ثمرات متفاوتی در عملکرد بانوان مسلمان داشته است. به عنوان مثال یکی از

بارزترین تحولات در بعد تجهیزات شهری، مکان‌های آموزشی و مدارس بود و در زمان‌های گوناگون نوع مواجهه فقیهان در امر تحصیل بانوان و رفتن به مدارس جدید، نقشی تعیین کننده داشت. ظهور مشاغل جدید برای زنان در شهری که درهای خود را به روی مدرنیته گشوده بود نیز از ثمرات این تحولات در ایران بود و زنان را با چالش‌های فراوان مواجه ساخت، در اینجا نیز رویکردهایی که فقها اتخاذ کرده‌اند، جالب و حاوی نکات بسیار است. بررسی این رویکردهای فقهی، مبانی و تأثیرات آن خارج از موضوع نوشتار حاضر بوده و در پژوهش مستقلی انجام شده است که در فرصت دیگری ارائه می‌گردد.

## فهرست منابع

۱. آدینه‌وند، مسعود؛ فلاح توتکار، حجت؛ پورمحمدی املشی، نصراله و بهرام‌نژاد، محسن. (۱۳۹۶). جایگاه و نقش زنان در نظام اداری ایران دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش). نشریه تاریخ اسلام و ایران، ۲۷(۱۲۴)، صص ۹-۳۷.
۲. اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷). اینجا طهران است. تهران: نشر تاریخ ایران.
۳. اهری، زهرا. (۱۳۹۴). شناسایی ساختار ثانویه شهر ایرانی در دوره قاجاریه. نشریه معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، ۲۰(۲)، صص ۲۳-۳۴.
۴. برومند، جمشید. (۱۳۹۲). شهر و فضای شهری: بررسی شهر، مسائل و ساختارهای شهری. تهران: افرند.
۵. بزی، خدارحم؛ رضایی، بیت‌اله. (۱۳۹۱). بررسی ساختارهای شهری مطلوب زنان با تأکید بر امنیت، در شهر زابل. آمایش جغرافیایی فضا، ۲(۵)، صص ۱۹-۳۶.
۶. بستان، حسین. (۱۳۸۸). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بمانیان، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی و ضابطیان، الهام. (۱۳۸۷). امنیت تردد زنان در فضاهای شهری. مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)، ۲(۴)، صص ۳۹-۵۶.
۸. بیگدلی، عطاءالله. (۱۳۹۳). شهرسازی. تهران: امیرکبیر.
۹. تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۰. تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۷). تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران از ویرانی دارالخلافة ناصری تا پایان پهلوی (ج ۲ و ۳). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی شهرداری تهران.
۱۱. جارویس، هلن؛ کانتور، پاولا و کلارک، جانانان. (۱۳۹۴). شهر و جنسیت (مترجم: محمود شارع‌پور). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. جلیلی، تورج؛ اکبری، سروش. (۱۳۹۴). بررسی تحولات پلان‌های مسکونی از دوره قاجار

- تا پهلوی دوم. اولین دوره کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.
۱۳. حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۵). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. خامنه‌زاده، حنا. (۱۳۹۶). مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در زیست-جهان خانه ایرانی مطالعه تطبیقی آن در خانه ایرانی ماقبل مدرن و خانه مدرن ایرانی. مجله علمی - پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی باغ نظر، ۱۴(۴۹)، صص ۳۱-۴۰.
۱۵. خدایی، زهرا و پورخیری، علی. (۱۳۹۰). مسائل اجتماعی شهرسازی در ایران. تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۵۱). لغت‌نامه دهخدا (ج ۶). تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۷. ذوعلم، علی. (۱۳۸۴). تأملی در مفهوم چالش در ادبیات اجتماعی فرهنگی ایران. ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، ۴(۳۶)، صص ۳۴-۳۷.
۱۸. سیدان، فریبا. (۱۳۹۷). زنان و کیفیت زندگی. تهران: تیسا.
۱۹. شفیع، سمیه‌سادات. (۱۴۰۰). تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار. تهران: ثالث.
۲۰. شهری، جعفر. (۱۳۶۹). تاریخ اجتماعی شهر تهران در قرن سیزدهم (ج ۱ و ۳). تهران: رسا.
۲۱. شیخ‌الاسلامی، پری. (۱۳۵۱). زن در ایران و جهان. تهران: (بی‌نا).
۲۲. صفری، سهیلا؛ یوسفی‌فر، شهرام و شیخ نوری، محمدمامیر. (۱۳۹۳). اعتراضات مردم به نوسازی شهری در دوره پهلوی اول. مجله علمی تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۱(۴)، صص ۲۹-۶۰.
۲۳. طبیب‌زاده، کیمیا السادات. (۱۳۹۶). فلسفه جایگاه حریمیت در خانه‌های سنتی دوره قاجار (نمونه موردی: شهر شیراز). ارائه شده در اولین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر.
۲۴. علاسوند، فریبا. (۱۳۹۵). زن در اسلام. قم: هاجر.

۲۵. غیاثوند، احمد. (۱۳۹۴). دنیای زنان در پرتو فضاهای جنسیتی شهری مدرن. توسعه محلی روستایی - شهری (توسعه روستایی)، ۷(۱۳)، صص ۲۹۹-۳۲۲.
۲۶. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۲). فرهنگ و شهر؛ چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری. تهران: تیسرا.
۲۷. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۴). زنانه‌شدن شهر با تأکید بر فضاهای شهر تهران. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. فرهاد، شراره؛ کاشانی، اریک. (۱۳۸۹). بررسی معماری و شهرسازی در دوره قاجار. همایش داخلی معماری و شهرسازی معاصر.
۲۹. کابلی، احمدرضا؛ موسوی، سیده فائزه. (۱۳۹۸). بررسی مؤلفه‌های جدید معماری در دوره پهلوی. ششمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست.
۳۰. کلانتری، عبدالحسین؛ بخشی‌زاده، حسن. (۱۳۹۸). تغییرات اجتماعی شهر تهران در دوره پهلوی اول. نشریه توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۱(۲)، صص ۴۰۹-۴۳۶.
۳۱. معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: زرین.
۳۲. معینی، سید محمود؛ زندی، مهرنوش. (۱۳۹۴). بررسی خلوت در معماری ایرانی و تأثیر نادیده گرفتن آن در معماری معاصر. اولین همایش ملی فرهنگ گردشگری و هویت شهری.
۳۳. یاران، علی؛ بهرو، حسین. (۱۳۹۶). تأثیر فرهنگ و اخلاق اسلامی بر مسکن و کالبد فضایی خانه‌ها (نمونه موردی: خانه‌های عصر قاجار در شهر اردبیل). فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۲(۱۵)، صص ۹۱-۱۰۷.

## References

1. Adinehvand, M et al. (1396 AP). The Position and Role of Women in the Administrative System of Iran during the Reign of Reza Shah (1304-1320). *Journal of the History of Islam and Iran*, 34(27), pp. 37-39. [in Persian]
2. Ahari, Z. (1394 AP). Identification of the Secondary Structure of Persian City in the Qajar Era. *Architecture and Urbanism (fine arts)*, 20(2), pp. 23-34. [In Persian]
3. Alasvand, F. (1355 AP). *Women in Islam*. Hajar. Qom. [In Persian]
4. Bazi, Kh., & Rezaei, B. (1391 AP). Examining Desirable Urban Structures for Women with an Emphasis on Security in Zabol City. *Spatial Geographical Development*, 2(5), pp. 19-36. [In Persian]
5. Bemanian, M. R., Rafiiian, M., & Zabetian, E. (1387 AP). The Security of Women's Movement in Urban Spaces. *Journal of Women's Research (Journal of Women's Studies)*, 2(4), pp. 39-56. [In Persian]
6. Bigdeli, A. (1393 AP). *Urban Planning*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
7. Borumand, J. (1392 AP). *City and Urban Space: A study of the city, urban issues and structures*. Tehran: Afrand. [In Persian]
8. Bostan, H. (1388 AP). *Islam and Gender Differences*. Qom: Research Institute of Hawza and University. [In Persian]
9. Dehhuda, A. A. (1351 AP). *Dehhuda [Persian] Dictionary*. Tehran: Tehran University Publication. [In Persian]
10. Farhad, Sh., & Kashani, E. (1389 AP). A Study of Architecture and Urban Planning in the Qajar Era. *National Conference of Contemporary Iranian Architecture and Urbanism*, (1). [In Persian]
11. Fazeli, N. (1392 AP). *Culture and the City; Cultural Shifts in Urban Discourses" in English*. Tehran: Tisa. [In Persian]
12. Fazeli, N. (1394 AP). *Feminization of the City with Emphasis on the Spaces of Tehran*. Tehran: Scientific and cultural publications. [In Persian]
13. Ghiyasvand, A. (1394 AP). He World of Women in the Light of Gendered Spaces in Modern Urban Settings. *Local Development Rural-Urban (Rural Development)*, 7(13), pp. 299-322. [In Persian]

14. Habibi, M. (1395 AP). *From ShÁr to Shahr (City): A historical analysis of the concept of city and its physical appearance (thinking and impression)*. Tehran: Institute of Printing and Publishing, University of Tehran. [In Persian]
15. Ittihadiyyeh, M. (1377 AP). *This is Tehran*. Tehran: History if Iran. [In Persian]
16. Jalili, T., & Akbari, S. (1394 AP). A study of Developments of Residential Building Plans from the Qajar era to the Second Pahlavi Era. *The Annual Conference of Architecture, Urban Planning, Urban Management*, (1). [In Persian]
17. Jarvis, H., Contor, P., & Clark, J. (1394 AP). *City and Gender* (M. Sharepour, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
18. Kabuli, A. R., & Musavi, F. (1398 AP). The Study of Modern Architectural Components in the Pahlavi Era. *The Sixth National Conference on Urbanism, Architecture, Civil Engineering and Environment*, (6). [In Persian]
19. Kalantari, A., & Bakhshizadeh, H. (1398 AP). The Social Changes of Tehran (City) during the First Pahlavi Reign, *Journal of Community Development*, 11(2), pp. 409-436. [In Persian]
20. Khameneh Zadeh, H. (1396 AP). The Concept of Privacy and How It Is Realized in the Bio-World of the Iranian House: A comparative study of privacy in the pre-modern Iranian house and the modern Iranian house. *Bagh-e Nazar Journal of Resarch Center for Art, Architecture and Urbanization*, 49(14), pp. 31-40. [In Persian]
21. Khudai, Z., & Purkheiri, A. (1390 AP). *The Social Problems of Urbanism in Ian*. Tehran: The Center for Strategic Researches of the Expediency Discernment Council. [In Persian]
22. Muin, M. (1386 AP). *Muin [Persian] Dictionary*. Tehran: Zarrin. [In Persian]
23. Muini, M., & Zandi, Z. (1394 AP). A Study of 'Privacy' in Persian Architecture and the Effects of its Disregard on Contemporary Architecture. *The National Conference on the Culture of Tourism and Urban Identity*, (1). [In Persian]

24. Safari, S., Yusufifar, Sh., & Sheikh Nuri, M. A. (1393 AP). Public Protest against Urban Reconstruction in the Riza Pahlavi era. *Scientific Journal of Social History Research*, 1(4), pp. 29-60. [In Persian]
25. Seyedan, F. (1397 AP). *Women and Quality Of Life*. Tehran: Tisa. [In Persian]
26. Shafiei, S. (1400 AP). *Social History of Women in the Qajar Era*. Tehran: Saleth. [In Persian]
27. Shahri, J. (1369 AP). *Social History of Tehran in the Thirteenth Century*. (Vols. 1 & 3). Tehran: Rasa (Publication). [In Persian]
28. Sheikholeslami, P. (1351 AP). *Women in Iran and the world*. Tehran: n.p. [In Persian]
29. Tabibzadeh, K. (1396 AP). *The Philosophy behind the Status of Privacy in Classic Buildings (Houses) in the Qajar Era (case study: Shiraz)*. International Conference on Civil Engineering, Architecture and Urbanism in Modern Iran. [In Persian]
30. Takmil Humayun, N. (1377 AP). *The Social and Cultural History of Tehran: from the destruction of the Naseri Royal Residence to the end of Pahlavi Reign* (Vols. 2 &3). Tehran: Cultural Research Office of Tehran Municipality. [In Persian]
31. Taqavi, N. (1389 AP). *Rural Sociology*. Tehran: Payame Noor University Publication. [In Persian]
32. Yaran, A., & Behru, H. (1396 AP). The Effect of Islamic Culture and Ethics on Housing and Spatial Appearance of Houses (case study: Houses in Ardabil in the Qajar era. *Scientific Journal of Research in Islamic Architecture*, 2(15), pp. 91-107. [In Persian]
33. Zu Ilm, A. (1384 AP). A Reflection on the Meaning of "Challenge" in Iranian Socio-Cultural literature. *A Monthly Journal of Thought and Political History of Contemporary Iran*, 4(36), pp. 34-37. [In Persian]



**Research Article**

**An Identification of Cognitive, Social-emotional and Behavioral Dimensions and Indicators Effective in Measuring Children's Academic Readiness When Entering Primary School<sup>1</sup>**

Mostafa Alikhani<sup>2</sup>      Asghar Minaei<sup>3</sup>      Noor Ali Farrokhi<sup>4</sup>  
Mohammad Asgari<sup>5</sup>      Mehdi Dastjerdikazemi<sup>6</sup>

Received: 08/06/2023

Accepted: 01/10/2023



**Abstract**

Although assessing school readiness in children prior to entering primary

1. This article has been taken from a PhD thesis entitled "The Application and Comparison of the Rasch Model and Network Analysis in Constructing, Validating, and Standardizing the School Readiness Test and Developing an Explanatory Model" (Supervisors: Asghar Minaei and Noor Ali Farrokhi. Advisors: Mohammad Asgari and Mahdi Dastjerdi Kazemi) in the field of Measurement and Evaluation at Allameh Tabataba'i University, Faculty of Psychology and Education Sciences, Tehran, Iran.
2. PhD student, Measurement and Evaluation, Department of Measurement and Evaluation, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Psychology and Education Sciences, Tehran, Iran. Email: mosalikhani@gmail.com      ORCID: 0000-0001-9420-5936
3. Associate Professor, Department of Measurement and Evaluation, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Psychology and Education Sciences, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: asghar.minaei@yahoo.com      ORCID: 0000-0002-2875-7449
4. Professor, Department of Measurement and Evaluation, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Psychology and Education Sciences, Tehran, Iran. Email: farrokhinoorali@gmail.com      ORCID: 0000-0002-5941-2750
5. Associate Professor, Department of Measurement and Evaluation, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Psychology and Education Sciences, Tehran, Iran. Email: drmasgari423@gmail.com      ORCID: 0000-0003-0226-175X
6. Associate Professor, Department of Psychology and Special Education, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Psychology and Education Sciences, Tehran, Iran. Email: dastjerdikazemi@gmail.com      ORCID: 0000-0002-2101-3172

\* Alikhani, M., Minaei, A., Farrokhi, N. A., Asghari, M., & Dastjerdi kazemi, M. (1402 AP). An Identification of Cognitive, Social-emotional and Behavioral Dimensions and Indicators Effective in Measuring Children's Academic Readiness When Entering Primary School. *Journal of Islam and Social Studies*, 11(42), pp. 155-194. <https://doi.org/10.22081/JISS.2023.66598.2011>

school is an important initiative of the Ministry of Education, one of its main challenges is the lack of a native theoretical model containing the dimensions and indicators of school readiness. Therefore, this study aimed to identify the dimensions and indicators influencing the assessment of school readiness in children prior to entering primary school. To achieve this goal, preschool textbooks and curriculum objectives, first-grade textbooks, a teacher's guide in descriptive evaluation, and the opinions of first-grade teachers were examined using a semi-structured interview method, employing a qualitative approach and thematic analysis. The thematic analysis resulted in the extraction of 5 overarching themes, 9 organizing themes, and 220 basic themes. The findings revealed that motor skills, language and speech skills, cognitive skills, socio-emotional skills, and general competencies are the constituent dimensions of school readiness. While previous studies have addressed overarching themes, considering the multidimensional nature of school readiness, it was necessary to determine the basic themes as well. In this study, the motor dimension was further divided into gross and fine motor skills; the cognitive dimension was divided into general knowledge, memory, mathematics, and visual-spatial reasoning; the socio-emotional dimension was divided into peer interaction and interaction with adults; and the general competency dimension was divided into responsibility and positive attitude towards school. The basic themes were categorized under the relevant sub-dimensions, providing a basis for the development of assessment tools for this important construct by educational authorities.

### **Keywords**

School Readiness Dimensions, Preschool, Thematic Analysis, Primary School, School Readiness Assessment.

### مقاله پژوهشی

## شناسایی ابعاد و نشانگرهای شناختی، اجتماعی عاطفی و رفتاری مؤثر

### در سنجش آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان<sup>۱</sup>

مصطفی علیخانی<sup>۲</sup>      اصغر مینائی<sup>۳</sup>      نورعلی فرخی<sup>۴</sup>

محمد عسگری<sup>۵</sup>      مهدی دستجردی کاظمی<sup>۶</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

©Author(s).



#### چکیده

اگرچه طرح سنجش آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان، یکی از اقدامات بسیار مهم وزارت

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان: کاربرد و مقایسه مدل چندبعدی راش و تحلیل شبکه در ساخت، رواسازی و هنجاریابی آزمون آمادگی تحصیلی و تدوین مدل تبیینی (استادان راهنما: اصغر مینائی و نورعلی فرخی و استادان مشاور: محمد عسگری و مهدی دستجردی کاظمی)، رشته سنجش و اندازه‌گیری دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی<sup>۱</sup> تهران، ایران می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری رشته سنجش و اندازه‌گیری، گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی<sup>۱</sup>، تهران، ایران. mosalikhani@gmail.com ORCID: 0000-0001-9420-5936

۳. دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی<sup>۱</sup>، تهران، ایران (نویسنده مسئول). asghar.minaei@yahoo.com ORCID: 0000-0002-2875-7449

۴. استاد گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی<sup>۱</sup>، تهران، ایران. farrokhinoorali@gmail.com ORCID: 0000-0002-5941-2750

۵. دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی<sup>۱</sup>، تهران، ایران. drmasgari423@gmail.com ORCID: 0000-0003-0226-175X

۶. دانشیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی<sup>۱</sup>، تهران، ایران. dastjerdikazemi@gmail.com ORCID: 0000-0002-2101-3172

\* **استاد به این مقاله:** مصطفی علیخانی، مهدی مینائی، اصغر فرخی، نورعلی فرخی، محمد و دستجردی کاظمی، مهدی. (۱۴۰۲). شناسایی ابعاد و نشانگرهای شناختی، اجتماعی عاطفی و رفتاری مؤثر در سنجش آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان. فصلنامه علمی-پژوهشی (رتبه ب) اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۲)، صص ۱۵۵-۱۹۴.

<https://Doi.org/10.22081/JISS.2023.66598.2011>

آموزش و پرورش است، اما یکی از چالش‌های عمده آن، نبود یک مدل نظری بومی حاوی ابعاد و نشانگرهای آمادگی تحصیلی است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد و نشانگرهای مؤثر در سنجش آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان انجام شد. برای دسترسی به این هدف، کتاب‌های درسی و اهداف دوره پیش‌دبستانی، کتاب‌های درسی پایه اول دبستان، کتاب راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی و نظر معلمان پایه اول دبستان از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون بررسی شدند. یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون به استخراج ۵ مضمون فراگیر، ۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۲۲۰ مضمون پایه منجر شد. یافته‌ها نشان داد که مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های گفتار و زبان، مهارت‌های شناختی، مهارت‌های اجتماعی عاطفی، و شایستگی‌های عمومی، ابعاد تشکیل‌دهنده آمادگی تحصیلی هستند. هرچند که پژوهش‌های گذشته به مضمون‌های فراگیر اشاره کردند، ولی با توجه به چندبعدی بودن آمادگی تحصیلی ضرورت داشت که مضمون‌های پایه نیز تعیین شوند. در این پژوهش، بُعد حرکتی به دو مؤلفه جزئی‌تر به نام مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف؛ بُعد شناختی به مؤلفه‌های دانش و اطلاعات عمومی، حافظه، ریاضیات و حساب، و استدلال دیداری فضایی؛ بُعد عاطفی اجتماعی به مؤلفه‌های تعامل با همسالان و تعامل با بزرگسالان؛ بُعد شایستگی‌های عمومی به مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری و نگرش مثبت به مدرسه افزا شدند و مضمون‌های پایه در زیر مؤلفه مربوطه قرار گرفتند تا متولیان آموزش و پرورش بتوانند براساس آنها اقدام به ساخت ابزارهای لازم برای سنجش این سازه مهم کنند.

### کلیدواژه‌ها

ابعاد آمادگی تحصیلی، پیش‌دبستان، تحلیل مضمون، دبستان، سنجش آمادگی تحصیلی.

طرح سنجش آمادگی تحصیلی<sup>۱</sup> کودکان بدو ورود به دبستان یکی از اقدامات بسیار مهم سازمان آموزش و پرورش استثنائی کشور ایران است. مقصود از آمادگی تحصیلی دارا بودن مهارت‌ها، دانش، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و دیگر ویژگی‌های رفتاری است که شرط اولیه برای استفاده حداکثری از تحصیلات آموزشگاهی تلقی می‌شود. این الزامات اولیه را مهارت‌های ورودی<sup>۲</sup> می‌نامند که کودک برای سازگاری با موقعیت یادگیری یاددهی در سال اول دبستان به آن نیاز دارد (آناستازی، ۱۳۸۶، ص ۴۷۶) و این اتفاق نظر وجود دارد که مهارت‌های آمادگی تحصیلی باید در پنج حوزه مرتبط با هم، شامل سلامت جسمانی و رشد حرکتی، رشد اجتماعی عاطفی، نگرش به یادگیری، مهارت‌های زبان، و دانش و اطلاعات عمومی که به واسطه هیئت برنامه‌ریزی اهداف آموزش ملی<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) در نظر گرفته شده است، سنجش و اندازه‌گیری شود.

سنجش و اندازه‌گیری آمادگی تحصیلی کودکان نقشی اساسی در شناسایی، طبقه‌بندی و جای‌دهی کودکان در مدارس گوناگون بازی می‌کند و اهمیت آن منجر به گسترش مطالعات زیادی شده است؛ برای مثال گایگر با اشاره به چندبعدی بودن آمادگی تحصیلی، آن را به ابعاد شناختی، اجتماعی و عاطفی (Geiger, 2019, p. 12)، و براون آن را به مهارت‌های کودک، خانواده و عوامل محیطی، جنبه‌های رفتاری و شناختی رشد کودک، سازگاری کودک با کلاس درس و نظام آموزشی موجود تقسیم‌بندی می‌کنند (Braun, 2015, p. 183)، و آل‌حسن و لانسفورد آن را به ابعاد جسمی، اجتماعی عاطفی، نگرش به یادگیری، زبان، و شناخت و دانش عمومی افراز می‌کنند (Al-Hassan, & Lansford, 2009, p. 26). بلیر و باور آمادگی تحصیلی را متشکل از ابعادی مشتمل بر مهارت‌های اجتماعی عاطفی، توانایی‌های شناختی، توجه، زبان و کارکردهای اجرایی می‌دانند که در ارتباط با همسالان و معلم معنا پیدا می‌کند (Blair & Raver, 2015).

1. School readiness.
2. Input skills.
3. National Education Goals Panel (NEGP).

گروه آموزش کنتاکی (Kentucky, 2019) آمادگی تحصیلی را به پنج حوزه گسترده مشتمل بر رویکردهای یادگیری، سلامت و بهزیستی جسمانی، توسعه زبان و ارتباطات، توسعه اجتماعی عاطفی و اطلاعات شناختی و عمومی تقسیم می‌کند (Geiger, 2019) که هر کدام از آنها در برگیرنده حوزه‌های کوچک‌تری می‌باشند.

هیئت برنامه‌ریزی اهداف آموزش ملی، چارچوبی مشتمل بر پنج حوزه اصلی رشد و سلامت جسمانی، سلامت عاطفی و شایستگی‌های اجتماعی، نگرش به یادگیری، مهارت‌های ارتباطی و شناخت و دانش عمومی را برای استفاده در تعیین آمادگی تحصیلی ارائه می‌کند (SRI, 2013, p. 19).

پایان آمادگی کودک را شامل کلیت وی می‌داند و به پنج بعد سلامت جسمانی، بلوغ عاطفی، اعتماد به نفس اجتماعی، غنای زبان و دانش عمومی اشاره می‌کند که شامل الگو و دسته مشخصه‌هایی هستند که با هم، کودکان را قادر می‌سازد تا از فرصت‌های تحصیلی رسمی استفاده کنند (Pianta, 2002, p. 4). اوکتی و انوتکان ضمن تأکید بر لزوم حمایت از آمادگی تحصیلی کودکان، حوزه‌های آمادگی تحصیلی را مشتمل بر مهارت‌های پیش از خواندن و نوشتن، مهارت‌های ریاضی، مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های هیجانی، و مهارت‌های خودمراقبتی می‌داند (Oktay & Unutkan, 2013).

ابوطالب برای ساخت پرسشنامه آمادگی تحصیلی به هفت حوزه مهارت‌های بدنی حرکتی، مهارت‌های زبانی، مهارت‌های خودیاری، مهارت‌های اجتماعی عاطفی، مهارت‌های شناختی و اطلاعات عمومی، مهارت‌های نوشتن و مهارت‌های خواندن اشاره کرده است (Abu Taleb, 2013, p. 4) و کای برای بازتعریف مفهوم آمادگی تحصیلی به شش مهارت دانش، سازگاری اجتماعی، مهارت‌های عمومی، نگرش به یادگیری، پیروی و انطباق با قوانین مدرسه و سلامت جسمانی اشاره کرده است (Kay, 2018, pp. 105-106).

آمادگی تحصیلی مانند هر مفهوم دیگر باید با استفاده از ابعاد و نشانگرهای آن مورد ارزیابی قرار گیرد و بر همین اساس از سال ۱۹۷۰ به بعد، آزمون‌های متعددی برای اندازه‌گیری تحول آموزشی کودکان تهیه شده است. برخی از این آزمون‌ها برای

اندازه‌گیری نتایج آموزش در نخستین دوره کودکی تهیه شده‌اند و از این نظر نقشی همانند آزمون‌های پیشرفت تحصیلی دارند، در حالی که برخی دیگر به عنوان آزمون پیش‌بین به منظور ارزیابی میزان آمادگی تحصیلی کودک برای شروع تحصیلات عرضه شده‌اند. از این آزمون‌ها تحت عنوان آزمون آمادگی تحصیلی<sup>۱</sup> یاد می‌شود. در ایران نیز آزمون‌های مختلفی برای سنجش آمادگی تحصیلی کودکان مورد استفاده قرار گرفته است. به همین منظور از زمان تاسیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی در سال ۱۳۷۰، این سازمان موظف به شناسایی و جای‌دهی مناسب نوآموزان در نظام آموزشی شد. در ابتدای این طرح، یک آزمون با عنوان «آزمون سنجش آمادگی تحصیلی کودکان ۶-۷ سال» در ۵ فرم موازی زیر نظر سازمان آموزش و پرورش استثنایی و توسط شکوهی و شریفی هنجاریابی و اجرا شد. در سال ۱۳۸۰ آزمون گام نخست توسط سازمان هنجاریابی و تا سال ۱۳۸۳ اجرا شد. پس از آن، آزمون دابرون<sup>۲</sup> - ۲ که یک آزمون غربالگری برای آمادگی دبستان بود، توسط کارشناسان سازمان ترجمه و هنجاریابی شد. در سال ۱۳۸۴ آزمون دابرون در طرح سنجش اجرا و با توجه به نتایج ضعیف و میزان خطای بالا در تشخیص نوآموزان محدود به همان سال شد و در سال‌های بعدی اجرا نگردید. از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ بار دیگر آزمون گام نخست با تغییراتی به مدت ۸ سال اجرا گردید. از سال ۱۳۹۳ آزمون گام نخست، به دلیل اعتراض مجریان مبنی بر انتشار پرسش‌ها و بالابودن خطای تشخیص، کنار گذاشته شد و با توجه به تجربیات کارکنان سازمان، مجموعه‌ای از پرسش‌های آزمون‌های غربالگری آمادگی تحصیلی که تاکنون اجرا شده بود، جمع‌آوری و زیر نظر محمد اسماعیل در سراسر کشور هنجاریابی شد. این آزمون که SRT<sup>۳</sup> نام گرفت پس از یک سال بازنگری شد و با تغییراتی جزئی تا سال ۱۳۹۶ اجرا گردید. این آزمون نیز در سال ۱۳۹۷، با توجه به مشکلاتی مانند طولانی بودن زمان اجرا و نداشتن مبانی نظری و ویژگی‌های روان‌سنجی قوی، بار دیگر

1. School Readiness Test
2. Daberon - 2
3. School Readiness Test

توسط مینائی مورد مطالعه قرار گرفت و یک فرم کوتاه از آزمون با عنوان SRT-SF<sup>1</sup> تهیه گردید. در سال ۱۴۰۰ آزمون مفاهیم پایه بوهم-۳ که یک آزمون خارجی و مشتمل بر ۵۰ پرسش است، توسط مینائی و با نظارت دستجردی کاظمی و عکافی انطباق و هنجاریابی و مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۴۰۱ بار دیگر آزمون دابرون که پیش تر به نتایج ضعیف و میزان خطای بالا در تشخیص نوآموزان منجر شده بود، توسط مینائی انطباق و استانداردسازی شد و استفاده از آن ادامه دارد.

این فرایند نشان آن است که بسیاری از جنبه‌های مهم سنجش آمادگی تحصیلی مورد توجه جدی قرار نگرفته است. به عنوان مثال به این مهم اشاره نشده است که آمادگی تحصیلی از چه ابعاد و نشانگرهایی تشکیل شده است؟ با وجود اینکه جواب این پرسش روشن نیست، با کمال تعجب، اکثر مطالعات در زمینه سنجش آمادگی تحصیلی تنها بر انطباق و هنجاریابی ابزارهای وارداتی متمرکز شده و در پاره‌ای از مطالعات که به برآورد اعتبار و روایی این ابزارها پرداخته‌اند، نتایج مبهم و متناقضی یافت می‌شود (بهارى، ۱۳۸۹؛ حاج نوروزی، ۱۳۹۰؛ میرزمنانی، ۱۳۹۲؛ نوائی، ۱۳۹۲). این نتایج متناقض حاصل از مطالعات کوتاه مدت که از فقدان یک چارچوب نظری قوی و مشکلات روش شناختی رنج می‌برند، نشان می‌دهد که نیاز اساسی به پژوهش‌های بنیادین و بلندمدت، انکارناشدنی است. یکی از این نیازها، تدوین مدل نظری آمادگی تحصیلی مبتنی بر منابع و مراجع داخلی است.

بنابراین در این پژوهش تلاش شد تا به این پرسش که «مضامین مناسب برای سنجش آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان کدام‌اند؟» پاسخ داده شود.

## ۱. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند؛ اهداف دوره‌پیش‌دبستانی (ریاحی‌نژاد و رزاقی، ۱۳۹۸، صص ۵۱۰-۵۱۸)، تمامی کتاب‌های درسی پایه اول دبستان (۱۴۰۰)،

1. School Readiness Test – Short Form



فصل مربوط به پایه اول دبستان از کتاب راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی (ریاحی نژاد و رزاقی، ۱۳۹۸، صص ۲۸-۵۰ و ۳۰۲)، و کتاب‌های دوره پیش‌دبستانی آموزش و پرورش استان خوزستان (۱۴۰۰) به عنوان نمونه جهت تحلیل مضمون انتخاب شدند؛ همچنین تعداد هشت پرسش طراحی و بعد از توافق نویسندگان، از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بر روی معلمان پایه اول ابتدایی اجرا شد. معلمان شرکت‌کننده در پژوهش با روش نمونه‌گیری هدفمند و به حجم ۱۲ نفر انتخاب شدند. ملاک انتخاب معلمان، دست کم سابقه ۱۰ سال تدریس در پایه اول دبستان و دست کم مدرک کارشناسی در یکی از رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی بود.

پرسش‌های مطرح‌شده عبارتند از:

۱. نوآموزان در بدو ورود به پایه اول دبستان بایستی از چه مهارت‌ها و توانایی‌های اولیه‌ای برخوردار باشند؟
۲. دانش‌آموزان پایه اول دبستان برای موفقیت در درس قرآن، باید چه مهارت‌ها و توانایی‌های اولیه‌ای داشته باشند؟
۳. دانش‌آموزان پایه اول دبستان برای موفقیت در درس فارسی، باید چه مهارت‌ها و توانایی‌های اولیه‌ای داشته باشند؟
۴. دانش‌آموزان پایه اول دبستان برای موفقیت در درس ریاضی، باید چه مهارت‌ها و توانایی‌های اولیه‌ای داشته باشند؟
۵. دانش‌آموزان پایه اول دبستان برای موفقیت در درس علوم تجربی، باید چه مهارت‌ها و توانایی‌های اولیه‌ای داشته باشند؟
۶. دانش‌آموزان پایه اول دبستان برای موفقیت در درس هنر، باید چه مهارت‌ها و توانایی‌های اولیه‌ای داشته باشند؟
۷. دانش‌آموزان پایه اول دبستان برای موفقیت در درس تربیت‌بدنی، باید چه مهارت‌ها و توانایی‌های اولیه‌ای داشته باشند؟
۸. دانش‌آموزان پایه اول دبستان برای موفقیت در درس شایستگی‌های عمومی، باید چه مهارت‌ها و توانایی‌های اولیه‌ای داشته باشند؟

در این پژوهش از تحلیل کیفی، به روش تحلیل مضمون<sup>۱</sup> استفاده شد. مضمون یا تم<sup>۲</sup> به عنوان واحد تحلیل، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سوال‌های تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clarke, 2006, p. 6). قاسمی و همکاران مضمون را به عنوان «الگو یا معنای حاصل از داده‌های جمع‌آوری شده، عبارات یا جملاتی برای شناسایی معنای داده‌ها یا توضیحی برآمده از تحلیل کدگذاری‌ها تعریف کرده است (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۲۱). تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006) به نقل از جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳. در تحلیل مضمون، همه منابع داده، بررسی و مضمون‌های کل داده‌ها، تحلیل و تفسیر می‌شود (جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷).

کلارک، معتقد است که تصمیم‌گیری درباره نحوه گروه‌بندی مضمون‌ها، بر اساس محتوا و در صورت لزوم بر اساس پژوهش‌های قبلی صورت می‌گیرد (Clarke, 2006)؛ و گال و بورگ، پیشنهاد می‌دهند که در پژوهش‌های کیفی، به منظور صرفه‌جویی در زمان، یک نظام مقوله‌بندی را که در مبانی نظری مورد استفاده قرار گرفته است، انتخاب شود؛ زیرا انتخاب مقوله‌های استاندارد، امکان مقایسه با پژوهش‌های دیگر را که از همین نظام استفاده کرده‌اند، فراهم می‌کند (گال و بورگ، ۱۳۹۷، ص ۶۱۹). همچنین، امکان افزایش سهم پژوهشگر در نظریه‌پردازی و افزایش دانش در زمینه مورد پژوهش را فراهم می‌کند. بر همین اساس، در این پژوهش با استفاده از مرور پیشینه نظری، پنج مضمون فراگیر که در بیشتر پژوهش‌های گذشته تکرار شده بودند، اقتباس و طراحی گردید. این پنج مضمون عبارتند از: مهارت‌های حرکتی؛ مهارت‌های گفتار و زبان؛ مهارت‌های شناختی؛ مهارت‌های اجتماعی عاطفی؛ و شایستگی‌های عمومی. هرچند که

- 
1. Thematic Analysis.
  2. Theme.

در این روش الگوهای مختلفی برای تحلیل وجود دارد (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰، صص ۵۲۱-۵۲۲)، اما در این پژوهش با استفاده از روش براون و کلارک (۲۰۰۶)، شش مرحله ۱. آشنایی با متن داده‌ها؛ ۲. کد گذاری اولیه (استخراج مفاهیم)؛ ۳. جستجو و شناخت مضمون‌ها؛ ۴. بازبینی مضمون‌ها؛ ۵. تعریف و نام گذاری مضمون‌ها و ۶. تدوین گزارش نهایی، انجام شد.

در مرحله اول، همه منابع مکتوب و همچنین پاسخ‌های معلمان به پرسش‌های پژوهش به مدت دو ماه، مرور و بازخوانی شدند. از آنجا که مضمون، یک کلمه، عبارت یا گزاره‌ای مهم درباره یک مفهوم است؛ در مرحله دوم، همه کلمات، عبارات، و جملات با اهمیت، به عنوان مضمون پایه استخراج گردید و به هر کدام از این مضمون‌های پایه یک کد اختصاص داده شد. در مرحله سوم، تمرکز بیشتری بر دسته‌بندی اولیه‌ای که در مرحله دوم انجام شد، صورت گرفت؛ به گونه‌ای که نام برخی از مضمون‌های پایه به‌روزرسانی شد. در مرحله چهارم، مقوله‌بندی مضمون‌های پایه به صورت دستی صورت گرفت، به این صورت که این مضمون‌ها در قالب مضمون‌های اصلی از پیش تعیین شده قرار گرفتند. سپس برخی از مضمون‌های اصلی به مضمون‌های سازمان‌دهنده افزا شدند تا از این روش بتوان مضامین پایه را در جای اختصاصی بهتری قرار داد. به این روش که، مضمون اصلی مهارت‌های حرکتی به مضمون‌های فرعی مهارت‌های حرکتی درشت و مهارت‌های حرکتی ظریف؛ مضمون اصلی مهارت‌های شناختی به مضمون‌های فرعی دانش و اطلاعات عمومی، توجه و تمرکز، مهارت‌های حساب و ریاضی، و استدلال دیداری فضایی؛ مضمون اصلی مهارت‌های اجتماعی عاطفی به مضمون‌های فرعی تعامل با همسالان و تعامل با بزرگسالان؛ و مضمون اصلی شایستگی‌های عمومی به مضمون‌های فرعی مسئولیت‌پذیری و نگرش به مدرسه تقسیم‌بندی شدند. در این مرحله برخی از مضمون‌های پایه که غیرمرتبط با هدف پژوهش بودند، حذف گردیدند. مراحل بعد در قسمت‌های بعدی آمده است.

## ۲. یافته‌های پژوهش

مضمون‌های مشخص شده، شامل ۵ مضمون فراگیر، ۹ مضمون سازمان‌دهنده و ۲۲۰ مضمون پایه در جدول ۱ قابل مشاهده است.

### ۱-۲. مهارت‌های حرکتی

با توجه به جدول ۱، یکی از مهم‌ترین ملاک‌های تأثیرگذار بر سنجش آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان؛ مهارت‌های حرکتی است که خود به دو دسته مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف تقسیم می‌شود. این مهارت به وسیله ۳۶ نشانگر شناسایی شده است.

### ۲-۲. مهارت‌های گفتار و زبان

یکی دیگر از ملاک‌های تأثیرگذار، مهارت‌های گفتار و زبان است. این مقوله به وسیله ۲۳ نشانگر شناسایی شده است. تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهد که بین این مهارت‌ها و آمادگی تحصیلی کودکان رابطه وجود دارد.

### ۳-۲. مهارت‌های شناختی

از دیگر ملاک‌های مهم در سنجش آمادگی تحصیلی کودکان، مهارت‌های شناختی است که به دانش و اطلاعات عمومی، مهارت‌های حافظه (توجه و تمرکز)، مهارت‌های حساب و ریاضیات، و مهارت‌های استدلال دیداری فضایی افزاز شده و جمعا به وسیله ۶۲ نشانگر شناسایی شده است.

### ۴-۲. مهارت‌های اجتماعی عاطفی

مهارت‌های اجتماعی عاطفی از دیگر ملاک‌های مهم در سنجش آمادگی تحصیلی کودکان است که به دو مجموعه تعامل با همسالان و تعامل با بزرگسالان افزاز شده و به وسیله ۴۶ نشانگر شناسایی شده است.

## ۲-۵. شایستگی‌های عمومی

یکی دیگر از مهم‌ترین ملاک‌های جالب توجه که در مدل‌های نظری موجود کمتر به آن پرداخته شد، شایستگی‌های عمومی است. این مهارت‌ها به دو دسته مسئولیت‌پذیری و نگرش به یادگیری تقسیم می‌شود. شایستگی‌های عمومی به وسیله ۵۳ نشانگر شناسایی شده است.

در مجموع، مرور منابع مرتبط با سنجش آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان، به شناسایی پنج عامل کلی مهارت‌های حرکتی (شامل مهارت‌های حرکتی درشت و مهارت‌های حرکتی ظریف)؛ مهارت‌های گفتار و زبان؛ مهارت‌های شناختی (شامل دانش و اطلاعات عمومی، حافظه و توجه، حساب و ریاضیات، استدلال دیداری فضایی)؛ مهارت‌های اجتماعی عاطفی (شامل تعامل با هم‌سالان، تعامل با بزرگسالان)؛ و شایستگی‌های عمومی (شامل مسئولیت‌پذیری و نگرش به یادگیری) منجر شد. این نتایج، در کنار هم، بیش مهمی را در مورد سازه آمادگی تحصیلی کودکان ارائه می‌دهند.

جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان		
مضمون‌ها		
فراگیر	سازمان‌دهنده	پایه
مهارت‌های حرکتی	مهارت‌های حرکتی درشت	نشستن؛ ایستادن؛ راه رفتن؛ چرخیدن؛ جهیدن؛ دویدن؛ پریدن؛ درجا زدن؛ جمع و باز کردن اندام‌ها؛ خوابیدن؛ لی‌لی کردن؛ جا خالی دادن؛ راه رفتن روی خط مستقیم و زاویه دار و شیب‌دار؛ هدف‌گیری؛ ضربه زدن با پا و دست؛ حمل صحیح اشیا؛ پرتاب و دریافت کردن اشیا.

جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان		
مضمون‌ها		
پایه	سازمان‌دهنده	فراگیر
هماهنگی چشم و دست؛ دست‌ورزی؛ استفاده از قاشق، چاقو و قیچی؛ برداشتن اشیای ریز؛ صحیح به دست گرفتن مداد؛ توانایی کار با مهره‌ها و مکعب‌ها؛ مدل سه‌انگشتی یا چنگ‌زنی درست (مداد را با فشار برابر میان سر انگشت شست و سر انگشت اشاره و کنار انگشت وسط بگیرد)؛ دوره‌کشی نوشتاری (توانایی ترسیم خط به دور شکل‌ها و اجسام)؛ نقاشی کردن؛ رنگ‌آمیزی کردن؛ وصل کردن خط‌چین‌ها و نقطه‌ها به همدیگر؛ رسم خطوط راست و منحنی از راست به چپ و برعکس، افقی و عمودی؛ رسم اشکال هندسی (گردی، سه‌گوش، چهارگوش)؛ ضربه‌زدن با انگشتان دست؛ بریدن؛ سوزن نخ کردن (سوزن بزرگ و نوک گرد)؛ رد کردن نخ از مهره؛ گره‌زدن بند کفش؛ تا کردن.	مهارت‌های حرکتی ظریف	

جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان		
مضمون‌ها		
فراگیر	سازمان‌دهنده	پایه
مهارت‌های گفتار و زبان		<p>توانایی کودک برای دریافت و درک چیزی که در طول روز می‌شنود (و در آینده می‌خواند)؛ توانایی کودک برای استفاده از کلمات به صورت شفاهی (و در آینده به صورت نوشتاری) به منظور بیان ایده‌ها و احساسات به شیوه واضح و سازمان‌یافته؛ دریافت پیام و واکنش به آن؛ درک پیام‌های غیر کلامی؛ جمله‌سازی به صورت شفاهی (زبان بیانی)؛ برقراری ارتباط و انتقال پیام؛ نام‌گذاری تصاویر (اشکال هندسی، رنگ‌ها، حیوانات، میوه‌ها و...); درک واژه‌ها (واژه‌ها دریافتی)؛ بیان معنای کلمات؛ بیان متضاد کلمات؛ بیان مترادف کلمات؛ درک مفاهیم پایه؛ فهم کودک از مفاهیم وابستگی یا رابطه‌ای (مکانی/فضایی) مانند بالای، کنار، وسط، روی، زیر، نزدیک، دور و غیره؛ مهارت‌های شنیداری؛ درک دستورالعمل‌ها و فرمان‌های ساده (تا سه فرمان)؛ به کارگیری جملات و عبارات کوتاه؛ کامل کردن عبارات کوتاه (گفتاری)؛ درک پیام تصاویر (متوالی و غیر متوالی)؛ ارتباط بین پیام‌های کلامی و غیر کلامی؛ مهمل‌یابی کلامی یا تشخیص اطلاعات نامطلوب (مهمل‌بودن یا نامعقول‌بودن را تشخیص دهد)؛ صحبت کردن؛ دایره لغات؛ درک اجزاء داستان.</p>

جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان		
مضمون‌ها		
پایه	سازمان‌دهنده	فراگیر
<p>شناسایی رنگ‌ها؛ پاسخگویی به سوال‌های دانش اجتماعی متناسب با کودکان هم‌سن خود؛ آشنایی با اعضای بدن و نحوه مراقبت از آنها (چشم، گوش، دندان، پوست و...); آگاهی نسبت به استفاده از وسایل شخصی (مسواک، لیوان، دستمال، شانه و...); آگاهی از بهداشت بدن و رعایت آن (استحمام، مسواک زدن، کوتاه نگه داشتن ناخن و...); آگاهی نسبت به رعایت بهداشت هنگام غذا خوردن (شستن دست‌ها، نخوردن میوه نشسته و...); آگاهی نسبت به رعایت بهداشت در مکان‌های عمومی (پارک‌ها، مراکز آموزشی و...); شناسایی میوه‌ها و سبزیجات؛ شناسایی حیوانات اهلی و وحشی؛ شناسایی خصوصیات کلی فصل‌های سال (مانند گرمی، سردی، خرمی); درک مفهوم زمان و ترتیب زمانی و مقایسه ترتیبی زمان (صبح، ظهر، شب); آگاهی نسبت به پرهیز از بازی با وسایل خطرناک (چاقو، اجاق، گاز، بخاری و...); آگاهی نسبت به گیاهان (ویژگی‌ها، زیبایی‌ها و فواید و مراقبت از آن‌ها); آگاهی نسبت به جانوران (ویژگی‌ها، زیبایی‌ها و فواید مراقبت از آن‌ها); آگاهی نسبت به صرفه‌جویی در مصرف منابع (آب، گاز، برق، درخت و...); آگاهی از آداب اجتماعی دوره کودکی متناسب سن خود؛ شناسایی تعطیلات و اعیاد؛ شناسایی انواع وسایل حمل و نقل.</p>	<p>دانش و اطلاعات عمومی</p>	<p>مهارت‌های شناختی</p>



جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان

مضمون‌ها		
پایه	سازمان‌دهنده	فراگیر
حافظه دیداری: اطلاعات دریافتی از روش دیدن؛ حافظه کلامی: اطلاعات دریافتی از روش خواندن مطالب یا گوش دادن؛ حافظه کوتاه مدت: بازیابی اطلاعات گذشته نزدیک (چند ثانیه اخیر)؛ حافظه فعال: توانایی کودک برای بازیابی اطلاعاتی که دریافت کرده است؛ نگاه‌داشت این اطلاعات در ذهن و انجام‌دادن کاری با آنها. برای مثال اعداد و حروف را گوش کن و سپس به ترتیبی که من می‌گویم تکرار کن؛ ظرفیت حافظه؛ بازسازی الگو؛ تقلید از حرکات ظریف؛ الحاق قطعات؛ تمرکز حواس؛ حافظه بلند مدت: بازیابی اطلاعات گذشته نسبتاً طولانی؛ انواع یادآوری برای مثال بر اساس صورت و معنا و کارکرد و...	حافظه (توجه و تمرکز)	

جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان		
مضمون‌ها		
پایه	سازمان دهنده	فراگیر
		<b>ریاضیات و حساب</b>
		<p>شمارش اعداد (شمارش پشت سرهم عددهای ۱ تا ۲۰)؛ نمایش عددهای ۱ تا ۱۰ به صورت‌های گوناگون (اشیا، انگشتان، اشکال، چوب‌خط و...)؛ عملیات محاسبات ساده ریاضی روی اعداد (مسائل جمع و تفریق ساده با حاصل کمتر از ۱۰)؛ تعیین و مقایسه اندازه اشیا بدون استفاده از ابزار استاندارد (وزن، مقدار، بلندی، درازا و پهنا)؛ بیان نتیجه مقایسه اندازه اشیا با استفاده از واژه‌های مناسب؛ توانایی تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌ها (در رنگ، اندازه، شکل و کاربرد)؛ تشخیص و نمایش دسته‌های مساوی و نامساوی؛ به کاربردن کلمه مناسب برای نمایش دسته‌های مساوی و نامساوی؛ اندازه‌گیری طول با واحدهای غیر استاندارد و مقایسه آنها (تخمین زدن و حدس زدن و تقریب)؛ بیان اندازه اشیا با استفاده از اشیای کوچک‌تر از شیء مورد نظر؛ استفاده از واژه‌های یک، دو، سه، اول، دوم، سوم، اولین، دومین، سومین و غیره؛ ترتیب (مرتب‌سازی اشیا و پدیده‌ها)؛ سازماندهی چیزها براساس اندازه آنها (از کوچک به بزرگ و بالعکس، کوتاه به بلند و بالعکس، کم رنگ به پررنگ و بالعکس)؛ دسته‌بندی و طبقه‌بندی مفاهیم و مجموعه‌سازی با نام‌گذاری و بدون نام‌گذاری (توانایی شناسایی، سازماندهی و گروه‌بندی ایده‌ها و اشیای ملموس براساس ویژگی‌ها و خصیصه‌های مشترک و یکسان آنها مانند اندازه، تعداد، شکل، حس، رنگ، بافت)؛ الگویابی و توالی دهی (کشف و ادامه الگو)؛ شیوه منطقی و قابل پیش‌بینی قرارگیری و رخداد چیزها (زمان، رنگ، بزرگی، کوچکی، طول، حجم)؛ کامل کردن الگوهای عددی تک‌رقمی؛ نمایش عددهای ۲ تا ۱۰ به صورت ترکیب‌های ۲ تا ۳ تایی با استفاده از اشکال یا اشیا؛ تشخیص رابطه کل و جزء.</p>

جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان

مضمون‌ها		
پایه	سازمان‌دهنده	فراگیر
<p>شناسایی شکل‌های هندسی (گردی، سه گوش، چهار گوش)؛ ارتباط بین بخش‌های گوناگون تصویر (تکمیل بازل)؛ تشخیص نبود کفایت اطلاعات شکل‌ها و تکمیل آن‌ها؛ نمایش دادن یا ساختن شکل مقارن با تا کردن شکل و کپی؛ درک مفهوم اندازه و مقدار (کوچک، بزرگ، کوتاه، بلند، کم، زیاد و...)؛ مسافت (دور، نزدیک، اینجا، آنجا)؛ موقعیت (راست، چپ، بالا، پایین، بین)؛ درک و تشخیص جهت‌ها (بالا، پایین، چپ، راست، جلو، عقب)؛ درک مفاهیم فضایی (زیر، رو، داخل، خارج، کنار)؛ تشخیص چرخش شکل‌ها و چیزها؛ درک نسبت (درک پایه از مفاهیم نسبی مانند بالای، کنار، زیر، کوتاه‌تر، بلندتر، بیشتر، کمتر و غیره)؛ زمان (طولانی، کوتاه، سریع، آهسته)؛ درک مفهوم تقارن؛ تشخیص و رسم خط تقارن (دو نیمه مثل هم شکل‌ها)؛ کامل کردن و رنگ کردن نیمه دیگر شکل تقارن.</p>	<p>استدلال دیداری فضایی</p>	

جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان		
مضمون‌ها		
فراگیر	سازمان‌دهنده	پایه
مهارت‌های اجتماعی عاطفی	تعامل با همسالان	<p>قدرت سازش با همسالان؛ احساس اطمینان در جمع همسالان؛ مشارکت‌پذیری؛ همکاری کردن و فعالیت با همسالان در کارهای گروهی؛ رعایت قوانین گروهی؛ صحبت با همسالان؛ احتمال دوست‌یابی؛ سؤال کردن؛ توانایی پیروی از قوانین؛ احترام به همسالان؛ تعامل مثبت با دیگر کودکان همسال؛ توانایی و تمایل به گوش دادن نظر همسالان؛ ابراز و مهار احساسات؛ محبت؛ همدلی و همدردی با همسالان متناسب با شرایط و اشخاص؛ ابراز خوشحالی و تقدیر از کارهای شایسته همسالان؛ برقراری رابطه خوب با همسالان؛ احترام گزاردن به همسالان؛ انعطاف‌پذیری؛ آشنایی با هدیه‌دادن در موقعیت‌های مناسب؛ رعایت حال دیگران در هنگام بازی و فعالیت؛ کمک کردن به همسالان؛ رعایت نوبت در کارهای مختلف؛ به اشتراک گذاشتن وسایل؛ رعایت آموخته‌های اخلاقی.</p>

جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان

مضمون‌ها		
پایه	سازمان‌دهنده	فراگیر
<p>ابراز و مهار احساسات؛ محبت؛ همدلی و همدردی با بزرگسالان متناسب با شرایط و اشخاص؛ خوش رفتاری با بزرگسالان؛ احترام گزاردن به بزرگسالان (پدر و مادر، بزرگترها، مربیان و معلم‌ها)؛ تعامل مثبت با بزرگسالان؛ برقراری رابطه خوب با بزرگسالان؛ مشارکت و همکاری کردن با بزرگسالان؛ کمک کردن به بزرگسالان؛ سؤال کردن؛ صحبت با بزرگسالان؛ توانایی پیروی از قوانین؛ پیروی از دستورالعمل بزرگسالان (والدین و دیگران)؛ قدرت سازش با بزرگسالان؛ حفظ اموال دیگران؛ توانایی ارتباط و معاشرت با فامیل و بستگان (افراد آشنا)؛ توانایی ارتباط و معاشرت با افراد غریبه؛ رعایت آداب روابط اجتماعی (سلام کردن، خداحافظی کردن، خوش قولی، تشکر، عذرخواهی، در زدن و اجازه گرفتن قبل از ورود به اتاق، استفاده از کلمات پسندیده مانند لطفا، متشکرم و غیره)؛ آشنایی با برخی مشاغل و احترام گزاردن به آنها (معلم، پزشک، کشاورز، پلیس، رفتگر، نانوا و...)؛ آشنایی با نحوه زندگی مردم و احترام به آنها (شهری، روستایی، چادرنشینی)؛ راست‌گویی و صداقت در روابط اجتماعی.</p>	<p>تعامل با بزرگسالان</p>	

جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان		
مضمون‌ها		
فراگیر	سازمان‌دهنده	پایه
شایستگی‌های عمومی	مسئولیت‌پذیری	<p>برآورده کردن نیازهای خود؛ بیان نیازهای فردی؛ بیان نیازها و خواسته‌ها در حین بازی و کارهای جمعی؛ تفریح؛ توانایی پوشیدن و درآوردن لباس‌ها (خودپاری در پوشیدن)؛ قراردادن لباس‌ها در جای مخصوص؛ توانایی غذاخوردن به تنهایی (خودپاری در خوردن)؛ رعایت پاکیزگی؛ بهداشت فردی؛ توجه به نظافت و آراستگی؛ شستن دست‌ها به تنهایی؛ توانایی توال رفتن به تنهایی؛ رعایت بهداشت محیط و اجتماع؛ مراقبت از وسایل شخصی؛ توانایی جدایی از والدین (یا سرپرست)؛ نظم‌پذیری در کارها (وقت‌شناسی و...)؛ انجام‌دادن کارهای شخصی؛ درست مصرف کردن؛ توانایی پانسمان زخم‌های معمولی به صورت مستقل؛ رعایت نکات ایمنی و توانایی برگشت اشیاء؛ رعایت نکات بهداشت فردی و اجتماعی؛ رعایت نکات ایمنی در تغذیه؛ انجام فعالیت و استفاده از وسایل؛ ابتکار عمل و خودکارآمدی؛ توانایی جدایی از والدین (سرپرست)؛ آشنایی با مقررات عبور و مرور (چراغ راهنما، پل عابر پیاده و...).</p>

جدول ۱. مضمون‌های اصلی، فرعی و پایه آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان

مضمون‌ها		
فراگیر	سازمان‌دهنده	پایه
	<b>نگرش مثبت به مدرسه</b>	<p>اشتیاق؛ انگیزش؛ پشتکار و تداوم در انجام وظایف؛ ابراز خوشحالی از رفتن به مدرسه؛ علاقه به گوش دادن داستان؛ صحبت مثبت در مورد مدرسه؛ علاقه‌مند به یادگیری؛ کنجکاوی و پرسشگری در مورد جهان اطراف؛ توجه به مطالعه و کتاب‌خوانی؛ تلاش برای یادگیری بیشتر در مکان‌ها و زمان‌های مختلف؛ استناد به مطالعات خود در گفتگوها؛ عضویت فعال در کتابخانه؛ جمع‌آوری اطلاعات از منابع گوناگون در پاسخ به سوالات موجود؛ تجسم؛ تخیل؛ خلاقیت و نوآوری در انجام فعالیت‌ها؛ تأمل در مورد مسایل؛ ارزیابی یک موضوع از جنبه‌های گوناگون براساس ملاک‌های داده شده؛ یادگیری مهارت‌های جدید؛ بهبود مهارت‌های موجود؛ انس با قرآن و علاقه به یادگیری آن؛ روحیه پرسشگری؛ علاقه به پرسش در زمینه‌های گوناگون (اتفاقات روزمره، محیط، پدیده‌ها و خودش)؛ پیگیری پاسخ‌ها و طرح پرسش‌های جدید؛ و علاقه به مشارکت در بازی‌ها و فعالیت‌هایی که چستی و چرایی را مطرح می‌کند؛ انجام صحیح و به موقع تکالیف و فعالیت‌ها؛ رعایت نظم و ترتیب در انجام فعالیت‌ها.</p>

### ۳. تحلیل یافته‌ها

اگرچه ابعاد اصلی آمادگی تحصیلی کودکان، در ادبیات پژوهشی مانند گرینفیلد و همکاران (۲۰۰۰)؛ پیانتا (۲۰۰۲)؛ دنهام و همکاران (۲۰۱۴)؛ سالاجاو و همکاران، (۲۰۰۰)؛ آل حسن و لسنفورد (۲۰۰۹)؛ شالوانی (۲۰۰۹)؛ وان کلیک و اسکول (۲۰۱۰)؛ کوئین (۲۰۱۰) ساهین و همکاران (۲۰۱۳)؛ هیئت برنامه‌ریزی اهداف آموزش ملی؛ موسسه تحقیقاتی استنفورد (۲۰۱۳)؛ ابوطالب (۲۰۱۳)؛ بلر و راور (۲۰۱۵)؛ کاگان (۱۹۹۰)؛ اوکتی و انوتکان (۲۰۰۳)؛ براون (۲۰۱۵)؛ گان و همکاران (۲۰۱۶)؛ گروه آموزش کنتاکی (۲۰۱۹)؛ کای (۲۰۱۸)؛ گایگر (۲۰۱۹)؛ دانگل و شرستا (۲۰۱۹)؛ ریکاردی و همکاران (۲۰۲۱)، فقط به صورت خلاصه و در قالب کلمات و جملات کوتاه بیان شده‌است، اما مؤلفه‌ها و نشانگرهای این ابعاد به وضوح، مرتب و طبقه‌بندی نشده‌اند؛ این محدودیت در این پژوهش که مزیت اصلی آن ابتدا بر منابع بومی است، مرتفع و نشانگرهای آمادگی تحصیلی که تا کنون تدوین نشده بودند، شناسایی و تدوین شد.

#### ۳-۱. مهارت‌های حرکتی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد یکی از عوامل مهم و موثر در سنجش آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان، مهارت‌های حرکتی است. این مهارت‌ها به دو دسته کلی؛ مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف تقسیم می‌شوند. مهارت‌های درشت، شامل استفاده از همه اعضای بدن و مهارت‌های ظریف، عمدتاً مستلزم استفاده از عضلات کوچک دست کودک است که به دو دسته کلی مهارت‌های ظریف نوشتاری و غیرنوشتاری تقسیم می‌شوند. هرچند که مهارت‌های حرکتی به طور اخص در آزمون‌های آمادگی تحصیلی مورد سنجش قرار نمی‌گیرند، اما بسیاری از فعالیت‌های این آزمون‌ها مستلزم توانایی کودک در این مهارت‌ها است (Quinn, 2010). ابوطالب مهارت‌های حرکتی را ضروری‌ترین عامل برای موفقیت در مدرسه می‌داند (Abu Taleb, 2013) و از نظر پیانتا و لاپارو ضرورت مهارت‌های جسمی حرکتی برای موفقیت در مدرسه بیشتر از



مهارت‌های تحصیلی است (Pianta, & La Paro, 2003) و کارتال و جانر ضمن اعلام نابسندگی امکانات مدارس برای ارتقای میزان آمادگی تحصیلی کودکان در بعد جسمانی، این مؤلفه را به عنوان مهم‌ترین مؤلفه آمادگی تحصیلی قلمداد کرده است (Kartal & Guner, 2018).

### ۲-۳. مهارت‌های گفتار و زبان

از دیگر عوامل موثر در سنجش آمادگی تحصیلی کودکان، مهارت‌های گفتار و زبان است. این مهارت در همه دروس وجود دارد و از کودکان بدو ورود به مدرسه انتظار می‌رود، بشنوند، حرف بزنند و از دستورالعمل‌های شفاهی معلم پیروی کنند تا در نهایت بتواند یاد بگیرند، با استفاده از کلمات بنویسند و با دیگران ارتباط برقرار نمایند؛ بنابراین رشد این مهارت‌ها امری لازم است که بایستی مورد توجه والدین و مربیان پیش‌دبستانی قرار بگیرد. هر چند که ابوطالب، مهارت‌های خواندن را به عنوان کمترین ضرورت آمادگی تحصیلی می‌داند (Abu Taleb, 2013) اما پیس و همکاران و رامسوک و همکاران، مهارت‌های گفتار و زبان را به عنوان یکی از مهم‌ترین ملاک‌های موفقیت در تحصیل به حساب می‌آورند (Pace & et al, 2019; Ramsook & et al, 2020).

### ۳-۳. مهارت‌های شناختی

مهارت‌های شناختی از دیگر عوامل مؤثر در سنجش آمادگی تحصیلی کودکان است. این مهارت‌ها شامل کارکردهایی از مغز می‌شود که شناخت و آگاهی را ممکن می‌سازد. تفکر، پردازش اطلاعات، تحلیل، استدلال، یادگیری، هوشیاری و قضاوت همگی نیازمند مهارت‌های شناختی هستند (Quinn, 2010). در این پژوهش، مهارت‌های شناختی به چهار عامل دانش و اطلاعات عمومی، حافظه و توجه، حساب و ریاضیات، و استدلال دیداری فضایی افزوده شده است. مطالعات حاکی از رابطه بالای مهارت‌های شناختی در بدو ورود به مدرسه با پیشرفت تحصیلی کودک در سال‌های دوران تحصیل

است (Pace & et al, 2019; SRI, 2013). دانش و اطلاعات عمومی که بیانگر فهم و دریافت کودک از اطلاعات، استانداردهای اجتماعی و رفتار کودکان در یک سن خاص است (Quinn, 2010) می تواند شامل اطلاعات پایه مانند رنگ‌ها، شکل‌ها، حیوانات، گیاهان، تعطیلات و اعیاد و هر آنچه در اطراف کودک وجود دارد، باشد. کودکان بدو ورود به مدرسه می توانند منبع بزرگی از دانش و اطلاعات عمومی باشند که پیش تر از طریق خانواده، مهد کودک و پیش دبستانی، کودکان دیگر، و رسانه دریافت می کنند. از طرف دیگر، کودک بیش از هر جای دیگر، در مدرسه، به حافظه نیاز دارد و این امر مستلزم به خاطر آوردن مفاهیم و نمادهای قبلی و آمیختن آنها با یادگیری‌های جدید است. کودک همچنین باید بتواند با تمرکز بر روی رخدادهای پیرامون، به پردازش آنها پردازد و با پرهیز از عجله بتواند مطالب را باز گو کند، مسایل را حل نماید و الگوها را تکرار کند. آنها به وسیله حافظه اقدام به فرضیه سازی و استدلال می کنند و به همین دلیل حافظه مؤلفه‌ای بنیادی برای تفکر سطح بالا محسوب می شود (Quinn, 2010). با توجه به اینکه مشکلات توجه تأثیر منفی بر پیشرفت تحصیلی کودک داشته و به طور عمده همراه با بیش‌فعالی است، سنجش آن قبل از ورود به دبستان بسیار دارای اهمیت است. عملیات مربوط به حساب و ریاضی که عبارت است از: توانایی کودک برای کار با مهارت‌های محاسباتی ساده (Quinn, 2010)، از بدو ورود به دبستان با کودک همراه بوده و بسیاری از مسایل روزمره مستلزم استفاده از مهارت‌های محاسباتی است. این امر از مفاهیم ساده مانند شمارش، ترتیب و توالی شروع می شوند و در جمع و تفریق‌های ساده، روابط فضایی، مقایسه، دسته بندی، طبقه بندی، و تناظر یک به یک نمود پیدا می کنند. استدلال دیداری فضایی که نقطه مقابل استدلال کلامی است، عبارت است از توانایی کودک برای استدلال و حل مسایل با استفاده از تصاویر، نمودارها، شکل‌های هندسی، نقشه‌ها و جداول (Quinn, 2010). از کودکان بدو ورود به مدرسه انتظار می رود، نقاشی کنند، کلمات ساده را بنویسند، با مکعب‌ها بازی کنند، به تکمیل پازل پردازند، و نقشه‌ها، جداول و نمودارهای ساده را درک و تفسیر کنند، تفاوت و شباهت‌های موجود

در شکل‌ها، جداول و تصاویر را دریابند برخی از مفاهیم پایه مانند طول، عرض، عمق، بلندی و امثال آن را تشخیص دهند. این عملیات مستلزم مهارت‌های استدلال دیداری فضایی است؛ بنابراین در این زمینه نیاز است که خانواده، مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی اهتمام جدی داشته باشند.

### ۳-۴. مهارت‌های اجتماعی عاطفی

یکی دیگر از مهارت‌هایی که بر سنجش آمادگی تحصیلی کودکان مؤثر است، مهارت‌های اجتماعی عاطفی است که در این پژوهش به تعامل با هم‌سالان و تعامل با بزرگسالان افزوده شده است. هرچند که در آزمون‌های معروف آمادگی تحصیلی مانند گام نخست و دابرون ۲، به این مقوله مهم تأکید نشده و مورد سنجش قرار نمی‌گیرد و در معرفی ابعاد آمادگی تحصیلی در پژوهش‌هایی مانند دنهام (۲۰۰۶م) به آن پرداخته نشده است، اما یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌هایی مانند موسسه تحقیقاتی استنفورد (۲۰۱۳م)؛ ابوطالب (۲۰۱۳)؛ بلر و راوور (۲۰۱۵)؛ کاگان (۱۹۹۰م)؛ اوکتی و انوتکان (۲۰۰۳م)؛ براون (۲۰۱۵)؛ یانگ و لینجان (۲۰۱۶)؛ گروه آموزش کتناکی (۲۰۱۹م)؛ کای (۲۰۱۸م)؛ گایگر (۲۰۱۹م)؛ دانگل و شرستا (۲۰۱۹م)، ریکاردی و همکاران (۲۰۲۱م) همخوانی دارد. به‌هرحال یکی از سودمندی‌های این یافته در مقایسه با فقدان این مقوله در برخی از پژوهش‌ها در این است که سنجش مهارت‌های اجتماعی عاطفی کودک مستلزم حضور و شرکت فعال والدین است. تحقیقات نشان داده است مهارت‌های اجتماعی عاطفی پیش‌بینی‌کننده آمادگی تحصیلی بوده (Mann & et al. 2017) و سازگاری اجتماعی عاطفی کودکان به اندازه آمادگی شناختی و تحصیلی برای موفقیت در مدرسه مهم است. کودکانی که در توجه کردن، پیروی از دستورات معلم، هماهنگی با دیگران و کنترل احساسات منفی مشکل دارند، در مدرسه عملکرد کمتری دارند. آنها به احتمال زیاد توسط همکلاسی‌ها طرد می‌شوند و بازخورد مثبت کمتری از معلمان دریافت می‌کنند (Dow, 2015; Le & et al, 2019; Webster-Stratton & Reid, 2004).

### ۳-۵. شایستگی‌های عمومی

شایستگی‌های عمومی از دیگر عوامل مؤثر در سنجش آمادگی تحصیلی کودکان پایه اول است که در این مطالعه به دو مجموعه نگرش به یادگیری و مسئولیت‌پذیری تقسیم‌بندی شده است. این نتیجه منعکس‌کننده نتایج مطالعات قبلی مانند دنهام (۲۰۰۶م)؛ کوئین (۲۰۱۰م)؛ یونیسف (۲۰۱۲م)؛ ابوطالب (۲۰۱۳م)؛ بلر و راور (۲۰۱۵م)؛ اوکتی و انوتکان (۲۰۱۵م)؛ کای (۲۰۱۸م)؛ دانگل و شرستا (۲۰۱۹م)؛ ریکاردی و همکاران (۲۰۲۱م) است که به بررسی ابعاد آمادگی تحصیلی کودکان پرداخته‌اند. نگرش به یادگیری مجموعه‌ای از مهارت‌های عمومی است که کنجکاوی، پشتکار، برنامه‌ریزی و مشارکت در یادگیری گروهی را در بر می‌گیرد. این مهارت‌ها نقش کلیدی در یادگیری کودکان ایفا می‌کنند و آمادگی تحصیلی را در ریاضی و زبان پیش‌بینی می‌کنند (Bustamante & et al, 2017). کوئین، حس کنجکاوی و تمایل به یادگیری را خصیصه اصلی و تعیین‌کننده در آمادگی تحصیلی کودکان می‌داند (Quinn, 2010) و از نظر جیرات کنجکاوی می‌تواند باعث جستجوی اطلاعات جدید از طرف کودک شود (Jirout, 2020)، حس طرح پرسش از طرف وی را برانگیزد، و علاوه بر آن اطلاعات و دانش قبلی و مرتبط با موقعیت فعلی را در او فعال می‌کند. از نظر شا و همکاران کنجکاوی یک عامل مهم و در عین حال کمتر شناخته‌شده در پیشرفت تحصیلی است که پرورش آن می‌تواند پیشرفت تحصیلی کودک را بهینه کند (Shah & et al, 2018). مسئولیت‌پذیری کودکان در مهارت‌هایی مانند خودیاری در خوردن، خودیاری در پوشیدن، خودیاری در نظافت، محافظت از خود و استفاده از امکانات بهداشتی و عمومی نمود پیدا می‌کند (Matson & Hong, 2019؛ سلطانی نژاد و همکاران، ۲۰۲۱م) و باعث می‌شود که کودکان احساس کنند اعضای ارزشمند خانواده و اجتماع هستند؛ این مؤلفه باعث رشد مهارت‌های اجتماعی، احساس هویت، و تعلق در کودکان می‌شود. هرچند که فرآیند مسئولیت‌پذیری همزمان با شروع تحصیل رسمی کودکان خردسال انجام می‌شود، اما بیشتر توسط مدرسه نادیده گرفته می‌شود (Ames, 2013). شواهد

نشان‌دهنده تأثیر مهارت‌های خودیاری و مسئولیت‌پذیری بر عملکرد تحصیلی کودکان است (Savina, 2021; Savina, 2021; Ndung'u, 2021; Lenes & et al, 2020).

## نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و نشانگرهای آمادگی تحصیلی کودکان بدو ورود به دبستان بود. یافته‌های این مطالعه، که اولین تلاش برای بررسی کامل ابعاد و نشانگرهای تشکیل‌دهنده آمادگی تحصیلی است، نشان داد که در مجموع، پنج عامل کلی مهارت‌های حرکتی؛ مهارت‌های گفتار و زبان؛ مهارت‌های شناختی؛ مهارت‌های اجتماعی عاطفی؛ و شایستگی‌های عمومی، ابعاد زیربنایی آمادگی تحصیلی را تشکیل می‌دهند. این ترکیب نتایج اطمینان‌بخش و دلگرم‌کننده، دست کم از دو جنبه‌ی عمده قابل توجه است. نخست اینکه، ضمن تأکید بر چندبعدی بودن آمادگی تحصیلی کودکان، با ارائه یک مدل مفهومی، درک جدیدی از این زمینه رو به رشد ارائه می‌کند. این درک جدید می‌تواند مبنا و زمینه‌ای برای تحقیقات آینده فراهم نماید و از این منظر به حجم رو به رشد ادبیات مربوطه اضافه می‌کند، بنابراین هم برای سیاست‌گذاران و هم برای پژوهشگران در طراحی و تدوین مطالعات پژوهشی قابل استفاده است؛ ثانیاً پیامدهای مهمی مانند ساخت ابزارهای مبتنی بر این مدل نظری و اصلاح برنامه‌های ساختاری دوره پیش‌دبستانی خواهد داشت؛ بنابراین، اگر چه این مطالعه بر روی تعیین ابعاد آمادگی تحصیلی متمرکز است، یافته‌ها ممکن است به خوبی بر روی سیاست‌گذاری‌ها در زمینه آمادگی تحصیلی و ابزارهای سنجش آن تأثیر بگذارد.

هرچند که مطالعه حاضر به درک ما از آمادگی تحصیلی می‌افزاید، اما به سبب اینکه آمادگی تحصیلی موضوعی جالب، رو به رشد و فراگیر است، پیشنهاد می‌شود تحقیقات بیشتر و گسترده‌تری برای تعیین دقیق‌تر ابعاد و نشانگرهای آن انجام شود؛ به همین منظور لازم است در پژوهش‌های بعدی منابع بیشتری برای جمع‌آوری داده مورد استفاده قرار گیرد؛ از دیدگاه والدین، مربیان پیش‌دبستانی و کتاب‌های درسی پیش‌دبستانی

دیگر استان‌ها برای استخراج نشانگرهای این سازه مهم استفاده شود؛ برای ارزیابی این مدل، مطالعات اساسی از سر گرفته شود؛ با استناد به این مدل، نسبت به ساخت، رواسازی و هنجاریابی ابزارهای سنجش آمادگی تحصیلی کودکان اقدام شود؛ با اتکا به داده‌های کمی، نسبت به تدوین یک مدل تبیینی اقدام لازم صورت گیرد تا سهم عوامل مؤثر در آمادگی تحصیلی مشخص شود؛ و با توجه به این مدل، اهداف دوره پیش‌دبستانی بازنگری شود.

## فهرست منابع

۱. آناستازی، ا. (۱۳۸۶). روان آزمایی (مترجم: محمدنقی براهنی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. [سال انتشار به زبان اصلی، ۱۹۷۶].
۲. بهاری، ام‌البین. (۱۳۸۹). بررسی میزان موفقیت آزمون غربالگری آمادگی تحصیلی گام نخست و گام دوم در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان سال اول ابتدایی شهرستان اراک؛ در یک دوره ۵ ساله: از سال ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۸. دانشگاه الزهراء ع.ز.ع.، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۳. حاج نوروزی، سعیده. (۱۳۹۰). بررسی عملی‌بودن، اعتباریابی و رواسازی آزمون آمادگی تحصیلی متروپالیتن. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۴. ریاحی‌نژاد، حسین؛ رزاقی، هادی. (۱۳۹۸). مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سادس.
۵. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخزاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، ۵(۲)، صص ۱۵۱-۱۹۸.
۶. قاسمی، حمید و همکاران. (۱۴۰۰). مرجع پژوهش. تهران: انتشارات اندیشه آرا.
۷. گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس. (۱۳۹۷). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (مترجم: احمدرضا نصر و همکاران). تهران: سمت [سال انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۶].
۸. میرزمانی، سمیرا سادات. (۱۳۹۲). ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون سنجش آمادگی ورود به مدرسه برکن (نسخه سوم). دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۹. نوائی، خدیجه. (۱۳۹۲). بررسی روایی پیش‌بین آزمون آمادگی تحصیلی طرح سنجش کودکان بدو ورود به دبستان شهر تهران. دانشگاه علامه طباطبائی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

10. Abu Taleb, T. F. (2013). Necessary school readiness skills for kindergarten success according to Jordanian teachers. *Early Child Development and Care*, 183(12), pp. 1878-1890.
11. Al-Hassan, S. M., & Lansford, J. E. (2009). Assessing the school readiness of children in Jordan. *The Journal of educational research*, 12(1), p. 4.
12. Ames, P. (2013). Learning to be responsible: Young children transitions outside school. *Learning, Culture and Social Interaction*, 2(3), pp. 143-154.
13. Blair, C., & Raver, C. C. (2015). School readiness and self-regulation: A developmental psychobiological approach. *Annual review of psychology*, 66, p. 711.
14. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), pp. 77-101.
15. Brown, C. P. (2015). Conforming to reform: Teaching pre-kindergarten in a neoliberal early education system. *Journal of Early Childhood Research*, 13(3), pp. 236-251.
16. Bustamante, A. S., White, L. J., & Greenfield, D. B. (2017). Approaches to learning and school readiness in Head Start: Applications to preschool science. *Learning and Individual Differences*, 56, pp. 112-118.
17. Dangol, R., & Shrestha, M. (2019). Learning readiness and educational achievement among school students. *The International Journal of Indian Psychology*, 7(2), pp. 467-476.
18. Denham, S. A., Bassett, H. H., Zinsser, K., & Wyatt, T. M. (2014). How preschoolers' social-emotional learning predicts their early school success: Developing theory-promoting, competency-based assessments. *Infant and Child Development*, 23(4), pp. 426-454.
19. Dow, E. A. (2015). *The relationship between social-emotional development, academic achievement and parenting practices in young children who attend head start*: City University of New York.



20. Gan, Y., Meng, L., & Xie, J. (2016). Comparison of school readiness between rural and urban Chinese preschool children. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 44 (9), pp. 1429-1442.
21. Geiger, R. E. (2019). Preschool Self-Regulation: A Predictor of School Readiness.
22. Greenfield, P. M., Quiroz, B., & Raeff, C. (2000). Cross-cultural conflict and harmony in the social construction of the child. *New directions for child and adolescent development*, 2000 (87), pp. 93-108.
23. Jirout, J. J. (2020). Supporting early scientific thinking through curiosity. *Frontiers in Psychology*, 11, p. 1717.
24. Kagan, S. L. (1990). Readiness 2000: Rethinking rhetoric and responsibility. *The Phi Delta Kappan*, 72(4), pp. 272-279.
25. Kartal, H., & Guner, F. (2018). A review of articles that include the schools' readiness dimension. *European Journal of Educational Research*, 7(3), pp. 431-443.
26. Kay, L. (2018). *School readiness: A culture of compliance?*, University of Sheffield,
27. Kentucky Department of Education. (2019). *School Readiness Definition*. Frankfort, ky Retrieved from <https://education.ky.gov/curriculum/conpro/prim-pre/Pages/School-Readiness-Definition.aspx>.
28. Le, V.-N., Schaack, D., Neishi, K., Hernandez, W., & Blank, R. (2019). Advanced content coverage at kindergarten: Are there trade-offs between academic achievement and social-emotional skills? *American Educational Research Journal*, 56(4), pp. 1254-1280.
29. Lenes, R., McClelland, M. M., ten Braak, D., Idsøe, T., & Størksen, I. (2020). Direct and indirect pathways from children's early self-regulation to academic achievement in fifth grade in Norway. *Early Childhood Research Quarterly*, 53, pp. 612-624.

30. Mann, T. D., Hund, A. M., Hesson-McInnis, M. S., & Roman, Z. J. (2017). Pathways to school readiness: Executive functioning predicts academic and social-emotional aspects of school readiness. *Mind, Brain, and Education, 11*(1), pp. 21-31.
31. Matson, J. L., & Hong, E. (2019). Self-help skills. *Handbook of Intellectual Disabilities: Integrating Theory, Research, and Practice*, pp. 763-773.
32. National Education Goals Panel. (1997). *Special Early Childhood Report, 1997*. Washington, DC: U.S. Government Printing Office.
33. Ndung'u, p. N. (2021). *Analysis of special needs educational support services on academic performance of learners with physical disabilities in kiambu county, kenya*.
34. Oktay, A., & Unutkan, Ö. P. (2003). İlköğretime hazır oluş ve okul öncesi eğitimle ilköğretimin karşılaştırılması. *Gelişim ve eğitimde yeni yaklaşımlar*, pp. 145-155.
35. Pace, A., Alper, R., Burchinal, M. R., Golinkoff, R. M., & Hirsh-Pasek, K. (2019). Measuring success: Within and cross-domain predictors of academic and social trajectories in elementary school. *Early Childhood Research Quarterly, 46*, pp. 112-125.
36. Pianta, R. (2002). *School Readiness: A Focus on Children, Families, Communities, and Schools*. The Informed Educator Series.
37. Pianta, R., C., & La Paro, K. (2003). Improving Early School Success. *Educational leadership, 60*(7), pp. 24-29.
38. Quinn, K. (2010). *Testing for kindergarten: Simple strategies to help your child ace the tests for: Public school placement, private school admissions, gifted program qualification*: Simon and Schuster.
39. Ramsook, K. A., Welsh, J. A., & Bierman, K. L. (2020). What you say, and how you say it: Preschoolers' growth in vocabulary and communication skills differentially predict kindergarten academic achievement and self-regulation. *Social Development, 29*(3), pp. 783-800.

40. Ricciardi, C., Manfra, L., Hartman, S., Bleiker, C., Dineheart, L., & Winsler, A. (2021). School readiness skills at age four predict academic achievement through 5th grade. *Early Childhood Research Quarterly*, 57, pp. 110-120.
41. Sahin, I. T., Sak, R., & Tuncer, N. (2013). Comparison of Preschool and First Grade Teachers' Views about School Readiness. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 13(3), pp. 1708-1713.
42. Saluja, G., Scott-Little, C., & Clifford, R. M. (2000). Readiness for School: A Survey of State Policies and Definitions.
43. Savina, E. (2021). Self-regulation in preschool and early elementary classrooms: Why it is important and how to promote it. *Early Childhood Education Journal*, 49(3), pp. 493-501.
44. Shah, P. E., Weeks, H. M., Richards, B., & Kaciroti, N. (2018). Early childhood curiosity and kindergarten reading and math academic achievement. *Pediatric research*, 84(3), pp. 380-386.
45. Shallwani, S. (2009). The Social Construction of School Readiness. *Online Submission*.
46. Soltaninejad, H., Zarei, M. A., Akbarfahimi, M., Azad, A., & Rabiei, F. (2021). The Development and Validation of a Scale for the Activities of Daily Living in Iranian Children. *Basic and Clinical Neuroscience*, 12(6), p. 837.
47. SRI International. (2013). *School Readiness Assessment 2012*. Retrieved from california:  
<https://www.siliconvalleycf.org/sites/default/files/publications/2012-silicon-valley-school-readiness-assessment.pdf>
48. Unicef. (2012). School readiness: A conceptual framework. *United Nations Children's Fund: New York*.
49. Van Kleeck, A., & Schuele, C. M. (2010). Historical perspectives on literacy in early childhood.

50. Webster-Stratton, C., & Reid, M. J. (2004). Strengthening Social and Emotional Competence in Young Children—The Foundation for Early School Readiness and Success: Incredible Years Classroom Social Skills and Problem-Solving Curriculum. *Infants & Young Children, 17*(2), pp. 96-113.

## References

1. Abedi Jafari, H., Taslimi, M. S., Faghihi, A. H., & Sheikhzadeh, M. (1390 AP). Content analysis and thematic network: A simple and efficient method for exploring patterns in qualitative data. *Strategic Management Thinking*, 5(2), pp. 151-198. [In Persian]
2. Abu Taleb, T. F. (2013). Necessary school readiness skills for kindergarten success according to Jordanian teachers. *Early Child Development and Care*, 183(12), pp. 1878-1890.
3. Al-Hassan, S. M., & Lansford, J. E. (2009). Assessing the school readiness of children in Jordan. *The Journal of educational research*, 12(1), p. 4.
4. Ames, P. (2013). Learning to be responsible: Young children transitions outside school. *Learning, Culture and Social Interaction*, 2(3), pp. 143-154.
5. Anastasi, A. (1386 AP). *Psychological Testing* (M. N, Barahani, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
6. Bahari, O. (1389 AP). *An investigation of the success rate of the screening test for academic readiness, first and second steps, in predicting the academic performance of first-grade students in Arak city; during a 5-year period: from 1383 to 1388*. Al-Zahra University, Faculty of Education and Psychology. [In Persian]
7. Blair, C., & Raver, C. C. (2015). School readiness and self-regulation: A developmental psychobiological approach. *Annual review of psychology*, 66, p. 711.
8. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), pp. 77-101.
9. Brown, C. P. (2015). Conforming to reform: Teaching pre-kindergarten in a neoliberal early education system. *Journal of Early Childhood Research*, 13(3), pp. 236-251.
10. Bustamante, A. S., White, L. J., & Greenfield, D. B. (2017). Approaches to learning and school readiness in Head Start: Applications to preschool science. *Learning and Individual Differences*, 56, pp. 112-118.

11. Dangol, R., & Shrestha, M. (2019). Learning readiness and educational achievement among school students. *The International Journal of Indian Psychology*, 7(2), pp. 467-476.
12. Denham, S. A., Bassett, H. H., Zinsser, K., & Wyatt, T. M. (2014). How preschoolers' social-emotional learning predicts their early school success: Developing theory-promoting, competency-based assessments. *Infant and Child Development*, 23(4), pp. 426-454.
13. Dow, E. A. (2015). *The relationship between social-emotional development, academic achievement and parenting practices in young children who attend head start*: City University of New York.
14. Gall, M., Borg, W., & Gall, J. (1397 AP). *Quantitative and Qualitative Research Methods in Education and Psychology (Translated by Ahmadreza Nasr and colleagues)*. Tehran: Samt. [In Persian]
15. Gan, Y., Meng, L., & Xie, J. (2016). Comparison of school readiness between rural and urban Chinese preschool children. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 44(9), pp. 1429-1442.
16. Geiger, R. E. (2019). Preschool Self-Regulation: A Predictor of School Readiness.
17. Ghassemi, H et.al. (1400 AP). *Research reference*. Tehran: Andisheh Ara. [In Persian]
18. Greenfield, P. M., Quiroz, B., & Raeff, C. (2000). Cross-cultural conflict and harmony in the social construction of the child. *New directions for child and adolescent development*, 2000, (87), pp. 93-108.
19. Haj Norouzi, S. (1390 AP). *Practicality, validation, and standardization study of the Metropolitan Readiness Test*. Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Psychology and Education Sciences. [In Persian]
20. Jirout, J. J. (2020). Supporting early scientific thinking through curiosity. *Frontiers in Psychology*, 11, p. 1717.

21. Kagan, S. L. (1990). Readiness 2000: Rethinking rhetoric and responsibility. *The Phi Delta Kappan*, 72(4), pp. 272-279.
22. Kartal, H., & Guner, F. (2018). A review of articles that include the schools' readiness dimension. *European Journal of Educational Research*, 7(3), pp. 431-443.
23. Kay, L. (2018). *School readiness: A culture of compliance?*, University of Sheffield.
24. Kentucky Department of Education. (2019). *School Readiness Definition*. Frankfort, Retrieved from <https://education.ky.gov/curriculum/conpro/prim-pre/Pages/School-Readiness-Definition.aspx>.
25. Le, V.-N., Schaack, D., Neishi, K., Hernandez, W., & Blank, R. (2019). Advanced content coverage at kindergarten: Are there trade-offs between academic achievement and social-emotional skills? *American Educational Research Journal*, 56(4), pp. 1254-1280.
26. Lenes, R., McClelland, M. M., ten Braak, D., Idsøe, T., & Størksen, I. (2020). Direct and indirect pathways from children's early self-regulation to academic achievement in fifth grade in Norway. *Early Childhood Research Quarterly*, 53, pp. 612-624.
27. Mann, T. D., Hund, A. M., Hesson-McInnis, M. S., & Roman, Z. J. (2017). Pathways to school readiness: Executive functioning predicts academic and social-emotional aspects of school readiness. *Mind, Brain, and Education*, 11(1), pp. 21-31.
28. Matson, J. L., & Hong, E. (2019). Self-help skills. *Handbook of Intellectual Disabilities: Integrating Theory, Research, and Practice*, pp. 763-773.
29. Mirzamani, S. S. (1392 AP). *Psychometric characteristics of the Barkan School Readiness Assessment Test* (3<sup>rd</sup> ed.). Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Psychology and Education Sciences. [In Persian]

30. National Education Goals Panel. (1997). *Special Early Childhood Report, 1997*. Washington, DC: U.S. Government Printing Office.
31. Navaei, K. (1392 AP). *Validity examination of the predictive power of the School Readiness Assessment Test for children entering elementary school in Tehran*. Allameh Tabataba'i University, Faculty of Psychology and Education Sciences. [In Persian]
32. Ndung'u, p. N. (2021). *Analysis of special needs educational support services on academic performance of learners with physical disabilities in kiambu county, kenya*.
33. Oktay, A., & Unutkan, Ö. P. (2003). İlköğretim hazırlık ve okul öncesi eğitimle ilköğretimin karşılaştırılması. *Gelişim ve eğitimde yeni yaklaşımlar*, pp. 145-155.
34. Pace, A., Alper, R., Burchinal, M. R., Golinkoff, R. M., & Hirsh-Pasek, K. (2019). Measuring success: Within and cross-domain predictors of academic and social trajectories in elementary school. *Early Childhood Research Quarterly, 46*, pp. 112-125.
35. Pianta, R. (2002). *School Readiness: A Focus on Children, Families, Communities, and Schools*. The Informed Educator Series.
36. Pianta, R., C., & La Paro, K. (2003). Improving Early School Success. *Educational leadership, 60(7)*, pp. 24-29.
37. Quinn, K. (2010). *Testing for kindergarten: Simple strategies to help your child ace the tests for: Public school placement, private school admissions, gifted program qualification*: Simon and Schuster.
38. Ramsook, K. A., Welsh, J. A., & Bierman, K. L. (2020). What you say, and how you say it: Preschoolers' growth in vocabulary and communication skills differentially predict kindergarten academic achievement and self-regulation. *Social Development, 29(3)*, pp. 783-800.





49. Van Kleeck, A., & Schuele, C. M. (2010). Historical perspectives on literacy in early childhood.
50. Webster-Stratton, C., & Reid, M. J. (2004). Strengthening Social and Emotional Competence in Young Children—The Foundation for Early School Readiness and Success: Incredible Years Classroom Social Skills and Problem-Solving Curriculum. *Infants & Young Children, 17*(2), pp. 96-113.

**Research Article**

**A Linguistic Criticism of the Components of the New  
Spiritualism of Yoga from the Viewpoint of Iranian Yoga  
Veterans and Its Conflict with Divine Spirituality**

Ibrahim Tobeyani<sup>1</sup>

Seyyed Abdolmajid Lotfi Tabatabaei<sup>2</sup>

Hossein Arab Markadeh<sup>3</sup>

Received: 25/01/2022

Accepted: 04/10/2023



**Abstract**

Yoga, from the perspective of religious studies, is considered one of the six philosophical systems of Hinduism and a practical method of mysticism in this tradition. However, today yoga is predominantly recognized as a form of exercise worldwide. Most studies on the evolution of yoga in the modern era and its relationship with its philosophical and mystical roots have focused on Western societies. This article aims to address the question of whether the pioneers of Iranian yoga embrace spiritual dimensions in yoga or not. The data for this research, consisting of published interviews with 26 Iranian yoga pioneers in the "Yoga

---

1. Associate Professor, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding Author).

Email: tobeyani@bouac.ir

ORCID: 0000-0001-9539-3211

2. Associate Professor, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.

Email: Majid.Tabatabaee@iau.ac.ir.

ORCID: 0000-0001-7992-5230

3. Graduate in Foreign Languages and Intercultural Studies, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

Email: harab@bou.ac.ir

ORCID: 0009-0004-6516-3414

---

\* Tobeyani, I., Lotfi Tabatabaei, S. A., & Arab Markadeh, H. (1402). A Linguistic Criticism of the Components of the New Spiritualism of Yoga from the Viewpoint of Iranian Yoga Veterans and Its Conflict with Divine Spirituality. *Journal of Islam and Social Studies*, 11(42), pp. 197-233  
<https://doi.org/10.22081/JISS.2023.61300.1890>

Knowledge" journal, were analyzed linguistically through descriptive analysis, both quantitatively and qualitatively. The analytical model consisted of five variables found in New Age spirituality. The results showed that 96% of these individuals described and explained yoga in terms of self-realization and self-development, 84% referred to introversion, and 42% mentioned living in the present moment. Additionally, 61% of them considered yoga as a means of connecting with the spiritual realm, and 77% described it as a life-enriching practice. The findings of this research can contribute to the understanding and critique of yoga's nature as one of the emerging forms of spirituality.

### **Keywords**

Yoga, New Age spirituality, Iranian yoga pioneers, content analysis.

### مقاله پژوهشی

## نقد زبان‌شناختی مؤلفه‌های معنویت‌گرایی جدید یوگا در نگاه پیشکسوتان یوگای ایران و تعارض آن با معنویت الوهی

ابراهیم توبه‌یانی<sup>۱</sup>    سیدعبدالمجید لطفی طباطبایی<sup>۲</sup>    حسین عرب‌مارکده<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵    تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

©Author(s).



### چکیده

یوگا از منظر مطالعات ادیان، به‌عنوان یکی از شش دستگاه فلسفی هندوئیسم و طریقت عملی عرفان در این آئین محسوب می‌شود. این در حالی است که امروزه یوگا بیشتر به‌عنوان یک رشته ورزشی در دنیا شناخته می‌شود. بیشتر مطالعات انجام‌شده در خصوص تحولات یوگا در دوران مدرن و نسبت آن با ریشه‌های فلسفی و عرفانی آن، با تمرکز بر جوامع غربی انجام شده است. لیکن این مقاله درصدد پاسخ به این مسئله است که آیا پیشکسوتان یوگای ایران، برای یوگا ابعادی معنوی قایل هستند یا خیر. داده‌های این پژوهش که مشتمل بر مصاحبه‌های منتشرشده از ۲۶ نفر از پیشکسوتان یوگای ایران در نشریه دانش یوگا است، به روش تحلیل توصیفی و از لحاظ کمی و کیفی مورد تحلیل زبان‌شناختی قرار

۱. استادیار دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).  
tobeyani@bou.ac.ir

ORCID: 0000-0001-9539-3211

Majid.Tabatabaeee@iau.ac.ir

ORCID:0000-0001-7992-5230

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران.  
harab@bou.ac.ir

ORCID:0009-0004-6516-3414

\* **استناد به این مقاله:** توبه‌یانی، ابراهیم؛ لطفی طباطبایی، سیدعبدالمجید و عرب‌مارکده، حسین. (۱۴۰۲). نقد زبان‌شناختی مؤلفه‌های معنویت‌گرایی جدید یوگا در نگاه پیشکسوتان یوگای ایران و تعارض آن با معنویت الوهی. فصلنامه علمی - پژوهشی (رتبه ب) اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۲)، صص ۱۹۷-۲۳۳.

<https://Doi.org/10.22081/JISS.2023.61300.1890>

گرفت. الگوی تحلیل مشتمل بر پنج متغیر موجود در معنویت‌گرایی جدید بود. نتایج نشان داد که ۹۶٪ این افراد در توصیف و تبیین یوگا از مفهوم خودشناسی و خودسازی، ۸۴٪ از مفهوم درون‌گرایی و ۴۲٪ به زندگی در لحظه حال اشاره کرده‌اند؛ همچنین ۶۱٪ از ایشان یوگا را عاملی برای ارتباط با امر معنوی و ۷۷٪ آن را معنابخش زندگی عنوان کرده‌اند. نتایج این تحقیق می‌تواند در تبیین و نقد ماهیت یوگا به‌عنوان یکی از معنویت‌های نوظهور نقش داشته باشد.

### کلیدواژه‌ها

یوگا، معنویت‌گرایی جدید، پیشکسوتان یوگای ایران، تحلیل محتوا.

گسترش یوگا<sup>۱</sup> در دنیای غرب، به‌ویژه پس از دهه ۱۹۶۰، به حدی بوده است که برخی جامعه‌شناسان از اصطلاح «یوگازسیون»<sup>۲</sup> برای توصیف این روند استفاده کرده‌اند و آن را یکی از پیش‌رمان‌های اصلی روندی به نام «شرقی‌سازی غرب»<sup>۳</sup> معرفی می‌کنند (Campbell, 2007). نتایج یک تحقیق در سال ۱۹۹۸ نشان می‌دهد که ۱۵ میلیون آمریکایی حداقل یکبار در عمرشان یوگا را تجربه کرده‌اند (Saper, et al, 2004). اتحادیه بین‌المللی یوگا مدعی است، در سال ۲۰۱۶ بیش از ۳۶ میلیون نفر آمریکایی یوگا انجام می‌دهند (مجله یوگا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). در ایران نیز حدود ۳۰۰۰ باشگاه اختصاصی یوگا فعالیت دارند؛ که اگر آمار مراکزی که یوگا را در کنار سایر ورزش‌ها آموزش می‌دهند نیز بدان افزوده شود، این رقم به ۱۲۰۰۰ باشگاه می‌رسد (سومین سمینار علمی و تخصصی یوگا در کرج، ۱۳۹۶).

رشد ۳۰۰ درصدی انتشار کتاب‌های با موضوع یوگا در پنج سال اخیر در ایران (وضعیت‌سنجی یوگا در حوزه نشر، ۱۳۹۶)، نشانی دیگر بر گستره وسیع یوگا در فضای عمومی کشور ماست. رشد فزاینده یوگا در جامعه جهانی، ذهن بسیاری از پژوهشگران را به سمت خود جلب نموده است. تشکیل «مرکز مطالعات یوگا»<sup>۵</sup> در «دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن»<sup>۶</sup> در سال ۲۰۱۸ و تألیف کتاب‌های متعدد با موضوع جریان‌شناسی یوگا در دوران مدرن (Singleton, 2010; Michelis, 2004; Jain, 2014) نمونه‌هایی از تلاش‌های علمی اخیر در این زمینه است. با این وجود در فضای عمومی آموزش

1. Yoga.

آوانگاری صحیح یوگا بر اساس زبان سانسکریت به صورت "یُگه" است؛ منتهی در این نوشتار از تلفظ مانوس‌تر این واژه در میان خوانندگان فارسی استفاده شده است.

2. Yogaization

3. Easternization of the West

4. Yoga Journal & Yoga Alliance, 2016

5. SOAS Centre of Yoga Studies

6. The School of Oriental and African Studies University of London

موسوم به SOAS یکی از شناخته‌شده‌ترین مراکز آموزش عالی دنیا برای آموزش و پژوهش در موضوعات مربوط به آفریقا و آسیا به‌ویژه خاورمیانه است.

یوگا در جامعه، همواره این چالش مطرح بوده که آیا یوگا را می‌توان بدون در نظر گرفتن ریشه‌های هندویی آن، تنها به‌عنوان یک ورزش پذیرفت؛ یا دنبال کردن یوگا، مداخلی برای ورود به فضای باورهای هندویی است. در دهه‌های اخیر تحقیقات مختلفی بر روی یوگا انجام شده است. بیشتر این پژوهش‌ها، با نگاهی کارکردگرایانه، در پی بررسی تأثیرات یوگا بر سلامت جسم و روان هستند. برخی از این پژوهش‌ها با فرض اینکه یوگا مجموعه‌ای از تکنیک‌های ذهنی - بدنی است، در صدد اثبات کارکردهای مثبت یوگا در عرصه سلامت جسم و روان هستند (Woolery, Myers, Sternlieb, & Zeltzer, 2004; Jensen & Kenny, 2004). برخی دیگر، با طرح اشکالات روش‌شناختی، نتایج مطالعات گروه اول را زیر سؤال برده‌اند (Uebelacker et al, 2010; Krisanaprakomkit, Ngamjarus, Witoonchart, & Piyavhatkul, 2010).

از آن جا که یکی از کارکردهای روش تحلیل محتوا، دستیابی به اندیشه و خط‌مشی پیام‌دهنده است (فاندى و گلشنى، ۱۳۹۵، ص ۶۳)؛ بنابراین در این مقاله تلاش شده با استفاده از تحلیل محتوای مصاحبه‌های منتشر شده از پیشکسوتان یوگای ایران، به بررسی این مسئله پردازیم که آیا این افراد یوگا را تنها یک رشته ورزشی می‌دانند و یا ابعاد معنوی و ماورایی نیز برای آن قایل هستند. پیکره زبانی این پژوهش عبارت است از مصاحبه‌های منتشر شده از پیشکسوتان یوگای ایران که در شماره‌های گوناگون نشریه دانش یوگا به چاپ رسیده است.

## ۱. ادبیات نظری و پیشینه موضوع

### ۱-۱. جایگاه یوگا در آئین هندوئیسم

یوگا، در حوزه مطالعات ادیان، به‌عنوان یکی از شش دستگاه فلسفی هند (چاترجی و داتا، ۱۳۸۴) و طریقت نجات در هندوئیسم محسوب می‌شود (موحدیان عطار، ۱۳۸۹). شایگان آن را «آئین عملی و سری و طریق سیر و سلوک در هندوئیسم» معرفی می‌کند (شایگان، ۱۳۶۲، ص ۶۳۰).

سلوک از روش یوگا در قالب ۸ مرحله توصیف شده است. این مراحل عبارت‌اند



از: یاما، نیاما، آسانا، پرانایاما، پراتیاهارا، دارانا، دایانا و سامادهی. در یاما، یوگی بایستی ۵ کار را در زندگی خود ترک نماید. در مقابل در بخش نیاما، ۵ اصل دیگر بیان می‌شود که یوگی ملزم به رعایت آنها است. بخش سوم شامل وضعیت‌های جسمانی یوگا است که با عنوان آسانا شناخته می‌شود. پرانایاما، شامل تمریناتی تنفسی است که باعث حفظ و تقویت پرانا در بدن می‌شود. از پرانا با عنوان نیروی حیات در هندوئیسم یاد می‌شود. پراتیاهارا، مربوط به کنترل حواس است و یوگی را آماده ورود به مراحل ذهنی یوگا می‌نماید. دارانا، تمریناتی است که برای تمرکز و کنترل ذهن استفاده می‌شود. دایانا، که با عنوان مدیتیشن نیز شناخته می‌شود، شامل مراقبه‌هایی است که ذهن یوگی را برای رسیدن به مرحله نهایی یوگا، یعنی سامادهی آماده می‌کند (چاترجی و داتا، ۱۳۸۴، ص ۱۵۴).

پَتَنجَلِی<sup>۱</sup> هدف از انجام حرکات یوگا را رسیدن به سامادهی عنوان می‌کند. سامادهی مقامی است که یوگی با تسلیم شدن کامل در مقابل خدایی به نام ایشوارا<sup>۲</sup>، آگاهی برتر در وجودش طلوع کرده و به رستگاری می‌رسد. تمامی مراحل یوگا، معطوف به این هدف نهایی طراحی شده‌اند، چنان‌که «ایشوارا پرانیدھانا»<sup>۳</sup>، به معنای تسلیم‌بودن در برابر ایشوارا، به عنوان یکی از پنج کاری که یوگی، در مرحله دوم (نیاما) بایستی به آنها ملزم باشد، تعریف شده است (چاترجی و داتا، ۱۳۸۴، ص ۵۷۱).

## ۲-۱. یوگا در دوران مدرن

یوگا از حدود ۱۵۰ سال پیش با بیانی مدرن به دنیا ارائه شد (Michelis, 2004, p. 2). مروجین یوگا با رویکردی سکولار و با استفاده از ادبیات شبه‌علمی، یوگا را به عنوان ارمغانی از شرق کهن با فواید مختلفی در زمینه سلامت جسم و روان معرفی کردند. «سوامی ویوکاناندا»<sup>۴</sup> نخستین چهره برجسته نئودانتیست بود که یوگا را در سطحی

1. Patanjali.
2. Isvara.
3. Ishvarapranidhana.
4. Swami Vivekananda (1863-1902)

گسترده به دنیا معرفی کرد. و سلامتی<sup>۱</sup> توسط «سوامی کایوالیاداما»<sup>۲</sup> در ۱۹۲۴ در هند پیگیری شد (Goldberg, 2016). سخنرانی وی در نخستین پارلمان ادیان جهان در آمریکا در سال ۱۸۹۳، موج وسیعی از ترویج هندوئیسم و به دنبال آن، یوگا را در دنیای غرب رقم زد. وی با ارائه تفسیر خود از یوگا سوتره، در قالب کتابی با عنوان راجا یوگا، در حقیقت بنیان‌های مفهومی یوگای مدرن را پی‌ریزی کرد (Michelis, p. 153). رویکرد سکولار و شبه‌علمی ویوکاناندا از یوگا در این کتاب (ویوکاناندا، ۱۳۷۵، صص ۲۱ و ۶۶)، به مزاق مخاطب مدرن غربی خوش‌تر می‌آمد و در عین حال باعث می‌شد که رویه ویوکاناندا در علمی‌جلوه‌دادن یوگا، در دهه‌های بعدی، با تأکید بیشتری بر تأثیرات یوگا بر سلامت جسم و روان ادامه یافت. نخستین تلاش‌های سازمان‌یافته در این موضوع نیز با تأسیس «مؤسسه یوگا»<sup>۳</sup> در بمبئی توسط «یوگندرا»<sup>۴</sup> در سال ۱۹۱۸م و «مرکز تحقیقات یوگا» انجام شد.

مراحل بعدی جهانی‌شدن یوگا با «ادغام»<sup>۵</sup> آن با فرهنگ جوامع غربی از اواسط دهه ۷۰ تا اواخر دهه ۸۰ میلادی و «فرهنگ‌پذیری»<sup>۶</sup> از آنها، از اواخر دهه ۸۰ میلادی تاکنون، پیگیری شد (Michelis, 2004, p. 15). میکلیس اگرچه بیان می‌کند که جریان غالب یوگا در زمان حاضر دارای ابعاد فیزیکی پررنگ‌تری شده است؛ ولی در جمع‌بندی نهایی کتاب خود، با تطبیق روند فراگیری یوگا در مراکز آموزشی، با نظریه «وان ژنِب»<sup>۷</sup> ژنِب<sup>۷</sup> در موضوع «مناسک گذار»<sup>۸</sup>، آن را روندی کاملاً معنوی ارزیابی کرده و یوگا را یوگا را با عنوان «مناسک شفابخش یک دین سکولار» معرفی می‌کند (Michelis, 2004, pp. ).

1. Kaivalyadhama Health and Yoga Research Center
2. Swami Kunalayananda (1883-1966)
3. The Yoga Institute
4. Shri Yogendra (1897-1989)
5. Consolidation
6. Acculturation
7. Arnold van Gennep (1873-1957)
8. rites of passage

248-260). گلدبرگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) نیز معتقد است که روند «بازیابی تقدس» یوگا در دهه‌های اخیر شدت گرفته است.

### ۳-۱. معنویت‌گرایی در دوران مدرن

«دین سکولار» از جمله تعابیری است که در دهه‌های اخیر و برای توصیف جریان‌های نوظهور معنوی کاربرد پیدا کرده است (حمیدیه، ۱۳۹۱، ص ۲۸۹؛ شریعتی، باستانی، و خسروی، ۱۳۸۶). تعبیر سکولار در این عبارت، به معنای ساختن گزینه خود و داشتن حقیقت شخصی است<sup>۲</sup> (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۳۹)؛ از این روست که برخی پژوهشگران از معنویت‌های نوپدید با تعابیری چون «ادیان خودساخته» یا «دین خود»<sup>۳</sup> نیز یاد می‌کنند (وودهد، ۱۳۹۶، ص ۴۱).

امر قدسی و متعال، که در برخی تعاریف، معنویت را معادل «جستجوی امر قدسی» (پارگامنت، ۱۳۹۵، ص ۶۱) و یا «ارتباط با نیروهایی که سیطره آنان بر انسان بالاست» (نلسون، ۱۳۹۵، ص ۲۵) توصیف کرده‌اند، در چارچوب معنویت‌گرایی جدید در دوران پسامدرن، «امری ذاتا مادی و تجربی است که از قسم فراعلم و در حوزه عجایب و ناشناخته‌های عالم (راز) دسته بندی می‌شود» (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۵۶). شاکرنژاد به نقل از گوردون لینچ می‌نویسد: «در این نگرش، معنویتی مبتنی بر طبیعت و ماده شکل می‌گیرد که فرد نه با نفی ماده و جهان؛ بلکه با تمرکز بر طبیعت به دنبال معنا می‌گردد و در تقدس‌بخشی به طبیعت و دنیا تا حد الوهی‌سازی آن پیش می‌رود» (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۶۹).

در معنویت‌های جدید اگر از خداوند نیز صحبتی به میان می‌آید، خدا همچون نگرش ادیان الهی موجودی متعالی، عینی، مطلق، نامتغیر، واجب‌الوجود، بی‌نهایت،

1. Goldberg

۲. این تعبیر از سکولار تحت تاثیر گفتمان ابرعرفی در دوران پسا مدرن شکل گرفته و تا حدودی با تفسیر آن در دوران مدرن که به معنای قوت زدایی از دین به منظور سازگاری آن با عقلانیت ابزاری است، فاصله دارد (معنویت در سبد مصرف، ص ۳۳۷).

3. Self-religion

ازلی، خالق، واجد تمام کمالات و نامتاثر از هیچ چیز نیست (حمیدیه، ۱۳۹۱، ص ۲۲۸)؛ بلکه خدایی زمینی، ساکن در تمام عالم و تعالی زدوده است، که تحت تأثیر هستی‌شناسی مونیستی، به جای سکونت در عرش، در درون اشیاء سکونت دارد (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، صص ۲۳۹-۲۴۰)؛ و «به مثابه انرژی حافظ و شعور کیهانی هدایتگر در پس فرایندهای تکاملی هستی درک می‌شود» (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۴۳). مورد اخیر همان موضوعی است که پیش از این از زبان میکلیس در توصیفش نسبت به یوگا در دوران مدرن با عنوان «مناسک شفابخشی یک دین سکولار» از آن یاد شد (Michelis, 2004, p. 260).

در مجموع می‌توان گفت انگیزه بیش از ۵۰ درصد از افراد از مشارکت در معنویت‌های نوپدید، به طور مستقیم به مقوله سلامت جسمی و روانی اختصاص دارد. هیلاس و وودهد در پژوهش خود به این مسئله نیز اشاره دارند که بخش زیادی از معنویت‌گرایان جدید این انگیزه را در قالب تکنیک‌هایی چون یوگا جستجو می‌کنند (حمیدیه، ۱۳۹۱، ص ۲۹۲)؛ بنابراین نمی‌توان به صرف این که برخی یوگا را به انگیزه درمان‌گرانه دنبال می‌کنند، از قراردادن یوگا در طبقه معنویت‌های جدید چشم پوشید. چنانکه نتایج چند مطالعه نیز، از تغییر نگرش کارآموزان یوگا از سلامتی به معنویت حکایت دارد (Henrichsen-Schrems & Versteeg, 2011; Park et al, 2016).

#### ۴-۱. یوگا در ایران

روند گسترش یوگا در ایران، مشابه روندی که در غرب طی شد، در سه دوره گسترش عمومی، ادغام فرهنگی و فرهنگ‌پذیری قابل تحلیل است. دوره اول فاصله اواسط دهه چهل شمسی تا میانه دهه ۵۰ شمسی را در بر می‌گیرد که یوگا در آن توسط اساتید هندی تبار و با قرائتی مدرن وارد ایران می‌شود (الماسیان، ۱۳۹۵، ص ۴۲).

#### ۴-۱-۱. دوره نخست: گسترش عمومی

افتتاح باشگاه یوگای مهر در تهران، نقطه آغاز ورود یوگای مدرن به ایران است. این باشگاه در سال ۱۳۴۵ و توسط مجید موقر، از سیاستمداران دوران پهلوی، تاسیس

شد. موقر برای آموزشگاه خود یکی از یوگیان هندی، به نام «سوآمی بوآجی»<sup>۱</sup> را به ایران می‌آورد (موقر، ۱۳۴۶ الف). انتشار اخباری مبنی بر عضویت برخی شخصیت‌های تراز اول سیاسی همچون هویدا، نخست وزیر وقت، شریف امامی و رئیس مجلس سنا، در باشگاه یوگای مهر (موقر، ۱۳۴۶ ب)، و شایعاتی در خصوص آموزش یوگا توسط بوآجی به شاه و خانواده‌اش (Goldsmith, 2011)، تأثیر مستقیمی بر افزایش ضریب نفوذ یوگا در ایران داشت.

بوآجی از مریدان «شیواناندا»<sup>۲</sup> بود و یوگا را براساس تعالیم شیواناندا، که تأکید بیشتری بر مراحل ذهنی و پیشرفته یوگا (راجا یوگا)<sup>۳</sup> داشت، در ایران نهادینه کرد. به طوری که بسیاری از پیشکسوتان کنونی یوگای ایران، در مراکز یوگای شیواناندا در هند آموزش دیدند و تاکنون نیز شاگردان خود را به شرکت در دوره‌های این مرکز در هندوستان دعوت می‌کنند.

در همان سال ساتیاناندا، از شاگردان اصلی شیواناندا، به ایران سفر می‌کند و در برنامه‌ای دو ساعته در تلویزیون ایران ظاهری می‌شود. برزو قادری، ملقب به مادهاواناندا، و هاله نیک افشان، ملقب به سادانابیندو، از پیشکسوتان یوگای ایران، در این مصاحبه تلویزیونی وی را همراهی می‌کردند (نیک افشان، ۱۳۸۱). دو سفر «پرابوپادا»<sup>۴</sup>، بنیانگذار «انجمن بین‌المللی آگاهی کریشنا»<sup>۵</sup> در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۵ به تهران، تاسیس پایگاه رسمی این انجمن در ایران و عضویت برخی از پیشکسوتان یوگای ایران در این فرقه (البرزی، ۱۳۸۹)، از نقاط قابل توجه دیگر در این بخش از تاریخ یوگای ایران است.

#### ۱-۴-۲. دوره دوم: ادغام فرهنگی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گریختن برخی از عناصر مروج یوگا از ایران

1. Swami Buaji (1889-2010)
2. Sivananda (1887-1963)
3. Raja Yoga
4. Prabhupada (1896-1977)
5. International Society for Krishna Consciousness

همچون ژاله نمازی، شاهد وقفه‌ای در فعالیت‌های رسمی ترویج یوگا در ایران هستیم. پس از مدتی تلاش‌ها برای رسمیت بخشیدن به یوگا در ایران از سوی افرادی مانند مسعود مهدوی‌پور و سید عبدالحمید موحدی نائینی، سردبیر نشریه دانش یوگا، آغاز می‌شود. فعالان یوگا در این دوره سعی کردند با ارائه دستاوردهای محدودی از یوگا در زمینه سلامت جسمی و روانی (مهدوی‌پور، ۱۳۸۷ الف؛ موحدی نائینی، ۱۳۹۰ ج)، ابعاد فلسفی و معنوی یوگا را کم‌رنگ جلوه دهند تا حساسیتی در مسیر رسمیت بخشیدن به یوگا ایجاد نشود.

در نهایت در سال ۱۳۷۴، یوگا به‌عنوان رشته‌ای از ورزش‌های همگانی شناخته و فعالیت آن زیر نظر انجمن یوگای ایران و با مسئولیت تیمسار مهرداد گوران، آغاز شد. برگزاری دوره‌های متعدد مربیگری یوگا، تأسیس باشگاه‌های مختلف و برگزاری چندین کنفرانس و نمایشگاه با موضوع یوگا در سراسر کشور از نخستین اقدامات انجمن یوگای ایران بود (موحدی نائینی، ۱۳۹۰ ج).

#### ۱-۴-۳. دوره سوم: فرهنگ‌پذیری

پس از آغاز فعالیت رسمی یوگا در ایران، رسانه‌های نوشتاری، نقش ویژه‌ای در توسعه فرهنگ یوگا در ایران ایفا کردند. انتشار ده‌ها عنوان کتاب و دو نشریه اختصاصی در موضوع یوگا، نمونه‌ای از فعالیت این رسانه‌ها است. نکته مهمی که در محتوای این رسانه‌ها دیده می‌شود، استفاده از ادبیات بومی برای تشریح یوگا و التقاط مفاهیم آن با آموزه‌های اسلامی بود. این روند که در آثار برخی نویسندگان وابسته به طیف سنت‌گرایی از سال‌ها قبل به‌صورت ضعیفی آغاز شده بود (شایگان، ۱۳۶۲، صص ۶۴۳-۶۴۵، صص ۷۱۹-۷۲۴)، در این دوره در آثار افرادی مانند سید جلال‌الدین موسوی‌نسب، از پیشکسوتان و نویسندگان پرکار در موضوع یوگا به اوج خود رسید.

نشانه‌های دیگری بر فرهنگ‌پذیری یوگا در ایران و التقاط آن با فرهنگ ایرانی - اسلامی را در نمونه‌های زیر می‌توان برشمرد: ابداع سبک‌های جدیدی از یوگا همچون «خزیر یوگا»، که مبدع آن مدعی است با ادغام عناصری از فرهنگ ایرانی آن را ابداع

کرده است (اخوان، ۲۰۱۷م)، تلفیق سنت‌های صوفیانه همچون رقص سماع با حرکات یوگا (راهبریان، ۲۰۱۷م)، متناظر دانستن مراحل نهایی یوگا (سامادهی) با مراحل نهایی عرفان اسلامی (فناء فی الله) (الماسیان، ۱۳۹۵ب، ص ۴۸؛ ساتیاناندا سارسواتی، ۱۳۷۸، ص ۷)، استناد به اشعار مولانا و حافظ برای توصیف ماهیت یوگا (خردمند، ۱۳۸۸، صص ۱۳-۱۴) و از همه بارزتر ادعاهایی مبنی بر اینکه یوگا در اصل ریشه و ماهیتی ایرانی دارد.

### ۵-۱. تحقیقات مشابه

پژوهش‌های پیرامون یوگا را در یک دسته‌بندی می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:  
 ۱. آثاری که از منظر الهیاتی و فلسفی به بررسی یوگا، به‌عنوان یکی از مکاتب فلسفی و عرفانی آئین هندوئیسم پرداخته‌اند؛ ۲. پژوهش‌هایی که از منظر سلامت جسم و روان به بررسی کارکردهای یوگا در این زمینه پرداخته‌اند؛ ۳. آثاری که با نگاه جریان‌شناسی تاریخی به بررسی تغییر و تحولات یوگا و ماهیت آن در دوران مدرن، پرداخته‌اند. از آنجا که این مقاله، بیشتر در قلمرو تحقیقات نوع سوم می‌گنجد، در این بخش به مرور تحقیقات نوع سوم اکتفا شده است.

### ۱-۵-۱. تحقیقات مشابه در خارج از ایران

میکلیس از پیش‌تازان مطالعه جریان‌شناختی یوگا در دوران معاصر شناخته می‌شود. وی در کتاب تاریخچه یوگای مدرن با بررسی نقش نئودانتیست‌های هندی، همچون ویوکاناندا، در تفسیر سکولار از یوگا، به ریشه‌یابی تحولات بعدی یوگا و سیر فراگیر شدن آن در کشورهای غربی، به‌ویژه انگلستان، پرداخته است. وی در جمع‌بندی نهایی کتاب خود، روند آموزش یوگا و مفاهیمی که در آن بیان می‌شود را با نظریه وان ژنِب در خصوص مناسک گذار، مطابقت داده و آن را روندی کاملاً معنوی ارزیابی می‌کند و از یوگا با عنوان «مناسک شفابخش یک دین سکولار» تعبیر می‌کند (Michelis, 2004, pp. 248-260).

علاوه بر موارد بیان شده، مطالعات میدانی مختلفی نیز در موضوع سنجش یوگا از

دیدگاه مریبان و فراگیران یوگا در غرب انجام شده است. از آن جمله می‌توان به مطالعه پارک و همکارانش (۲۰۱۶) اشاره کرد. در این پژوهش انگیزه ۵۱۶ نفر از فعالان یوگا، شامل ۳۶۰ کارآموز و ۱۵۶ مربی، برای ورود و ادامه فعالیت در یوگا ارزیابی شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تمامی این افراد با انگیزه ورزش و رهایی از استرس وارد یوگا شده‌اند؛ منتهی ۶۵ درصد از فراگیران و ۸۵ درصد از مریبان، پس از مدتی انگیزه‌شان به سمت اهداف معنوی تغییر یافته است. «هنریشن شرمیس»<sup>۱</sup> و «ورستیخ»<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) نیز در سنخ‌شناسی فعالان یوگا در آلمان، به روند مشابهی از تغییر انگیزه کارآموزان یوگا از سلامت جسمی-روانی به انگیزه‌های معنوی اشاره کرده‌اند.

#### ۱-۵-۲. تحقیقات مشابه در ایران

در میان پژوهش‌های به زبان فارسی، بیشتر تحقیقات متوجه بررسی کارکردهای یوگا در عرصه سلامت جسم و روان بوده و کمتر به جریان‌شناسی و تحلیل ابعاد گسترش این پدیده در کشور پرداخته شده است. با این وجود، پس از گسترش بیش‌ازپیش یوگا در دهه‌های گذشته در کشور، تحقیقاتی در این زمینه نیز آغاز شده است.

عرب (۱۳۹۷) با نگاهی تاریخی به ریشه‌شناسی پیدایش معنویت‌گرایی جدید هندویی و گسترش آن در دوران مدرن پرداخته است. مظاهری‌سیف (۱۳۹۴) به تبیین تعارضات موجود میان ابعاد اعتقادی و اخلاقی یوگا با آموزه‌های اسلامی پرداخته است. او با استناد به منابع فارسی موجود در موضوع یوگا، که به طور عمده ترجمه‌هایی از منابع خارجی هستند، به طور ضمنی به ترجمه جهت‌دار اصطلاحات و مفاهیم یوگا، در جهت سرپوش گذاشتن بر ابعاد عرفانی و آئینی یوگا، در این آثار انتقاد می‌کند.

1. Sabine Henrichsen-Schrembs

2. Peter Versteeg



موحدیان عطار و پور ابراهیم (۱۳۹۶) با بررسی منابع مکتوب یوگا به زبان فارسی و بررسی میدانی برخی مراکز آموزش یوگا در ایران، به این نتیجه رسیده‌اند که بسیاری از این منابع بدون دانش کافی از یوگای کلاسیک تألیف شده‌اند. در نتیجه جریان غالب یوگا در ایران، از یوگای موجود در منابع اصیل هندویی فاصله دارد و قرائت و تفسیری بومی از یوگا، که در مواردی با مفاهیم اسلامی نیز التقاط یافته است، در حال ترویج در ایران است. در همین راستا، حمیدیه (۱۳۹۲) با بررسی یک شماره از نشریه دانش یوگا، به‌عنوان یکی از رسانه‌های مطرح در جامعه یوگای ایران، روند قداست‌بخشی به یوگا در این مجله را بر اساس نظریه رودولف اوتو بررسی کرده است.

جمع‌بندی این تحقیقات نشان می‌دهد که هویت‌سنجی یوگا در جامعه، یکی از دغدغه‌های پژوهشگران در تحقیقات مذکور بوده است. از آنجا که پیشکسوتان هر رشته، نقشی روشن در هویت‌بخشی و شکل‌دهی به ابعاد آن موضوع در جامعه دارند، بررسی دیدگاه پیشکسوتان یوگای ایران در خصوص این رشته نیز، می‌تواند ما را در درک بهتری از هویت یوگا در جامعه امروزین ایران یاری نماید.

## ۶. جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش مصاحبه‌های منتشر شده از پیشکسوتان یوگای ایران در ماهنامه دانش یوگا است. نخستین شماره این مجله در فروردین ماه ۱۳۸۱ منتشر شده و تا زمان تألیف این مقاله ۱۳۵ شماره از آن به چاپ رسیده است. در این مقاله تنها به بررسی محتوای این نشریه تا شماره ۱۰۰، که در بهمن ماه ۱۳۹۵ انتشار یافته، اکتفا شده است. در این میان دسترسی به شماره ۴۳ مقدور نبود و شماره‌های ۷۸ و ۸۹ با تأخیر و به همراه شماره بعدی خود در یک مجلد انتشار یافته‌اند. حجم صفحات هر شماره، به‌استثناء برخی شماره‌های ویژه، ۶۴ صفحه بود. در مجموع، مطالب یک‌صد شماره نخست این نشریه در قالب ۶۳۱۲ صفحه منتشر شده‌اند.

دست‌اندرکاران این نشریه، از شماره سی‌ام (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷) به بعد، اقدام به انتشار بخشی نسبتاً ثابت با عنوان «آشنایی با پیشکسوتان یوگای ایران» کرده‌اند؛

که در هر شماره به سراغ یکی از این افراد رفته و مصاحبه‌ای حضوری و یا مکتوب را با وی ترتیب داده‌اند. عنوان این بخش، از شماره هفتاد و سوم این نشریه به‌عنوان «چهره‌ها» تغییر کرده است.

نخستین مطلب ماهنامه دانش یوگا در خصوص معرفی پیشکسوتان یوگای ایران در شماره ۳۰، به معرفی اجمالی مجید موقر و ژاله نمازی، از نخستین فعالان یوگای ایران در دوران پیش از انقلاب، پرداخته است و دیدگاه‌های آنان درباره یوگا مطرح نمی‌شود؛ بنابراین در واقع شروع جدی طرح دیدگاه پیشکسوتان یوگای ایران از شماره ۳۱ این نشریه و با معرفی مسعود مهدوی‌پور شکل می‌گیرد. در ادامه این حرکت، ۲۸ نفر از پیشکسوتان یوگای ایران معرفی می‌شوند که در این میان تنها ۲۶ نفر در قالب مصاحبه، دیدگاه‌های خود در خصوص یوگا را بیان کرده‌اند و دوفنر دیگر، در شماره‌های ۳۳ و ۵۳، تنها به قلم هیئت تحریریه مجله دانش یوگا، معرفی شده‌اند و به طور مستقیم مطالبی از سوی این افراد بیان نشده است.

در مجموع، در ۴۷ شماره از یک‌صد شماره نشریه دانش یوگا، با ۲۶ نفر از پیشکسوتان یوگای ایران شامل ۱۴ زن و ۱۲ مرد مصاحبه شده است. این مصاحبه‌ها ۱۴۵ صفحه از حجم محتوای این نشریه را به خود اختصاص داده است.

محتوای مباحث طرح‌شده در مصاحبه‌های این افراد، با توجه به نوع پرسش‌ها، به دو بخش کلی قابل تقسیم است. الف؛ مباحثی شامل زندگی شخصی این افراد و خاطراتشان از نحوه شکل‌گیری و رسمیت‌یافتن یوگا در ایران. ب؛ دیدگاه این افراد در خصوص توصیف و تبیین یوگا و بیان کارکردهای آن. تمرکز این پژوهش بیشتر بر روی نوع دوم این مطالب بوده است.

#### جدول ۱-۲: محتوای مورد بررسی از نشریه دانش یوگا

تعداد شماره مجله	بازه زمانی انتشار	تعداد مصاحبه‌شوندگان	حجم صفحات
۴۷	۱۳۸۷ الی ۱۳۹۵	۲۶ نفر (۱۴ زن، ۱۲ مرد)	۱۴۵

## ۷. روش پژوهش

در این نوشتار با استفاده از روش تحلیل محتوای زبان‌شناختی و با تأکید بر مؤلفه‌های معنویت‌گرایی جدید به بررسی این مسئله پرداخته شده است که آیا پیشکسوتان یوگا در ایران، برای یوگا ابعاد معنوی قایل هستند؟ به‌منظور بررسی این مسئله، با توجه به این که این افراد در هنگام توصیف و بیان دیدگاهشان در خصوص یوگا به کدام یک از مؤلفه‌های معنویت‌گرایی جدید اشاره کرده‌اند. کل محتوای مصاحبه‌های مصاحبه‌شوندگان مربوط به موضوع یوگای ۴۷ نشریه در ۵ مقوله اصلی، «درون‌گرایی»، «ارتباط با امر معنوی غیرمتعالی»، «خودشناسی و خودسازی»، «معنای زندگی» و «زندگی در لحظه حائل» برای تحلیل محتوای کمی و کیفی کدگذاری شدند. این کدهای اصلی در جدول شماره ۳-۱ آمده است:

جدول ۳-۱: مؤلفه‌های معنویت‌گرایی جدید

درون‌گرایی	خودشناسی و خودسازی	زندگی در لحظه حال	ارتباط با امر معنوی غیرمتعالی	معنای زندگی
------------	--------------------	-------------------	-------------------------------	-------------

## ۸. فرآیند تحقیق

به‌منظور انجام این پژوهش، ابتدا ۱۰۰ شماره نخست از نشریه دانش یوگا (از ابتدای انتشار در فروردین ۱۳۸۱ تا بهمن ۱۳۹۵) گردآوری شد. سپس ۴۷ شماره از این مجموعه که شامل مصاحبه با پیشکسوتان یوگای ایران بود، به‌عنوان ماده اصلی تحقیق انتخاب شدند. کل متن مصاحبه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به موضوع مباحث مطرح‌شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، محتوای موجود در دو بخش خاطرات شخصی و مباحث مربوط به بیان دیدگاه این افراد در خصوص یوگا دسته‌بندی شدند.

سپس با توجه به پرسش اصلی پژوهش، جملات و عباراتی از مصاحبه‌شوندگان که در آنها برای توصیف و تبیین یوگا از مقوله‌های معنویت‌گرایی جدید استفاده کرده

بودند در پنج دسته، مطابق الگوی ارائه شده در شکل یک، طبقه بندی شدند. سپس داده های مربوط به هر مقوله شمارش و یافته ها با یک نفر از محققین با سابقه در حوزه معنویت پژوهی به اشتراک گذاشته شد و نتایج تحلیل از نظر ایشان مورد تأیید قرار گرفت.

## ۹. یافته های پژوهش

بر اساس الگوی ارائه شده در شکل شماره یک، محتوای مصاحبه پیشکسوتان یوگای ایران، با توجه به شاخص های معنویت گرایی جدید، در پنج مقوله طبقه بندی شدند. در این قسمت فراوانی هر یک از این مقوله ها تشریح شده است.

### ۹-۱. درون گرایی

درون گرایی مهم ترین مؤلفه معنویت گرایی جدید محسوب می شود (شاکر نژاد، ۱۳۹۷، ص ۳۲) که به نوعی هویت دیگر مؤلفه های معنویت گرایی جدید بر اساس آن درک می شود. از ۲۶ نفر از پیشکسوتان یوگای ایران که در این مقاله محتوای مصاحبه های آنان مورد تحلیل قرار گرفته است، ۲۲ نفر (۸۴ درصد) در تبیین یوگا و کارکردهای آن به این مفهوم اشاره کرده اند.

این گروه از پیشکسوتان یوگای ایران، یوگا را «آشنایی با درون» (مهدوی پور، ۱۳۸۷ الف، صص ۱۸-۱۹)، «شناخت درون» (عرفانی، ۱۳۹۳، ص ۲۷) و «مشاهده درون» (سنایش نانکلی، ۱۳۸۹ الف، ص ۴۴) توصیف می کنند که از طریق آن می توان با عمیق ترین لایه های درونی خود ارتباط گرفت و از این مسیر به «وحدت درون» (موحدی، ۱۳۹۲، ص ۹)، «صلح درون» (خردمند، ۱۳۸۸، ص ۱۵) و «نشاط درونی» (اروندیان، ۱۳۹۱ الف، ص ۴۱) دست یافت. اصطلاح «آرامش درون» با تکرار در کلمات ۱۷ نفر از این افراد، پربسامدترین تعبیر در این خصوص بود.

«درون» در معنویت گرایی جدید، جایگزین سنجه های دینی بیرونی مانند وحی و شریعت شده است و ادراکات درونی را به صورت تام برای سلوک معنوی معتبر

می‌شمارد (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، صص ۲۶۴-۲۶۵). از پیشکسوتان یوگا، بیان می‌کند که پس از سال‌ها به معنای کلام استاد یوگای خود در هند پی برده است که به او گوشزد کرده که «همه چیز در درون است» (مسعود مهدوی‌پور، ۱۳۸۷ الف، ص ۱۹). کلامی که، نیز آن را در یوگا یافته است (سوسن زند، ۱۳۹۳، ص ۴۰). حسین الماسیان نیز توجه به «مکاشفات درونی» که بر اثر تمرینات یوگا به دست می‌آید را رهنمودی برای عبور به مراحل بالاتر عنوان می‌کند (الماسیان، ۱۳۹۵ ج، ص ۵۷).

مرجعیت درون، در معنویت‌گرایی جدید به حدی است که حتی مفاهیم و شعائر دینی نیز، بر اساس ادراکات درونی افراد روح و معنای حقیقی خود را پیدا می‌کنند. مهدوی‌پور مدعی است که شاگردانش پس از آشنایی با درون خود از طریق یوگا، ارتباط بهتری با دین و مناسک دینی خود برقرار کرده‌اند: «صدها بار از زبان شاگردان شنیدم که می‌گفتند: نمازی که من امروز خواندم در طول عمرم نخوانده بودم؛ حضوری که مثلاً در سوره حمد داشتم و در کی که از این سوره می‌کردم، در عمرم بی‌سابقه بوده است» (مهدوی‌پور، ۱۳۸۷ الف، ص ۱۹).

## ۹-۲. خودشناسی و خودسازی

محوریت درون‌گرایی در معنویت‌گرایی جدید موجب شده تا خودشناسی به‌عنوان راهکار اصلی معرفت‌بخشی (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۶۴)، و خودسازی به‌عنوان رسالت نهایی این سبک از معنویت‌گرایی مطرح شود (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۶۶؛ مظاهری سیف، ۱۳۹۵، ص ۷۲). تحلیل محتوای انجام‌شده در این مقاله بر روی مصاحبه پیشکسوتان یوگای ایران نشان داد که مهم‌ترین دستاورد یوگا در منظر این افراد، «خودشناسی و خودسازی» است. چنان که در ۲۵ نفر از ۲۶ فرد مورد مطالعه در این پژوهش، یعنی ۹۶ درصد از آنان، در تبیین یوگا به این موضوع پرداخته‌اند.

پیشکسوتان یوگا به‌صورت صریح، یوگا را به‌عنوان ابزاری برای خودشناسی معرفی می‌کنند. سید جلال‌الدین موسوی‌نسب، یوگا را «سیستم علمی و عملی خودشناسی» (موسوی‌نسب، ۱۳۸۷، صص ۱۳-۱۴) عنوان می‌کند. در منظر این افراد، خودشناسی حاصل از

یوگا باعث می‌شود که افراد با «آگاهی از گوهر راستین خود» (نظری نوکانی، ۱۳۹۲، ص ۵۰) و «کشف خود واقعی» (مهدوی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۳)، «ارزش معنوی بیشتری به خود ببخشند» (ستایش نانکلی، ۱۳۸۹، ص ۱۹) و «معنویت را در ذهن و جسم خود بیابند» (اروندیان، ۱۳۹۱ الف، ص ۴۱؛ اروندیان، ۱۳۹۱، ص ۲۳).

یوگا در مسیر خودسازی و خودشناسی به‌عنوان «مکتبی انسان‌ساز» (الماسیان، ۱۳۹۵ الف، ص ۴۰؛ الماسیان، ۱۳۹۵، ص ۴۹؛ الماسیان، ۱۳۹۵، ص ۵۲)، «راهی معنوی» (شاکری، ۱۳۹۲، ص ۱۱) و «زیباترین سلوک هستی و راهی مقدس» (البرزی، ۱۳۸۹، ص ۵۴) معرفی می‌شود که با «گشودن دریچه فرصت‌های معنوی به روی خود» (کسب‌خواه، ۱۳۹۳، ص ۲۱)، باعث «خودسازی» (الماسیان، ۱۳۹۵، ص ۴۵؛ خردمند، ۱۳۸۸، ص ۱۲؛ عرفانی، ۱۳۹۳، ص ۲۹)، «تکامل معنوی» (میرحسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۰)، «پاکسازی» (اروندیان، ۱۳۹۱، ص ۲۴) و «تعالی روحی» (ستایش نانکلی، ۱۳۸۹ الف، ص ۴۶؛ نظری نوکانی، ۱۳۹۲، ص ۵۲) و در نتیجه رستگاری و «سعادت ابدی» (موحدی نائینی، ۱۳۹۰ الف، ص ۴۹؛ موحدی نائینی، ۱۳۹۰، ص ۷۱؛ موحدی نائینی، ۱۳۹۰، ص ۴۷) افراد می‌شود.

### ۹-۳. ارتباط با امر معنوی غیرمتعالی

ارتباط با امر قدسی و متعال از جمله مقومات تعریف معنویت است (پارگامنت، ۱۳۹۵، ص ۶۱). اما در معنویت گرایی جدید، تحت تأثیر هستی‌شناسی مونیستی، امر قدسی تعالی‌زدایی شده و به امر معنوی غیرمتعالی که در درون افراد و عالم سکونت دارد، کاهش یافته است. در این نگرش، خداوند به جای سکونت در عرش، در درون اشیاء سکونت دارد؛ و به مثابه انرژی حافظ و شعور کیهانی هدایتگر در پس فرایندهای تکاملی هستی درک می‌شود (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، صص ۲۳۹-۲۴۳).

۶۱ درصد از پیشکسوتان یوگای ایران، یعنی ۱۶ نفر، در مصاحبه‌های خود، یوگا را ارتباط با امر معنوی غیرمتعالی معرفی کرده‌اند. الوهیت‌بخشی به کیهان و معرفی «اتحاد با روح کیهانی» (موسوی‌نسب، ۱۳۸۷، ص ۱۳) به‌عنوان هدف یوگا، به وضوح در کلمات این افراد به کار می‌رود. هما اروندیان به نقل از استاد خود، یوگا را عامل «ارتباط روح انسان

با الوهیت کیهانی» معرفی می‌کند (اروندیان، ۱۳۹۱، ص ۲۵).

از جمله تعبيرات مشابه ديگر در اين زمينه که در کلمات اين افراد زياد تکرار می‌شود، «آگاهی کیهانی» است. ارونديان در تبين جايشگاه آگاهی کیهانی در یوگا می‌گوید: «یوگا با دیدی عرفانی، به خرد و آگاهی گسترده‌ای ایمان دارد که در تمام پهنای کائنات وجود دارد و به آن آگاهی کیهانی اطلاق می‌شود» (اروندیان، ۱۳۹۱، ص ۲۳).

بيان صریحی از هستی‌شناسی مونیستی حاکم بر اندیشه‌های اين افراد را در جمله‌ای از سيد جلال‌الدين موسوی‌نسب می‌توان یافت. وی در ضمن بیان خاطرات خود از فراگیری یوگا در هند می‌گوید: «کار خداست، عشق خداست، هر کسی خداست، همه چیز خداست، خدا همه چیز است» (موسوی‌نسب، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

بر مبنای این نگرش مونیستی است که در کلام افراد مورد مطالعه در این تحقیق، وحدت با هستی و کیهان به‌عنوان مسیری برای اتصال به خداوند معرفی می‌شود که از روش یوگا به آن می‌توان دست یافت. حسین الماسیان می‌گوید: «یوگا، راه‌های عملی تفکر بر ذات متعال را به ما پیشنهاد می‌دهد تا در مرحله سامادهی [مرحله پایانی یوگا] وحدت و یکپارچگی با نفس کیهانی و اتصال با حوزه واحد میسر گردد و به تعبیر عرفان اسلامی، فناء فی الله» (الماسیان، ۱۳۹۵، ص ۴۸).

ایده مرکزی مونیسم، در میان معنویت‌گرایان جدید، به‌صورت اتحاد خدای متعالی با «خدای درون» تفسیر می‌شود (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۲۸)؛ بنابراین انسان می‌تواند با شناخت خود، به خداشناسی نایل شده، و با حضور در درون خود با الوهیت ارتباط یابد (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۵۱). شهناز عرفانی می‌گوید: «شما در یوگا با قلبتان حرف می‌زنید نه با ذهنتان که دائم باید خط زد و جابه‌جا کرد وقتی با قلبتان حرف می‌زنید، سخن خداست و تغییری در آن داده نمی‌شود؛ یعنی عمل شما در آگاهی مطلق است» (عرفانی، ۱۳۹۳، ص ۲۶). سهیلا موحدی، در کلام خود «طبیعت ذاتی انسان» و «ذات خداوندی» را هم‌تراز یکدیگر قرار می‌دهد و نتیجه مراحل والای یوگا را، در یگانگی با این مقوله معرفی می‌کند (موحدی، ۱۳۹۲، ص ۹). با درک این موضوع، رمز تأکید

مکرر پیشکسوتان یوگای ایران بر خداشناسی از روش خودشناسی حاصل از یوگا نیز روشن می‌شود.

#### ۹-۴. معنای زندگی

برخی مقوله معنویت را از طریق کارکرد آن در معنا بخشی به زندگی خلاصه کرده‌اند (رستگار، ۱۳۸۹، ص ۵۸). ۲۰ نفر (۷۷ درصد) از پیشکسوتان یوگای ایران، یوگا را معنابخش زندگی خویش معرفی کرده‌اند. افسانه بدری کوهی یوگا را موجب تغییر نگرش به خود، زندگی و جهان پیرامون توصیف می‌کند که انسان را با عشق آشنا می‌کند و این عشق «سرمستی عظیم کیهانی» را به دنبال می‌آورد (بدری، ۱۳۹۱، ص ۴۹). حسین الماسیان می‌گوید: «اگر به آنها [دستورات یوگا] عمل شود، مفهوم حقیقی زندگی بر انسان فاش می‌گردد» (الماسیان، ۱۳۹۵، ص ۴۸) وی در جای دیگری یوگا را موجب دریافت «حقیقت زندگی» و موجب «شناخت علت غایی تولد و مرگ» معرفی می‌کند (الماسیان، ۱۳۹۵، ص ۳۶).

#### ۹-۵. زندگی در لحظه حال

از جمله دستاوردهای مهمی که در کلمات ۱۱ نفر (۴۲ درصد) از پیشکسوتان یوگای ایران، برای یوگا معرفی می‌کنند، درک زندگی در لحظه حال است. مسعود مهدوی پور که دوره‌هایی نیز با عنوان «اینجا و اکنون» برگزار می‌کند (مهدوی پور، ۱۳۸۷، الف، ص ۱۹) در خصوص زندگی در لحظه حال می‌گوید: «او [فردی که یوگا کار می‌کند] در لحظه زندگی می‌کند و ریشه‌های روانی و ضمیرش با قدرت تمام در لحظه حال وجود داشته و حضور دارند» (مهدوی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۰). احمد کسب‌خواه می‌گوید: «همه ما از یوگا آموخته‌ایم که ... از لحظه حال آگاه باشیم و بدانیم که جریان مقدس زندگی در وجودمان جاری است و زندگی را با شادی و شگفتی در آغوش بگیریم» (کسب‌خواه، ۱۳۹۳، ص ۲۲). زندگی در لحظه حال در عمل به معنای توجه به ذهنیات و ندهای درونی فرد است



که به عنوان راهنمایی معنوی، منبعی برای شناخت و تصمیم‌گیری‌های وی محسوب می‌شود (شاکر نژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۶۶). شهناز عرفانی می‌گوید: «توصیه یوگا این است که نه در گذشته باشید که جز پشیمانی و ندامت چیزی نصیبتان نمی‌شود نه به آینده فکر کنید که جز نگرانی چیزی نمی‌بینید؛ پس در حال و در لحظه باشید تا با انرژی‌های الهی همسو شوید» (عرفانی، ۱۳۹۳، ص ۲۹) وی بیان می‌کند: «در یوگا با قلبتان حرف می‌زنید نه با ذهنتان که دائم باید خط زد و جابه‌جا کرد. وقتی با قلبتان حرف می‌زنید، سخن خداست و تغییری در آن داده نمی‌شود؛ یعنی عمل شما در آگاهی مطلق است» (عرفانی، ۱۳۹۳، ص ۲۶).

جدول ۴-۱: میزان درصد مولفه‌های معنویت‌گرایی جدید

عنوان	زندگی در لحظه حال	ارتباط با امر معنوی غیرمتعالی	معنای زندگی	درون‌گرایی	خودشناسی و خودسازی
درصد	۴۲٪	۶۱٪	۷۷٪	۸۴٪	۹۶٪

#### ۹-۶. نسبت یوگا با مبانی اسلامی

وجود تعابیر مشترکی مانند دعوت به خودسازی، درون‌نگری، خودشناسی به منظور خداشناسی و ... در کلام مروجین یوگا و ادبیات معنویت اسلامی نایستی موجب تحلیل همراستایی یوگا با معنویت اصیل اسلامی شود؛ زیرا با نگرشی سیستمی به این آموزه‌ها، در ادبیات معنویت‌های نوظهوری همچون یوگا، تقابل جدی آنان با مبانی معنویت اسلامی روشن می‌شود.

در یوگا همچون سایر معنویت‌های نوظهور، پاسخ تمامی پرسش‌های معنوی انسان در درونش نهفته است و برای اعتبارسنجی این معرفت، نیازی به مراجعه به وحی نیست (شاکر نژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۶۳). خداوند نیز مفهومی تعالی‌زدوده است، که تحت تأثیر هستی‌شناسی مونیستی، به جای سکونت در عرش، در درون اشیاء سکونت دارد

(شاکرنژاد، ۱۳۹۷، صص ۲۳۹-۲۴۰)، ذات وی همتراز ذات انسان تصویر می‌شود (موحدی، ۱۳۹۲، ص ۹) و با تعبیری چون روح کیهانی از آن یاد می‌شود (موسوی‌نسب، ۱۳۸۷، ص ۱۳)؛ بنابراین انسان می‌تواند با شناخت خود، به خداشناسی نایل شده، و با حضور در درون خود با الوهیت ارتباط یابد (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۵۱).

این در حالی است که از منظر اسلامی پاسخ پرسش‌ها نزد خداوند است و خودشناسی (معرفت النفس) به عنوان مسیری برای معرفت به خدای «متعال» و درک عمیق‌تر از وحی الهی مطرح است (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۶۳). مفهوم خودسازی و تعالی در ادبیات معنویت‌های نوظهوری چون یوگا نیز، نبایستی با نگرش معنویت اسلامی به این مفهوم اشتباه گرفته شود. چرا که خودسازی در معنویت‌های نوظهور، تهذیب و تکامل نفس، و در نتیجه فراروی از خود و فانی شدن در امر قدسی متعال نیست. معنویت‌گرایان جدید با تغییر نگاه سنتی به مفهوم «تعالی»، آن را در درون افراد می‌جویند (حمیدیه، ۱۳۹۱، ص ۲۸۷).

تأکید بر زندگی در لحظه حال در یوگا نیز برای بهره‌مندی از ندای درونی، به‌عنوان راهنمایی معنوی، کاربرد دارد (شاکرنژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۶۶ و عرفانی، ۱۳۹۳، ص ۲۶). در این نگرش فلسفه وجودی نیاز به نبی و هدایت الهی رنگ می‌بازد؛ از این روست که نرگس شاکری، از پیشکسوتان یوگا، در کلامی صریح به نقل از یکی از معلمین قدیمی یوگا می‌گوید: «هیچ دینی کامل نیست، ولی یوگا کامل است» (شاکری، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

### نتیجه‌گیری

مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا پیشکسوتان یوگای ایران برای یوگا ابعادی معنوی قابل هستند یا خیر؟ محتوای مصاحبه ۲۶ نفر از پیشکسوتان یوگا بر اساس پنج متغیر معنویت‌گرایی جدید مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که ۹۶٪ این افراد در توصیف و تبیین یوگا از مفهوم «خودشناسی و خودسازی»، ۸۴٪ از مفهوم «درون‌گرایی» و ۴۲٪ به «زندگی در لحظه حال» اشاره کرده‌اند؛ همچنین ۶۱٪ از ایشان یوگا را عاملی برای «ارتباط با امر معنوی» و ۷۷٪ آن را «معنابخش زندگی» عنوان کرده‌اند.

نتایج این تحقیق نشان داد که پیشکسوتان یوگای ایران، یوگا را به‌عنوان امری معنوی در نظر دارند. این امر با نتایج تحقیقات پارک و همکارانش (۲۰۱۶) و همچنین پژوهش هنریش شرمبس و ورستیخ (۲۰۱۱) مطابقت دارد. یافته‌های دو مطالعه اخیر نشان می‌دهند که انگیزه کارآموزان و مربیان یوگا در دو کشور آمریکا و آلمان، پس از مدتی از انگیزه ورزشی به انگیزه معنوی تغییر یافته است. میکلیس (۲۰۰۴) نیز هم جهت با نتایج این مقاله اعلام کرده است که روند آموزش یوگا در دوران مدرن و مفاهیمی که در آن بیان می‌شود، هویتی معنوی به یوگای مدرن بخشیده است.

نتایج تحقیقات مذکور اگر چه در اینکه یوگا در دوران معاصر هنوز ابعاد معنوی خود را حفظ کرده است، با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد؛ ولی تمام این مطالعات بر روند گسترش یوگا و نگرش فعالان یوگا در کشورهای غربی متمرکز هستند. در این مقاله بیان شد که یوگا در منظر پیشکسوتان یوگای ایران دارای هویتی معنوی است و آنان در کلمات خود از مؤلفه‌های معنویت‌گرایی جدید در توصیف و تبیین یوگا استفاده می‌کنند.

در خصوص پژوهش‌های صورت گرفته بر روی یوگا در داخل کشور، حمیدیه (۱۳۹۲) در بررسی خود از محتوای منتشر شده در نشریه دانش یوگا، به روند قداست بخشی به یوگا در این مجله اشاره می‌کند که به نوعی همراستا با نتایج این مقاله است. اما از آنجا که مقاله حاضر نشان می‌دهد که یوگا در منظر پیشکسوتان این رشته در ایران مقوله‌ای معنوی تلقی می‌شود، می‌توان گفت: این روند قداست بخشی به یوگا تا حدود زیادی آگاهانه است. گفتنی است که سیدعبدالحمید موحدی نائینی، مدیر مسئول مجله دانش یوگا که نشریه‌اش ماده اصلی مطالعه حمیدیه را تشکیل داده است، خود یکی از پیشکسوتانی است که دیدگاه‌هایش در خصوص یوگا در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

مظاهری سیف (۱۳۹۴) در اثر خود با عنوان حقیقت یوگان نشان می‌دهد که اگرچه یوگا به‌عنوان ورزشی ذهنی-بدنی در افکار عمومی جای گرفته است، ولی با نگرشی سیستمی و با استناد به منابع فارسی موجود در خصوص یوگا، می‌توان پی به ابعاد عرفانی

و معنوی آن برد. از جمله افرادی که آثارش دستمایه مطالعه مظاهری سیف بوده است، می‌توان به سید جلال‌الدین موسوی‌نسب اشاره کرد که به‌عنوان یکی از پیشکسوتان یوگای ایران، در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

در پژوهش پور ابراهیم و موحدیان عطار (۱۳۹۶) اگرچه در بخش‌هایی با تعدادی از پیشکسوتان فعال یوگا در ایران مصاحبه شده است، ولی از آنجا که هدف پژوهشگران این اثر مقایسه یوگای رایج در ایران با یوگای اصیل به‌عنوان مکتب عرفانی هندو بوده است، تلاشی نسبت به بررسی جامع دیدگاه این افراد در خصوص یوگا انجام نگرفته است. پژوهش حاضر علاوه بر این که به بررسی دیدگاه تعداد قابل توجهی از پیشکسوتان یوگای ایران پرداخته است؛ از آنجا که روش مورد استفاده در آن، یعنی تحلیل محتوا، در مقایسه با روش مصاحبه حضوری از مداخله و تاثیرگذاری کمتر پژوهشگر بر مصاحبه شونده برخوردار است، می‌توان گفت تبیین بی‌طرفانه‌تری از نگرش این افراد به یوگا را استنتاج کرده است.

یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که پیشکسوتان یوگای ایران، یوگا را با عناصر و مؤلفه‌های رایج در میان جریان‌های معنویت‌گرای جدید، توصیف و تبیین می‌کنند که در تعارض جدی با مبانی معنویت اصیل اسلامی است. از آنجا که پیشکسوتان هر رشته، نقش ویژه‌ای در هویت‌بخشی نسبت به رشته مورد نظر ایفا می‌کنند؛ می‌توان گفت که یوگا در جامعه کنونی ایران می‌تواند به‌عنوان یکی از جریان‌های معنویت‌گرای جدید، یا به تعبیر برخی محافل، یکی از عرفان‌های انحرافی نوظهور تلقی شود.

از آن جا که به گفته مسئولین مربوطه در انجمن یوگای ایران، یوگا در گستره‌ای وسیع و در قالب ۳۰۰۰ باشگاه اختصاصی و ۱۲۰۰۰ باشگاه عمومی در حال ترویج در کشور است (سومین سمینار علمی و تخصصی یوگا در کرج برگزار شد، ۱۳۹۶)، و سفیر هند در تهران در خلال مراسم روز جهانی یوگا و به نقل از متولیان این رشته در ایران ادعا می‌کند حدود سه میلیون ایرانی در این رشته مشغول فعالیت هستند (انجمن یوگای ایران، ۱۳۹۷)، ضروری است که پژوهشگران عرصه مطالعات معنویت، این پدیده را مورد بررسی و

مداقه جدی تری قرار دهند و زوایای گوناگون آن را برای مسئولین و افکار عمومی روشن نمایند.

نتایج این تحقیق همچنین می تواند، به عنوان هشدار برای مسئولین امر در نهادهای فرهنگی و اجتماعی کشور، به ویژه وزارت ورزش و جوانان، تلقی شود؛ و نظارت بر گسترش یوگا در کشور را با ضرورتی مضاعف پیگیری نمایند، زیرا با توجه به یافته های این پژوهش می توان یوگا را به نوعی در زمره معنویت های نوظهور ارزیابی کرد و غفلت از ترویج یوگا به این سبک می تواند منجر به بروز آسیب های جدی در عرصه ایمان و باور دینی مردم شود.

## فهرست منابع

۱. اخوان، احمد. (۲۰۱۷م). خزیریوگا. بازیابی از:  
<https://www.instagram.com/p/BWUg2VPhvzA>
۲. ارون‌دیان، هما. (۱۳۹۱الف). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۵۵)، صص ۴۰-۴۱.
۳. ارون‌دیان، هما. (۱۳۹۱ب). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۵۶)، صص ۲۲-۲۵.
۴. البرزی، منوچهر. (۱۳۸۹). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۴۴)، صص ۵۰-۵۴.
۵. الماسیان، حسین. (۱۳۹۵الف). از هینوتیز متایوگا و از یوگا تا اوج. دانش یوگا، (۹۱)، صص ۴۰-۴۱.
۶. الماسیان، حسین. (۱۳۹۵ب). از یوگا تا اوج. دانش یوگا، (۹۲)، صص ۴۸-۴۹.
۷. الماسیان، حسین. (۱۳۹۵ج). از یوگا تا اوج. دانش یوگا، (۹۶)، صص ۵۶-۵۷.
۸. الماسیان، حسین. (۱۳۹۵د). از یوگا تا اوج. دانش یوگا، (۹۴)، صص ۴۴-۴۵.
۹. الماسیان، حسین. (۱۳۹۵ه). از یوگا تا اوج. دانش یوگا، (۹۸)، صص ۳۶-۳۷.
۱۰. انجمن یوگای ایران (تهیه‌کننده). (۱۳۹۷). کلیپ روز جهانی یوگا بر بام تهران سی و یکم خرداد ۱۳۹۷. بازیابی از: <https://www.aparat.com/v/lgO7Z>
۱۱. بدری کوهی، افسانه. (۱۳۹۱). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۵۹)، صص ۴۸-۴۹.
۱۲. پارگامنت، کنت. (۱۳۹۵). روان‌درمانی آمیخته با معنویت: درک و شناسایی امر مقدس (مترجمان: سید محمد کلانتر کوشه، سیدمحمد حسینی، سجاد مطهری). تهران: آوای نور.

۱۳. چاترجی، ساتیش چاندر؛ داتا، دهیرندرا موهان. (۱۳۸۴). معرفی مکتب‌های فلسفی هند (دانشگاه ادیان و مذاهب) (مترجم: فرناز ناظرزاده کرمانی). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۴. حمیدیه، بهزاد. (۱۳۹۱). معنویت در سبب مصرف. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. حمیدیه، بهزاد. (۱۳۹۲). ساختار قداست‌بخشی نوپدید؛ مورد پژوهی یک شماره از نشریه دانش یوگا. راهبرد فرهنگ، ۲۲(۶)، صص ۳۵-۶۰.
۱۶. خردمند، لیلی. (۱۳۸۸). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۴۰)، صص ۱۵-۱۲.
۱۷. راهبریان، آزادمهر. (۲۰۱۷م). روز جهانی یوگا مدرسه سفارت هند ۳۱ خرداد ۱۳۹۶: Retrieved January 22, 2020, from <https://www.instagram.com/azadmehrrahbarian/>
۱۸. رستگار، عباسعلی. (۱۳۸۹). معنویت در سازمان با رویکرد روان‌شناختی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۹. زند، سوسن. (۱۳۹۳). پیشکسوتان یوگا. دانش یوگا، (۷۷)، صص ۴۰-۴۱.
۲۰. ساتیاناندا ساراسواتی، سوامی. (۱۳۷۸). هاتا یوگا: تمرینات مقدماتی و پیشرفته (مترجم: جلال موسوی نسب مبارکه‌ای). تهران: فراروان.
۲۱. ستایش نانکلی، بدری. (۱۳۸۹الف). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۴۷)، صص ۱۸-۲۱.
۲۲. ستایش نانکلی، بدری. (۱۳۸۹ب). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۴۷)، صص ۱۸-۴۶.
۲۳. سومین سمینار علمی و تخصصی یوگا در کرج برگزار شد. (۱۳۹۶، ۲۴ آذر). [پایگاه خبری - تحلیلی قدس آنلاین]. بازیابی ۲۲ مرداد ۲۰۱۹، از <http://qudsonline.ir/news/578879/>  
سومین سمینار علمی - تخصصی یوگا در کرج برگزار شد.
۲۴. شاکر نژاد، احمد. (۱۳۹۷). معنویت‌گرایی جدید: مؤلفه‌های مفهومی، لوازم اعتقادی و نشانه‌های گفتمانی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۵. شاکری، نرگس. (۱۳۹۲ اسفند). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۶۵)، صص ۸-۱۱.
۲۶. شایگان، داریوش. (۱۳۶۲). ادیان و مکتب‌های فلسفی هند (ج ۲). تهران: امیرکبیر.
۲۷. شریعتی، سارا؛ باستانی، سوسن و خسروی، بهناز. (۱۳۸۶). جوامعی در نوستالژی اجتماع نگاهی به پدیده معنویت‌های جدید در ایران (از خلال مطالعه موردی دو نمونه از جمع‌های عرفانی - روان‌شناسی). مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۸(۳)، صص ۱۶۷-۱۹۵.
۲۸. عرب، حسین. (۱۳۹۷). جریان‌شناسی معنویت‌گرایی جدید در هند. در: مجموعه مقالات معنویت‌گرایی در جهان معاصر، صص ۳۲۵-۳۷۲. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
۲۹. عرفانی، شهناز. (۱۳۹۳). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۶۸).
۳۰. قائدی، محمدرضا؛ گلشنی علیرضا. (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲۳(۷)، صص ۵۷-۸۲.
۳۱. کسب‌خواه، احمد. (۱۳۹۳). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۷۰)، صص ۲۱-۲۳.
۳۲. مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۹۴). حقیقت یوگا. قم: صهبای یقین.
۳۳. مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی شبه‌جنبش‌های معنوی. صهبای یقین.
۳۴. مهدوی‌پور، مسعود. (۱۳۸۷ الف). با بزرگان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۳۱)، صص ۱۶-۲۰.
۳۵. مهدوی‌پور، مسعود. (۱۳۸۷ ب). آشنایی با پیشکسوتان یوگای ایران. دانش یوگا، (۳۲)، صص ۱۰-۱۵.
۳۶. موحدی نائینی، سید عبدالحمید. (۱۳۹۰ الف). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۴۸)، صص ۴۶-۴۹.
۳۷. موحدی نائینی، سید عبدالحمید. (۱۳۹۰ ب). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۵۰)، صص ۶۸-۷۱.



۳۸. موحدی نائینی، سید عبدالحمید. (۱۳۹۰ج). با پیشکسوتان یوگا آشنا شوید. دانش یوگا، (۵۱)، صص ۵۰-۵۳.
۳۹. موحدی نائینی، سید عبدالحمید. (۱۳۹۰د). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۵۲)، صص ۴۶-۴۷.
۴۰. موحدی، سهیلا. (۱۳۹۲). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۶۳)، صص ۸-۱۱.
۴۱. موحدیان عطار، علی. (۱۳۸۹). جستاری در نجات‌شناسی یگه. معرفت ادیان، ۴(۱)، صص ۱۳۳-۱۶۴.
۴۲. موحدیان عطار، علی؛ پورابراهیم، محمد. (۱۳۹۶). یوگا در ایران: بررسی و نقد یوگای رایج در ایران با نظر به منابع اصلی یوگایی. (دانشگاه ادیان و مذاهب). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴۳. موسوی‌نسب، سیدجلال الدین. (۱۳۸۷). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۳۴)، صص ۱۲-۱۷.
۴۴. موقر، مجید. (۱۳۴۶الف). آموزشگاه یوگا (یوگا چیست؟ و یوگی کیست؟). دانش یوگا، ۱۴۳(۱۳)، صص ۲۰۵-۲۱۳.
۴۵. موقر، مجید. (۱۳۴۶ب). یوگا را بهتر بشناسید. دانش یوگا، ۱۴۶(۱۳)، صص ۴۴۵-۴۴۶.
۴۶. میرحسینی، سیما. (۱۳۹۲). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۶۴)، صص ۸-۱۱.
۴۷. نظری نوکانی، مهرانگیز. (۱۳۹۲). با پیشکسوتان یوگای ایران آشنا شوید. دانش یوگا، (۶۱)، صص ۵۰-۵۳.
۴۸. نلسون، جیمز. (۱۳۹۵). روان‌شناسی، دین و معنویت (مترجمان: مسعود آذربایجانی و امیر قربانی). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۹. نیک‌افشان، هاله. (۱۳۸۱). آشنایی با سبک‌های یوگا: بهار. دانش یوگا، (۳)، صص ۳۲-۳۵.
۵۰. وضعیت‌سنجی یوگا در حوزه نشر. (۱۳۹۶). قم: موسسه علمی فرهنگی بهداشت معنوی.

۵۱. ووده‌د، لیندا. (۱۳۹۶). ادیان در دنیای مدرن (مترجمان: حمید رضانیا و عبدالله غلامرضا کاشی). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۵۲. ویوکاناندا، سوامی. (۱۳۷۵). تسخیر طبیعت درون (مترجم: حسین آرومندی). تهران: بهجت.
53. Campbell, Colin. (2007). *The Easternization of the West: A Thematic Account of Cultural Change in the Modern Era*. Paradigm Publishers.
54. Goldberg, Elliott. (2016). *The Path of Modern Yoga: The History of an Embodied Spiritual Practice*. Simon and Schuster.
55. Goldsmith, Margie. (2011, April 22). Swami Buaji, Yogi, Said to Be 116 Years Old. Retrieved May 12, 2019, from [https://www.huffpost.com/entry/swami-buaji-116-yogi\\_b\\_851710](https://www.huffpost.com/entry/swami-buaji-116-yogi_b_851710)
56. Henrichsen-Schrembs, Sabine; & Versteeg, Peter. (2011). A Typology of Yoga Practitioners: Towards a Model of Involvement in Alternative Spirituality. *Practical Matters*, (4), pp. 1-19. Retrieved from <http://practicalmattersjournal.org/2011/03/01/a-typology-of-yoga-practitioners-towards-a-model-of-involvement-in-alternative-spirituality/>
57. Jain, Andrea R. (2014). *Selling Yoga: From Counterculture to Pop Culture*. Oxford University Press.
58. Jensen, Pauline S.; & Kenny, Dianna T. (2004). The effects of yoga on the attention and behavior of boys with Attention-Deficit/ hyperactivity Disorder (ADHD). *Journal of Attention Disorders*, 7(4), pp. 205-216. <https://doi.org/10.1177/108705470400700403>
59. Krisanaprakornkit, Thawatchai; Ngamjarus, Chetta; Witoonchart, Chartree; & Piyavhatkul, Nawanant. (2010). Meditation therapies for attention-deficit/hyperactivity disorder (ADHD). *The Cochrane Database of Systematic Reviews*, (6), CD006507. <https://doi.org/10.1002/14651858.CD006507.pub2>
60. Michelis, Elizabeth De. (2004). *A History of Modern Yoga: Patan~jali and Western Esotericism*. Continuum.

61. Park, Crystal L.; Riley, Kristen E.; Bedesin, Elena; & Stewart, V. Michelle. (2016). Why practice yoga? Practitioners' motivations for adopting and maintaining yoga practice. *Journal of Health Psychology*, 21(6), pp. 887-896. <https://doi.org/10.1177/1359105314541314>
62. Saper, Robert B.; Eisenberg, David M.; Davis, Roger B.; Culpepper, Larry; & Phillips, Russell S. (2004). Prevalence and patterns of adult yoga use in the United States: results of a national survey. *Alternative Therapies in Health and Medicine*, 10(2), pp. 44-49.
63. Singleton, Mark. (2010). *Yoga Body: The Origins of Modern Posture Practice*. OUP USA.
64. Uebelacker, Lisa A.; Epstein-Lubow, Gary; Gaudiano, Brandon A.; Tremont, Geoffrey; Battle, Cynthia L.; & Miller, Ivan W. (2010). Hatha yoga for depression: critical review of the evidence for efficacy, plausible mechanisms of action, and directions for future research. *Journal of Psychiatric Practice*, 16(1), pp. 22-33. <https://doi.org/10.1097/01.pra.0000367775.88388.96>
65. Woolery, Alison; Myers, Hector; Sternlieb, Beth; & Zeltzer, Lonnie. (2004). A yoga intervention for young adults with elevated symptoms of depression. *Alternative Therapies in Health and Medicine*, 10(2), pp. 60-63.
66. Yoga Journal; & Yoga Alliance. (2016). The 2016 Yoga in America Study. Retrieved November 01, 2019, from <https://www.yogajournal.com/page/yogainamericastudy>.

## References

1. Mahdavi-pour, M. (1387 a AP). Get to Know the Greats of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (31), pp. 16-20. [In Persian]
2. Akhavan, A. (2017). *Khaziryoga*. Retrieved from <https://www.instagram.com/p/BWUg2VPhvzA/> [In Persian]
3. Alborzi, M. (1389 AP). Get acquainted with the pioneers of yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (44), pp. 50-54. [In Persian]
4. Almasian, H. (1395 a AP). From hypnotic metayoga to yoga to the summit. *Danesh-e Yoga*, (91), pp. 40-41. [In Persian]
5. Almasian, H. (1395 b AP). From yoga to the summit. *Danesh-e Yoga*, (92), pp. 48-49. [In Persian]
6. Almasian, H. (1395 c AP). From yoga to the summit. *Danesh-e Yoga*, (96), pp. 56-57. [In Persian]
7. Almasian, H. (1395 d AP). From yoga to the summit. *Danesh-e Yoga*, (94), pp. 44-45. [In Persian]
8. Almasian, H. (1395 e AP). From yoga to the summit. *Danesh-e Yoga*, (98), pp. 36-37. [In Persian]
9. Arab, H. (1397 AP). Flow Analysis of New Spirituality in India. *Collection of Articles on Spirituality in the Contemporary World*, pp. 325-372. Qom: International Center for Translation and Publication of Al-Mustafa. [In Persian]
10. Arvandian, H. (1391 a AP). Get acquainted with the pioneers of yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (55), pp. 40-41.
11. Arvandian, H. (1391 b AP). Get acquainted with the pioneers of yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (56), pp. 22-25. [In Persian]
12. Badri Kouhi, A. (1391 AP). Get acquainted with the pioneers of yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (59), pp. 48-49. [In Persian]
13. Campbell, C. (2007). *The Easternization of the West: A Thematic Account of Cultural Change in the Modern Era*. Paradigm Publishers.

14. Chatterjee, S. C., & Data, D. M. (1384 AP). *Introduction to Indian philosophical schools (University of Religions and Denominations)* (F. Nazerzadeh Kermani, Trans.). Qom: University of Religions and Denominations. [In Persian]
15. Erfani, S. (1393 AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (68). [In Persian]
16. Ghaedi, M. R., & Golshani, A. (1395 AP). Content Analysis Method: From Quantitative to Qualitative. *Psychological Methods and Models*, 23(7), pp. 57-82. [In Persian]
17. Goldberg, E. (2016). *The Path of Modern Yoga: The History of an Embodied Spiritual Practice*. Simon and Schuster.
18. Goldsmith, M. (2011). Swami Buaji, Yogi, Said to Be 116 Years Old. Retrieved May 12, 2019, from [https://www.huffpost.com/entry/swami-buaji-116-yogi\\_b\\_851710](https://www.huffpost.com/entry/swami-buaji-116-yogi_b_851710).
19. Hamidieh, B. (1391 AP). *Spirituality in Consumption Basket*. Tehran: Publishing Organization of the Institute for Cultural and Islamic Studies. [In Persian]
20. Hamidieh, B. (1392 AP). Emergence of New Sanctification Structure: A Case Study of an Issue of Danesh-e Yoga Journal. *Rahbord-e Farhang*, 22(6), pp. 35-60. [In Persian]
21. Henrichsen-Schrembs, S., & Versteeg, P. (2011). A Typology of Yoga Practitioners: Towards a Model of Involvement in Alternative Spirituality. *Practical Matters*, (4), pp. 1-19. Retrieved from <http://practicalmattersjournal.com>. [https://www.huffpost.com/entry/swami-buaji-116-yogi\\_b\\_851710](https://www.huffpost.com/entry/swami-buaji-116-yogi_b_851710)
22. Iran Yoga Association. (1397 AP). *World Yoga Day clip on the roof of Tehran, 31<sup>st</sup> of Khordad 1397*. Retrieved from <https://www.aparat.com/v/lgO7Z> . [In Persian]

23. Jain, A. (2014). *Selling Yoga: From Counterculture to Pop Culture*. Oxford University Press.
24. Jensen, P., & Kenny, D. (2004). The effects of yoga on the attention and behavior of boys with Attention-Deficit/ hyperactivity Disorder (ADHD). *Journal of Attention Disorders*, 7(4), pp. 205-216. <https://doi.org/10.1177/108705470400700403>
25. Kasbkhah, A. (1393 AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (70), pp. 21-23. [In Persian]
26. Kheradmand, L. (1388 AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (40), pp. 12-15. [In Persian]
27. Krisanaprakornkit, Th., Ngamjarus, Ch., Witoonchart, Ch., & Piyavhatkul, N. (2010). Meditation therapies for attention-deficit/hyperactivity disorder (ADHD). *The Cochrane Database of Systematic Reviews*, (6), CD006507. <https://doi.org/10.1002/14651858.CD006507.pub2>
28. Mahdavi-pour, M. (1387 b AP). Introduction to the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (32), pp. 10-15. [In Persian]
29. Michelis, E. (2004). *A History of Modern Yoga: Patan-jali and Western Esotericism*. Continuum.
30. Mirhosseini, S. (1392 AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (64), 8-11. [In Persian]
31. Mohaddi Nayini, S. A. (1390 c AP). Get to Know the Pioneers of Yoga. *Danesh-e Yoga*, (51), pp. 50-53. [In Persian]
32. Mousavi Nasab, S. J. (1387 AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (34), pp. 12-17. [In Persian]
33. Movagharr, M. (1346 a AP). Yoga Institute (What is Yoga? Who is a Yogi?). *Danesh-e Yoga*, 143(13), pp. 205-213. [In Persian]
34. Movagharr, M. (1346 b AP). Get to Know Yoga Better. *Danesh-e Yoga*, 146(13), 445-446. [In Persian]

35. Movahedi Nayini, S. A. (1390 a AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (48), pp. 46-49. [In Persian]
36. Movahedi Nayini, S. A. (1390 b AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (50), pp. 68-71. [In Persian]
37. Movahedi Nayini, S. A. (1390 d AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (52), pp. 46-47. [In Persian]
38. Movahedi, S. (1392 AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (63), pp. 8-11. [In Persian]
39. Movahedian Atar, A. (1389 AP). A Study on Salvation in Yaga. *Marefat-e Adyan*, 4(1), 133-164. [In Persian]
40. Movahedian Atar, A., & Pour Ebrahim, M. (1396 AP). *Yoga in Iran: An Investigation and Critique of Common Yoga in Iran with Reference to Primary Yoga Sources*. Qom: University of Religions and Denominations. [In Persian]
41. Mozaheri Seif, H. (1394 AP). *The Truth of Yoga*. Qom: Sahba-ye Yaqin. [In Persian]
42. Mozaheri Seif, H. (1395 AP). *Pathology of Spiritual Pseudo-Movements*. Sahba-ye Yaqin. [In Persian]
43. Nanakali, B. S. (1389 a AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (47), pp. 18-21. [In Persian]
44. Nanakali, B. S. (1389 b AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (47), pp. 18-46. [In Persian]
45. Nazari Nokani, M. (1392 AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga*, (61), pp. 50-53. [In Persian]
46. Nelson, J. (1395 AP). *Psychology, Religion, and Spirituality* (M. Azarbayjani., & A. Ghorbani, Trans.). Qom: Institute for Hawza Studies and University. [In Persian]
47. Nikafshan, H. (1381 AP). Introduction to Yoga Styles: Bihar. *Danesh-e Yoga*, (3), pp. 32-35. [In Persian]

48. Pargament, K. (1395 AP). *Spiritually integrated psychotherapy: Understanding and identifying the sacred* (M. Kalantarkoosheh., M. Hosseini., & S. Motahari, Trans.). Tehran: Avaye Noor. [In Persian]
49. Park, C., Riley, K., Bedesin, E., & Stewart, V. (2016). Why practice yoga? Practitioners' motivations for adopting and maintaining yoga practice. *Journal of Health Psychology, 21*(6), pp. 887-896. <https://doi.org/10.1177/1359105314541314>
50. Rahbarian, A. (2017). International Day of Yoga at the Indian Embassy School, Khordad 31, 1396 AP. Retrieved January 22, 2020, from <https://www.instagram.com/azadmehrrahbarian/>
51. Rastegar, A. (1389 AP). *Spirituality in Organizations from a Psychological Perspective*. Qom: University of Religions and Denominations. [In Persian]
52. Saper, R., Eisenberg, David, M., Davis, R., Culpepper, L., & Phillips, R. (2004). Prevalence and patterns of adult yoga use in the United States: results of a national survey. *Alternative Therapies in Health and Medicine, 10*(2), pp. 44-49.
53. Saraswati, S. S. (1378 AP). *Hatha Yoga: Basic and Advanced Practices* (J. Mousavi Nasab Mobarakeh, Trans.). Tehran: Fararavan. [In Persian]
54. Shaigan, D. (1362 AP). *Religions and Philosophical Schools of India* (Vol. 2). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
55. Shakernezhad, A. (1397 AP). *New Spirituality: Conceptual Components, Belief Objects, and Discursive Symbols*. Qom: Institute for Islamic Sciences and Culture. [In Persian]
56. Shakery, N. (1392 AP). Get to Know the Pioneers of Yoga in Iran. *Danesh-e Yoga, (65)*, pp. 8-11. [In Persian]
57. Shariati, S., Bastani, S., & Khasravi, B. (1386 AP). Communities in Social Nostalgia: A Look at the Phenomenon of New Spirituality in Iran (Through the Case Study of Two Examples of Mystical-Psychological Groups). *Cultural Studies and Communications, 8*(3), pp. 167-195. [In Persian]



58. Singleton, M. (2010). *Yoga Body: The Origins of Modern Posture Practice*. OUP USA.
59. *Survey of Yoga Publications*. (1396 AP). Qom: Scientific and Cultural Institute of Spiritual Health. [In Persian]
60. The Third Scientific and Specialized Yoga Seminar was held in Karaj (1396 AP, 24 Azar). [Quds Online News - Analytical]. Retrieved August 22, 2019, from <http://qudsonline.ir/news/578879/> [In Persian]
61. Uebelacker, L., Epstein-Lubow, G., Gaudiano, B., Tremont, G., Battle, C., & Miller, I. (2010). Hatha yoga for depression: critical review of the evidence for efficacy, plausible mechanisms of action, and directions for future research. *Journal of Psychiatric Practice*, 16(1), pp. 22-33. <https://doi.org/10.1097/01.pra.0000367775.88388.96>
62. Vivekananda, S. (1375 AP). *Conquest of Inner Nature* (H. Arezoumandi, Trans.). Tehran: Bahjat. [In Persian]
63. Woodhead, L. (1396 AP). *Religions in the Modern World* (H. Rezaia., & A. Gholamreza Kashi, Trans.). Qom: University of Religions and Denominations. [In Persian]
64. Woolery, A., Myers, H., Sternlieb, B., & Zeltzer, L. (2004). A yoga intervention for young adults with elevated symptoms of depression. *Alternative Therapies in Health and Medicine*, 10(2), pp. 60-63.
65. Yoga Journal., & Yoga Alliance. (2016). The 2016 Yoga in America Study. Retrieved November 01, 2019, from <https://www.yogajournal.com/page/yogainamericastudy>.
66. Zand, S. (1393 AP). *Yoga Pioneers*. Danesh-e Yoga, (77), pp. 40-41. [In Persian]

**Editorial Board**  
(Persian Alphabetical Order)

**Nasrullah Aqajani**

Assistant Professor, School of Social Science, Baqir al-Olum University.

**Karim Khan Mohammadi**

Associate professor and head of the Educational Department for Cultural Studies and Relations, Baqir al-Olum University.

**Mahmud Rajabi**

Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute

**Sayyed Abbas Salehi**

Assistant Professor, Research Center For Civilization Islam, Islamic Science And Culture Academy

**Hassan Ghaffari-far**

Assistant Professor, School of Social Science, Baqir al-Olum University.

**Hossein Kachuyan**

Associate Professor, School of Social Science, Tehran University

**Nematollah Karamollahi**

Associate Professor, School of Social Science, Baqir al-Olum University.

**Shamsullah Mariji**

Professor, School of Social Science, Baqir al-Olum University.



**Reviewers of this Volume**

Hossein Elahinejad, Mohammad Reza Anvari, Khalil Amirizadeh, Qasem Ebrahimipour, Hossein Bostan Najaf, Mitra Bahrami, Seyyed Abbas Hosseini, Hossein hajmohammadi, Davood Rahimi Sajasi, Ibrahim Fathi, Robabeh fathi, Sayyid Hossein Fakhr Zare, Mohammad Kazem Karimi, Mohsen Ghanbari Nik.



The Quarterly Journal of

# ISIAM

and Social Studies

---

Vol. 11, No. 2, Autumn 2023

---

42

Islamic Sciences and Culture Academy

[www.isca.ac.ir](http://www.isca.ac.ir)

Manager in Charge:

**Najaf Lakzaei**

Editor in Chief:

**Hamid Parsania**

Executive Director:

**Mohsen GHanbari Nik**

---

Tel.:+ 98 25 31156909 • P.O. Box.: 37185/3688

[Jiss.isca.ac.ir](http://Jiss.isca.ac.ir)

[www.jiss.isca.ac.ir](http://www.jiss.isca.ac.ir)

## راهنمای اشتراک مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



ضمن تشکر از حسن انتخاب شما

مرکز توزیع مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم عهده دار توزیع و اشتراک مجلات ذیل می باشد. لطفاً پس از انتخاب مجله مورد نظر، فرم ذیل را تکمیل کرده و به نشانی ارسال فرمایید.

### فرم اشتراک

حوزه	فقه	نقد و نظر	آینه پژوهش	جستارهای فقهی و اصولی
یک سال اشتراک ریال ۲۸,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰
پژوهشهای قرآنی	اسلام و مطالعات اجتماعی	مطالعات علوم قرآنی	جامعه مهدوی	اخلاق
یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳,۲۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲,۰۰۰,۰۰۰

نام پدر:	نام و نام خانوادگی:	نام:
میزان تحصیلات:	تاریخ تولد:	نهاد شرکت:

کد اشتراک قبل:	کد پستی:	استان:	نشانی:
پیش شماره:	صندوق پستی:	شهرستان:	
تلفن ثابت:	رایانامه:	خیابان:	
تلفن همراه:		کوچه:	
		پلاک:	

هزینه های بسته بندی و ارسال به عنوان تخفیف محاسبه شده است.

قم، چهارراه شهدا، ابتدای خیابان معلم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی  
کد پستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۳۹  
تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۱۱۶۲  
شماره پیامک: ۳۰۰۲۷۰۲۵۰۰۰۰۰ رایانامه: magazine@isca.ac.ir

شماره حساب سیبایانک ملی ۰۱۰۹۱۴۶۰۶۱۰۰۵ نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی